

الف

الحاكم ابو عبد الله محمد بن محمد بن محمد بن علي بن الحسين

الضبي الطيحا النيسابوري

”تلخیص“

احمد بن محمد بن الحسن بن احمد المعروف

«بأخيلة النيسابوری»

بستی و کوشش

دکتر بہمن گریہی

استاد دانشکده افسری

9

عضویت علمی جغرافیائی آسیائی پاریس

ناشر: کتابخانہ ابن سینا - تہران

چایخانه اتحاد

کتابی از مؤلف که بطبع رسیده است

شیرازنامه - ابوالعباس احمد بن ابی الخیر زر کوب شیرازی

معراجنامه - شیخ الرئيس ابوعلی سینا

نظام التواریخ - قاضی بیضاوی

جامع التواریخ - رشیدالدین فضل الله جلد دوم طبع بلوشه

نهرساله از ملا محسن فیض بفارسی و عربی

الف - ترجمه الصلوة

ب - ترجمه الشریعه

ج - مفتاح الخیر

د - ترجمه الزکوة

ه - ترجمه العقاید

و - شرایط الایمان

ط - زاد السالکین

ح - الفت نامه

ل - آئینه شاهی

- راهنمای آثار تاریخی شیراز

جغرافیای تاریخی ایران

راههای باستانی و پایتختهای قدیمی ایران

یزدان شناخت عین القضاة همدانی

ذیل ظفرنامه شامی حافظ ابرو

کامل جامع التواریخ رشیدالدین فضل الله (در دو جلد)

(مجموع تواریخ مطبوع - کاترمر - بلوشه - برزین - یان و سایر تواریخ دیگر

که جمع آوری شده)

کتاب حاضر تاریخ نیشابور

بسم الله الرحمن الرحيم

نسخه منحصراً بفرد

تقدیم ارباب فضل و ادب

کتاب حاضر تاریخ نیشابور امام حاکم ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن حمدویه یکی از کتب منحصراً بفرد: علم الرجال علم تاریخ و جغرافیای نیشابور تا اواخر قرن پنجم هجری قمری است. این نسخه منحصراً بفرد که در بورساکس برداری شده و بعداً اصل نسخه در آتش سوزی همان شهر از بین رفته و نسخه عکسی آنهم که بوزارت فرهنگ داده شده در فاضله وزارت فرهنگ و کتابخانه ملی بچنگال سیمرغ افتاده و بکوه قاف رفته است با تحقیق و تتبع و مطالعه سه سال بزیور طبع آراسته گردیده و بدوستان و پاسداران علم تقدیم میشود امید است بر زلاتش قلم غفور و اغماض کشیده و از فوائدش بهره مند گردند

وبالله التوفیق

فهرست مطالب کتاب تاریخ نیشابور

مطلب	صفحه
مقدمه	۱
ذکر مفاخر خراسان با اشارت آیات و احادیث و اخبار کبار سلف	۳
الاحادیث	۴
آثار سلف عظام رضی عنهم	۵
ذکر صحابه کبار رضوا الله عنهم به نیشابور	۷
ذکر بزرگان کی بنیسا بوز رسیده اند از علما و اشراف تابعین رضوان الله عليهم اجمعین و ساکن شده اند یا گذشته اند	۱۳
ذکر اتباع التابعین من النسابوریین و من وردها اوسکنها او حدث بها	۱۵
اتباع الاتباع بعد الصحابه وهو القرن الرابع بعد النبوة والثالث بعد الصحابه	۲۷
ذکر مصنفاته	۳۴
ذکر الطبقة الخامسة من علماء نیشابور و من دخل و نشر علمه	۳۹
ذکر الطبقة السادسة من العلماء النیشابوریین و من سکنها و حدث فیها من علماء المسلمين رضی الله عنهم	۶۱
قال الحاكم رضی الله عنه هذه اسامی المشایخ الذین مارزقت السماع منهم من هذه الطبقة فشرع الان فی اسامی الذین ادرکهم و رزقت السماع منهم بنسابور من هذه الطبقة ایضاً علی الترتیب المذكور	۷۵

قال الحالم الامام ابو عبد الله الحافظ النيسابوري وقع لفراغ بعون الله و حسن تقديره

شهر رمضان سنه ثمان وثلثمائه

۱۱۳

ذکر بناء قهندز و شهر قدیم و مفاخر و اوضاع و محلات و بارو و وادیها و مخولات

۱۱۷

نيسابور و آنچه تعلق بمثال اين امور دارد

۱۱۸

ذکر حفر خندق قهندز

۱۱۸

ذکر بناء شهر قدیم

۱۱۹

ذکر حفر خندق در جوانب شهر قدیم

۱۲۰

ذکر ارتفاع زمین نيسابور نسبت بابلاد دیگر

ذکر قری و قنوات که بر حوالی شهر و قهندز بود بازدياد عمارت دز شهر و سور داخل

۱۲۱

شد و باغات و بساتین محلات شهر گشت

۱۲۲

ذکر محلات شهر و اوضاع و اوصاف آن

۱۲۵

ذکر فتح نيسابور بر دست صحابه و تابعین رضوان الله عليهم

۱۲۶

رواية اخرى

۱۳۷

ذکر وادیهای نيسابور

۱۳۸

اما ارباع نيسابور جازست

ذکر ولايات کی از فواحي و اقطار خراسان بنيسابور نسبة دادندی اشراف و اکابر

۱۳۹

آنها نسا بوری خواندندی

۱۴۱

اما مسجد جامع بزرگ و مقصوره بزرگ

۱۴۲

ذکر دو منار جامع

ذکر مسجدهاء متبرک شهر قدیمی که محل قبول طاعات و اجابت دعوات بودی ۱۴۳

۱۴۴

ذکر میادین نيسابور

۱۴۴

ذکر مقابر و قبور کی مزارات نيسابور بود

3

۱۴۶	فایده
۱۴۸	مقدمه
۱۴۹	اسامی سادات کبار
۱۴۹	اسامی صحابه رضی الله عنهم
۱۴۹	اسامی مشایخ طبقات
۱۵۰	اسامی علماء بزرگ
	اسامی کسانی که قبور ایشان مزارات آن شهر بوده بعضی آن بزرگان و بعضی غیر ایشان
۱۵۰	اسامی بزرگانی که در شهر نسا بود مدفون اند نقل از خط جواجه قطب الدین
۱۵۱	رحمة الله
۱۵۳	مقدمه بسم الله الرحمن الرحيم
۱۵۴	الطبقة الاولى منهم
۱۵۵	الطبقة الثانية
۱۵۷	الطبقة الثالثة
۱۵۸	الطبقة الرابعة
۱۶۰	الطبقة الخامسة

الف

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمة المصحح

الحمد لله الموفق من شاء من عباده لخدمة العلم والدين ،
و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له شهادة تشهد لصاحبها
بحسن اليقين ؛ واشهد ان سيدنا محمداً عبده ورسوله الى الناس
اجمعين ، صلى الله وسلم عليه وعلى آله وصحبه والتابعين باحسان
الى يوم الدين .

سأله است که گنجینه ها و خزائن کتب قدیمی ، مورد توجه و تدقیق علمای
بزرگ دنیا و متبعین با ذوق قرار گرفته و تشنگان علم و ادب و صاحبان سلیقه
و قریحه برای سیراب ساختن روان و ارضای غوغای درونی خود باین گنجینه ها روی
آورده اند و هر کس بحد امکان مادی و معنوی خویش از آن دریای بیکران بهره ای بر
گرفته و بدنیای دانش تقدیم داشته است .

این ذخائر که بیشتر کتب نفیس خطی فارسی و عربی را تشکیل میدهد دست
قهار طبیعت آنها را از سرزمین خود دور انداخته و در تقاطعی غیر مانوس بر روی هم
انباشته و از این جهت است که محققین برای تتبع و بحث درباره کتابی مجبورند یکی
از آن نقاط سفر کرده و از منابع کتب آنجا استفاده نمایند ، یا لا اقل فهرست کتابخانه های
مختلف را بررسی کامل نموده تا از وجود نسخ متعدد کتاب مورد بحث اطلاع
کافی بدست آورند .

یکی از آن نقاط که همچو دریائی ژرف این درر گرانها را در اعماق خود

پنهان داشته و از آفات زمان حفاظت کرده کتابخانه‌های استانبول می‌باشد.

در هر يك از این کتابخانه‌ها هزاران مجله کتب نفیس قدیمی عربی و فارسی که اغلب اقدم نسخ موجوده و یا نسخه منحصر بفرد دنیا است میتوان یافت که جز مستشرقین معدود، دیگران و بخصوص محققین ما، یا از وجود آنها بیخبرند و یا دسترسی بدانها نداشتند و از این جهت در مقدمه هیچیک از کتب ادبی که تا حال در مملکت ما تصحیح و طبع شده و اقدم و اصح آن در استانبول موجود بوده بهیچوجه استفاده ننموده و حتی اسمی هم از آن نبرده‌اند، و همین امر سبب شده که با همه دقتی که در تطبیق مطالب بعمل آورده‌اند منظور مصحح آنطور که شاید و باید تامین نشده است.

این کتب پر بها، یاد از زمان مولف و یا اندکی بعد از آن تحریر یافته و اغلب حاوی تاریخ تحریر و نام کاتب است.

از این لحاظ نگارنده با سرمایه مزجاة در مدت اقامت در استانبول بكمك دوستان ترك و استادان دانشگاه و روسای مسئول و مكاتبه با حضرت استاد فقید مرحوم قزوینی از یکصد جلد کتب فارسی و عربی که همگی اقدام و اصح نسخ موجوده یا نسخه منحصر بفرد دنیا است، عکس برداری نموده و برای استفاده علما و متتبعین میهن عزیز حاضر کرده‌ام و کوشیده‌ام تا بابت آوردن فرصت یکی را پس از دیگری بزیور طبع بیاوریم:

کتاب تاریخ نیشابور امام! الحاکم ابو عبد الله محمد بن عبد الله نیشابوری:

که مولف آن در سال ۴۰۵ هجری قمری در نیشابور وفات یافته و یکی از مهمترین و نفیس‌ترین کتاب در تاریخ نیشابور است: از همان تعداد کتبی است که نگارنده در کتابخانه (کورسنلو جامع) واقع در شهر بورسا (بورسه) که این شهر زمانی هم پایتخت ترکیه بوده است عکس برداری کرده و اکنون پس از مدت سه سال تتبع و تدوین بچاپ میرسانم.

دکتر ریچارد فرای استاد دانشگاه هاروارد (آمریکایی) نیز از این نسخه عکس برداری نموده است. نگارنده استاد فرای را در دانشگاه هاروارد ملاقات نمودم و اهمیت این نسخه را که در دنیا منحصر بفرد است بایشان گفتم و متذکر شدم که من این نسخه را در تهران بطبع خواهم رسانید زیرا بمقادیر کمی تاخیر آفات ممکن است که از آفات و بلیات زمان در امان نماند و گویا همسفری هم شد چند روزی قبل بدخترانه شنیده شد که بورس طعمه حریق گردید و دیگر خبری دریافت نشد که این کتاب نفیس سوخته و یا مانده است.

امام حاکم (۳۲۱ هجری - ۴۰۵ هجری) گویا کتابی نیز به نامی در وازده جلد شامل تاریخ و جغرافیا و رجال و علماء و اشخاص و وزراء و سایر خصوصیات شهر نیشابور نوشته بوده است که با احتمال قوی این کتاب از بین رفته و اثری هم از آن در دست نیست (۲). کتاب تاریخ نیشابور ترجمه قسمتی از این کتاب بزرگ است.

(۱) در آمریکا دانشگاهی بنام هاروارد در شهر بوستون (D.C) وجود دارد که قسمت عمده دانشجویان آن سیاه پوست هستند و از بنام دانشگاه میبرد. این دانشگاه در سال ۱۸۶۸ میلادی تاسیس شده و مزیت آن بداشتن محصل سیاه پوست است.

دانشگاه دیگری در بوستون بنام هاروارد میباشند این دانشگاه در سال ۱۶۳۸ میلادی یعنی تقریباً دو و نیم سالی قبل از آن دانشگاه تاسیس شده این دانشگاه در محله کمبریج بنا شده دکتر فرای نیز استاد همین دانشگاه است در ملاقات او را میزدی و او را مطلع دیدم زبان فارسی را بزحمت حرف میزد اما با وضوح و احوال ایران وارد بود.

برای اطلاع بیشتری رجوع شود بکتاب آمریکا و تعلیم و تربیت نگارش نگارنده (۲) امام الحاکم تألیفات دیگری غیر از کتاب تاریخ نیشابور داشته است مانند فضائل الشافعی - فوائد الشیوخ - امالی المشائخ - تراجم الشیوخ - علوم الحديث - کتاب العلم - کتاب الامالی و غیر ذلک.

شخصی بنام احمد بن محمد بن حسن بن احمد معروف به خلیفه نیشابوری
یا یک قسمت از آن کتاب بزرگ را ترجمه کرده و یا تمام آن کتاب را مختصر نموده
است و نیز معلوم نشد که این شخص کیست و در هیچیک از تذکره‌ها نام او را نیافتیم.
تاریخ نیشابور حاضر دو قسمت است.

قسمت اول - شامل مقدمه مولف - فهرستی از اسامی مهاجرین - انصار - تابعین -
علماء - فضلاء - ادبا و سایر کسانی که به نیشابور آمده و رفته و زیسته و مرده‌اند.

و این قسمت شامل چندین بخش است بدین ترتیب:
پس مقدمه بذکر مفاخر خراسان اشارت نموده و آیات و احادیث و اخبار
سلف را ذکر میکند.

آنوقت فضائل نیشابور را میگوید و توصیف میکند سپس صحابه کبار
نیشابور را شرح میدهد و یکایک را بنام صحابی اول و صحابی دیگر و غیره توضیح تشریح
می‌نماید از این موضوع که میگذرد در خصوص بزرگان نیشابور اعم از علماء و اشراف و
تابعین قلم فرسائی میکند.

این طبقه بندی بترتیب از حروف الف شروع شده و بحرف (ی) ختم میشود.
بدینجهت برای این قسمت فهرست الفبا که مرسوم کتب جدید است به عبارتی
فهرست اسامی رجال و اماکن تهیه نشد چه در هر یک از طبقات خود مولف این سبک
را رعایت کرده و هر طبقه را از الف (احمد) شروع و به (ی) (یحیی) ختم نموده است
مولف کتاب سعی کرده است که تمام خصوصیات افراد را ذکر کند. اگر
سفری کرده یا کتابی نوشته و حتی اگر نزد عالمی تلمذی نموده‌اند یاد آور شود و
حتی المقدور نگذاشته است مطلبی فوت گردد.

قسمت دوم - شرح بناهای نیشابور و مساجد و قلاع و قصبات و مقابر آن است

البته مختصرتر بدین ترتیب (۱)

ذکر بناء قهندز و شهر قدیم و مفاخر و اوضاع محلات و باروها و اادیها - بناء
شهر قدیم - حفر خندق - ارتفاع زمین - قری و قنوات - محلات شهر - فتح نيسابور -
مفاخر نيسابور قدیم - مقام خدام نيسابور - روایات دیگری از این قبیل

برای قسمت دوم این کتاب فهرست اسماء رجال و اماکن تهیه شد

ناگفته نماند که در حد امکان ظرف مدت سه سال تتبع و تحقیق بعمل آمد تا
نسخه ای صحیح و بدون غلط تقدیم ارباب فضل و ادب گردد : ولی چون
نسخه مختصر بفرد آنهم عکس برداری شده و از طرفی چون دسترسی بنسخه اصلی نبود باز
اغلاطی در طبع پیدا شد

این نیز باید گفته شود که بعضی از مطالب مقدمه این کتاب مستفاد از رساله
استاد بال تولد ترجمه فاضل محترم آقای حمزه سردادور شده است
در خاتمه باید از زحمات آقای رمضانی مدیر کتابخانه ابن سینا که
سألهای متمادی در راه نشر و توسعه فرهنگ پروری ایشان است تشکر کنم
و همین بنونه خود از چاپخانه صبح امروز و کارکنان آن سپاسگزاری نمایم
امیدوارم که صاحبان فضل و ادب از زلاتش غمض عین فرمایند

والله المستعان و علیه التکلیل

تهران - دکتر کریمی

(بهمن میرزا)

هفتم مهر ماه ۱۳۳۷

(۱) نگارنده در سال ۱۳۱۳ کتابی بنام شیراز نامه تالیف ابوالعباس احمد بن ابی الخیر
ذرکوب شیرازی بهمین سبک و بهمین روش تصحیح نمودم و بامقدمه مفصلی در شرح
شیراز و بناهای قدیمی آثار و ابنیه و سایر خصوصیات آن شهر بطبع رسانیدم

خراسان (۱)

در باب اینکه مهاجرت آریین‌ها از قسمت شرقی بسمت غربی ایران در چه تاریخ و بچه منوال بوده ما اطلاع نداریم اولین دفعه که نام مدیها ذکر می‌شود در سال (۸۳۵ قبل از میلاد) در کتیبه سالمانسار دوم پادشاه آشور است و ضمناً معلوم نشده که آیا مدیها از نژاد آریین بودند و یا اینکه فاتحین آریائی اسم ساکنین سابق مملکت را اختیار کرده اند اسمی خاص آریائی فقط در کتیبه‌های سارگن (۷۲۱-۷۰۵ ق.م) دیده می‌شود و نیز ما نمی‌دانیم که آیا مهاجرت آریین‌ها فقط از راه شمال یعنی همان راهی که مدیها رفته بودند بعمل آمده یا اینکه از راه جنوب هم که از سیستان بکرمان و از آنجا بفارس میرفت صورت گرفته است. شق اخیر ظاهراً بیشتر قریب بصحت است

هر دوت گویند: مدروس‌ها (در اصل متن: ده رومیاییوی) و کرمان‌ها (در اصل متن: کرمانی اوی) در جزو ایرانیانی بشمار می‌روند که در فارس سکونت اختیار کرده بودند یعنی تمام قسمت جنوبی ایران کنونی را یک شاخه از ایرانیانی که خود را پارسه می‌نامیدند اشغال کرده بودند چون مدیها در ورود بعصره تاریخ بایرانیان سبقت جستند لهذا احتمال کلی می‌رود که مهاجرت از راه شمالی زود تر بوقوع پیوسته است.

مقتبس از کتاب جغرافیای تاریخی استاد بارتولد ترجمه فاضل محترم آقای حمزه سردادور

خاموش کند در دوره هخامنشیان این مملکت اهمیت بزرگی نداشت.

استر این گوید: سلاطین ایران در مواقع سیاحت و گردش در ممالك خود سعی می کردند که حتی الامکان زودتر از بارت بگذرند زیرا ولایت مزبور بواسطه فقر و بی چیزی قادر نبود آذوقه موکب پر جمعیت شاهان را فراهم سازد ولی بواسطه همین فقر و لزوم دفع حملات کوچ نشینان ملت بارت نسبت بطرز زندگی ساده و جنگجویانه که ایرانیان مرقی داشتند وفادار مانده و بعد از سقوط دولت هخامنشی بارت ها همان عناصر سالمی بودند که موفق شدند مجدداً دولت ایرانی مقتدری تشکیل داده و حتی با احراز موقعیت حملات جهانگیرانه روم را دفع کنند، جبال بلخان بزرگ و کوچک و کوه کورن داغ و کیت داغ و جبال خراسان که امروز سرحد بین ایران و روسیه است سرحد طبیعی بین ترکستان و حوضه بحر خزر را تشکیل می دهند. گرز ن گوید: هیچ چیز نمی تواند با منظره تیره و تار این کوههای بی ثمر که جز گیاه هرزه در آنها نرود و فقط چشمه های معدودی از آنها جاری است طرف مقایسه واقع شود.

در عهد قدیم و همکذا در قرون وسطی سکنه واحه های واقع در امتداد دامنه های این جبال را ایرانیان تشکیل می دادند ولی بدیهی است که واحه های مزبور بواسطه موقعیت جغرافیائی خود ناچار میبایستی غالباً مورد حملات متعدد کوچ نشینان ترک واقع شده و بتصرف آنان در آید از همین تاریخ است که این سرزمین باسم ترکی (اتک) و یا بطور اصح (ایتاک) که بمعنای ولایت دامنه کوه پایه است نامیده شد. از جمله بلاد این سرزمین در قرون وسطی از نسا و ایورد بیش از سایر بلاد اسم می برند.

شهر نسا در نزدیکی عشق آباد کنونی واقع بود و ایور در این زمان هم بشکل
قریه کوچکی در ده فرسنگی عشق آباد پابرجاست.

رباط فراوه (افراوه) که عبدالله بن طاهر در قرن نهم میلادی بنا کرده و مرکب
از سه قلعه متصل بهم بود در ناحیه نسا با فاصله چهار روز راه از شهر نسا واقع بود از این
رباط راه مستقیمی از وسط صحرا بشهر گور گنج (در نزدیکی شهر قدیمی اور گنج
کنونی) می رفت.

درفوق گفته شد که (اتک) بواسطه موقعیت جغرافیائی خود معرض تاخت و تاز
کوچ نشینان آسیای وسطی واقع میشد علاوه بر آن ملوک آسیای وسطی یعنی
ملوک خوارزم که نزدیک ترین همسایه آتک بودند همواره برای تصرف این ولایت
میکوشیدند.

هرودوت می نویسد: ما خبری میخوانیم که هنوز بطور رضایت بخش توصیح
نشده است این خبر راجع است به وادی که محصور بجبال بوده و پنج معبر داشته
و رود اکسس از وسط آن جاری بوده و بین ممالک خوارزمیان و هیرکانیا و پارتها
و سرنکان و تمانیا واقع شده و در ابتدا تعاقب خوارزمیان داشت
خبر فوق میرساند که مدتها قبل از تشکیل هخامنشیان سلطه خوارزمیان تا
ولایت جنوبی صحرا هم بسط یافته بود.

در قرن دهم میلادی نوح بن منصور سامانی نسا را به مامون حکمرای قسمت
شمالی خوارزم و ایور را به عبدالله خوارزمشاه فرمانروای خوارزم جنوبی بخشید
لکن عبدالله بواسطه مخالفت ابوعلی سیمجور که امیر خراسان بود بتحصیل این عطیه
نائل نگردید.

پس از آنکه در قرن دهم میلادی صفحه خوارزم در زیر سلطه مأمون که لقب خوارزمشاهی را اختیار کرده بود متحد گردید نسا و فراوه در تصرف خوارزمیان (۱) بود تا زمانی که سلطان محمد و غزنوی در سال ۱۰۱۷ میلادی خوارزم را به سخر ساخت بعد که در سال ۱۰۳۵ میلادی تراکمه در تحت ریاست سلجوقیان بخراسان هجوم آوردند سلطان مسعود غزنوی مجبور گشت که نسا و فراوه را با آنها گذار نماید.

در قرن دوازدهم میلادی که سلسله جدید خوارزمشاهیان قوت گرفت شهر نسا قبل از سایر بلاد خراسان در جزو قلمرو آنان درآمد در تاریخ این دوره اسم شهر دیگری بنام شهرستان ذکر می شود که در سر راه خوارزم بنسبا و بفاصله يك فرسنگ از نسا در کنار ریگز از واقع بود.

باقوت که سال ۱۲۲۰ میلادی در آنجا بوده تعریف می کنند در حوالی شهرستان بواسطه قرب ریگز از باغانی وجود داشت و مزارع و دره سافت بعدی دور از شهر واقع بودند و لایت خوارزم بعد از قتل و غارت مغول اگر دوره کوچکی را در قرن چهاردهم بحساب نیاوریم تا زمان استیاری ازبك ها در اوایل قرن شانزدهم سلسله مستقلی نداشت.

در قرن شانزدهم و هفدهم بلاد (اتک) معمولاً در زیر سلطه ازبكهای خوارزم بودند بطوریکه ابوالغازی شهادت می دهد در آن زمان برای تشخیص اتک کلمه (تاغ بویی) (طرف کوه) مصطلاح بوده و این کلمه در مقابل سو بویی (استعمال) میشد که سواحل جیحون یعنی خوارزم در معنای اصلی کلمه بدین نام معروف بود.

در عین حال خوانین خیره همواره سعی بودند که طوایف ترکمن را بطیع خود سازند و طوایف مزبور که در قرن شانزدهم تمام ساحل شرقی بحر خزر را تا

(۱) این خوارزمشاهیان یا سلسله خوارزمشاهیان که سرسلسله ایشان اتیز خوارزمشاه و آخرین ایشان سلطان محمد و سلطان جلال الدین خوارزمشاه است و بدست چنگیز خان منقرض شده اند فرق دارند و سلسله مجری هستند ایشان خوارزمیان و مأمونیان اند.

گرگان متصرف بودند بعدها که اقتدار شاهان ایران و خوانین خیوه و بضعف گذاشت
تدریجاً سلطه خود را رو بطرف شرق تا مرو بسط دادند.

شاه عباس کبیر (۱۵۸۷-۱۶۲۸ میلادی) بنا بر روایت ایت : در واقع از آنک صرف نظر
کرد هر چند که جانشینانش ملوک ازبک را اسماعیل باج گزار و مطیع خود نمودند.
شاه عباس برای صیانت مملکت از تاخت و تاز تراکمه ازبکان تصمیم بدان گرفت
که اگر اد جنگجو را از ولایت غربی بدین سامان کوچ دهد و بر اثر این تصمیم پنج
ولایت کرد نشین در امتداد سرحد از (استرآباد تا چناران) تشکیل داد و از ولایات
پنجگانه مزبور در این زمان سه ولایت یعنی بجنورد و قوچان و ذرگز را برجا است و
ضمناً حکومت در ذرگز نه با سلسله کردی بل با خاندان ترک است. مقتدرترین حکام
مزبور که حکمران قوچان است بلقب ترکی ایلیخانی ملقب شد.

قوچان در قرون وسطی با اسم خموشان (هر چند که در کتاب مقدسی بشکل
خوجان دیده میشود) معروف بوده است.

ایزیدور خاراکسی ذکر میکند که : در قرن دهم میلادی شهر قوچان مهمترین
بلاد ناحیه استوا بود و استوا مطابق آستانه و یا آستانه است
در قرن دوازدهم در دوره ترقی خوارزمشاهیان قوچان یکی از مهمترین نقاطی
بود که در سر راه قسمت مرکزی خراسان واقع شده بود شهر مزبور در کسب اهمیت
خود علاوه بر موقعیت جغرافیائی اش مرهون حاصلخیزی برجسته حومه
خود بود.

کز ن مینویسد: ولایات شمالی ایران در حاصلخیزی و خوبی شرب اراضی بهتر
از قوچان ولایتی نیست، کوچ دادن اگر اد از تاخت و تاز تراکمه جلوگیری نکرد این
در حریف لایق هم بودند و هیچ يك از طرفین نمیتوانستند بفتح قطعی نائل شوند

کردها فقط می توانستند مزارع اتاك راتار ومار کرده انتقام تسراکمه را از این راه بکشند

شیر قوچان در سال ۱۸۳۳ میلادی که عباس میرزا بدفع فتنه ایباخانی اشتغال داشت و بعد در زلزله های ۱۸۵۱ و ۱۸۷۲ میلادی صدهای فراوان دیده است

گرن نقل میکند: جمعیت شیر به ۱۲۰۰ نفر نمی رسید زلزله سال ۱۸۹۵ میلادی بکلی شهر را خراب کرد و قوچان جدید در دوفر سنگی شهر قدیم بنا شده است.

نقطه سرحدی دیگر که بانام نادرشاه توأم است قلعه مهم کلات است که در آنجا دست طبیعت قلعه کوهستانی صعب الوصولی بنا کرده است محوطه ای که قریب به ۲۵۰۰ فوت از سطح دریا ارتفاع دارد دارای ۲۰ میل انگلیسی طول و قریب به ۵ الی ۷ میل عرض و از هر طرف محصور بدیوار طبیعی است که از قلعه ها و صخره های تیز و عریان با ارتفاع ۷۰۰ الی ۱۰۰۰ فوت از سطح وادی تشکیل یافته است.

— این دیوار فقط دارای دو معبر تنك میباشد ولی علاوه بر آن راه هاریکی از کمر کش جبال موجود است که میتوان بقلعه داخل شد، دروازه عمده بدر بند ارغون شاه یعنی بنام بانی خود که روی یکی از صخره های صاف نقش کرده و از بنای خود ذکر میکند معروف میباشد.

گرن و دیگران این ارغون شاه را همان ارغون خان مغول ایران (۱۲۸۴-۱۲۹۱ میلادی) میدانند در باره ارغون شاه مینویسند که وی قبل از جلوس بسلطنت از عموی خود احمد شکست خورده و در کلات پناهنده شد لکن قلعه در زمان وی خراب بود و همین که عساکر احمد نزدیک قلعه رسیدند ارغون بدون مقاومت با احمد تسلیم شد. حدسی که بیشتر طبیعی بنظر میرسد این است که در اینجا مقصود از ارغون شاه پادشاه

محلی و بدر علی بیگ بود که با تیمور مخاربه کرده است. در این باره
شرف الدین گوید: تیمور در سال ۱۳۸۲ میلادی قلعه را محاصره کرد و در ضمن
تفصیل محاصره از چند دروازه اسم میبرد که یکی از آنها در بند ارغونشاه
است. علی بیگ اظهار اطاعت کرد ولی بعد به تیمور خیانت ورزید و تیمور در مقابل
کلات قلعه قهقهه را این کلات و ایورد و ظاهرأ در جائی که امروز ایستگاه راه آهن با اسم
قهقهه واقع است بنیان نهاد. قهقهه نامی است که در این باره در بعضی کتب آمده است.

نادر از موقعیت قلعه کاملاً استفاده نمود و از زمان وی قلعه با اسم کنونی کلات
نادرشاه یا کلات نادری موسوم گردید. سال ۱۱۸۵ قمری در این باره

گزرین می نویسد: که نادر میخواست در اینجا قلعه غیر قابل تسخیری ایجاد و
خزائن امنی برای گنجینه هائی که از هندوستان آورده بود دایر سازد شرح و تعریف
قلعه کلات در کتاب واسیل و اتاس سیاح یونانی که معاصر نادرشاه بود مندرج است.
بنابقول سیاح مذکور نادرشاه میخواست شهری ایجاد کند که نظیر نداشته باشد و تمام
اهالی شهر بتوانند آنچه را که میخواستند بدون احتیاج باجی و آرد از خارج در خود
شهر بیابند برای استهلاك مخارج ساختمان شهر غنائم هند بگرفت صخره ها را از
خارج و داخل تراشیده و هر کجا که احتمال حمله میرفت برجهای پاسبانی بنا
کرده بودند.

بعد از نادرشاه کلات تا سال ۱۸۸۵ میلادی تحت حکومت خانهای کوچکی که اسماً
مطیع ایران بودند بماند و تا زمان تحدید سرحدات روس و ایران در سال ۱۸۸۱ میلادی
ایورد و اتک در جزو خانی مرزبوز بودند. در این باره در بعضی کتب آمده است.
گزرین قسمت کوهستانی عرب خراسان را بشرح زیر تعریف میکند:

چند رشته جبال متوازی در سمت شمال غربی بطرف جنوب شرقی کشیده شده سلسله‌های شمالی را دره‌های عمیق و تنگی که در قعر آنها سیلاب صدا میکند از یکدیگر جدا کرده و در سمت جنوب جای دره‌ها را وادی‌هایی گرفته که رودهای کوهستانی از وسط آنها جاری و قراء و دهات در آنها واقع شده و گاهی جلگه‌های وسیع و پرتروتی دیده میشود مانند جلگه قوچان در شمال و جلگه نیشابور در جنوب بینالود کوه

سلسله‌های جبال را دره‌هایی در طول کوه قطع میکنند و همین دره‌ها راه ارتباط بین وادی‌ها میباشند دره‌ها اغلب منظره طبیعی زیبایی تشکیل داده و صورت يك سلسله مواقع صعب الوصولی را دارند. مشکل است در جایی از دنیا جبال باشد که بخت برف دائمی رسیده و تا این درجه پرده‌های زیبایی از طبیعت و حشی کوهستانی جلوه گر سازند

در بالای سلسله‌های بلندتر آثار مسکین‌ترین نباتات کوهستانی بندرت دیده میشود ذرات قطره در قعر وادی‌ها مقدور است و منوط بوجود چشمه‌سارهای قلیلی است که آب آنها را برای شرب اراضی قابل زرع آورده‌اند هر دهی گوتی واحه ایست که در زمینه خاکی زنك کویز واقع شده است

اراضی مزرعه در دامنه جبال هم دیده میشود و از دامنه‌های جبال چشمه‌هایی بواهی سرازیر میشوند و بطوریکه فریه تعریف میکند در مرتفع ترین نقاط هم زراعت میکنند اراضی مزرعه که در دامنه‌های کوه واقع است به صفحه‌های جداگانه منقسم گردیده و عده قراء در این وادی بواسطه وفور آب بیش از سایر نقاط است

در اینجا هم مثل سایر نقاط ایران سبزه زاری گسره دیده نمیشود قطعات آبادی فاصله‌های مختصری از یکدیگر واقع شده‌اند رودی که از بهلوی نیشابور میگذرد بمناسبت مژه

شور و تلخ آبش بشوره رود معروف است

نیشابور باندازه‌ای دچار زلزله و معرض حملات خانه خراب کنی واقع گردیده که شکل کنونی آن، هم از حیث وسعت و قضا و عده نفوس بقدری با پایتخت قرون وسطی خراسان فرق دارد که تحقیق و تشخیص نقشه آن با مشکلات بزرگی توأم است.

مختصری از تاریخچه نیشابور

بنای این شهر ظاهراً در زمان ساسانیان بدست شاپور اول یا شاپور دوم شده است چنانکه مورخین و جغرافیون نقل کرده اند. این شهر در سال (۳۳۰ میلادی) پایتخت ناحیه ابر شهر بوده و نیز در دوم این شهر را محل اقامت خود قرار داده و بورج این مهر که یکی از سه آتشکده معروف ساسانیان باشد در نزدیکی این شهر قرار داشته است

شهر مزبور در سال (۳۱ هجری) (۶۵۱ میلادی) بدست اعراب افتاده و در سال (۳۲ هجری) (۶۶۲ میلادی) حکومت این ناحیه (منظور ناحیه خراسان است که مرو و بلخ و غیره جزو آن بوده) بدست غیث بن الحسام که یکی از اشخاص معروف آن زمان بوده است اداره شده و این خود دلیل آنست که ناحیه خراسان تا قبل از قرن (دوازدهم هجری) (هجدهم میلادی) وسعت زیادتری را از طرف مشرق دارا بوده و مرو و بهرات و بلخ نیز جزو این قسمت بشمار میرفته ولی فعلاً نیشابور تنها شهری است که جزو ناحیه خراسان محسوب می شود و تقریباً تا چند سال بعد از واقعه مذکور اطلاعات راجع به نیشابور جزئی است

در اوائل قرن هشتم میلادی ابو مسلم خراسانی نبضتی در خراسان برضد خلافت بنی امیه ایجاد کرد و در سال (۱۳۱ هجری) (۷۳۸ میلادی) داخل نیشابور شد و حاکم آن شهر گردید و در مدت حکومت خود مسجدی در نیشابور ساخت ولی در سال (۱۳۸ هجری) (۷۵۳ میلادی) او را در بغداد بتحریک منصور خلیفه مقتول ساختند

کز

پس از این قضیه خراسان در اوایل قرن (سوم هجری) (نهم میلادی) در حیطه اقتدار طاهر بن حسین درآمد

طاهر حاکمی بود که از طرف مأمون خلیفه در سال (۲۰۵ هجری) (۸۲۰ میلادی) در قسمت مشرق ایران حکومت میکرد و در زمان او فر اولادش ناحیه خراسان حالت استقلال بخود گرفت و عبداللّه بن طاهر نیشابور را پایتخت خود قرار داد و باغ معروفی بنام شادیاخ در آنجا ساخت و در زمان او بود که شهر نیشابور فوق العاده اهمیت پیدا کرد و ساختمان جدید و دهات زیاد در اطراف آن شهر بنا گردید

در اوایل قرن مزبور سلسله صفاریان خراسان را در تحت تصرف گرفتند و در سال (۲۷۹ هجری) (۸۹۲ میلادی) عمرو بن لیث صفاری حکومت آنرا عهده داشت و او نیز نیشابور را پایتخت خود قرار داد اطلاعات کافی بما نشان میدهد که عبارات زیاد بشهر مزبور اضافه شده و تغییراتی در جامع آن رخ داده است

بعد از عمرو لیث خراسان بدست سامانیان افتاد و در این موقع نیز نیشابور کماکان پایتخت بود و تنها ناحیه مرکزی خراسان بشمار میرفت از شهرستان نیشابور زمان ساسانیان شرح مفصّلی توسط ابن حوقل و استخری نقل شده است و این اشخاص چنین می نویسند :

که شهر مزبور دارای سه میل طول و سه میل عرض بوده (هر سه میل يك فرسنگ) و بچهل پاسگاه تقسیم میشده است کوچه های آن صاف و تقریباً عده آنها به پنجاه میرسیده و این کوچه ها یکدیگر را طوری قطع میکردند که چهار راه های متعدد تشکیل میدادند (برعکس عقیده اغلب از مستشرقین که کوچه های قدیمی بعضی از شهر ها همیشه کوتاه و دارای اعوجاج بوده)؛ این کوچه ها بسیار مستقیم و مطابق اسلوب

كج

معماری ساخته شده بود خود شهر نیشابور ب سه قسمت تقسیم میشده است

۱- شهر خاص

۲- نواحی خارج شهر

۳- پاسدارخانه ها

۱- شهر خاص : دارای برج و حصار و چهار دروازه بوده و در خارج شهر پاسگاهها واقع شده که آنها نیز دارای دروازه ها بودند و خرابه آنها باغلب احتمال همان تپه الب ارسلان است

قسمت خاص شهر عبارت بود از تمام نواحی خارج که دارای دیوارها بوده است و اینجاست که مسجد جمعه نیشابور دیده میشود : و عمرو بن لیث صفاری ستون های چوبی آنرا تبدیل بستونهای اجری نموده و سه رواق در اطراف حیاط مسجد ساخته و آنرا یکی از بهترین ساختمانهای مهم که دارای کاشیکاری مذهب میباشد نموده است

این مسجد دارای یازده در با ستون های از مرمر تنیاه و سفید بوده و تمام آنها بانضمام طاق مسجد نقاشی و مجسمه کاری شده بوده است و نزدیک آن محوطه بازار و خانه حاکم شهر قرار داشته که بتوسط عبدالله بن طاهر بنا شده و بدست عمرو بن لیث صفار مرمت گردیده است .

تزدیک بازار بزرگ شهر بازار کوچک دیگری بوده که محبس ها در آن قرار داشته است و اهمیت این بازارها از نظر تجارت بسیار مهم بوده و اینکه شهر مزبور و نواحی خارج آنرا دیوارها احاطه کرده دلیل بر این بوده است که مردم احتیاج بامنیت و حفاظت داشته اند

چون در شهر نیشابور خاص بنای قابل ذکری ساخته نشده است میتوان آنرا دلیل بر این دانست که با وجودیکه شهر مزبور بتوسط ساسانیان بنا شده ولی کم کم

کط

بواسطه انقراض سلسله مزبور شهر متار که گردیده و بنای مهمی در آن بنا نشده است. و آنچه بعد از اسلام در این ناحیه بنا گردیده در خارج شهر خاص بوده است ولی این تنها يك قضیه بیش نیست و تا اکتشافات بیشتری از جهت حفاری در نیشابور بعمل نیاید نمیتوان این قول را قبول کرد و نیز گفته سایگس را نمیتوان معتمد شمرد پس از ساسانیان حکومت خراسان بدست غزنویان افتاد و بعد از يك قرن نیشابور در حیطه اقتدار سلجوقیان ترك در آمد و طغرل بيك (۳۲۹ هجری) (۱۰۳۷ میلادی) شهر را گرفت و بابتخت خود قرارداد و الباسلان برای مدت کوتاهی در آنجا اقامت کرد

در زمان سلجوقیان نیشابور اهمیت فوق العاده ای بخود گرفت و برای بار دوم اهمیت سابق را مجدداً احراز کرد.

در زمان خواجه نظام الملك وزیر الباسلان و ملکشاه نیشابور اهمیت بسیاری بدست آورد و تقریباً دارالعلم شد و مدارس متعدد در آن بنا شد و مرکز علم و نظامیه ای در آنجا ایجاد گردید.

نیشابور در این زمان دارای سیزده کتابخانه بوده که مهمترین آنها پنج هزار جلد کتاب داشته است.

عمر خیام شاعر و دانشمند و فیلسوف و مورخ و ریاضی دان عصر در آنجا زندگی میکرده است.

در سال (۵۳۰ هجری) (۱۱۳۵ میلادی) نیشابور بواسطه زلزله خراب شد و شهر مزبور در سال (۵۳۸ هجری) (۱۱۵۳ میلادی) آتش گرفت و در همین موقع بود که طعمه غارت ترکان غز واقع شد و شهر را اهالی بکلی ترك کردند و شهر دیگری در حومه محل سابق که عبدالله بن طاهر ساخته بودند بنا نمودند

یاقوت : شهر مفصلی راجع باین ناحیه ذکر میکنند و این واقعه را بسال (۶۱۳ هجری)

(۱۲۱۶ میلاد) می‌داند .

این شهر بعدا بدست چنگیز و یارانش از بین رفت و ساکنین نیشابور شهر دیگری در

شمال شرقی ساختند

حمدالله مستوفی در سال (۷۳۱ هجری) (۱۳۳۰ میلادی) و این بطوطه طنجی در سال

(۷۵۷ هجری) (۱۳۵۵ میلادی) شهر نیشابور را دیده و آنرا یکی از پر جمعیت -

ترین شهر های ناحیه خراسان دانسته و از مسجد عالی و چهار مدرسه آن نقل
میکنند .

عقاید مورخین و علما و مستشرقین در خصوص تاریخ نیشابور قدیم

نیولد که گوید:

راجع به نیشابور قدیم قبل از اسلام همیتقدر معلوم است که ابر شهر نام داشته و نام کنونی رایکی از سلاطین ساسانی یعنی شاپور اول (قرن سوم میلادی) و یا شاپور دوم (قرن چهارم میلادی) بآن داده است.

مطلب اخیر عقیده ای را که غالباً اظهار میشد راجع باینکه نیشابور همان شهر نسایای پارت است تردید می کند در زمان ساسانیان و هم در دوره امرای اول عرب شهر عمده خراسان مروبوده نیشابور فقط در زمان سلسله طاهریان در قرن نهم میلادی اهمیت یک پایتخت را کسب نموده است.

آوازه شهرت نیشابور باصیت اشتهار عبدالله بن طاهر (۸۳۰-۸۴۲ میلادی) برابر است

بنابر قول یعقوبی مورخ :

عبدالله طاهر طوری در خراسان حکومت کرده که قبل از وی کسی نکرده بود چه وی بتأمین تمام منافع دهاقین پرداخته است و آنچه مهم است بامروى مجموعه قواعدی برای استفاده از شرب مصنوعی اراضی ترتیب داده شد:

بالاخره عبدالله در نظریه و عقاید خود راجع باهمیت علم از عصر خود فرسنگها جلو افتاده و عقیده داشت که باید عموم آرزومندان دسترس

لب

وسیعی بساحت علم داشته باشند و تشخیص لایق و نالایق به پیشگاه خود علم
واگذار شود .

سلسله سجستانی صفاریان هم که طاهریان را در سال (۸۷۳ میلادی) از سلطنت
خالع کردند پایتخت خود را نیشابور انتقال دادند .

عمرو لیث صفاری بسال (۹۰۰ میلادی) از اسمعیل بن احمد سامانی شکست
خورد و از آن پس خراسان در جزو مملکت سامانیان درآمد و چنان که معلوم است
پایتخت سامانیان بخارا بود . و اراضی جنوب آمو دریا (جیحون) در تحت سلطه
امیر مخصوص بود که لقب سپهسالار داشت و در نیشابور مقیم بود . (استاد بار تولد)
جغرافیا نویسان ، نیشابور دوره سامانی را مفصل تعریف کرده اند : شهر در
جلگه ولی بلا واسطه در قرب کوه واقع شده بود .

ابن رسته

جنب شهر از یک طرف کوه بلندی سر کشیده بود محوطه شهر طولاً و عرضاً يك
فرسنگ و خود شهر مانند سایر بلاد بزرگ آسیای وسطی مرکب بود : از قهندز
یعنی ارك - و شهرستان یعنی شهر - و ربض یعنی خارج شهر .

ارك جز و شهرستان نبود ولی بین آن و شهرستان فقط خندق حایل بود .

در قرن دهم میلادی شهر بواسطه ترقی تجارت و صنعت به ربض که در قسمت

جنوبی شهر واقع بود منتقل گردید .

اصطخری

در ضمن توصیف بازار های نیشابور مینویسد که بازار در سمت شمالی شهر
تالاس القنطره میرسید و پیش از آن در جزو دروازه های شهرستان که مانند شهر های
بزرگ چهار باب بود از دروازه راس القنطره اسم میبرد عده دروازه های ربض بسیار
زیاد بود .

مقدسی گوید:

در بازار فزون از پنجاه مرکز بصورت میدان چهارگوشی موسوم
بمربعه الکبیره بود که از آنجا به هر چهار سمت ردیف داکین و کاروانسراها ممتد
میشد بدین طریق: بسمت شرقی تاپشت مسجد جامع بسوی شمال تاشهرستان بطرف
غرب تاپشت میدان چهارگوش کوچک «مربعه الصغیره» و جنوب تامقابر اولاد حسین؛
بازار امتداد داشت.

در قسمت غربی در نزدیکی میدان کوچک قصری بود که عمرولیث میدان
الحسینین بنا کرده بود و هم در جنب قصر زندان واقع شده بود
مسجد جامع رامینویسند که در اردوگاه قشونی واقع شده بود
مقدسی

شرحی در توصیف این بنا نوشته است که نقل میشود:

مسجد جامع مرکب از شش قسمت بود عمارت عمده مسجد که منبر امام
در آنجا بود قسمتی از آنرا در اواسط قرن هشتم ابو مسلم خراسانی مسبب سلطنت
عباسیان ساخت و قسمت دیگرش را در اواخر قرن نهم عمرولیث صفاری بنا کرد بنای
ابو مسلم به تیرهای چوبی و بنای عمرولیث بستونهای مدور آجری متکی بود.
در اطراف این قسمت سه رواق و در وسط آن گنبدی ساخته بودند رواقها
دارای یازده درب و ستونهای از مرمر رنگارنگ.

قنواتی را که بشهر آب میدادند غالباً زیر زمین میکشیدند. عده پله هایی که
برای رسیدن بآب پائین میرفتند گاهی بصد میرسید در خارج شهر آب در سطح زمین
جاری و برای شرب اراضی بکار میرفت. شهر بداشتن پارچه های ابریشمی و نخی
معروف بود.

و بطوریکه اصطخری میگوید این پارچه ها را بماوراء معالک اسلامی هم حمل
میکردند.

ابن حوقل

دکاکین و مهمانخانه های نیشابور مملو از نمایندگان صنایع مختلفه بود در حوالی شهر مس و آهن و نقره و فیروزه و معادن دیگر استخراج میکردند معادن فیروزه که در کوههای واقعه در ۳۶ میلی شمال غرب نیشابور در سر راه قوچان است تا با امروز در اهمیت خود باقی و در دنیا یگانه معادن فیروزه است . نیشابور در زمان غزنویان و سلجوقیان هم با وجودیکه بعضی از سلاطین اخیر مرور را ترجیح میدادند معینا مهمترین شهر خراسان بود .

در سال (۱۱۵۳ هجری) نیشابور معرض قتل و غارت عشایر غز گردید که بر علیه سلطان سنجر شورش کرده بودند .

غزها شهر نیشابور را غارت کرده و خراب نمودند خاقانی شاعر معروف بطوری مبالغه کرده و می گوید که وقتی اهالی بعد از رفتن دشمنان بشهر برگشتند نمی توانستند مساکن خود را بیابند .

شهر جدید در سمت غربی شهر قدیم در محل موسوم به شادیباخ آباد شده است .

محله شادیباخ در زمان سابق هم دایر بود و آنرا عبدالله بن طاهر بنا کرده بود .
یعقوبی

در شادیباخ تپه بزرگی بود که بر روی آن ارگی ساخته بودند در همان قرن مذکور نیشابور بواسطه موقعیت جغرافیائی سعادت مند خود بسر منزل رونق و تعالی رسید و ابنیه و عمارات تمام محوطه را از تپه تا خط قدیم اشغال کرد
یاقوت :

نیشابور دوباره اعمربلادالله گردید و پر ثروت ترین و پر جمعیت ترین بلاد شد .
مقدسی

نیشابور انبار گاه مال التجاره فارس و کرمان و هند یعنی ولایات جنوبی و همچنین ری و جرجان و خوارزم بود

باقوت

علت ترمیم سریع و تجدید عمارت شهر را همان موقعیت جغرافیائی آن می‌داند.
نیشابور در حکم دهلیز المشرق بود و کاروانیان نمیتوانستند از کنار آن گذشته و
وارد شهر نشوند.

قتل عام چنگیز خان (۱۲۲۱ میلادی) بمراتب بدتر از حمله غز بودش ماه قبل از
این واقعه داماد چنگیز خان هدف تیر و کشته شد بدین جهت تیرلوی پسر چنگیز شهر
را محاصره کرد و آنچه اهل شهر عجز و الحاح و التماس عفو کردند اثر نداشت و ردد شد
شهر به یورش متصرف گردید و تمام مسکنه آن باستثنای چهارصد نفر صنعتگر که باسیری
بردند بقتل رسیدند.

ابنیه و عمارات شهر را از یخ خراب و زمینش را شخم کردند و در محل خرابه
های شهر چهارصد نفر مغول گماشتند تا بقیه السیف اهالی را که توانسته بودند در موقع
قتل و غارت پنهان شوند معدوم سازند.

دستجات مغول چنگیز خان در خراسان پایدار نشدند و جانشین چنگیز خان
مجبور شد دوباره مملکت را مسخر سازد مقاومت بیفایده فقط مانع از آن شد که
جراحات وارده به مملکت از حمله مغول التیام پذیرد و شهرهای خراسان پیش از بلاد
ماورالنهر بحال خرابی مانند.

پس از انقراض سلسله خوارزمشاهیان خراسان ابتدا امارت مخصوصی بود که
ملك مشترك سلسله مغول محسوب میشد فرمانروای خراسان را خان بزرگ معین
میکرد ولی نمایندگان و جوه رجال خاندان خان نیز همراه فرمانروا بودند.
در اواسط قرن سیزدهم میلادی که مغولها سلطنت مخصوصی در ایران تشکیل
دادند خراسان هم بدان ملحق گردید.

حمداله قزوینی مستوفی:

اداره کشوری و مالی مخصوصی داشت عایدات این ملک در جزو عایدات

عمومی سلسله مغول در ایران محسوب می شد.

بعد از سقوط سلسله مغول ایران نیشابور (در حدود عشر سوم قرن چهاردهم

میلادی) در جزو قلمرو سلسله سربداران که در سبزوار تشکیل یافته بود درآمد

در سال (۱۳۸۱ میلادی) آخرین نماینده این سلسله بطیب خاطر اطاعت تیمور را گردن

نهاده و بدین جهت نیشابور بی رحمی های این جهانگشا را نچشید رونق هرات در

دوره تیموریان و اهمیت مذهبی شهر در زمان صفویه می بایستی که نیشابور تحت الشعاع

قرار داده باشد لیکن تا اواسط قرن هجدهم نیشابور شهر مهمی بود تا اینکه بدست

احمد شاه افغان خراب و ویران گردید.

استاد بار تو لند گوید:

بعد از این قتل و غارت يك منزل قابل سکونت در شهر نمانده بود احمد شاه

شهر را به عباسقلی خان شاهزاده ترك داد وی برای تعمیر و تجدید عمارت آن

اقدامی کرد.

در اواخر همان قرن نیشابور بتصرف قاجاریه درآمد مساعی عباسقلی خان و گسان

دیگر اهمیت سابق شهر را عودت ندادند.

فریزر:

در سال (۱۸۲۱ میلادی) طول باروی شهر ۴۰۰۰ قدم بود اگر تمام این محوطه

مسکون می بود عده نفوس آن به ۳۰ هزار یا ۴۰ هزار می رسید لیکن قسمت عمده شهر خراب

بود ایرانیان خانه های مسکون شهر را قریب بدو هزار باب می دانستند لیکن فریزر

از روی تاثیراتی که شهر در او بخشیده بود تصور می کند که عده نفوس از پنجهزار نفر

تجاوز نمی کند.

لر

استاد بار تولد گوید:

پارچه هایی که در شهر می یافتند فقط برای حوائج محلی تهیه می شد یگانه
جنس صادره فیروزه بود.

فریه

عده نفوس شهر از ۸۰۰۰ متجاوز نبوده وضع دیوارها گلی و خراب و بد بود
خندق آب نداشت ارك بشکل خرابه افتاده بود حد و بازارها و مسجد جامع وسعتی نداشت.
در زمان سیاحت گرز ن معلوم نیست از روی چه مقصودی مشغول تعمیر
دیوارهای بکلی بیفایده خراب شهر بودند گرز ن احتمال می دهد که در زمان وی جمعیت
شهر به ۱۰۰۰۰ نفر رسیده بود.

راجع به آثار قدیم نیشابور تحقیقات و مفصلی در دست نیست. در این باب
فریزر و در زمان اخیر هم ایت بعضی اطلاعاتی می نویسند از اطلاعات تاریخی و وضع
کنونی شهر فقط این مطلب مستفاد می شود که شهر مانند مرو و بلخ از سمت شرقی بغربی
متصل شده است بلافاصله در سمت شرقی شهر کنونی خرابه هایی نمایان بوده که
قسمتی از گل و قسمتی از آجر بوده

استاد بار تولد

ارک شهر سابق در این مکان بوده

فریزر نمی نویسد:

که بلندی هم در این مکان بوده یا نه

بطوریکه ایت تعریف میکنند:

خرابه های مزبور دیگر وجود ندارد و آثار شهر سابق بفاصله يك ميل انگلیسی
در سمت جنوب شرقی شهر کنونی شروع می شود در زوایه جنوب غربی خرابه های

لح

مذكور ارك بر روی تپه بلند واقع است .

ایرانیان به فریزر گفته بودند که ارك نیشابور قدیم که در دوره سامانیان بنا شده بود در این مکان بوده ولی مشکل است این مطلب اساس داشته باشد.

مقبره فریدالدین عطار صوفی معروف که در موقع تصرف شهر بدست مغولها مقتول گردیده پهلوی زاویه جنوب شرقی ارك واقع است سنگی از مرمر سیاه که خط فارسی روی آن نقش کرده اند در وسط دیوار آجری واقع شده.

این مقبره یگانه اثری است که از قرون وسطی در نیشابور باقی مانده و ممکن است تاریخ بنای آن بصحت معلوم شود این مقبره را در زمان سلطان حسین بایقرا قرن یازدهم میلادی و امیر علیر شاعر و وزیر معارف پرور معروف که در ادبیات فارسی مخصوصا ترکی معروف و مشهور است بنا نهاده و نیز مقبره یکی از آل عای که در قرن شانزدهم میلادی شاه طهماسب صفوی ساخته در همان نزدیکی است .

استاد بار تولد گوید :

امامزاده محمد مجروح برادر علی بن موسی الرضا که قبرش مهمترین زیارتگاه

است در این مکان مدفون است .

پهلوی این مکان مقدس در وسط باغی که درختانش بهم پیچیده و علفهای هرزه در آن روئیده. مقبره عمر خیام منجم و شاعر فکر آزاد اوایل قرن دوازدهم میلادی واقع شده است .

اینک بطور مختصر ترجمه ای از گزارش هیئت اعزامی موزه متروپولیتین
آمریکا را ذیلا درج میکنم :

از گزارش هیئت اعزامی اینطور بنظر میرسد که هیئت نامبرده بیشتر
در آثار قدیم بخصوص دوره ساسانیان توجه داشته و اگر هم حفاری در
اطراف نیشابور نموده اند و اشیائی بدست آورده بواسطه این بوده است که هیئت
مزبور میخواستند در اطراف شهر قدیمی نیشابور که بدست شاپور اول و یاشاپور
دزم ساسانی ساخته شده بود کاوش نمایند ولی در ضمن کاوش آشیائی بدست آمد که
ابتدا مربوط به دوره قبل از اسلام نبود و اثری از شهر نیشابور قبل از اسلام بدست
نیامد (دوره ساسانیان) و گزارش که هیئت مزبور میدهد عبارت است :

۱ - شرح مختصری از تاریخ نیشابور

۲ - شرح ظروف سفالین و کتیبه های پیدا شده در این ناحیه

۳ - مختصری از انواع و تاریخ سکه های مکشوفه و خلاصه هر يك

از آنها

۱ - هیئت نامبرده در شش موضع نزدیک نیشابور فعلی (همان نیشابور حمدالله
مستوفی و ابن بطوطه طنجهی که از آن نقل کرده اند) شروع بحفاریات نموده و کاسه و
کوزه و کتیبه های بدست آورده اند که مطابق ریز جداگانه بعضی از آنها در
موزه ایران باستان و برخی دیگر در موزه نیویورک ضبط است

تاریخ این اشیاء را هیئت مزبور از روی سکه‌هایی که بدست آمده تا حدی توانسته‌اند معلوم دارند ولی بطور یقین نمیتوان ذکر کرد که خرابه‌های فعلی که هیئت مزبور مشغول حفاری‌اند متعلق بکدام دوره است و برای اثبات این مطلب لازم است که هیئت نامبرده عملیات بیشتری در این ناحیه بنمایند و شاید بعدها بتوان بطور یقین تاریخ حقیقی این خرابه‌ها را معین نمود

در اینجا بی تناسب نیست که از نوع ساختمان و رنگ آمیزی کاسه‌ها و کتیبه‌های پیدا شده و سکه‌هایی که از این سرزمین بدست آمده است و تا حدی بتاریخ قدمت کاسه‌ها و خود خرابه‌ها کمک کرده ذکر بشود.

کاسه‌هایی که از این ناحیه بدست آمده اکثر ظریف و دارای لبه‌های نازک و ته‌های محکم‌اند و در ساختمان و رنگ آمیزی آنها استادی و مهارت کامل بکار رفته و اغلب آنها از گل سرخ ساخته شده و در بعضی از آنها خط کوفی که بارنگ سرخ شفاف و حاشیه سیاه است دیده میشود و از هر حیث بی شباهت بکاسه‌های سمرقند نیست ولی بعضی دیگر از این کاسه‌ها دارای حاشیه سفیدی که در روی زمینه قهوه‌ای رنگ آمیزی شده و شبیه بکاسه‌های ساوه و سامره و حیره‌اند دیده میشود و این کاسه‌های اخیر را می‌توان بقرن دوم هجری (هشتم میلادی) نسبت داد و نیز کاسه‌های بسیار قشنگ و ظریفی بدست آمده که از هر حیث شباهت کامل بکاسه‌های عصر ساسانی دارد و از این رو می‌توان گفت که نفوذ ساسانیان در این ناحیه بعد از اسلام بوده است و کاسه‌های دیگری که نفوذ چینی را نشان میدهد بدست آمده است و البته نباید تعجب کرد زیرا که نفوذ چینی در این سرزمین و آن زمان بسیار بوده چه تاریخ بما نشان میدهد که در زمان سلطنت (تانگ) کوزه سازی و صنایع دیگر چینی در عراق و ایران و مصر رونق یافت و ما بخوبی میدانیم که در زمان سلطنت این پادشاه و سعت چین بترکستان

رسید و رابطه چینیه با خلیج فارس بسیار بود و همینکه چینیها با اعراب مواجه شدند زیاد بن صالح آنها را در رودخانه تالاس نزدیک تاشکند شکست داد و بقول خود اعراب بیست هزار اسیر از آنها گرفت و بگفته ثعالبی این چینیه با ساکنین سمرقند کاغذسازی را تعلیم دادند و بگفته این فقیه همدانی این اسرا اغلب صنایع خود را با اهالی خراسان آموختند و از این رو نفوذ صنعت چینی و بخصوص کاسه سازی در ایران دیده میشود ولی رویه مرفته ثابت شده است که این ناحیه کمتر در تحت نفوذ صنعت خارجیان مانند عراق و سامره و نقاط دیگر واقع شده و کاسه های نیشابور دارای ممیزات خاص و مشخص است که اصلی و متعلق به همین ناحیه است و شاهد بتوان گفت که اولین کاسه های دوره اسلامی است

۲- در ناحیه سبزپوشان چندین سکه بدست آمده که کومک فوق العاده ای بتاریخ اشیاء پیدا شده نموده است مثلاً در یک ناحیه ۹ عدد سکه بدست آمده که ۷ عدد از آنها بین سنوات (۱۵۳-۲۰۰ هجری) (۷۷۰-۸۱۵ میلادی) است و یکی از آنها متعلق بعهد طاهریان و یکی در حدود سال (۵۹۸ هجری) (۱۲۰۰ میلادی) است و دو عدد سکه دیگر بدست آمده که تاریخ آن (۱۵۳ هجری) (۷۷۰ میلادی) است و از روی این سکه می توان حدس زد که تاریخ ساختمان اولیه این ناحیه (در نیمه دوم قرن دوم هجری) (هشتم میلادی) بوده است و از این ساختمان دیوار جنوب غربی که محراب در آن ناحیه قرار گرفته بود و شاید دیوار غربی دیوار اطاق باقی مانده باشد و این ساختمان را در قرن (سوم هجری) (نهم میلادی) - خسارتی وارد آمده و آنهم در مواقع و کشمکش سلسله طاهریان با صفاریان بوده است و پس از ساختمان و تعمیر دوباره دیوار محراب بدو تقسیم شده و محراب را دوباره کرده بطوریکه یک گنبد در این محل ایجاد شده است و در این جا کتیبه ها و نقاشی های عهد سلجوقی بدست آمده و تصور

میرفت که سلجوقیان در ساختن این بنا شرکت داشتند چه طغرل بیک (۳۲۹ هجری)
 (۱۳۰۲ میلادی) سلطنت سلجوقی را بدست آورد و در سال (۵۱۰ هجری) (۱۱۳۵
 میلادی) نیشابور را پایتخت قرار داد و در حوالی این محل تپه ایست که به نام
 تپه‌ی الب ارسلان معروف است ولی بیشتر این نظریات حدس است مقرون بیقین
 و پس از دقت و مطالعه معلوم میشود که ممیزات ساختمان تپه سبز پوشان ابداً
 شباهتی به ساختمان زمان سلجوقی ندارد و اگر نظری بقبر جلال الدین در اوز کند
 ترکستان شود (۵۳۷ هجری) (۱۱۵۲ میلادی) و با مقایسه از حیدریه قزوین بعمل
 آید (قرن ششم هجری) (دوازدهم میلادی) اختلاف ساختمان این ناحیه با زمان
 سلجوقیان بخوبی معلوم خواهد شد و تا حال چیزی بدست نیامده که شباهت تام به
 سبز پوشان داشته باشد مگر چند طراحی از کتیبه مسجد نائین که شباهت به کتیبه
 این محل دارد اگرچه ساختمان آنهم بکلی متفاوت با این ناحیه است چه بعضی
 ممیزات مخصوص این ناحیه مثلاً اگر حروف گنبد مسجد نائین را که با خط
 کوفی نوشته شده و بخصوص در کلمه (الاخرین) آن نگاه کنیم يك رابطه
 و شباهتی بکلمه‌ای که در کتیبه سبز پوشان نوشته شده است دارد

فرق عمده در طراحی است نه خطاطی چه در کلمه (یوم الدین) دال آنها با
 هم فرق دارد بدبختانه تاریخ ساختمان نائین درست معلوم نشده و (Flury) (فلوری)
 تاریخ آنرا بقرن دهم نسبت میدهد و از حدسش از روی شباهت خطاطی این ناحیه
 با سامره و ابن تولون در قاهره است و بعلاوه در سبز پوشان سکه یا علائم دیگری به
 دست نیامد که از سلجوقی باشد چه سکه‌های بدست آمده را میتوان بسه دوره

تقسیم نمود

اول - قرن دوم و سوم هجری - قرن هشتم و نهم میلادی

میج

دوم - نیمه دوم قرن چهارم هجری - نیمه قرن دهم میلادی

سوم - قرن ششم بیعد - دوازدهم بیعد

و چون دوره اول مهمند و مطابقت با سایر علایم میکنند میتوان گفت که سکه‌های دوره سوم از دست رعایا که در حدود قرن دوازدهم و سیزدهم میلادی در اطراف این ناحیه بوده‌اند افتاده زیرا شهر نیشابور پس از غارت غزها بمحل دیگر انتقال یافت و تنها سکه‌های دوره دوم مهمند که در زمان صلح و صفا و زمان حکومت محمد بن سیمجور که از طرف منصور اول و نوح دوم در آنجا حکومت میکرده بوده است.

پس کتیبه‌های سبزپوشان بین سنوات (۳۰۵-۳۲۱ هجری) (۹۶۱-۹۷۱ میلادی) نوشته شده است.

خلاصه سکه‌های پیدا شده

از ۱۸ سکه پیدا شده در سبزپوشان ۳۱ سکه آن تاریخ دوم و سوم هجری - (هشتم و نهم میلادی) را دارد و دو سکه آن متعلق با اواخر سامانی است و چهار سکه آن تاریخ معین ندارد.

از ۱۳ سکه تیه الب ارسالان ۹ سکه آن متعلق بقرن هشتم و نهم و بقیه بدون اهمیت اند.

خلاصه از روی سکه‌هایی که توسط ابو مسلم باسم عبدالرحمن ضرب شده و سکه محمد المهدی که حکومت افتخاری نیشابور را داشته (۱۳۱-۱۵۱ هجری) (۲۵۸ - ۲۶۸ میلادی) و از سکه ضرب شده در بخارا (۱۶۰ هجری) (۲۲۶ میلادی) توسط عبدالملک بن یزید الخراسانی که حاکم نیشابور بوده و دیگر از موحد بن

مد

مسلم و سایر سکه ها که در این ناحیه پیدا شده است میتوان ثابت کرد که ساختمان
و تعمیرات این ناحیه در این قرن بوده است اطلاعات بیشتری در این باب منوط
با کشفیات بیشتری است.

تهران - دکتر بهمن کریمی

اول مهر ماه ۱۳۳۹

بسم الله الرحمن الرحيم

رب يسر وتمم

حمد و سپاس لایق بعد دانش و انفس خلایق مرخالق قدیم را که
جوهر روحانی و عناصر جسمانی از مکان عدم در میادین وجود، بقدرت بدیع
ابداع کرد. و بسایط فسطاط خضرا، و بساط بسیطه غیر ادا محتوی بر غرایب حکم
بحکمة منیع اختراع فرمود. و باختلاف احوال سال بشتا و مصیف، و اتفاق ایام و لیل
بریم و خریف صحاری و براری و جبال و تلال آنرا مظهر اطهار اجناس از هار،
و انتشار انواع انوار ساخت. و باینات نبات در مراتع اوساط بسیط و حواشی آن
بطیب هوا و تطیب غذا بر صنوف و افراد رواتع و حواشی خصوصاً در خراسان،
خور آسان کرد، و قطر نسا بود صینت عن الفتور باعتدال هوا و فسحت فضا و تزه اماکن
و خلقة معادن بر اماکن و مساکن اقطار هر دیار فضیلت بخشید، و طینت طیب و تربت
طاهره آنرا منبعث اولیاء کرام و اصفیاء عظام و علماء هداة و ادباء نقاة داشت.
درود بیغایت و سلام و تحية بی نهایت کی آن خلص کرام باوقبات و لیالی و ایام باد
فره نثار، نثار آستانه نبوت حضرة سید المرسلین و شفیع المذنبین و رحمة للعالمین
و خاتم النبیین صلوة الله و سلامه علیه و علی آله و صحبه اجمعین کردند
سبب رفعت مقام، و قربت علی الدوام، و حلول منازل هدایة عظمی، و صعود
مدارج ولایة کبری ایشان گردانید: صلوة الله و تحیاته علی المصطفی حبیب الله
محمد النبی الامی و علی آله و اصحابه اجمعین.
غرض از عرض این تقریب آنکه در سالف زمان، و سابق اوان و قرون ماضیه،

سنه ثمان و ثمانین و ثلثمائه. شیخ اسلم واسوه اولیای کرام سلطان المحدثین برهان المحققین امام حاکم شیخ ابو عبدالله النیسابوری رضی الله عنه. بوصف نسابور قدیم، کتابی کریم بلغت فصیح صریح، ثبت فرموده اند، و مقصود اعظم و مقصد اهم از آن کتابه ذکر اسامی کرام صحابه و عظام تابعین و اولیا، و اصفیاء امت است که بآن بلدة نفیسه وارد و صادر شده اند و در آن شهر نشو و ظهور یافته و بذکروقت ولاده، و صفت نشاء، و بیان نسیت، و ارادة و سلوک و ریاضة، و کیفیة صحبت و خلوة، و شرح کرامه و مدة حیوة و سنه وفات و مدفن هریک از آن ارباب الباب، آن کتاب با جاده مجلد اطناب یافته و بر سبیل مذیل و طریقه تطویل بعضی از اوضاع شهربانی و بنا و بنیان و قلب احوال و ظهور دین اسلام و اسلامیان بس اوصاف معابد و مساجد و بعضی مفاخر و مآثر آن بیان فرموده، و با اشاره آیه و حدیث نفیس و آثار ائمه کبار موشح گردانیده، بعدها بعضی از اجله کرام و ائمه اسلام رضی الله عنه و عنهم از آن کتاب نفیس مختصری هم بعبارة تازی مشتمل بر اسامی کرام اولیا و اعلام اصفیا و بعضی از آن مزیلات انتخابی فرموده بعد الاستجازات آن اختصار را بآثار سلف بطریق ایجاز بعبارت فارسی ترجمه اتفاق افتاد مگر آیات تنزیل و احادیث نبیل که بهمان نظم فصیح صریح کتابه یافت و رمزی از آن بفارسی معروض گشت.

نکته که کشف بعضی مقاصد آن کتاب بآن منوط و فهم مراد بآن مربوط است، آنست که بعرف فصحاء عرب و مسکنان غرب، خراسان عبارت از طرف شرق است تا غایت که: خوارزم و ماوراء النهر و حوالی آنرا خراسان خوانند و دیگر آنک هر متکلم بلغت اهل خراسان را بفارس نسبة دهند و فارسی گویند هر چند اصطلاح این دیار خراسان عبارة از این بعضی اماکن معینه و فارس اشاره بآن بعضی بلاد معلومه است چنانچ سلمان رضی الله عنه با آنک اتفاق جمهور است که از اصبهان بود و اصبهان

از عراق عجم است ایشان را بفارسی وصف فرموده اند و کلی این کلمات ترجمه کلام آن امام است قدس سره و اگر احیاناً بوجه تقریب و محل تاویل حکایتی یا روایتی از جانبی دیگر ذکر کرده شود بر آن تنبیه خواهد شد و بالله العصمة والتوفیق ذکر مخاخر خراسان باشارت آیات و احادیث

و اخبار کبار سلف

عن ابی هریره رضی الله عنه فلما نزلت هذه الآية «و آخرین منهم لما یلحقوا بهم» کلهم فیها الناس فاقبل رسول الله صلی الله علیه وسلم الی سلمان فقال هم قوم هذا «لو کان الدین بالثریا لئاو له رجال هو الاء»

امام حاکم فرمود که این حدیث در صحیح امام مسلم قشیری رضی الله عنه مذکور است مفهوم آیه و ماقبل آن والعلم عند الله: اوست آن خدائی که بعث فرمود در عرب رسولی از ایشان که میخواند برایشان آیات او، و پاک میگرداند ایشان را از اعتقادات و اعمال خبیثه، و تعلیم میدهد ایشان را قرآن و احکام شریعت و سنة، و بدرستی که بودند ایشان پیش از آن بعثت در ضلالتی آشکار و در کسان دیگر یعنی بعث فرمود در عرب و در کسان دیگر آن رسول را و آن کسان ذکر قولی است که همه مؤمنان اند که بعداً از صحابه پیدا آمدند و پیدا آیند تا قیامت. و قولی دیگر آنست که مراد عجم است بدلیل آنکه چون این آیه نازل شد صحابه در آن سخن گفتند و دوبار یا سه بار از حضرة صلوة الله علیه و سلامه علیه سؤال کردند سلمان فارسی رضی الله عنه حاضر بود حضرة صلوة الله علیه و سلم دست مبارک بر سلمان نهادند و فرمودند این قوم او، و در حدیث که مذکور شد چنین است که آن گروه قوم این اند. اگر ایمان معلق بودی پیروین هر آئینه دریافتی او را مردانی از قوم او

و جهی دیگر در آیه آنست که بعث فرمود رسولی که تعلیم میدهد ایشان را قرآن

وسنت و تعلیم میدهند آن کسانرا قرآن و شریعت و سنة و تحقیق آیه چنان مینماید که هر يك و عالم بكتاب و سنة که بود و باشد تأقیامت پاك کننده و تعلیم فرمایند همه نور مقدس حضرت مصطفی اند صلوة الله و سلامه علیهم بسلامان فارسی و یاد کردن ایشان قوم اورا اشارت است بهمه کسانی که بفارسی سخن میگویند تا اقصی بلاد خراسان این آیه در شان این جماعت نازل است. و ایضا در حدیث است که چون حضرة صلوة الله و سلامه علیهم این آیت خواندند که: ان تتولوا یسئدکم قوم غیر کم ثم لا یكونوا امثالکم مفهوم آیه و العلم عند الله اگر روی بگردانید یعنی از ایمان و طاعة بدل آورد خدای تعالی قومی غیر شما. پس نباشند ایشان امثال شما یعنی روی از ایمان نبگردانند و طاعت کنند. صحابه گفتند یا رسول الله کیستند آنها که بدل ما بیاورند و نباشد امثال ما حضرت صلوة الله و سلامه دست مبارك بر ران سلمان زدند پس فرمودند هذا قومہ این و قوم او. لو کان الدین عند النریالناوله رجال من الفرس اگر بودی دین نزدیک پروین هر آینه فرا گرفتی آنرا مردانی از فرس یعنی فارسیان

عن ابن عباس. قال ذکرک فارس عند النبی صلوة الله و سلامه

الاحادیث

علیه قال فارس عصبتنا اهل البیت قلنا ولم یا رسول الله قال لان

اسمعیل عم ولد اسحق - واسحق عم ولد اسمعیل

عبدالله عباس رضی الله عنهما فرمود که ذکر کرده شد فارس پیش حضرت نبی صلوة الله و سلامه علیه فرمودند که فارس عصبه ما اند اهل البیت، گفتیم چرا یا رسول الله فرمودند برای آنکه اسمعیل عم فرزندان اسحق اند، و اسحق عم فرزندان اسمعیل. عصبه اقربارا گویند که از طرف پدر باشد چون برادر پدر و مادری و پدري و پسران ایشان و عم همچنین و پسران ایشان گویند که این طایفه از اولاد اسحق اند علیهما السلام.

عن ابی هریره: قال رسول الله صلوة الله وسلامه علیه اعظم الناس نصیافی الاسلام اهل فارس
مفهوم حدیث والعلم عند الله بزرگوارترین آدمیان بجهت نصیب در اسلام اهل فارس اند.

آثار سلف عظام رضی عنهم

حضرت امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمودند: والعلم عند الله ترجمه
این است بدرستی که خدایا بخراسان شهر است که آنرا مرو گویند اسس آن
ذوالقرنین کرد و وزیر علیه السلام در آنجا نماز گزارد در آن جویهای آب روان نهاده
وزمین آن گشاده بر هر دری از درهای آن ملکی شمشیر کشیده دفع میکند از آن شهر
بلاراتار و قیام ساعت. و بدرستی که خدایا بخراسان شهر است آنرا طالقان گویند چه
گنجها است در آن شهر، لا از نقره و زر لکن مردان ایمان دار، دین پرور، ایشان در مصلی
بطاعت قائم و خلق در بستر نائم. و بدرستی که خدایا بخراسان شهر است که آنرا شاش
گویند قایم او در حجرات و نائم در جامه خواب همچون مجاهد آلوده بخون است در
راه خدای بطلب ثواب. و بدرستی که خدایا بخراسان شهر است که آنرا بخارا گویند
و چه مردانند بیخارا ایمن از فریاد هنگام فتور، ساعه اندوه خندان از سرور، خوش
باد بخارا را اطلاع فرمایند: خدایتعالی برایشان هر روز اطلاعی پس بیامرزد هر کس
را که خواهد از ایشان و توبه قبول کند از هر که توبه کند از ایشان. و بدرستی که
خدایتعالی را بخراسان شهر است آنرا سمرقند گویند بنانهاد آنرا شمر بن برعش در
گذرد خدایتعالی از گناهان ایشان و قبول کند فریاد و اندوه ایشان منادی می کند
بایشان هر شب منادی خوش باد شما را و خوش باد شما را جنة عیش خوش و گوارنده
باد سمرقند را، و هر که را در حوالی او نبست ایمن آید از عذاب خدای تعالی در روز
قیامت. اگر فرمان برید سید کریم را صلوة الله و سلامه علیه، پس فرمودند حضرت

امیر المؤمنین کرم الله وجهه خادم خاص خود ابن کوا رضی الله عنه که ای ابن کوا چندست میان فوشنج و هرات گفت شش فرسخ فرمودند نی بل هفت فرسخ است زائد نیست يك ميل و كم نیست يك ميل. همچنین خبر کرد مرا خلیل من یا حبیب من صلوة الله علیه بعد از آن فرمود بدرستیکه خدای تعالی را بخراسان. شهر است آنرا طوس گویند و چه مردانند بطوس مؤمنان در میان ایشان است حجة قائم باشد بطاعت او و احیا کنند سنت نبی او صلوة الله و سلامه علیه. و بدرستیکه خدای را بخراسان شهر است آنرا خوارزم گویند نائم او در و همچون قائم است در درازتر ایام تابستان. بدرستیکه خدای را بخراسان شهر است آنرا جرجان گویند خوش است زرع او، سبز است صحرای او و کوههای او، کثیر است آبهای او، وسیع است بر خوردن گان مایه های او، او امر خدا را متر صد، و بطاعة او متعبد خوش ایشان را و خوش ایشان را. اگر ایمان آرند و طاعة دارند. و بدرستی که خدای را بخراسان شهر است آنرا قوس گویند وجه کوهها است بر جوانب قوس. و بدرستیکه در قوس اعتبار و منزلت است ارباب الباب را.

و امام شعبی رضی الله عنه گفت نرود شبها و روزها تا منتقل نگردد علم بخراسان و عبدالله عباس رضی الله عنهما گفت چون برون آید علماء سپاه از خراسان آن مار است اهل البیت.

و روایة است از شريك بن عبدالله که او گفت خراسان کنانة خدای است عزوجل در زمین او. پس چون غضب فرماید خدای تعالی بر قومی تیرزند ایشان را بکنانة خویش و عبدالله مبارك گفت که بیرون نیامد از خراسان علمی که باز گردانیده شده باشد پیش از آنکه فتح و نصرت یابد و امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمود که بدرستیکه مرید ما ابراهیم را علیه السلام

نشانها بود در کوهها خراسان، بآنجا آمدی و آنجا مسجد بنانهاد، و آثار ایشان اینجا پیداست و عبدالله عباس رضی الله عنهما در مسجد حرام غریبی دید فرمود که بگوی از کدام شهری گفت از اهل خراسانم گفت از کدام شهری گفت از هراة گفت از کدام موضع هراة گفت از فوشنج گفت مرا ابراهیم را علیه السلام دو مسجد بود مسجد حرام یعنی درمکه و مسجد فوشنج. پس از درختی که نزدیک مسجد بودی پرسید فوشنجی گفت درخت بر حال خودست. فرمود که پدرم عباس بن عبدالمطلب رضی الله عنه مرا گفت که بسیار در سایه آن درخت چاشتگاه خواب کرده ام.

ذکر فضائل نیشابور شیخ ابن جریر از کبار تابعین فرمودند که بهترین خراسان نیشابور است پرسیدند که برای خود فرمودید گفت بل که شنیده ام در حدیث، امام حاکم فرمود این آن حدیث است که مروی است از ابن مخارق عن النبی صلوٰة الله و سلامه علیه: قال خیر خراسان نیشابور و روایت است از شیخ ابراهیم بن طهمان و ایشان نیز از کبار تابعین اند که خیر خراسان نیشابور است و شیخ عبدالله مؤذن نیشابوری رحمه الله گفت حضرت خواجه را صلوٰة الله و سلامه علیه بخواب دیدم که فرمودند که من این انت از کجائی تو، گفتم از نیشابور فرمودند صلی الله علیه و سلم نعم البلد نیشابور. نیک شهر است نیشابور.

ذکر صحابه کبار رضوا الله علیهم رسیده اند یا گذشته اند یا ساکن شده و روضه، مبارک ایشان آنجا است: قال صلوٰة الله و سلامه علیه

به نیشابور

ما من احد من اصحابی يموت بارض الابعث

قائداً او نورالهم يوم القيامة: العلم عند الله فرمودند که نیست هیچ یکی از اصحاب

ما که فوت شود در زمینی مگر که برانگیزند او را پیش رو اهل آن زمین یا نور ایشان

روز قیامت. راوی را شک است که قاید فرمودند یا نور فرمودند

امام حاکم فرمود که هر کدام از صحابه که بمرو یا هرات یا بلخ یا بخارا یا سمرقند
فرود آمده اند به نیشابور آمده اند در رفتن و آمدن و یارفتن یا آمدن .

اول ابو الفضل عباس بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف عم حضرت خواجه
ماصلوة الله و سلامه علیه و حاصل قصه ایشان آنست که ایشان اول عمر تجارت میکردند
واز دیار مکه بخراسان میآمدند و اجناس بزازی از خراسان میبردند و تردد ایشان
بهره و فوشنج بود .

عبدالله عباس رضی الله عنهما گفت پدرم مرا خبر کرد که او بسیار بزر
درخت خواب چاشتگاه میکرد عبدالله عباس مردی را دید از خراسان گفت از
کدام شهر خراسانی گفت از اهل فوشنج گفت آن درخت که در کوه اسفار (؟) است
میدانی گفت بلی همچنان است گفت که پدرم گفت که بسیار آنجا خواب چاشتگاه
کرده ام و فرمود که پدرم رخت بزازی از خراسان بمکه میبرد ابن مخلد میگوید که
شیخ من بمکه مرا گفت کسی را دید جامه های عجیب نه برسم اینجا پرسیدم که کیست
گفتند عباس بن عبدالمطلب عم خواجه ماصلوة الله و سلامه علیه از ایشان پرسیدم که این
جامه از کجاست فرمود که بهره بودم از آنجا آوردم این جامه هارا

صحابی دیگر: بریده بن حصیب بن عبدالله اسلمی چون حضرة خواجه ماصلوة الله
و سلامه علیه از غزاء بدر مر اجعت فرمودند و اسلام آورد و آخر در مرو فوت شد و نزدیک
حصارک مرو دفن کردند پسرش عبدالله میگوید که پدرم بریده گفت مرا حضرة مصطفی
صلوة الله و سلامه علیه فرمود یا بریده: انه سيبعث بعدی یعوث فاذا بعثت تلك البعوث فكن
فی بعث المشرق ثم كن فی بعث خراسان ثم كن فی بعث ارض يقال له مرو فاذا اتيتها فانزل
مدینها فانها بناها ذا القرنین و صلی فیها عزیزانها تجری بالبركة علی کل باب منها
ملك شاهر هاسیفه يدفع السوء عن اهلها الی یوم القیامة . مفهوم حدیث و العلم عند الله

ای بریده بدرستی که برانگیخته شود از مالشگرها سپس چون برانگیخته شدند آن لشگرها پس باش در لشگر مشرق پس باش در لشگر خراسان پس باش در لشگر زمینی که گفته میشود مرا مرو پس چون یسائی در آن زمین فرود آی در شهر آن پس بدرستی که آن شهر بنا کرده است آنرا ذوالقرنین و نماز کرده است در آن عزیز جویهای آن میرود ببرکت. بر هر دری از آن ملکی است شمشیر کشیده دفع میکند بدی از اهل آن تا روز قیامت. و روایتی دیگرست از رسول صلوة الله و سلامه علیه که بریده ربع الاسلام. العلم عند الله بریده چاریک اسلام است و مؤید این حدیث است آنج روایت است که بریده اسلام آورد آن وقت که حضرة خواجه ماصلة الله و سلامه علیه از مکه هجرت فرمودند بالامیر المؤمنین ابی بکر رضی الله عنه و عامر بن فهیره بمدینه بریده آمد و از جانب مکه بود اگرچ هنوز آشنا نبود اما جو بر نبی آمد و پی روی کرد باین بی روی نیز محبوب حق شد و نور نبوت بر وی تافت و اسلام آورد و چون سیم خدام شد که با حضرة بودند صلوة الله و سلامه علیه او را ربع اسلام خواندند و بریده گفت بمدینه در نیائیم مگر با علمی و جامه خود بگشاد و بر سر نیزه تعلیق کرد و در پیش مرکب حضرة خواجه ماصلة الله و سلامه علیه میرفت پس اول علمی که در اسلام بسته شد علم بریده بود رضی الله عنه و ارضاء و بریده و این قصه و بودن او در خراسان فضلة و مفاخرة است اهل خراسان را

و روایت است که خواجه ما صلوة الله و سلامه علیه فرمودند مرا او را یا بریده لایکل بصرک ولا یذهب سمعک انت نور الاهل المشرق مفهوم حدیث و العلم عند الله. ای بریده مانده نشود بصر تو و نور و سمع تو و تو نوری اهل مشرق را وصیت کرد که چون فوت شود او را بر میان راه جاده دفن کنند و چون قبر کنند و لحد ساختند از همه جوانب دیوارها و لحد در هم افتاد از آنجا دور بردند و علی حده بر میان راه گذر روضه او مرتب کردند رضی الله عنه

صحابی دیگر- عبدالله بن حبیب برادر بریده پیشتر از بریده وفات کرد رضی الله عنهما
 صحابی دیگر: الحکم عمرو الغفاری رضی الله عنه امام حاکم فرمود که معاویه بن
 ابی سفیان حکم را بر مال خراسان عامل کرد حکم رضی الله عنه با کفار جهاد کرد و
 غنیمت‌ها بسیار گرفت بمعاویه نامه نوشت که غنیمت‌ها بسیار بسیار گرفتم معاویه باو
 نوشت که نیک بنگر هرج از صفرا و بیضا یعنی زرو نقره یابی همه را با امیر المؤمنین
 بفرست و باقی بر لشکر جهاد قسمت کن حکم رضی الله عنه علما را جمع کرد و گفت
 حکم شرع چیست گفتند کتاب خدای تعالی آنست که همه از آن لشکر جهاد است
 مگر خمسی که از آن سادات و دیگر مستحقانست و گفتند که معاویه را در آن حتی
 نمی‌بینیم حکم رضی الله عنه بمعاویه نامه نوشت که نامه تو با کتاب خدای عرض کردم
 موافق نبود متابعت کتاب خدای واجب دیدم آنچه غنیمت گرفته بودم همه بر لشکر
 قسمت کردم معاویه فرستاد تا او را حبس کردند و در سلاسل و بندها کشیدند حکم خسته
 شد و در آن فوت شد بوقت وفات وصیه کرد که او را با سلاسل و بندها دفن کنند تا مخلصه
 کند با معاویه روز قیامت که او را برای چه امر بند کرده است و او را پهلوی بریده
 دفن کردند چنانکه میان ایشان یک ذراع یش نیست رضی الله عنهما.

صحابی دیگر: عطیه بن عمرو الغفاری برادر حکم که ذکر رفت و او نیز مدفونست
 بمرو نزدیک برادر او حکم رضی الله عنهما.

صحابی دیگر: ابوزره اسلمی رضی الله عنه و نام او گفته‌اند عبدالله و ساکن
 مدینه می‌بود از آنجا بصره آمد بس بخراسان آمد و در خراسان فوت شد سر او
 اولاد او بمرواند بدستی که روایت است که به نیشابور فوت شد اینجا آسوده است
 رضی الله عنه

صحابی دیگر: عامر بن سلیم الاسلمی رضی الله عنه و می‌گویند که او صاحب علم

بود کرم الله وجهه سه مقدمه علم نحواز ایشان تعلیم گرفت و علم نحو استنباط کرد و بخلیل بن احمد آموخت و خلیل بسیبویه آموخت و اقوام دیگر بس این علم منتشر، ختخام را بمر و اولاد و آثار است.

صحابی: العباس بن عباس السلمی الشاعر باحضرت صلوٰة الله و سلامه علیه صحبت داشت و او را درمر و فرزندان بودند

صحابی: اقرع و ورقه پسران حابس تمیمی.

صحابی: محقر بن اوس باحضرة صلوٰة الله و سلامه علیه صحبت داشت و آخر بموقف وطن گرفت.

صحابی: قاسم بن عباس بن عبدالمطلب با لشگر اسلام بغزا بخراسان آمد و بالمر المؤمنین حسن کرم الله وجهه برادر رضاعی بود و او بسمرقند فوت شد و او را بحضرة صلوٰة الله و سلامه علیه مانند میگفتند چون پسر عم بود.

صحابی دیگر: اس بن ثعلبة التمیمی باسعید بن عثمان بغزا بخراسان آمد

صحابی دیگر: کعب بن عتیه او را بمر و اولاد بود

صحابی: عبد الله بن خازم سلمی والی نسا بود از جانب عبد الله بن عامر و ساکن جوین شد و او را آنجا اولاد شدند امام حاکم فرمود که آنجا اولاد او را دیدم قوی بودند دهاقین.

صحابی: ابو عمرو انصاری درمر و درقریه بایشان ساکن شد و او را اولاد بودند علما و فقها

صحابی دیگر محمد مولی حضرة خواجه ما صلوٰة الله و سلامه علیه و از مرو بود تجارت میکرد نام او ماناهیه بود مجوسی نمودی خود را ناگاه نام حضرت ما

شنود صلوٰة الله و سلامه علیه هجرت کرد و بحضرت خواجه آمد صلوٰة الله و سلامه علیه او را محمد نام نهادند و مولی حضرة شد صلوٰة الله و سلامه علیه و سلمان بمر و مراجعه

کرد و در مقابل در مسجد جامع مرو سرای او بود

امام حاکم فرمود که آنجی بماند از صحابه که این دیار بقدم ایشان مشرف شد این بود که ثبت افتاد.

ذکر بزرگان کی بنسب نیشابور رسیده اند از علما و اشراف تابعین رضوان الله علیهم اجمعین و ساکن شده اند یا گذشته اند

فایده - هر کس که با ایمان در بیداری حضرة خواجه مصلوة الله و سلامه علیه را دید و صحابی است و آنها که با ایمان صحابه را در یافتند اما خواجه مارا صلوٰة الله و سلامه علیه ندیدند یا دیدند اما در آن زمان ایمان نیاوردند بعد از آن ایمان آوردند این جماعه را تابعین خوانند. کعب اخبار در زمان خواجه ما بود صلوٰة الله و سلامه علیه اما بعد از آن زمان ایمان آورد او نیز از تابعین است و کسانی که صحابه را ندیدند اما علماء تابعین را دیدند این جماعت را تبع تابعین گویند و کسانی که این جماعت بزرگان را دریافتند اما تابعین را ندیدند ایشان را اتباع گویند تابعین قرن دوم اند از صحابه - تبع تابعین قرن سیم اند از صحابه - اتباع قرن چهارم اند از صحابه رضوان الله علیهم اجمعین

احنف بن قیس سعیدی. امیه بن اسعد خزاعی. اسلم بن ذرعه. اس بن ودیعہ. ارقم بن ارقم. در زلزله نسابور بر رحمت خدای منتقل شد. بسر بن جلال عدوی. بکر بن با عرکوفی. بشیر بن یحیی. از علما تابعین بود. و از نسابور بود بمرو و ساکن شد، ثمانه بن عبد الله بن انس بن مالک رضی الله عنه. جعد بن هیره مخزومی حضرة امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه خال او بودند علم از حضرة ایشان آموخت و حدیث از ایشان روایت داشت جاریه بن بدر بن نسابور فوت شد و مدفن مبارکش اینجاست، خراج بن عبد الله الحلمی ابن سعید البلخی جراب بن عبد الله التمیمی الحسن البصری الزاهد النقیه الواعظ کنیه ابوسعید و کنیه ایہ ابوالحسن از تلامذه و تربیه یافته حضرة امیر المؤمنین علی بود کما هو

مشهور کرم الله وجهه. الخثر بن عمرو الکیدی، الحکم بن کثیر الحارث المازنی
 حذیر بن المبذر، حجاج بن الثقفی، خلد بن عبدالله خلد بن الاسلمی داود بن عمان بن
 حبیب. ابوسلیم النیشابوری علم حدیث از انس بن مالک استفادہ کرد. الربیع بن
 انس بن مالک بمرو ساکن شد، الربیع بن زیاد بهراة فوت شد، زید بن الحواری البصری
 قاضی هراة، زیاد بن ابی عمرو والتابعی، سعید بن امیر المؤمنین عثمان بمدینه متولد شد
 وبالشکر تمام بغزاء خراسان آمد و در آن لشکر صحابه و تابعین بودند و نیشابور آمد
 و لشکر بماوراءالنهر برد و بخارا و سمرقند او فتح کرد، سعید بن عبدالرحمن
 السلیم البصری، سلیمان از اولاد حبیب الاسلمی، سالم الخراسانی و او از
 نیشابور بود، سلیم بن ربیعہ - شهر بن حوشب، صلت بن ایاس، سفرة بن حمید
 ضحاک بن مزاحم، طلحة بن ایاس البصری، طلحة الطلحات، بالشکر سعد بن عثمان
 بود رضی الله عنه نیشابور آمد عبدالله بن بریده بن خضیب الاسلمی، عبدالله صامت
 و این صامت پسر برادر ابی ذر غفاری بود رضی الله عنه، عامر بن شراحیل الشعبي
 همدانی، علقمة بن تیس النخعی از ملازمان تلامذه حصرة امیر المؤمنین علی کرم
 الله وجهه علم از ایشان آموخت، عطاب بن ابی السایت المکی، عمرو بن عبدالله
 الهمدانی، عمرو بن سالم الانصاری، عمرو بن مسلم عمرو بن عبدالله عکرمه، مولی
 عبدالله عباس مدتی در نیشابور فتوی او داد، عباد البصری، علی بن احمر، غیاث
 بن عبدالله از کبار الصحاب امیر المؤمنین علی بود کرم الله وجهه، قرعة بن دنیا
 و قتیبة بن مسلم از علماء تابعین بود و والی خراسان بود، محمد بن واسع البصری
 الزاهد مهلب الاردی، مغیره بن عبدالملک، مشعث بن طریف، مروان بن عیبدالله
 النیشابوری وله اولاد کبار، مصعب بن ابی زهیر مقاتل بن سلیم البلخی، منصور بن
 عبدالحمید الخراسانی، نصر بن عمران نافع، مولی عبدالله بن عمر، نافع الارزق

نهار العبدی، وهب بن منیه ابن وهب وهمام و عبدالله و معقد پسران منیه از هراة بودند کسری ایشانرا جلا کرده بفارس برده بود هرون بن عبدالله بن عامر، لاحق بن حمید، یحیی بن یعمر فقیه ادیب از کبار تابعین بود، ابن حمید البصری، یحیی بن عقیل البصری، یزید بن المهلب و الی بود هر یک از این بزرگان کوکب دری آسمان علم وهدی بوده اند.

ذکر اتباع التابعین من النسابوریین و من وردها اوسکنها او حدث بها

من علماء الاسلام: ابراهیم بن طهمان بن سعید الفقیه الزاهد بهراة متولد شد و بنسابور وطن گرفت و آخر بمکه رفت و مجاور شد آنجا بر حمت حق منتقل شد رضی الله عنه وارضاه، ابراهیم بن مرء بن بصر بن انس بن مالک انصاری، ابراهیم بن رستم المروزی الفقیه ساکن نیشابور شد و اینجا وفات یافت ابراهیم بن سلیمان البلخی، اسمعیل بن ابراهیم النیشابوری، اسحق بن بشر الکاهلی، ابو حذیفه البخاری اصل او از بلخ و منشأ او بخارا، احمد بن ابی طیبه الجرجانی، اصم بن حوشب الخراسانی، اصم بن غیاث النیشابوری مسجدی فی محلة الزمجار اسد بن عبدالله از علما بود و والی بود در خراسان، انس بن عیاض المدنی، بسار بن قیراط النیشابوری، بکر بن معروف النیشابوری، سنه ثلث و ستین و مائه وفات یافت، جعفر بن الحارث جارد النیشابوری، حسن بن محمد القاصی، حسین الولید شیخ شهر بود در نسابور سنه ثلث و مائین بر حمت حق پیوست، حسین بن داود البلخی حماد بن سلیمان الفقیه النیشابوری مسکنه بمحله قر حفص بن عبدالرحمن النیشابوری، حفص بن سالم السمرقندی، حجاج بن ارمطة الکوفی، عییب بن مهران النیشابوری، الحکم بن عبدالله البلخی خارجه بن مصعب السرخسی، اود بن سلیمان الجرجانی داود القشیری، زافر بن سلیمان القهستانی زهیر بن محمد

نسابوری سکن مکّه والمدینه ، سفین بن الثوری امام عصره و زاهد زمان نسابور رسید
 وقت رفتن بیخارا ، سفیان بن حسین سلمی ، سلیمان بن عیسی سخری ، سلم بن قتیبه که
 این قتیبه والی خراسان بود ، سالم بن سالم البلخی ، سعید بن سالم بن قتیبه چون جد
 والی نسابور بود ، شیبان بن ابی شیبان ، شفیق بن ابراهیم الزاهد البلخی ، صالح بن سعید
 النیسابوری ، عبدالله بن مبارک امام عصره فی الافاق ، عبدالله مسلم الدمشقی ، عبدالله بن
 عبد الرحمن النیسابوری ، عبدالله بن و افدالهروری ، عبدالله بن عبد الرحمن عیّدالله بن
 محمد النیسابوری فقیه عصره ، عبدالله بن المطوعی ، عبد الرحمن بن مسلم ابوقتیبه ،
 ابومسلم عبد الرحمن حاجب الدوله عبد الرحمن بن عبدالله النسوی قاضی نیشابور ،
 عبد الرحمن عماد النیسابوری ، عبد العزیز بن ابی رواد ، عبد العزیز المروزی ،
 عبد الملك الاصمعی

اما اهل اللغة عمر بن هارون البلخی ، عمر بن الرماح ، ابو عبدالله عمر القاضی اصل
 او از بلخ بود اما عبدالله نیشابوری است ، عمر بن قیراط النیسابوری ، عیسی بن موسی
 البخاری ، عیسی بن ابراهیم القرشی ، عیسی بن نصر الله السرخسی ، ابو عامر النیسابوری ، عامر
 خدّاش النیسابوری ، عینه بن عبد الرحمن اللغوی ، فضل بن خالد النحوی ، فضل بن موسی
 المروزی ، قتیبه بن سعید البغلائی در نیشابور مقیم شد عینه قحده بن سلیمان البصری و در نیشابور ،
 کتانه بن حلّیله الهروی و گویند یوشنج ساکن بود ، محمد بن مشیر الصقانی ، محمد
 بن الفضل بن عطیه محمد بن الحق القرشی . توفی بیغداد ، محمد عبد الرحمن المقری ،
 معمر بن حسین الهروی ، معروف بن حسان ، مورخ بن عمر و البصری اقام نیشابور ابو سهل
 نصر النیسابوری ، نصر بن عبد الکرم النیسابوری مکی بن ابراهیم البلخی ، مجیر بن مخدّم
 در اصل از بصره بودند اما در نسابور متولد شد ، نهشل بن سعید بن وردان از علماء
 نسابور بود ، مسکن او در کوچهر امین بود در مسجد او مسجد عتیق بر سر کوچه بعدها

بلقباد انتقال فرمود، نوح بن ابی مریم المروزی، نصر بن سمیل المازنی صاحب علم عربیة، وهب بن وهب الفرسى القاضی و او از خراسان بود در اصل بى شکى و گویند که از نسابور بود و لید بن سلمه الازدى از اهل طبرستان بود، هباح بن بسطام التمیمی الهروى اکثر اوقات ساکن نسابور می بودند مدفون مذکور نیست اما یحیی بن صیحح النیسابورى معلم قرآن اول معلمی که در نیشابور قرآن بمسلمانان تعلیم داد و مسجد ایشان معروف بود بر در کاروان سرای معربکه رفت و آنجا وفات یافت رضی الله عنه امام المحدثین که دعا بر سر قبر ایشان مستجاب است البته اما یحیی بن بکر بن عبدالرحمن التمیمی کنیت ابو زکریا معلم قرآن بود بنیسابور متولد شد اولاد در نسابور مدفون اند در معبره، حسن بن معاذ بن مسلم رضی الله عنهم

اتباع الاتباع بعد الصحابه وهو القرن الرابع بعد النبوة والثالث بعد الصحابه ابراهیم بن نصر بن منصور ابواسحق الفقیه، ابواسحق ابراهیم بن هانی النیسابوری سکن بیغداد، ابراهیم بن الحارث بن اسمعیل ابواسحق البغدادی سکن نیشابور و توفی بها، ابراهیم بن مغلدا الکبیر، ابراهیم بن محمد بن عبدالله الرباطی و یقال له الحمل، ابراهیم بن عبدالله بن یزید السعری، ابراهیم بن سالم ابو خالد النیسابوری، ابراهیم بن زید الاسلامی النیسابوری، ابراهیم بن الاشعث ابواسحق البخاری ابراهیم بن اسحق عیسی السان الطالقان و یقال المروزی، ابراهیم بن ابی صالح و ابو صالح اسم هاشم بن عبدالله التتقی المروزی ضاضی نیشابور و توفی بها، ابراهیم بن محمد القرشی من اهل مدینه و رد بن نسابور و استوطنها و توفی بها، ابراهیم بن محفوظ ابواسحق السلمی، ابراهیم بن سعدان الحمراوی ابواسحق الازدی النیسابوری، ابراهیم بن منصور ابواسحق، ابراهیم بن شماس المروزی الزاهد ابراهیم بن هاشم بن منصور النیسابوری ابراهیم بن مهد البر از البصری امام بن نسابور، ابراهیم بن محمد بن عبدالله السلمی و محمد ملقب

ملاحمش النیسابوری، ابراهیم بن عمار الانصاری، ابراهیم بن الایوب النیسابوری، ابراهیم
 بن عثمان النیسابوری، ابراهیم بن سلیمان الخیاط النیسابوری، ابراهیم عبدالرحمن البصری
 نزیل نیشابور، ابراهیم بن الفضل ابواسحق النیسابوری، ابراهیم ابن الفضل یحیی
 النیسابوری، ابراهیم بن القاسم اخو بشر بن القاسم الفقیه، ابراهیم بن الحصین بشر النیسابوری
 ابراهیم بن حرب ابواسحق النیسابوری، اسمعیل بن ابراهیم بن الولید الاسفراینی،
 اسمعیل بن الفضل ابو ابراهیم قاضی جرجان یعرف بالشالنجی، اسمعیل بن
 الحجاج، اسمعیل بن حمید النیسابوری، اسحق بن محمد بن مطر الحنظلی ابو یعقوب
 راهومه مکن بنسابور و توفی بها و قیل اصله مروزی و قیل هروی و لکن مات
 بنسابور قال له عبدالله طاهر لم قیل لك راهویه و مامعناه قال انا ولدت فی طریق مکه
 فقالت المراهویه راهویه لانه ولد فی الطريق و كان ابی یكره هذا و لکن انا ما اكره، اسحق بن
 منصور بن بهرام الكرسخ مولده بمر و منشأؤه بنسابور و توفی بها، اسحق بن ابراهیم
 بن یحیی العفصی، اسحق بن عبدالله بن محمد بن زرین السلمی المعروف بالحشل النیسابوری
 اسحق بن حکم بن ابی خدیجه المهاد النیسابوری، اسحق بن ابراهیم السمی النیسابوری
 اسحق بن نعیم النیسابوری، اسحق بن موسی عبدالله بن یزید الانصاری وارد بنسابور،
 اسحق بن الصباح ابو محمد التاجر النیسابوری، اسحق بن العنبر بن محمد الحرش النیسابوری
 احمد بن عمرو بن سعید الحرش النیسابوری، احمد بن ازهر بن بنیع العبدی ابو الازهر
 النیسابوری احمد بن احجم الخزاعی ابو الحسن المروزی مکن بنسابور و توفی بها،
 احمد بن ایوب ابو ذر العطار النیسابوری من المدینه الداخله، احمد بن ابراهیم البرمقی،
 احمد بن ابراهیم حرب بن یزید ابو عبدالله القرشی، احمد بن بکر النیسابوری، احمد بن
 جواد بن قطی الکثیری النیسابوری، احمد بن خواس ابو جعفر الاستوایی، احمد بن حفص بن
 عبدالله بن راشد السلمی النیسابوری، احمد بن الحکم بن سان السلمی النیسابوری احمد بن

حريس ابو محمد القاضي بنسا بور و هراة ، احمد بن حرب وهو سهل بن فيروز و قير و زهو
 عبدالله الزاهد النسا بورى قال يحيى بن زكريا بن حرب ، سمعت ان تقول توفى ابي
 حرب بن عبدالله الاصفهاني بنسا بور سنة ثمانين ومائه وخلف محمدا و الهلثم و احمد
 لاربعة سنين و ولدت اما بعد وفاته ، احمد بن الحسن الحافظ ابو الحسن الترمذي صاحب امام
 احمد بن حنبل ، احمد بن حمزة النسا بورى احمد بن حاج بن القاسم العامري وله مسجد في
 نيسابور ، احمد بن الخليل ابو عالى البغدادي التاجر سكن بنسا بور و توفى بها ، احمد بن
 حواس بن محراق السمي النسا بورى ، احمد بن خلد بن حماد الدنبلي توفى بنسا بور ، احمد بن
 خلد بن عبدالله ابوبكر النسا بورى ، احمد بن سنان القشيري ابو عبدالله الخرقني و خرقن
 قرية على باب مدينة نسا بور ، احمد بن سعيد بن صخر ابو جعفر الدارمي ولد بسر خس و نشاة
 نيسابور و توفى بها ، احمد بن سليمان القرى النسا بورى شيخ قديم من محلقة قر ، احمد بن
 ستار ابو الحسن الفقيه المروزي ، احمد بن عبدالله الحميري النيسابوري و كنيته ابو جعفر ،
 احمد بن عاصم ابوبكر صاحب ابي عبيد نيسابوري ، احمد بن عبدالله بن و افدا ابو اليد الهروي ،
 احمد بن علي بن حمومة النحوي النيسابوري ، احمد بن عمرو ابو سعيد القهنتري النيسابوري
 احمد بن عبد الرحيم الازدي النسا بورى ، احمد بن عمر بن عبدالله الفراري ، ابوبكر المروزي
 ولي قضا بنسا بور ، احمد بن عمر بن ربيعة الحرسى النسا بورى ، احمد بن عبد الوهاب بن
 حبيب بن مهران العبدى ، ابو محمد النسا بورى ، احمد بن علي بن سعيد السرخسكى
 النسا بورى ، احمد بن عبيد النسا بورى ، احمد بن العباس بن منصور النسا بورى ، احمد بن معاذ بن
 عبدالله السلمى النسا بورى احمد بن منصور بن راشد الحنظلى ابو صالح المروزي و اقام
 بنسا بور ، احمد بن منصور النسا بورى ، احمد بن محمد بن يوسف البلخي كتب عنه بنسا بور
 احمد بن مسلم الزاهد النسا بورى كنيته ابو مسلم ، احمد بن محمد بن نصر المعروف
 بالمعاذ النسا بورى ، احمد بن مخلد ابو شعاع العيدلاني النسا بورى ، احمد بن محمد بن

سعید الفراری النسابوری، احمد بن محمد بن المہلب بن ہمام النسابوری، احمد بن نصر بن
 زیاد القرشی ابو عبد اللہ المقری، احمد بن یوسف ابو الحسن السلمی النسابوری، احمد بن
 یحییٰ بن الصباح بن اخی سعید بن الصباح النسابوری، ایوب بن الحسن ابو الحسن الفقیہ
 الزاهد مسجدہ ومسکنہ بنصر آباد ولمجدہ کرامات مروثہ محترمہ قبرہ فی رأس میدان
 زیاد، ایوب بن منصور النسابوری، اسلم بن سلیمان النسابوری، اشرف بن محمد القاضی
 ابو سعید قاضی نیشابوری من اصحاب ابو یوسف القاضی، اسد بن عماد بن عبد اللہ العتکی
 اسد بن عبد اللہ المرابطی النسابوری، اسد بن موسیٰ الفقیہ النسابوری، ازہر بن حبیب
 النسابوری، اسد بن نوح صاحب خراسان، اسود بن ابی الاسود النسابوری، بشر بن الحکم
 بن حبیب بن مہران العبدی ابو عبد الرحمن النسابوری، بشر بن ابی الازہر القاضی
 النسابوری و ابو الازہر نزیل بنسابور و هو من اعیان علماء کوفہ، بشر بن القسم بن حماد
 النسابوری بسر بن، سهل بن موسیٰ النسابوری ابو سهل العباد، بشر بن یحییٰ السکری
 ابو احمد المروزی، بشر بن حفص بن یحییٰ الفقیہ النسابوری، بشر بن محمد العاری المطوعی
 النسابوری، بشر بن ہاشم ابو سهل السجستانی، بشر بن عیسیٰ النسابوری، بکر بن جذاش
 اخو عامر بن جذاش النسابوری، بدیل بن محمد الاسفرائینی، جعفر بن محمد عروۃ النسابوری
 جعفر بن عبد اللہ الفزّی النسابوری، حسن بن عیسیٰ سرخسی، ابو علی مولیٰ
 عبد اللہ المبارک و کان نصرانیا ثم صار امام المسلمین، الحسن بن ابی عیسیٰ
 و ابو عیسیٰ موسیٰ بن میسرۃ الہلالی النسابوری الحسن بن عبد الصمد بن عبد اللہ
 بن رزین السلمی ابو سعید النسابوری، الحسن بن بشر بن القسم بن حماد بن عبد رب
 السلمی النسابوری، ابو علی قاضی نسابور، الحسن بن ہارون بن المعیرہ بن
 فرقد التمیمی النسابوری، الحسن بن سهل اخو جعفر بن سهل المذکر، الحسن
 بن شجاع بن رجا ابو علی البلخی الحافظ، الحسن بن عمرو بن عبد اللہ بن معاذ

حماد بن هرون النسابوری ، الحكم بن المبارك النسابوری ، الحكم بن حبيب بن
 مهران العبدی النسابوری ، الحكم بن عبدالله الحارودي النسابوری ابو الفضل
 حامد بن ابي حامد المقرئ النسابوری ، حامد بن عبد الوهاب الاسفرايني ، حمدان
 بن خالد ابو العباس الفرسى النسابوری ، حمدان بن محمد بن عبد العزيز بن سلام النسابوری
 حجاج بن مهاجر ابو يوسف البصرى نزيل نسابور حجاج بن مسلم القشيري ، ابو مسلم
 الام النسابوری وتوفي ومسلم كان صغيراً ، حاتم بن يونس الجرجاني اقام نيسابور
 برهة من الدهر ، خاتم بن منصور ابوطيب الكشي حدث بنشاپور ، حميد بن رنجويه
 النسوي ، ابو احمد محدث كثير الحديث ، حسويه بن كيسان اخو محمد بن كيسان
 النيشابوری ، حسين بن حشام الحرسي النيشابوری ، حسوبه بن عبدالله النيشابوری
 ابو علي اخو حسين المرتفع ، حسن بن عبد الرحيم الرتكي الزاهد ، ابو عبدالله المطوعي
 النيسابوری صاحب الصومعة والمسجد اللذين يتبرك بهما ، حمران بن عثمان بن غنم
 النيسابوری ، خاشد بن اسمعيل البخاري ، حري بن محمد بن يوسف البلخي ، خلد بن
 حماد بن عمرو بن مخلد بن مالك وهو الخخام روى عنه احمد و احمد عندنا مدفون بنسابور
 خلد بن يزيد بن الخلد البلخي النيسابوری ، خشنام بن الصديق النيسابوری ومسكنه
 رأس مکه عمار في سكه معتيا باد ، خشنام بن عبد الرحمن النيسابوری المعنابادي ،
 خشنام بن عبدالله بن ابي زياد النسابوری ، خضر بن عبدالله بن سنان بن الحكم النسابوری
 ابو سعيد السلمی ، خليل بن محمد بن عبد الرحمن النحوي ابو محمد النسابوری ، خلف
 بن عبدالله الغنبري الهروي حدث بنشاپور ، خلف بن ايوب العامري ابو سعيد البلخي فقيه
 اهل بلخ ، حداد بن عمرو ابو عامر النسابوری ، داود بن محراق الفاريابي ، داود بن مجدي
 مخدم ابو سليمان قيل ولد بنسابور ومات ببغداد ، داود بن ابراهيم النسابوری ،
 داود بن علي بن خلف الفقيه الاصبهاني اقام بنسابور مدة ، داود بن سعيد ابو سليمان

ابو علی النسابوری، الحسن بن یعقوب بن موسی البخاری ابو یوسف نزیل بنشاپور،
 الحسن بن محمد بن جعفر المدینی الزاهد ابو جعفر المدفون مقبرة مولق آباد الذی یزار
 ویرجا اجابت الدعاء، الحسن بن ماهان ابو الزبیر النسابوری نزیل بغداد، الحسن بن
 ایوب ابو علی الرفخاری النسابوری، الحسن بن عبدش النسابوری الزاهد، الحسن بن
 عبدالرحمن ابو علی المستملی النسابوری، الحسن بن نصر ابو شد اد الخزاعی النسابوری
 الحسن بن مهاجر ابو الحسن المقری النسابوری، الحسن بن علی النسابوری
 الحسن بن مسلم ابو علی البغدادی نزیل نسابور، الحسن بن صالح بن محمد ابو علی الزجاجی
 النسابوری، الحسن بن قتیبه البشتی، الحسین بن منصور السلمی ابو علی النسابوری
 الحسین بن جریر بن ابوعمار المروزی الخزاعی، الحسین بن عمارة المقری
 النسابوری، الحسین بن فضل بن عمیر بن القاسم بن کیسان الحلی ابو علی الکوفی امام
 عصره قدم مع عبدالله طاهر الی نسابور و سكنها وتوفی بها ودفن فی مقبرة الحسین بن
 معاذ، الحسین بن بشر بن القسم بن حماد بن عبدربه السلمی، الحسین علی النسابوری
 المشهور بابی علی المرتقع، الحسین بن ضحاک بن عبدالرحمن ابو علی القرین النسابوری
 الحسین بن عیسی بن حران ابو علی البسطامی کان من کبار المحدثین سکن نسابور
 وتوفی بها، الحسین بن عبدالله بن محمد ابو نصر النسابوری، الحسین بن حرب، الفقیه
 النسابوری، اخو احمد بن حرب الزاهد، الحسین بن سلم ابو علی القرین النسابوری،
 الحسین بن عمرویه ابو علی الصانع النسابوری، الحسین بن منصور بن ابراهیم بن
 عبدالله ابو محمد النسابوری، الحسین بن معاذ بن مسلم النسابوری، حفص بن عبدالله
 بن راشد ابو عمر والسلمی النسابوری، حفص بن عمر والقصیر النسابوری، حفص
 بن یحیی بن حفص التمیمی ابو الاشعث السرخسی، حماد بن سلیمان النسابوری،
 استاد احمد بن حرب، حماد بن موسی النسابوری، اخو مسرور بن موسی الفراء،

النسابوري ، داود بن عدى الطوسي ، رجاء بن السندی النسابوري ، ابو محمد الأسفرايني
 ركن من اركان الحديث ، رجاء بن عبد الرحيم ابو المصا القرشي الهروي ، رجاء بن
 اسد النيسابوري ، رجاء بن ابراهيم بن طهمن ، زياد بن عبد الرحمن ابو محمد المنسوب
 اليه ميدان زياد ، زكريا بن حرب النسابوري ، ابو يحيى اخو احمد حرب زكريا بن
 يحيى بن يحيى النسابوري ، ابو محمد التميمي ، زاهر بن بجر النسابوري ، زنجويه بن
 عبد الرحمن العابد النسابوري و يقال له زنجويه الحيري من محلة الحيرة ، زيد بن ابي
 موسى النسابوري ، سليم بن ابي مطر المطوعي النسابوري ، سليم بن مطر النسابوري
 اخو قتاده ، سليم بن بحر بن معاذ النسابوري الزهلي ، سليم بن داود بن بكر ابو داود
 النسابوري الحفاف ، سليم بن داود بن شعيب كيسان النسابوري ، سليم بن محمد بن
 ابي داود النسابوري المستملي ، سليم بن عمر بن الحسي النيسابوري ، سليم بن
 خلد بن يونس الكاتب ابو داود النيسابوري ، سليم بن الاشعث ابو داود السجستاني
 امام اهل عصره بلامدافعه وكان مقيماً بهراة وتوفي ببصره ، سليم بن عبد الله البكري
 النيسابوري ، من محله قر ، سليم بن مسلم بن الحسين بن معاذ النسابوري ، سليم
 بن عبد الله العامري النسابوري ، سليم بن سعد القرشي النسابوري ، سعد بن يزيد
 للفرا النيسابوري اختلفوا في كنيته ، سعيد بن معاذ ابو عصمة المروزي ، سعيد بن
 عبد الرحمن موالى ال الجرود النسابوري و يقال سعد الحيري من محلة حيرة ،
 سهل بن مهران ابو بشر البغدادي نزيل بنسابور ، سهل بن بشر بن القسم الفقيه النسابوري
 ابو القاسم و يلقب بسهلويه ، سهل بن عمار بن عبد الله العتكي النسابوري ، سهل بن عمان
 النسابوري المعروف بالسخري ، سهل بن اسلم النسابوري ، سهل بن عبد العزيز بن موره
 الصناني ، سعيد بن الصباح اخو يحيى النسابوريان المنسوب اليهما الخان والمحلة :
 سعيد بن محمود ابو الطوسي نزيل نيسابور ، سعيد بن ابي سعيد البلخي قوم بنسابور

جاجة، سعيد بن اشكاب الساسي حدث بنسابور، سعيد بن مروان البغدادي ابو عثمان
ويقال الرهاري سكن بنسابور و بهامات، سعيد بن سام بن قتيبة بن مسلم والي نيسابور،
سعيد بن صالح النسابوري، سعيد بن عبد الرحمن الجارودي النسابوري، سعيد بن يحيى
الكريزي البصري، سعيد بن منصور ابو عثمان النسابوري و يقال الخراساني و يقال
الجورجاني و يقال البلخي، سعيد بن النصر ابو النصر النسابوري، سلمه بن شعيب النسابوري
ابو عبد الرحمن المستملي، سلم بن الحرود بن يزيد النسابوري، سلمه بن بشير
النبابوري، السري بن عطية التميمي النسابوري، السري بن نصر ابو سهل النسابوري،
السري بن خزيمة بن معوية ابو محمد الايوردي و توفي بانيورد، ساسان بن الحسين
ابو كسرى الخراساني، سختويه بن هازيار النسابوري، سختويه بن الجعيد ابو عبدالله
الجرجاني، شبل بن عبد الرحمن الاديب النحوي النسابوري. شداد بن حكيم البلخي
حدث بنشابور شريك بن عبدالله النخعي القاضي ولد بنخراسان و قيل بنشابور، شريح
بن عقيل بن رجا ابو عقيل السبيعي، شوكر بن عبدالله الاسفرايني، شغم بن اصيل ابو احمد
العجلي النسابوري وهو من رستاق ارغيان، صالح بن يونس ابو حاتم النسابوري، صالح
بن جناح ممن ادرك الاتباع بلا شك، صالح بن محمد بن حبيب بن ابي الاشرين الحافظ
ابو علي البغدادي و توفي ببخارا، طاهر بن الحسين بن مصعب بن دريق بن شادان الخزاعي
ابو طلحة ذواليميني والي خراسان، طاهر بن سعيد المقرئ النيسابوري، ابو القاسم
طاهر بن عبدالله بن عطاء الامير و توفي بنشابور يوم الاثنين من رجب سنة ثمان واربعين
وماتين و دفن من العذ، طيغور بن عبدالله النسابوري ابو الطيب المؤذن، عبدالله بن حسان
ابو عبد الرحمن الطوسي ولد بهاو بنشابور نشر علمه، عبدالله بن محمد بن عبدالله بن
جعفر اليمان المسندي ابو جعفر البخاري، عبدالله بن عثمان بن حبله بن ابي داود العتكي
المروزي، عبدالله بن هرون بن مامون بن الرشيد الرشيد امير المؤمنين، عبدالله بن مهران

الطبيسي ابو محمد عبدالله بن الجراح القهستاني ابو محمد سكن بنسابور و بها انتشر علمه
عبدالله بن يوسف بن خرشيد الدورى النسابورى و دور قرية على باب نيشابور، عبدالله
بن محمد عبدالرحمن المقرئ النسابورى ، عبدالله بن عبدالرحمن بن الفضل بن بهرام
السمرقندى، عبدالله بن عبدالوهاب تميمي ابو محمد الخوارزمي اقام نيسابور، عبدالله بن محمد
التميمي النسابورى ابو محمد النحوى ، عبدالله بن يونس ابو محمد النسابورى الفقيه ،
عبدالله بن محمد الدقيقى النسابورى ، عبدالله بن عمر بن الرماح القاضى النسابورى،
عبدالله بن محمد برهاني ، ابو عبدالرحمن النحوى النسابورى، عبدالله بن محمد بن عبدالله
النباطورى ، عبدالله بن ابراهيم المروزي حدث بنشابور، عبدالله بن مهدي العامري
ابو محمد النسابورى، عبدالله بن طاهر بن الحسين بن مصعب بن زريق الخزاعي ، ابو العباس
الامير العادل ووفاته بنسابور قدام اربع تسعة بنين له من سبعة عشر : عبدالله بن ابراهيم
الشفناضى النسابورى : عبدالله بن يونس النسابورى، عبدالله بن سعيد بن جعفر الجعفي
البخارى حدث بنسابور، عبدالله بن محمد ابو الطيب المكفون الفقيه النسابورى، عبدالله بن
خالد بن فارس الدنبلى النسابورى، عبدالله بن احمد بن عبدالله بن سنان الماللى النسابورى
عبدالله بن سنان الهروى صاحب ابن المبارك . عبدالله بن حماد ابو حامد القهندرى
النباطورى. عبدالله بن محمد بن رباب النيسابورى ، عبدالله بن ابي نجيه النيسابورى ،
عبدالله بن ابراهيم ابو محمد الخشاب المعروف بالبصرى وهو نيشابورى عبدالله بن عرامه
الساسى حدث بنشابور، عبدالله بن الحارث ابو محمد الصنعاني طرطرى على رساتيق بنسابور
مثل جوينى واسفراينى ويهتقى وبشتى، عبدالله بن سعيد بن يحيى بن برالشكرى السرخسى
الا ان رواية واصحابه بنيشابور ومسكنه بنيشابور الى ان توفى : عبدالله بن محمد بن سليمان
الهاشمى حدث بنسابور، عبيدالله بن عبدالله بن ابي الهيثم عم ابي جعفر الترك وكان يسكن
دار الترك فى سكه باذان ، عبدالرحمن بشر بن الحكم بن حبيب بن مهران العبدى

النيسابورى ، عبدالرحمن بن علقمه ابو يزيد السعدى المروزى ، عبدالرحمن بن عمار
النيسابورى الشهيد و هو المنسوب الى مسكه عمار ، عبدالرحمن بن مسعود الجورجاني
حدث بنشابور : عبدالحميد بن عبدالله بن محمد بن هاني ابو هاني النيسابورى
عبدالوهاب بن منصور ختن الحسين بن عبدالله النيسابورى الترك ، عبدالوهاب بن حبيب
بن مهران العبدي النيسابورى ، عبدالوهاب بن الضحاک النيسابورى ، عبدالعزيز بن
يحيى ابو عبدالرحمن المديني ، عبدالعزيز بن مسلب المروزى ابو الدرداء ، عبدالعزيز
بن سليمان بن يحيى بن معاذ بن مسلم النيسابورى عبدالجبار بن امان القرشي النيسابورى
عبدالرحيم النيسابورى ، عبدالصمد بن حسان ابو يحيى المروزى ، عبدالصمد بن مسعود بن
عبدالله بن ذرين السلمى النيسابورى ، عبدالصمد بن ابي مطر ابي بكر البلخي ،
عبدالسلم بن صالح بن سليمان بن ميسره ابو الصلت خدام على بن موسى الرضا ،
عبدالسلم بن تهل بن سعيد النيسابورى ، عبدالخالق بن محمد بن القسم النيسابورى
عبيد بن سعد النيسابورى ، عمر بن عبدالله بن محمد بن رزين النيسابورى ، عمر بن
عبدالعزیز بن سلام بن عبدالعزيز بن حبيب فيروز التميمي السعدى ، عمر بن عصام
بن سلم بن زياد النيسابورى ، ابو حفص المقرئ و كل القراري سمونه عمرو او هو عمر
عمرو بن عقبه الا ستوائى النيسابورى من رستاق استوا ، عمر بن سعيد بن دردان
التشيرى النيسابورى ، عثمان بن عبدالله بن عمرو بن عثمان ابو عمرو القرشي سكن
بنشابور و بها حدث الى ان توفي ، عثمان بن سعيد بن خالد ابو سعيد الدارمي ،
امير المؤمنين على بن موسى بن جعفر بن محمد بن على بن الحسين بن على بن ابي طالب
رضي الله عنهم الرضا ابو الحسين الامام الشهيد ورد بنشابور ، سنه مائتين فلما وافى
الرضا بنشابور و اقام بهامدة و المامون بمروالي ان امر باخراجه اليه ثم كان بعد ذلك
ما كان و استشهد بستاباد من طوس لتسع يقين من شهر رمضان ليلة الجمعة من سنه ثلث

و ماتين و هو ابن تسع واربعين سنة و تسعة اشهر و قال الرضا رضى الله عنه من زارنى
على بعد دارى اتيت يوم القيمة فى ثلث مواطن حتى اخلصه من اموالها اذا تطايرت
الكتب يمينيا و شمالا و عند الصراط و عند الميزان ، على بن ابراهيم البنانى المروزى ؛
على بن اسحق المروزى صاحباً عبد الله المبارك ، على بن اسحق الحنطلى ابو الحسن
السمرقندى من كبار شيوخهم ، على بن بشر النعمانخدى النيسابورى ، ابو الحسن على بن
بكر البرنوذى الكبير على بن جرير ابو الحسن الايبوردى حدث بنشابور ، على بن
الجرود بن يزيد النيسابورى ابو الحسن ، على بن جمعه بن هانى بن قنبر مولى
امير المؤمنين على رضى الله عنه و هو ممن ولد بنشابور فان هانى سكنها عند وروده
مع جعدة بن هيرة و آل قنبر عندنا بنشابور بيت كبير و خطيبهم باب الرى ، على بن
الحسين بن سفيق العبدى المروزى ، على بن الحسين بن عبد الرحمن بن يزيد ابو الحسن
الذهلى النيسابورى شيخ عصره ، على بن الحسن بن موسى الهلالى النيسابورى وهو
ابو الحسن الدرابجردى والد درابجرد مجلة متصله بالصخر آتى على البلد ، على بن
الحسن الترمزى ابو الحسن ، على بن الحسين بن وافد المروزى ، على بن الحسين بن
عبدويه البيهقى النيسابورى ، على بن الحسين بن الوليد القرشى النيسابورى ، على بن
حجر بن اياس المروزى ، على بن الحكم المروزى و يقال له الملحكانى ابو الحسن
على بن سلمه عقبة القرشى ، ابو الحسن اللبى النيسابورى ، على بن سعيد بن جرير
ابو الحسن النسوى ، على بن عثام بن على العامرى ، ابو الحسن الكوفى ساكن نيسابور
على بن عيسى بن حرب البيهقى النيسابورى ، على بن قدامه بن سلمه النشابورى ، على
بن مخلد بن شيبان النيسابورى ابو الحسن خطته مشهورة فى المربعة الصغيره سكه
زنحونه ، على بن محمد بن آدم الذهلى النيشابورى ، على بن محمد بن معاوية النيشابورى
على بن موسى بن خاقان النيسابورى ، على بن محمد الزباد ابادى النيشابورى و زياد

اباد قرية يهقي ، علي بن نصر الوراق النيشابوري ، علي بن يعقوب بن صباح القس
 النيشابوري ، علي بن يونس البلخي حدث بنشابور ، عيسى بن جعفر ابو موسى قاضي
 الري ، عيسى بن ابي عيسى الدراجردى النيشابوري ، عيسى بن حنان النيشابوري ،
 عمرو بن زرارة بن وافد ابو محمد الكلاني النيشابوري ، عمرو بن هشام بن زبير النيشابوري
 عمرو بن معمر العمركي النيشابوري ابو عثمان ، عمرو بن عامر بن الفرات ابو سعيد الذهلي
 النيشابوري ، عمرو بن مسلم ابو حفص الزاهد النيشابوري ، عمرو بن صالح المروزي حدث
 نيشابور ، عمرو بن عصام الاستواي ، عمار بن عبد الجبار ابو الحسن النيشابوري ، عاصم
 بن عصام بن منيع بن ثعلبة الشيري النيشابوري ، عاصم البخارزي النيشابوري ، عصمة
 بن الفضل الميري النيشابوري سكن بغداد ، عصمة بن ابراهيم الزاهد النيشابوري :
 عصمة بن ابان النيشابوري ، عامر بن شعيب النيشابوري يقال له الاسفنجي من قرية بارغيان
 من رستاق نيشابور ، عباس بن سهل ابو الفضل الميداني النيشابوري من ميدان زياد ، عباس
 بن الضحاك البلخي ، عقيل بن خويلد بن معوية بن سعيد رشد صاحب رسول الله النشابوري
 عقيل بن عمر بن بكر والي نيشابوري ، عقيل بن الهلال النشابوري ، عقيل بن يحيى النشابوري
 عمران سوار البغدادى نزيل نيشابور ، عمران بن سهل ابو سعيد النيشابوري ، عمران
 بن علي الخزاعي النيشابوري : عتيق بن محمد بن سعيد الحرسي ابو بكر النيشابوري ،
 عبدان بن يوسف السلمى النيشابوري ، عبدان بن محمد بن الفضل النيشابوري
 غسان بن سليمان الهروي ، غسان بن محمد بن عبد الله بن سالم النيشابوري ، غسان بن
 عبد الله السلمى الصبري حدث بنشابور ، فضل بن محمد بن المسيب بن موسى ابو محمد
 السران اليهقي النيشابوري ، فضل بن عماد التميمي النيشابوري و ملقب ببندش او
 ابن بندس ، فضل بن الحكم بن نصر بن عقيل العدل النيشابوري ابو العباس التاجر ،
 فتح ابن الحجاج ابو نوح الفقيه النيشابوري فتح ابن محمد بن عبد الرزاق التميمي

النيشابوري ، فتح بن نوح بن سنان بن راشد بن عبدالله العامري ابو نصر الشاهنبري محله في
اعلى البلد ، فتح بن محمد السمرقندي حدث بنشابور ، فضيل بن اسحق بن النصر بن
اسحق النيشابوري ، فضالة بن ابي زيد التشيري عم محمد بن رافع ، القسم بن الضحاك
القرشي ، القسم بن حيوبه النيسابوري و هو من رستاق نيشابور باستوا ، القسم بن
دهيم البيهقي النيشابوري ، القسم بن محمد بن عبدالله الفرغاني ابو عبد الرحمن
المذكور توفي في اسفر اين ، قرة بن حبيب العتوي اصله من نيشابور ، قتادة بن مطر
النيشابوري ؛ قطن بن ابراهيم التشيري ابو سعيد النشابوري محمد بن الازهر بن حريث
بن ماهان ابو جعفر السحري نزل بنشابور في عنقوان شيا به و بها ولد ابنه ابو العباس و
بها توفي جميعاً ، محمد بن احمد حفص النيشابوري ابو عبدالله ، محمد بن اسلم بن سالم بن
زيد الكندي ابو الحسن الطوسي توفي بنشابور و دفن في جنب اسحق بن راهويه في
مقبره شادياخ و هذا من انشاده :

ان الطيب لطبه و دوايه لا يستطيع دفاع مقدوراني

مال الطيب لموت بالداء الذي قد كان سوى مثله فيما مضى

هلك والمداوى والذي حلب الدواء وباعه ومن اشترى

محمد بن ابان ابو بكر البلخي المستملي ، محمد بن اسمعيل بن ابراهيم بن
المغيره البخاري ابو عبدالله الجعفي ورد بنشابور على كبر سنه واقام به خمس سنين الا
ان وقعت الفترة بينه وبين شيخ عصره محمد بن يحيى الذهلي رضي الله عنه

ولو لاذاك لما خرج من نيشابور فقد كان سكنها قال ابو حسان مولى بن سليم
الكرميني مات محمد بن اسمعيل رحمه الله عندنا ليلة الفطر اول ليلة من شوال سنة ست
وخمسين ومائتين وكان بلغ عمره اثنين وستين الا عشر ليله وكان مولده في شهر شوال من
سنة اربع وتسعين ومائة وكان في بيت وحده فوجدنا لما اصبحنا هو ميت وهذا كان في

فترة اخرجوه فيها من بخارا و سببه جريب ابن ابي الورقا و تمسك محمد بن يحيى
الذهلي النشابوري و قال انه اخرج من نيشابور و هو امام عصره و قيل سبب اخراجه
خالدين احمد الذهلي الامير خليفه الطاهريه ببخارا لان ابا عبدالله محمد بن اسمعيل
ابي تعليم اولاده رحمه الله عليه رحمة واسعة ؛ محمد بن اسد ابو عبدالله النشابوري الخوشي
والخوش قرية من قرى اسفراين ؛ محمد بن ابراهيم بن طهمن ، محمد بن احمد بن محمد
النشابوري ، محمد بن احمد بن غالب النشابوري الانصاري ، محمد بن اسكاف بن
خلد النشابوري ، ابو عبدالله الجوري ، محمد بن اشرس بن موسى السلمي ابو عبدالله
النشابوري ، محمد بن ابراهيم بن سعيد بن عبد الرحمن العبدى ابو عبدالله الفقيه اللاديب
تزل بنشابور و توفي بها ؛ محمد بن احمد بن انس القرشي النشابوري ؛ محمد بن اسحق
بن ابراهيم بن يونس النشابوري ابو عبدالله محمد بن احمد بن الجراح ابو عبد الرحيم
الجوزجاني حدث بنشابور و اقام بها ، محمد بن اسمعيل الرهاني النشابوري ؛ محمد بن
ايوب بن الحسن الزاهد النشابوري ابو عبدالله الفقيه ، محمد بن ازهر ابو حفص النشابوري
محمد بن اسمعيل بن علي الهاشمي ابو عبدالله البغدادي حدث بنشابور ، محمد بن
احمد بن اسلمه السلمي ابو عبدالله النشابوري ، محمد بن احمد بن ابراهيم بن داود ؛
محمد بن ابراهيم الصابغ النشابور ، محمد بن افلح بن عبدالله الملقب بالترك النشابوري
كنيته ابو عبد الرحمن ختن يحيى بن يحيى بن علي ابنته ، محمد بن احمد بن حفص ابو عون
النشابوري ، محمد بن احمد بن الحليل بن سواد بن عبدالله القرشي النشابوري ،
محمد بن بنداد ابو عبدالله النشابوري ؛ محمد بن بشر بن النجم الحارثي النشابوري ،
ابو عبدالله محمد بن بكر بن خلد ابو جعفر النشابوري ساكن بغداد ، محمد بن بحر
ابو عبدالله الاسفرايني ، محمد بن الحنيد الزاهد ابو عبدالله الاسفرايني ، محمد بن جعفر بن
محمد بن علي ابن حسين بن علي بن ايظالب رضى عنهم ابو جعفر يعرف بالديباج ورد

خراسان نزل بنشاپور وسمع منه مشایخها و توفی بجرجان وله بها مشهد رضى الله عنه ،
 محمد بن حجاج بن عيسى السلمی النیشابوری ابو جعفر الوراق محمد بن الحسن بن
 الحیرى النیشابوری ، محمد بن الحجاج العامری النیشابوری ، محمد بن الحجاج
 النیشابوری ، اخو اسمعیل بن الحجاج ، محمد الحسن بن شهریار النیشابوری ابو عبد الله
 محمد بن الحسین بن طرخان النیشابوری ، ابو عبد الله السعرائی الصوفی و المتصوف
 الیهم سکه طرخان ، محمد بن حفص ابونبات الجرشی النیشابوری ، محمد بن حماد
 ابو عبد الله الایوردی الزاهد ، محمد بن حمدویه بن عبده بن شبیه الانصارى ، محمد بن
 الحسین الکابلی النیشابوری ، محمد بن خلد ابوبکر الصومعی الطبری الزاهد الفقیه
 ورد بنشاپور و بها ظهر حدیثه و بهامات ، محمد بن خلد الحنجرودی ابوبکر النیشابوری
 محمد بن الشامی حدث بنشاپور ، محمد بن خلف بن شعبه النعمان النیشابوری
 ابو عبد الله القشیری و يعرف بحمدان بن خلف ، محمد بن خالد بن بشر النیشابوری ابوبکر
 المعروف بالفاق ، محمد بن دادویه بن منصور ابوبکر الفقیه الزاهد توفی فی صفر سنه
 خمس و ستین و مائین و دفن فی مقبره حیره ، محمد بن رافع بن ابی زید القشیری
 النیشابوری شیخ عصره فی خراسان ابو عبد الله خطه السکه الادلی ، من باغ الزارس ،
 محمد بن رحابن السندی ابو عبد الله النیشابوری ، محمد بن زیاد بن سنان القشیری
 النیشابوری ، محمد بن زید بن عبد الله الثعلبی الشامی ابو الحسن البزاز سکن بنشاپور
 و بهامات ، محمد بن سعید الحلاف النیشابوری ابو عبد الله اخو خوشنام ، محمد بن سعید
 القاضی نزیل بنشاپور و بهامات ، محمد بن سعید بن هناد ابو عالم العوسخی نزیل
 بنشاپور بهامات محمد بن سهل بن ابرهیم بن حماد ابو عبد الله النیشابوری ، محمد بن
 سعید ابولقاسم النیشابوری سکن مصر ، محمد بن سعید الهروی محمد بن سلیمان بن
 عبدربه المروزی ، محمد بن شعیب ابو عبد الله الاسدی النیشابوری ، محمد بن شعیب

ابوبكر النيشابورى الحيرى ، محمد بن سادان ابوسعيد النيشابورى المعروف بالصبرى
 محمد بن طاهر ابوبكر النيشابورى من رستاق جوين ، محمد بن عبدالله بن حبيب
 ابويحيى النيشابورى ، محمد بن عبدالله بن عمار العتكى النيشابورى ، محمد بن عبدالله
 الخوى النيشابورى محمد بن عبدالرحمن قدم بنشابور حاجاً ، محمد بن عبدالرحمن
 ابو عبد السعران النيشابورى ، محمد بن عبدالرحمن الانصارى النيشابورى المحتسب
 محمد بن عبدالرحمن بن موسى ابو عبدالله النيشابورى ، محمد بن عبدالرحمن ابو جعفر
 النيشابورى من رستاق استوا ، محمد بن عبدالرحيم بن سعود بن عبدالله بن رزين
 النيشابورى و يعرف بجمش ، محمد بن عبد الوهاب بن حبيب بن مهران العبدى ابو-
 احمد الاديب الفقيه الفراء كان اعقل مشايخنا و يلقب بحمد وذلك ان اهل الثروة و
 الشرف فى بلادنا خصوصاً بنشابور يلقبون اولادهم لعزهم و شفقتهم عليهم فيقولون
 لمحمد حمد او حمش او غير ذلك ، محمد بن عبد الجبار العبدى ابو مسافر النيشابور
 و روى ان الاصمعى لما ورد بنشابور نزيل بالاده فى القصر و يعرف اليوم بقصر جند
 بسكه شكش وقال الاصمعى سمعت اعرابيا يقول اياك و الحسناء فانها تزهو عليك
 بحسنها و اكثر عشاقها ثم انشأ

ولن تصادف مرعى مرعاً الا وجدت به آثار ما كول

محمد بن عبدالعزيز ابو عمر المروزي ، محمد بن عبد السلام المؤذن النيشابورى ،
 محمد بن على بن الحسين بن شفيق المروزي ابو عبدالله المطوعى ، محمد بن على بن
 حمزه ابو عبدالله الحافظ المروزي ، محمد بن عمر بن زياد بن مهاجر بن ابى السمع
 النيشابورى ، محمد بن عثمان القيسى النيشابورى ، محمد بن عيسى يزيد الطرطوسى
 ابوبكر التميمى و توفي ببلخ و من تال بنشابور و هم محمد بن عميره ابو عبدالله الجرجانى
 بهراة ، محمد بن عيسى بن عبدالرحمن ابو على النيشابورى ، الوزير بن الوزير ذو التميمى

محمد بن عمرو بن الهروي أبو عبد الله ، محمد بن عمرو القرشي النيسابوري ، محمد بن
 عمرو أبو عبد الله القهндزي ، محمد بن عمرو بن النصر النيشابوري أبو علي الجوشي ،
 محمد بن عقيل بن خويلد بن معوية بن سعيد الخزاعي ، أبو عبد الله النيشابوري ، من أعيان
 العلماء الصالحين المنسوب إليه المسجد والمنارة على رأس مكه حرب ، محمد بن عبدك
 أبو عمرو الزوزني النيشابوري ، محمد بن عنبر بن عثمان الحرشي النيشابوري ،
 محمد بن كاشه بن محسن أبو عبد الله الكرمانی ، محمد بن عنبر الأطروش أبو الحسن
 الخزار الكوفي نزيل بنيشابور ومات بها ودفن في مقبرة باب معمر ؛ محمد بن
 الفضل المعبري أبو عبد الله الوري الزاهد ؛ محمد بن فيض النيشابوري ؛ محمد بن
 القسم بن مجمع الطالق النيشابوري ؛ محمد بن كيسان النيشابوري ، أبو
 عبد الله التميمي و يعرف بابي عبد الله المحاملي ؛ محمد بن منصور بن عبد الرحمن
 أبو عبد الله النيشابوري ؛ محمد بن منحل مولى عبد الرحمن بن تمره القرشي
 النيشابوري ؛ محمد بن معويه بن أعين النيشابوري ، أبو عبد الله الهلالي و يقال أبو
 علي نزيل مكه ، محمد بن موسى العال النيشابوري ، أبو عبد الله المطوعي الفقيه ؛
 محمد بن مكى أبو عبد الله المروزي ، محمد بن موسى أبو عبد الله السلمي النيشابوري
 محمد بن موسى البلخي ؛ محمد بن مسلم بن واره أبو عبد الله الرازي ؛ محمد بن
 مسلم النيشابوري ؛ محمد بن مروان الاسدي النيشابوري ؛ محمد بن المهلب
 السرخسي ، محمد بن النعمان بن بشير النيشابوري ، أبو عبد مكن بيت المقدس و
 بهامات ؛ محمد بن نوح السعدي النيشابوري محمد بن نصر الله النيشابوري ؛ محمد
 ابن الوجيه النيشابوري ، محمد بن هاني بن عبد الله السلمي أبو عبد الله النيشابوري
 من ميدان زياد ، محمد بن يحيى بن عبد الله بن خلد بن فارس النيشابوري ، أبو عبد الله
 الذهلي إمام أهل الحديث في عصره بلا مدافعه ، محمد بن يوسف بن عبد الله أبو

سعيد النيشابورى و يعرف بالجوسقى ؛ محمد بن يحيى بن عمار ابو مسلم القهستانى
 رضى الله عنهما حدث كبير المحل و قيل توفى بنشاپور ، محمد بن يونس ابو عبد الرحمن
 السرخسى ، محمد بن يحيى بن موسى النيشابورى ، ابو عبد الله الاسفراينى و يحيى
 ملقب يحيوية ، محمد بن يزيد بن عبد الله النيشابورى ، ابو عبد الله السلمى شيخ
 اهل الراى ، محمد بن يحيى ، محمد بن يوسف ابوبكر المقرئ النيشابورى ، محمد بن
 يحيى ابو ابراهيم الصقار النيشابورى ، محمد بن يحيى بن سعيد ابوبكر النيشابورى
 و هو ولد ابراهيم بن محمد الصيدلانى ، محمد بن يحيى بن بلال البزاز النيشابورى
 والد ابى حامد البزاز

الامام مسلم بن الحجاج بن مسلم ابو الحسين القشيري النيشابورى المقدم و الحجة
 فى التمييز بين الصحيح و السقيم و كان مسكنه اعلى الزمجار و منجزه
 خان محمش و معاشه من ضياعه باستوا و توفى رحمة الله عليه يوم الاحد و دفن
 يوم الاثنين لخمس سبعين من رجب سنة احدى وستين و مائتين و مقبرته فى راس ميدان زياد
 قال الحاكم رضى الله عنه سمعت ابا عمرو بن ابى جعفر يقول سمعت
 ابا العباس بن سعيد بن عتده و سأله عن محمد بن اسمعيل البخارى و مسلم بن
 الحجاج النيشابورى ايهما اعلم فقال كان محمد عالماً و مسلم عالماً فكررت عليه
 مراراً و هو يجيبني بمثل هذا الجواب ثم قال لى يا عمرو قد يقع لمحمد بن اسمعيل
 الغلط فى اهل الشام و ذلك انه اخذ كقيمهم فنظر فيها مريماً ذكر الواحد منهم بكنيته
 و يذكر و فى موضع آخر باسمه و يتوهم انهما اثنان فامام مسلم فقل ما يقع له
 الغلط فى العلل لانه كتب المسانيد ولم يكتب المقاطيع والمراسيل

ذكر مصنفاته كتاب المسند الكبير على الرجال ، كتاب الجامع الكبير على الابواب
 كتاب الاسامى و الكنى كتاب المسند الصحيح ، كتاب التمييز ،

كتاب العلل، كتاب الواحدان ، كتاب الافراد ، كتاب الاقران ، كتاب سؤالات احمد ابن خليل ، كتاب الانتفاع باهب السباع ، كتاب عمرو بن شعيب مذكر من لم تحيج بحديثه و ما اخطأ فيه ، كتاب مشايخ مالك بن انس ، كتاب مشايخ الثوري ، كتاب مشايخ سعبه ، كتاب ذكر من ليس له الاراء واحد من رواة الحديث ، كتاب المخفرين كتاب اولاد الصحابة فمن بعد هم من المحدثين ، كتاب ذكر اوهام المحدثين ، كتاب تفصيل السنين ، كتاب طبقات التابعين ، كتاب افراد البشاملين من الحديث عن الرسول صلى الله عليه و سلم ، كتاب المعمر فيه ذكر ما اخطاء معمر

مسلم بن الحسين الذهلي النيشابوري و يقال انه ابو معاذ بن مسلم ، بن معاذ بن مسلم ابو سلمه النيشابوري ، مسلم بن الحسين بن معاذ بن مسلم النيشابوري راي سفيان بن سعيد الثوري ؛ موسى بن يزيد بن عبد الرحمن ابو عمران الاسفنجي النيشابوري واسفنج من رستاق ارغنان ، موسى بن ابراهيم بن سعد ابو عمران الروزني النيشابوري ، موسى بن يزيد العمي النيشابوري ، موسى بن سليمان عبد الرحمن ابو عمران النيشابوري ؛ مسعود بن عبد الله بن زرير بن محمد بن برد ابو عبد الله السلمي النيشابوري القهندزي اخو الجماعة و هو اولهم ، مسعود بن قتيبة بن زياد ابو قتيبة النيشابوري ، منصور بن طلحة بن طاهر ابو العباس اخو عبد الله طاهر و خليفة مرو و سرخس و مرو الرود و كان عالماً و هو مدفون بنيشابور بالشاد ياخ في محلة محمد آباد و من اشعاره في الحية الكثيفة الطويلة ليس للحية الطويلة معنى غير قبح اسمها و عم النوادان راها الحكيم اعرض عنها اوراها الشنعية قام ينادى و قال لمدح الخليفة الوائق بالله

ان الذي بعث النبي محمدا	و هب الخلافة للإمام المهدي
قمران اجدى و ناراد سطا	لا يعدلان عن الطريق الا قصد
اشرب على وجه السرور مدامة	خمرأ كالعيق او لفرقد
من لون اعيد قد تضرع كفه	من لونها اوخده المورود

قال ابو تمام في حق عبدالله طاهرو لم يقبل صلته .

يا ايها الملك المقيم ببلدة	لاتأمنن حوادث الازمان
صاح الزمان بآل برمك صيحة	خروا لشدتها على الاذقان
وننى باخرى مثلها فارادهم	واتى الزمان على بنى ماهان
وغدا يصيح بآل طاهر صيحة	غضب يحل بهم من الرحمن

منصور بن جعفر بن عبدالله بن زر بن السلمي النيشابوري أبو العباس ، منصور بن الحارث الزمجارى ابو عبد الرحمن النيشابوري مبشر بن عبدالله بن رزين بن محمد ابن سرد السلمي ابوبكر النيشابوري اكبر الاخوة القهند زى ، مبسر بن القاسم النيشابوري اخوانس ، مسيب بن زهير بن مسلم ابو مسلم البغدادي نزيل بنشابور و بهامات ، مسرور بن موسى ابو عبدالله النيشابوري ، مسرور بن نوح بن خزيمه ابو بشر الذهلى النيسابوري ، معاذ بن الحارث بن معاذ بن محمد بن مخلد بن حسان السامى النيسابوري ، معاذ بن مسلم بن رجا و رجا اسمه فى العجم ابادوار النيشابوري معاذ بن خلد النيشابوري مكن عستان ، معاذ بن اسد المروزي حدث بنشابور ، مقاتل بن ابراهيم ابو الحسن العامرى البلخى القلاس ، مخلد بن مالك ابو جعفر الحمال الرازى سكن بنشابور و بها خرج حديثه و بهامات ، مخلد بن عمرو بن لييد ابو موسى البلخى حدث بنشابور فى ميدان الحسين بن معاذ ، مخلد بن خلد بن عبدالله التميمى النشابوري ابو عبدالله ، محمود بن خداس الطالقانى ، محمود بن غيلان ابو احمد المروزي ، محمود بن محارب ابو سهل النيشابوري ، محمود بن هشام بن محمد بن ميمون بن ابراهيم ابويحيى النيشابوري ، محمود بن احرب ابو حامد المقرئ النيشابوري ، محمود بن يزيد النيشابوري ، مهدى بن حرث النيشابوري من رستاق استوا من قرية يقال لها الفرعري ، محمش بن عصام النيشابوري ابو عمرو المعدل مهر جان الزاهد النيشابوري ، محمش بن عبد الرحمن السامى ، مطرف بن عبدالله

النیشابوری نصر بن فضاله ابو عبد الرحمن النیشابوری، نصر بن خلف بن ابو محمد النیشابوری، نصر بن زیاد بن نهبك بن حسل القاضي النیشابوری ابو محمد وكان كوفي المذهب واعقبه عواخرهم كوفيون وولي قضا بنشابور سنة ثلث عشر ومائتين و توفي لسبع بقين من سفر سنة ست وثلثين ومائتين هو ابن سته وتسعين، نصر بن جناح ابو الليث القهستاني، نصر بن ابراهيم ابو احمد النیشابوری الحقائق، نصر بن خلف الفراء ابو محمد النیشابوری. نصر بن الحسين المعروف بفروية التاجر النیشابوری نصر بن جميل القشيري النیشابوری، نصر بن عبدالله بن مروان النیشابوری ابو القسم المؤدب نزيل بغداد، نصر بن مهران ابو سعيد الطوسي حدث بنشابور، نوح بن صالح ابو القسم الفراء النیشابوری، نوح بن عبد الرحمن الصيرفي النیشابوری، النصر بن محمد ابن النصر بن سلمه بن الحرود بن يزيد ابو محمد النیشابوری الیشکي و هي قصبة الرخ و بقره الان یشکي مشهد يزاد قال يحيى بن منصور القاضي ان سعيد بن عثمان ابن عفان لما توجه الى خراسان ورد على طريق اصبهان الى یشک و منها الى طريق الرخ فل نزل یشک مرض بها فتزوج و خرج و قد ولدت له بنتاً فسماهن نساء و كانت یشک الى ان تزوج بها محمد بن نصر الیشکي وكان من علماء الوقت فولدت ابناً فسماه النصر وهو النصر بن محمد الیشکي جد والد ابي الحسن المحمدي النصر ابن سلمه بن عروة ابو سعيد النیشابوری، النصر بن سلمه المؤدب النیشابوری، النصر ابن منصور ابو غياث الحارثي النیشابوری، نعيم بن زياد بن ابا زياد النیشابوری، نعيم بن مرتع ابو الفضل النیشابوری نعيم بن زرین بهلول ابو منصور النیشابوری، وليد بن محمد بن النعمان ابو سعيد السلمی البصري وكان ملقب بالصمام حدث بنشابور هرون بن المهدي بن المنصور ابو جعفر الرشيد امير المؤمنين و هو مات بسنا باد طوس و هي قرية وهو ابن ستة و اربعين سنة وكانت خلافته ثلث وعشرين

سنة و شهرين و ثلثة عشر يوما ، هرون بن عمرو الار غيانى من رستاق نیشابور ،
هرون بن یزید بن اخت ابی جعفر محمد بن مالک النیشابوری ، هاشم بن الولید ابوطالب
الهروی سکن بغداد ، هيثم ابن سعيد النيسابوری ؛ هشام بن الزبير الشيباني النيسابوری
همام بن علی النسابوری ، ابو الحسين البشکری و يعرف بالسورسی ، همام بن زکریا
ابو محمد النيسابوری ، يحيى بن محمد بن يحيى بن عبدالله بن خلد بن فارس الذهلي
حيكان امام نیشابور في الفتوى و الرياسة و سكه و مسجد منسوبتان اليه و صار
شهيدا ، يحيى بن معاذ الرازی ابو زکریا الواعظ سکن به نیشابور و توفي بها و
قبره في مقبرة باب معمر القريب من قبر احمد بن حرب رحمهما الله ، يحيى بن جعفر
بن عبد الله السلمی ، يحيى بن ابراهيم الضرير النيسابوری الزاهد ، يحيى بن المسمى
ابو زکریا النيسابوری يحيى بن اسحق بن حکيم بن ابی خديجه النيسابوری يحيى
بن صالح النيسابوری ، يحيى بن معاذ بن مسلم النيسابوری يحيى بن بکر بن مسلم
النيسابوری يحيى بن الياس النشابوری يحيى بن الحسن بن غافم النيسابوری ، يحيى
ابن اکثم بن محمد التميمي ، ابو محمد القاضي المروزی ، يحيى بن عاصم البخاري
حدث بنشابور و اقام بها ، يحيى بن الحسين ابو زکریا الاسفراينی النيسابوری و
يقال انه من قرية خوريد من اسفر اين رستاق نیشابور ، يحيى بن عامر بن خدش
النيسابوری يحيى بن الجنيد ابو زکریا النيسابوری ، يحيى بن حماد كاتب عبدالله
طاهر و هو نیشابوری ، يحيى بن منصور الزوزنی من رستاق نیشابور ، يزيد بن صالح
ابو خالد الفراء النيسابوری ، يزيد بن محمد ابو خالد الهروی حدث بنشابور يعقوب
ابن سفيان ابو يوسف القسوي امام اهل الحديث بفارس ، يعقوب بن يوسف النيسابوری
يعقوب بن عبدالله ابو يوسف النيسابوری ، يعقوب بن اشرش ابو يوسف ، يوسف بن
عيسى البخاري ابو يعقوب ساکن نیشابور وله دار معروف بها ، يوسف بن يحيى

ابن عبدالله بن خلد بن فارس الذهلي اخو الامام محمد بن يحيى ، ياسين بن النصر بن يونس بن سليمان بن سلمن الباهلي ابو سعيد القاضي النيسابوري و خطة سليمان بنشابور مشهوره ؛ يعمر بن بسر المروزي من كبار اصحاب عبدالله مبارك يونس بن آدم ابو محمد النيسابوري ، يونس بن افلح ابو محمد الملقب بأكثر النيسابوري ابو الاسود المنسوب اليه المحلة و هي محله في اعلى البلد بنشابور على طريق الجبل تدعى باب ابي الاسود ؛ ابو نصر الدهان النيشابوري ؛ ابوبكر بن ابي طالب اخو ابراهيم بن ابي طالب

ذكر الطبقة الخامسة من علماء نيسابور و من دخلها و نشر علمه

ابراهيم بن اسحق بن مهران بن عبدالله الثقفي النيسابوري سكن بغداد الى ان توفي بها وكان احمد بن حنبل يحضره و يبسط في مجلسه و يفطر عنده و هو اكبر الاخوة ، ابراهيم بن احمد بن عبدالله بن خبله ابو اسحق الهروي ، ابراهيم بن اسحق بن يوسف الا نماطي ابو اسحق النيشابوري ابراهيم بن اسمعيل الغيري ابو اسحق الطوسي محدث عصره بها ، ابراهيم بن اسمعيل النيشابوري ، ابراهيم بن اسمعيل ابو اسحق المعلل النيسابوري القران ، ابراهيم بن بلال ابو اسحق الاسفرايني و هو نيسابوري ؛ ابراهيم بن جعفر بن الوليد ابو اسحق المعدل النيسابوري من باغ الرازمين ، ابراهيم بن ابو اسحق الكراميني النيشابوري من محلة الجوري ، ابراهيم بن الحسن النيسابوري الميداني من ميدان زياد ، ابراهيم بن حمش الزاهد ابو اسحق الواعظ النيشابوري ابراهيم بن الحصين بن بشر النيشابوري ، ابراهيم بن خلد الزوزني ابو اسحق ، ابراهيم بن زيادة العابد النيشابوري ، ابراهيم بن سعيد ابو اسحق النيشابوري المعروف ماكرمكي ، ابراهيم بن سلمة بن زياد النيشابوري ، ابراهيم بن علي بن محمد بن آدم الذهلي ابو اسحق النيشابوري ، ابراهيم بن علي المروزي حدث بنشابور ؛

ابرهيم بن على بن الحسين ابو اسحق الترمذى نزىل بنشاپور ، ابرهيم بن عمر بن
 عباد النيسابورى ابو اسحق الحيرى ، ابرهيم بن عيسى بن عمير الذهلى ابو اسحق
 النيشابورى ، ابرهيم بن عبد الرحمن بن سهل الانادبارى ابو اسحق النيسابورى ،
 ابرهيم بن الفضل بن اسحق الراسمى والفضل ملقب بفضلويه ؛ ابرهيم بن محمد بن
 نوح بن عبدالله بن خلد بن اشر بن ابو اسحق المزكى النيشابورى و محمد مكنى
 ابوطالب ، عبدالله بن سعيد يقول ما رأيت مثل ابرهيم بن ابي طالب ولا رأى مثل نفسه و
 توفي يوم الاحد الثانى من رجب سنة خمس و تسعين و مائتين و دفن فى مقبرة الحسين
 ابن معاذ و قال ابو عبدالله محمد بن يعقوب الحافظ غير سره يقول انما اخرجت مدينتنا
 هذه من رجال الحديث ثلثة محمد بن يحيى و مسلم بن الحجاج و ابرهيم بن ابي
 طالب رحمهم الله و له تصانيف فى علم الحديث ، ابرهيم بن محمود بن حمزة الفقيه
 ابو اسحق المالكى المعروف بالقطان و مسجده و مدرسة المعروف بميان دهيہ و لم
 يكن بعده للمالكيه بنيسابور مدرس ؛ ابرهيم بن سعيد ابو اسحق المعدل الصيدلانى
 ابرهيم بن محمد بن مخلد النيشابورى ابو اسحق الضرير ، ابرهيم بن عبدالله بن
 موسى بن جعفر بن محمد بن على بن الحسين بن على بن ابي طالب رضى الله عنهم المعروف
 بابى اسحق الاسيخ المدنى حدث بنشاپور سنة خمس و ثمانين و مائتين ؛ ابرهيم بن
 محمد بن عبدالله الايوردى نزىل بنشاپور ، ابرهيم بن محمد بن هانى ابو اسحق
 النيشابورى المحدث على رأس ميدان زياد ، ابرهيم بن مخلد ابو اسحق البلخى سكن
 بنشاپور ، ابرهيم بن محمد بن هاشم ابو اسحق البناخذى النيشابورى ، ابرهيم بن
 محمد بن سفيان ابو اسحق النيسابورى الفقيه ، ابرهيم بن محمد بن اسمعيل النيسابورى
 ابرهيم بن الحسن المهلبى ابو اسحق النيسابورى ، اسمعيل بن قتيبة بن عبد الرحمن
 السلمى ابو يعقوب الزاهد البتقانى و هى قرية على نصف فرسخ من البلد و كان اكبر

من وجوه نيشابور توفي سنة خمس و ثلثمائة بمحلة سولقا باد و هناك خطتهم و
قبورهم ، احمد بن ابراهيم بن ابي صالح المروزي ابو صالح نزيل نيشابور ، احمد
ابن اسحق بن ابراهيم الطوسي نزيل بنشابور ، احمد بن حمدويه بن مسلم ابو علي
اليهتي من رشتاق بنشابور و من قرية ايوره محدث كبير ، احمد بن حمدون ابو
حامد الاعمش النيسابوري ، احمد بن حجاج بن عاصم بن مرواس النيسابوري ابو
جعفر ، احمد بن الحسن بن فضل ابو الفضل المستملي النيسابوري ، احمد بن
حفض الزاهد النيشابوري ، احمد بن حديفه ابو الحسن النيسابوري البشتي ، احمد
ابن خلد ابو الحسن الدامغانى نزيل بنشابور شيخ كبير و سكن بنشابور و توفي بها
احمد بن خلد بن احمد الذهلي ابو محمد و لم يكن في اولاد خلد بن احمد الامير
افقه منه قول قضا بنشابور احمد بن خلد الحيري ، احمد بن الخليل بن محمد البشتي
احمد بن زرعة بن قيس الذهلي النيسابوري ، احمد بن سلمة بن عبدالله النشابوري
ابو الفضل البراز ، احمد بن سهل بن بحر ابو العباس النيسابوري ، احمد بن سهل
بن مالك ابوبكر الاسفرايني النيسابوري ، احمد بن سعيد بن مسعود ابو العباس
المروزي قيل ما اخرجت خراسان من الرؤسا مثل ابي العباس في الرأي والعقل
والدها ، احمد بن سليمان العبدى النيسابوري ، احمد بن شعيب بن بحر ابو عبد
الرحمن الفقيه ، احمد بن صالح بن عبدالله ابوبكر الجوهري النيسابوري ، احمد
ابن عماد بن كوكب ابو الحسن العامري ، احمد بن يملك ابو العباس الجوهري
المروزي والد عمر اقام بنشابور مفيدا و مستفيدا ، احمد بن عمرو بن معقل ابو
حامد النيسابوري ، احمد بن علي بن عبدالله المعروف بابي علي الانصاري ، احمد
ابن علي بن عبدالله بن سنان النيسابوري ، احمد بن عبدالله ابو حامد المناشلي النيسابوري
من محله مناشل ، احمد بن عقيل بن الازهر البلخي ، احمد بن عثمان بن عبد الرحمن

النسوی ابو عبد الرحمن ، احمد بن علی العدنان النیسابوری ، احمد بن عبدوس
 بن حمدویه ابو العباس النیسابوری ، احمد بن عباس بن حمزة الواعظ النیسابوری ،
 احمد بن علی بن اسد البردعی ، احمد بن الفضل بن منصور ابو حامد السامانی ،
 احمد بن محمد بن عمار النیسابوری ابو حامد المستملی ، احمد بن محمد بن سعید
 الصيدلانی ، احمد بن محمد بن سالم ابو حامد النیسابوری ، احمد بن محمد بن
 الازهر بن السحری ابو العباس الازهری ، احمد بن محمد بن یزید البراز ابو حامد
 النیسابوری ، احمد بن عییده بن زیاد النیسابوری ابو بکر الوبری ، احمد بن محمد
 ابن موسی الدهقان النیسابوری ، احمد بن محمد بن بکر النیسابوری ابو العباس
 نزیل بغداد ، احمد بن محمد بن الحسن ابو بکر الذهبی من مامله بلخ و عداده فی
 نیشابور بین و بها مسکنه و اعتقابه ، احمد بن محمد بن ابی خلد ابو جعفر الاصبهانی
 نزیل نیشابور قدیما و توفي جمادی الاخر سنه ثلث و ثلثمائه و دفن فی مقبره باب معمر
 احمد بن محمد بن عمر ابو بکر المکندری مولده المدينه و منشأه الحرمین و ورد
 بنشاپور و اقام بها و ولد له بها ابو عمر المکندری ، احمد بن محمد بن نصر ابو
 جعفر الترمذی ، احمد بن محمد بن عمر بن بسطام ابو بکر المروزی و المروزی بها یسمونه
 البسطامی ، احمد بن محمد بن آدم الشاشی ابو بکر احمد بن محمد بن عمر ابو
 الحسن النیسابوری ؛ احمد بن محمد بن حفص بن یزید بن مسلم بن علی الحرسی
 ابو عمرو الحیری شیخ نیشابور فی عصره فی الریاسه و العداله و الثروة و التحديث و
 وفات الشیخ الجلیل الزکی بن الزکی العاشر من آذر ماه سنه سبع عشره و ثلثمائه
 رحمه الله و صلی علیه فی مصلى حیره ، احمد بن محمد بن هاشم المعدل ابو حامد
 الطوسی سکن بنشاپور الی ان مات بها ، احمد بن محمد بن جعفر ابو حامد
 النیسابوری ، احمد بن محمد بن حامد ابو نصر البخاری ، احمد بن عبد الکریم

الجرجاني وكنيته ابو زرعه ، احمد بن حبيب الدهان النيسابوري ، احمد بن محمد
ابن عمار المستملي النيسابوري ، احمد بن المبارك الزاهد ابو عمرو المستملي و
ملقب بحملويه العابد وكان مستجاب الدعوة وراهب اهل عصره دعا يوم الجمعة وقال
اللهم اقبضني اليك فمات ليلة الخميس الحادي عشر من جماد الاخره من سنه اربع
و ثمانين ومأتين و دفن عشية يوم الجمعة في مقبرة الحسين بن معاذ رحمه الله رحمة
واسعه ، احمد بن محمد بن سعيد ابو حامد الصيدلاني النيسابوري ، احمد بن محمد
ابن الحسين ابو العباس الماسرخس بن بنت الحسن بن عيسى النيسابوري ، احمد
بن نصر بن ابراهيم ابو عمرو الحافظ المعروف بالخفاف ومات يوم الاحد بسبع خلون
من شعبان سنه تسع وتسعين ومأتين و دفن يوم الاثنين تحب الحوض الذي لصدق به
رحمة الله رحمة واسعه ، احمد بن نصر بن عبد الوهاب النيسابوري ، احمد بن نصر
البوزجاني الشهيد وبوزجان من رساتيق نيشابور ، احمد بن هرون البودنجي
ابوبكر البرزعي الحافظ ، احمد بن يحيى بن يوسف اسمه يعقوب ابوبكر البسطامي
المقيم بنشابور الياس بن رجا النيسابوري ابو اسحق الدهقان ، بدل بن محمد بن
اسد الحوشي الاسفرائيني ، بشار بن حمدان ابو عفان المعدل النيسابوري ، تميم
ابن محمد بن طعناج ابو عبد الرحمن الطوسي ، جعفر بن محمد بن الحسن ابو الفضل
النيسابوري شيخ عشيرته في عصره ، جعفر بن محمد بن سواد بن منان ابو محمد
النيسابوري من اكابر الشيوخ ، جعفر بن احمد بن ابي عبد الرحمن النيسابوري ،
جعفر بن احمد بن نصر ابو محمد الحافظ المعروف بالحصيري ركن من اركان
الحديث بنشابور في الحفظ والاتقان وتوفي سنه ثلث و ثلثمائه و دفن بشاهنبر ،
جعفر بن سهل ابو الفضل المذكر النيسابوري ، جعفر بن محمد بن موسى الحافظ
ابو محمد النيشابوري ، جعفر بن المفيد بهذا يعرف في بغداد وبنشابور مسكنه و

عشيرته ، جعفر بن شعيب ابو محمد الشاشي ، جعفر بن احمد بن سلمه السلمي
 ابو محمد النيسابوري ، جعفر بن ولويه النيسابوري ابو محمد الدقايق ، جعفر بن
 محمد بن الفضل بن زياد التميمي ابو الفضل النيسابوري السعدي الملقب بصعومه
 جعفر بن محمد بن القسم الزاهد ابو محمد النيسابوري ، جعفر بن حمويه الفارسي
 نزيل بنشابور ، جعفر بن محمد بن الحرات النيشابوري ، جعفر بن يعقوب بن سليمان
 المقرئ النيسابوري المطوعي ، جبريل بن مخاع بن الفضل السمرقندي ، الحسن
 بن سفيان بن عامر بن عبدالعزيز بن النعمان بن عطاء الشيباني ابو العباس النسوي من
 قرية بالوز وهي على ثلث فراسخ من بلد النشابور وحدث خراسان في عصره و
 توفي رضي الله عنه سنة ثلث و ثلثمائه ، الحسن بن مخلد بن سنان النيسابوري ابو
 محمد المطوعي ، الحسن بن علي بن نصر ابو علي الطوسي الملقب بكروش توفي
 بطوس ، الحسن بن حمدون بن الوليد بن عسان بن الوليد مولى عبدالقيس ابو علي
 النيسابوري وكان يسكن بباب عروة ، الحسين بن علي ابي عيسى الهلالي ابو علي
 النيسابوري الدرا بجردي المحدث بن المحدث ، الحسن بن ابي جعفر واسمه محمد
 بن يحيى الجوزجاني ابو علي الحاجي ، الحسن بن عبدالله ابو علي النيسابوري ،
 الحسن بن علي بن القاسم بن عباس بن عبدالصمد ابو علي الشاذياخي ، الحسن بن
 الازهر بن الحارث بن سكسك النيسابوري ابو علي السكسكي ، الحسن بن عبدالرحيم
 بن سهل بن نوفل النيشابوري ابو علي : الحسن بن صاحب بن حميد ابو علي
 الشاشي ، الحسن بن عبدالله بن مخلد النيشابوري ، الحسن بن جعفر بن محمد
 الهمداني نزيل بنسابور ، الحسن بن بالربه بن زيد بن سيار النيسابوري ابو علي
 الحيري ، الحسن بن اسمعيل بن سليمان ابو علي الفارسي نزيل بخارا ، الحسين
 بن الحسن بن مهاجرين النيسابوري ابو محمد المهاجري من كبار المحدثين و كان

يحدث في سكه معقل في مسجد عبدالله عامر و توفي في سنه ثمان و سبعين و مائتين
الحسن بن محمد زياد نيشابوري ابو علي القيا في الحافظ اعداد كان الحديث و استاد
محمد بن اسمعيل البخاري ، الحسن بن احمد بن حفص بن عبدالله النيسابوري ابو علي ،
الحسين بن معاذ بن محمد منصور النميري ابو علي النيسابوري مسكنه بباب
عرو ، الحسين بن علي بن مهران النيسابوري ابو علي الدقاق ، الحسين بن احمد
بن الفضل بن عبدالله بن عيسى ابو علي البلخي ، الحسين بن اسمعيل بن علي الارنياني
ابو عبدالله النيسابوري و ارنان قرية من رستاق استوا الحسين بن معاذ بن ادريس
النيسابوري ابو عبدالله المودب ، الحسين بن عبدالله بن محمد بن مغلد النيسابوري
الحافظ ابو علي الباعكي ، الحسين بن المسيب ابو علي المروزي نزيل بنشابور ،
حمدون بن احمد بن بكر النيسابوري ابو نصر الذهلي ، حمدون بن احمد بن عمار
بن رستم النيسابوري الزاهد ابو صالح القصار و كان من الابدال من اصحاب ابي حفص
وهو والد ابي حامد الاعمشى ، حمدون رجا بن رجا بن شجاع بن المهدي النيشابوري
ابو رجا العمري من محلة الزمجار ، حمدون بن الفضل بن عمر النيسابوري ابو سعيد
الخفاف ، حمدون بن خالد بن يزيد بن زياد النيسابوري ابو محمد الملقابادي ،
حماد بن معاذ بن سعيد بن حماد الباهلي ساكن نيشابور ابو سليمان ، حاتم بن
الحسين ابو سعيد الساسي نزيل نيسابور ، حاتم الخليل بن سنان بن عبد الرحمن
ارداد القرشي السمرقندي الحرث بن زكريا المقرئ ابو سعيد النيسابوري ، حامد
بن موسى الازاري وهي قرية بقرب البلد ، حمدان بن محمد بن رجا ابو علي البيهقي
حماد بن الحكم ابو بكر النيسابوري ، حم بن احمد بن سعيد بن محمد البلخي ،
حمويه بن عماد النيسابوري ابو عبد الرحمن السراج ، حيان بن محمد بن حيان
الميراني النيسابوري ، خلد بن احمد بن خلد بن حماد بن عمرو بن مغلد بن ملك

و هو الخمخام بن الحارث الذهلي الامير توفي ابوه بنشابور و هو احمد بن خلدو
يقال خلد ولد بنشابور و سكن بخارا وله بها آثار مشهورة محمودة الا ما فعل في حق
امام اهل الحديث محمد بن اسمعيل البخاري الجعفي فانها زلة و سبب لزوال
ملكه ، خشنام بن اسمعيل بن مسيب ابوبكر النيسابوري من المتقين الانبياء ،
خشنام بن ابي معروف النيسابوري ابو محمد داود بن الحسين بن عقيل بن سعيد
النيسابوري ابوسليم الخسروجردي ، داود بن عبيدالله بن الفضل النيسابوري ابو الفضل
الاستوايي ، زكريا بن دلشاد بن مسلم بن العباس النيشابوري ابو يحيى الفرهادچردى ،
زكريا بن داود بن بكر بن عبدالله النيسابوري ابو يحيى الخفاف المقدم
في عصره ، زكريا بن يحيى بن الحرث النيسابوري الزكى ابو يحيى البزاز شيخ اهل
الراى فى عصره وله مضافات كثيرة ، زكريا بن يحيى بن موسى بن ابراهيم النشابوري
ابو يحيى الملابادى ، زكريا بن ولويه الزاهد النيشابوري ابو يحيى الواعظ ، زكريا
بن يحيى حوثره البرنودى النيسابوري ابو يحيى الدهقان ، زنجويه بن محمد بن
الحسن بن عمر النيسابوري ابو محمد الزاهد المعروف باللباد وكان من العباد ،
سعيد بن اسمعيل بن سعيد منصور ابو عثمان الزاهد الواعظ الحيرى وبها مسجده و
منزله وله بالرى و نشا بها ثم سكن بنشابور الى ان توفي بها وكان مجاب الدعوة
و مجمع العباد والزهاد وكرماته كثيرة لا يحصى و توفي رحمة الله عليه ليلة الثلاثاء العشر
يقين من ربيع الاخر سنة ثمان و تسعين و مائتين ، سعيد بن شادان بن محمد ابو
عثمان النيسابوري وهو الذى يعرف سعيد بن ابي سعيد البشتى سعيد بن عيسى بن
زيد ابو عثمان النيسابوري وكان من فقها اهل الكوفة ، سعيد بن سعيد ابو عثمان
النيسابوري ، سليمان بن سلام ابو داود النيسابوري ، سليمان بن منصور ابو داود

النيسابورى ، سهل بن عبد العزيز سورة الصنعانى ، سليمان بن اسرائيل ابو عبدالله
 الخجندى ، شعيب بن ابراهيم بن شعيب النيسابورى ، ابو صالح العجلي هو يقول
 سمعت اعرابيا يقول ما اطيب الثلج بماء العذب يستخرج الحمد من اصل القلب ،
 صالح بن خفضويه النيسابورى وكان من حفاظ الحديث ، صالح بن محمد الجوينى ابو
 سعيد النيسابورى ، صالح بن محمد ربيع الترمذى طيب بن محمد بن طلحة بن
 طاهر النيسابورى ابو اسحق الطاهرى ، عبدالله بن احمد بن شبيهه ابو عبد الرحمن
 المروذى من ائمة اهل الحديث ، عبدالله بن احمد بن الهيثم بن مخلد ابو محمد
 النيسابورى الخفاف ، عبدالله بن اسحق بن الياس بن ابي عصام النيسابورى ابو القاسم
 من باب عروة ، عبدالله بن احمد بن جعفر السرخسى ابو محمد الفقيه ، عبدالله
 بن بشر بن عميرة البكرى ابو محمد الطالقانى سكن بنشابور و بهامات ، عبدالله
 بن نحر بن عبدالله بن طيفور ابو بكر الطيفورى ، عبدالله بن جعفر بن خاقان بن
 غالب من ولد حجاج بن غلاط السلمى ابو محمد المروذى محدث عصره ، عبدالله
 بن الحسن بن ايوب السلمى من الزهاد رازى ، عبدالله بن زيد بن سيار ابو محمد
 النيسابورى المودب ، عبدالله بن سلمه بن يزيد القاضى النيسابورى ابو محمد بن
 سلمويه ، عبدالله بن سليمان بن الاشعث بن اسحق بن بشر بن عمرو بن عمران الازدى
 و قتل عمران يوم صفين بين يدى امير المؤمنين على عليه السلام ، عبدالله بن صالح
 بن يونس ابو محمد الفرائضى النيسابورى ، عبدالله بن على بن الحرود ابو محمد
 النيسابورى نزيل مكة ، عبدالله بن عمر بن سليمان ابو العباس الركنى النيسابورى
 عبدالله بن قتيبة بن سعيد الثقفى ابو قتيبة بن ابي رجا البغلانى ، عبدالله بن محمد
 بن محمد بن عبد الرحمن الفقيه النيسابورى ابو محمد بشرويه و محمد ملقب بحمويه

القرشي ، عبدالله بن محمد داود النيسابوري الدهان ، عبدالله بن محمد بن علي الحافظ
 البلخي ركن الحديث وله مصنفات في التواريخ والعلل وغيرها ، عبدالله بن محمد بن
 العباس ابو محمد المروزي ، عبدالله بن محمد بن الحسن المؤذن النيسابوري
 ابو محمد الحيري ، عبدالله بن محمد بن عمر ابو محمد النصر آبادي النيسابوري
 من محلة نصر آباد في اعلى البلد وكان بذكر اصحاب الرأي . عبدالله بن عمرو القراطي
 الواعظ النيشابوري ابوبكر ، عبدالله بن محمد بن سعيد ابو محمد المروزي ، عبدالله بن
 محمد بن عبدالله بن يونس بن عبدالله السمناني ابو الحسين من اعيان المحدثين ، عبدالله
 بن محمد بن الحسن بن شهر يار النيسابوري ، عبدالله بن محمد بن مالك النيسابوري نزيل
 سمرقند ، عبدالله بن محمد بن رجا النيسابوري ابو محمد ، عبدالله بن محمد بن
 ابي خلد النيسابوري ابو محمد الصيدلاني ، عبدالله بن محمد بن عبد العزيز الجرجاني
 ابو الحصب العاصي ، عبدالله بن هرون بن يحيى النيسابوري ابوبكر الحري ، عبدالله بن
 يحيى بن موسى السرخسي ابو محمد العاصي ، عبدالله بن عبدالله النيسابوري
 ابو عبد الرحمن الحداد نزيل بغداد ، عبد الرحمن بن محمد بن عقيل بن خويلد بن اسد
 الخزاعي صاحب رسول الله صلى الله عليه وسلم ، عبد الرحمن بن الحسن بن خلد القاضي
 ابو سعيد النيسابوري امام اهل الرأي في عصره بلامدافعه وخطه وخطه اسلافه محله متاشل ،
 عبد الرحمن بن جعفر ابو سعيد النيسابوري سكن مرو ، عبد الرحمن بن رجا ابو القسم
 النيسابوري فقيه لاهل الرأي من قرية بزديغر ، عبد الرحمن بن يوسف بن خراش الحافظ
 البغدادى ، عبد الرحمن بن بحر بن معاذ النسوي ابو محمد البراز ، عبد الملك بن الحكيم
 بن عبد الملك النيسابوري ابوبكر يهتق الملقب بعبدان الخسروجردي ، عبد الصمد بن
 هرون بن عمرو بن حنان بن يزيد القيسي النيسابوري وهو يلقب بمقاتل قتيبه ، عبد الرحمن
 بن عيسى الجرجاني ابو عبد الرحمن ، عبدان بن محمد بن عيسى الحافظ ابو محمد

المروزي الزاهد علي بن ابراهيم بن احمد ابوالحسن النسوي اقام بنشابور ، علي بن احمد بن محفوظ بن معقل ابوالحسن المحفوظي النيسابوري و سكه معقل خطهتم ، علي بن احمد الفقيه الشافعي الجرجاني ، علي بن الحسن بن شهر يار ابوالحسن الرازي نزيل بنشابور وقبره بالحيره ، علي بن الحسين بن بشر بن القسم النيسابوري ابوالحسن الفقيه ، علي بن الحسن بن سلم الاصبهاني ابوالحسن الحافظ ، علي بن مهران النيسابوري ابوالحسن الصفار من محله باب عروة ، علي بن الحسن بن هشام ابوالحسن النيسابوري ، علي بن حمدون بن هشام ابوالحسن النيسابوري من اجله مشايختنا ، علي بن الحسين بن بشار النيسابوري ابوالحسن الكرمانى كان ابوه من اهل كرمان نزيل بنشابور ، علي بن خاتم البخاري ابوالحسن الحاجي ، علي بن الحسن بن معاذ النيسابوري ابوالحسن السحتياني ، علي بن حمدان بن سلمه ابوالحسن المروزي ، علي بن سعيد بن عبدالله ابوالحسن العسكري من اعيان المحدثين كثير التصنيف وقد حدث عنه حفاظ الدنيا في عصره وتوفي بالري سنة ثلث عشره وثلثمائه ، علي بن عبدالرحيم بن سنان ابوالحسن الصفار النيسابوري ، علي بن عمر بن علي بن عمر النيساري ابوالحسن الدنودي ، علي بن عبدالله بن احمد الطبري ابوالحسن الفقيه ، علي بن الفضل بن اسحق النيسابوري ابوالحسن المناشك علي بن يحيى بن خلد المروزي ابوالحسن الخالدي ، علي بن محمد بن حمدويه الطوسي ابوالحسن نزيل بنشابور ، علي بن محمد بن العلا النيسابوري ابوالحسن القبايى و قباب اقصى محلة من البلد علي طريق العراق ، علي بن محمد بن حمدان البغدادى نزيل بنشابور ؛ علي بن موسى بن يزيد ، الفقيه ابوالحسن القمي امام اهل الراى في عصره ، علي بن محمد بن يزيد الحداد ابوالحسن الطبسى نزيل بنشابور ، عيسى بن محمد بن عيسى بن عبدالرحمن بن سليمان ابوالعباس اظمه ماني ويعرف بالكتاب المروزي هو امام في اللغة واحد الاشراف في نفسه وابائه واسلافه توفي رضي الله عنه في سنة

ثلث وتسعين ومائتين ، عيسى بن القاسم بن موسى النيسابوري ، عيسى بن اسحق بن موسى الحطمي ابو العباس الانصاري القاضي بن القاضي بنشابور ، عمرو بن بشر ابو حفص النيسابوري سكن بغداد ، عمرو بن نصر بن عبدالله النيسابوري ، عباس بن حمزه بن عبدالله بن اشرس ابو الفضل الواعظ النيسابوري صاحب احمد بن حرب والسكة منسوبة الى العباس وهو من اكابر العظام وله مع ذي النون بصر مباحثات وحالات وكان مجاب الدعوة توفي رضي الله عنه في شهر ربيع الاول سنة ثمان وثمانين ومائتين ، عمران بن موسى بن بهامع ابو اسحق السجستاني وهو محدث ثبت مقبول كثير الرحلة والتصنيف وتوفي بجزستان سنة ثلثمائة ، عمران بن موسى ابو موسى الاعياني النيسابوري ، عبدوس بن محمد بن عبدالله السجوري النيسابوري ، عصمة بن مسعود بن منصور بن ابراهيم النيسابوري ابو سعيد القطان عسان بن محمد النيسابوري العابد ابو جعفر القاروني ، القسم بن خلد بن قطي ابو سهل المروزي محدث عصره بمرور ، امام الحديث في عصره محمد بن اسحق بن خزيمة بن المغيرة بن صالح بن بكر السلمي مولى محشر بن مراحم ابو بكر العالم الاوحد المقدم باتفاق اهل عصره على تقدمه رضي الله عنه وكان يسكن بجنجرد وكان شيخ محمد بن اسمعيل البخاري ومسلم بن الحجاج النيسابوري ومحدثي عصره . قال الحاكم سمعت ابا بكر محمد بن علي الفقيه الشاشي يقول حضرت ابا بكر محمد بن اسحق بن خزيمة فقال له ابو بكر النقاش المقرئ البغدادي بلغني لما وقع بين المزني وبين عبد الحكم ما وقع قيل للمزني انه يرد على الشافعي قال لا يمكنه الا بمعونة محمد بن اسحق النيسابوري اياه قال ابو بكر كذا كان و ايضا سمعت عن محمد بن يحيى اذ تته امرأة فسألته عن مسئلة في الحيض فقال محمد بن يحيى اذهبى الى جنجرد ثم مثات يعرف بمحمد بن اسحق بن خزيمة مسئلته عن هذه المسئلة و كراماته مرويه رضي الله عنه وارضاه وتوفي من ذي القعدة سنة احدى عشرة وثلثمائة وصلى عليه انبه ابو النصر

وكان قدامتلا ميدان الحسين والى جنجرو د فى الموضع الذى صلى عليه ودفن فى حجرة
من داره ثم صير تلك الحجرة مقبره اللهم ارحمه ، محمد بن اسحق بن مهران بن عبدالله
الثقفى ابو عبدالله السراج النيسابورى محدث عصره وتوفى رضى الله عنه سنة ثلاث عشرة
وثلاثمائة وهكذا قرأت على قبره فى مقبرة الحسين بن معاذ على طريق اليمين من الشارع
عن يمين قبر يحيى بن يحيى ، محمد بن اسحق بن ابراهيم بن مخلد الحنظلى ابو الحسن
ولد بمر و نشاء بنشابور وانصرف فى آخر عمره الى مرو و توفى بها ، محمد بن
اسحق بن عبدالله بن ابراهيم بن عبدالله المستلى النيسابورى ابو عبدالله الملقب بالمتوفى ،
محمد بن اسحق بن الاشعث السحرى النيسابورى هذا شيخ من محله باغ سين وله بها عقب
محمد بن اسحق الشافعى النيسابورى شيخ قديم ، محمد بن اسحق بن عبدالرحمن
ابو عبدالله المناشكى النيسابورى ، محمد بن اسحق الانماطى النيسابورى ، محمد بن اسحق
بن النعمان النيسابورى ابو عبدالله الصفار ، محمد بن اسحق بن نصر اللباد النيسابورى ،
محمد بن اسحق بن الصباح ابو عبدالله التاجر النيسابورى ، محمد بن اسحق بن ابراهيم
النيسابورى ابو العباس السهقى الزاهد ، محمد بن اسحق بن ابراهيم النيسابورى ابو عبدالله
الصيدلانى ، محمد بن ابراهيم بن القسم النيسابورى ابو عبدالرحمن المدينى ، محمد بن
ابراهيم بن اسمعيل الفقيه ابو عبدالله النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن بشر بن عبدالله
بن حبيب النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن عبدالله الاديب النيسابورى ابوبكر ،
محمد بن ابراهيم بن مقاتل بن صلح المبكى النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن القسم
الاصبهانى نزيل بنشابور ابوبكر محمد بن ابراهيم بن هاشم النيسابورى ، محمد بن
ابراهيم بن القسم النيسابورى ابو عبدالله الحشاب ، محمد بن ابراهيم بن سعيد بن قطبة القيسى
ابو عبدالله النيسابورى من محله باب عروة وهو من بيت كبير ، محمد بن اسمعيل بن
مهران بن عبدالله ابوبكر الاسماعيلى النيسابورى احد اركان الحديث بنشابور كثرة

محمد بن جعفر بن ابرهیم بن مسلم النیسابوری ابو جعفر ، محمد بن حمید ابو عبدالله
القہستانی نزیل نیشابور ، محمد بن جعفر بن محمد بن یزید الشعرانی ابو عبد النیشابوری
الازارواری قرية من جوبین هویری هذا الشعر عن اعرابی :

یا فالق الاصباح انت ربی وانت مولایی وانت حسبی
فاصلحن بالیقین قلبی ونجنی من کرب یوم الکرب

محمد بن حمدان بن مهران المهرانی ابوبکر النیسابوری سماعه
کله نیشابور ، محمد بن حبیب بن فضاله الحلاب ابو عبدالله النیسابوری ، محمد بن
الحسن بن عیداله بن محمد بن طغان الترك النیسابوری ، محمد بن الحسن ابوعلی
الحیری ، محمد بن الحسین بن عمارة ابو عبد النیسابوری المقری من المدينه الداخله ،
محمد بن الحسن بن هشام الحیری ابوبکر النیسابوری ، محمد بن محمد بن الجسین بن
معاذ النیسابوری یلقب بحمویة الطویل محمد بن حامد بن محمد بن ابرهیم النیسابوری
ابوبکر الحیری ، محمد بن الحمید البزاز النیسابوری ، محمد بن الحسن بن الحسن ابوبکر
النیسابوری و يعرف بابی بکر بن ابی علی البرزعی ، محمد بن الحسن ابو عبدالله الزمجاری ،
محمد بن حمزة بن عبدالله السمرقندی ، محمد بن خالد ابوبکر القاضی الرازی نزیل
نیشابور ، محمد بن خشنام بن سعد ابو عبد الرحمن النیشابوری ، محمد بن داود بن
یزید بن حازم ابوبکر الرازی ، محمد بن دلویه ابوبکر النیشابوری ، محمد بن ابی ذرة
القاری النیسابوری ، محمد بن دلویه بن عبدالله النیسابوری ابوبکر الخراز ، محمد
بن درست الزاهد ابو عبدالله النیشابوری شیخ قدیم ، محمد بن رومی النیسابوری ،
ابو عبدالله شیخ صاحب اخبار و حکایات ، محمد بن مسیح بن سریع ابو مسیح العامری
الترمذی ، محمد بن روح النیسابوری ابو احمد الاستوایی شیخ قدیم ، محمد بن رزام
ابو احمد الهروری الفقیه الادیب من اجله اهل البلد ، محمد بن زیاد النیسابوری ابو
عبدالله الفقیه البردیعی و کان من الزهاد والفقها ، محمد بن زکریه بن قمیم

علی النیسابوری ابوالعباس الضریر کف بصره بعد الثمانین ، محمد بن شعیب بن محمد
 بن المغیره بن بکر السلمی النیسابوری ابوبکر الجنجرودی ، محمد بن شعیب بن علی
 ابوبکر النیسابوری ویلقب بالصر ، محمد بن شادان بن اسمعیل النیسابوری ابوالعباس ،
 محمد بن شاد بن عبدالله النیسابوری ابوعبدالله ، محمد بن شهریار النیسابوری ، محمد
 بن شعیب بن صالح النیسابوری ابو عبدالله القصری و یقال انه من قصر عبدالجبار ،
 محمد بن الصباح النیسابوری ابوعبدالله الخیاط ، محمد بن صالح بن جمیل ابوالحسن
 الطوسی محدث کثیر ، محمد بن صالح بن یونس النیسابوری ابوعبدالله ، محمد بن
 صالح بن الهیثم القشیری ابوبکر النیسابوری من محله ملقباد ، محمد بن طیفور
 الزاهد ابوعبدالله النیسابوری ، محمد بن طاهر بن عبدالله بن طاهر الامیر ابوعبدالله
 النیسابوری وتوفی ببغداد ، محمد بن عبدالسلم بن بشار ابوعبدالله النیسابوری المعروف
 بالوراق کان مورق علی اسحق بن راهویه و کان من العباد ، محمد بن عبدالله بن
 یوسف بن خرشید النیسابوری ابو عبدالله الدیری و دیر قرية علی فرسخ من البلد ،
 محمد بن عبدالله بن المبارك الخیاط النیسابوری ، محمد بن عبدالله بن اسحق الحواری
 ابوعبدالله الطوسی ، محمد بن عبدالملک بن سلمه النیسابوری ابوعبدالله القشیری ،
 محمد بن عبدالله بن حامد النیسابوری ، محمد بن عبدالله بن الجنید النیسابوری ابو
 عبدالله ، محمد بن عبدالله بن القسم ابوعبدالله العمری ، محمد بن عبدالله العاملی ابو
 عبدالله النیسابوری ، محمد بن عبدالله بن یزید الرازی ابوبکر سکن بنشاپور ، محمد
 بن عبدالله بن عمرو المروزی ، محمد بن عبدالصمد النیسابوری ابوبکر الاسفرائینی
 محمد بن عبدالله بن محمد بن مخلد الهروی ابوالحسن المخلدی ، محمد بن عبدالملک
 بن سلمه النیسابوری ، محمد بن ابی عیاض النیسابوری ، ابوعبدالله الواعظ الزاهد ،
 محمد بن عیسی النیسابوری نزیل مکه ، محمد بن علی بن ابرهیم ابوعبدالله الحافظ

المروزي ، محمد بن عمر بن هشام الحافظ ابوبكر الرازي وتوفي بمرو ، محمد بن
علي بن علوية الفقيه ابو عبدالله الجرجاني الرازي من ائمة عصره للشافعيين ، محمد بن
عمرو بن سليمان بن عبد الرحمن بن عبدالله النيسابوري وهو ابوبكر بن عمرو الملقب بادي ،
محمد بن عمر بن العلا العامري ابو عبدالله الجرجاني الصيرفي ، محمد بن علي بن الحسن
النيسابوري ابو عبدالله ، محمد بن عبد بن عامر بن مرداس بن هرون السعدي توفي في -
البادية ، محمد بن عمرو بن جبريل النيسابوري من رستاق ييهق ، محمد بن عمرو بن
خالد ابوبكر البلخي ، محمد بن علي بن الحسن ابو عبدالله المرقدي ، محمد بن علي بن
رافع التميمي الحافظ ابوبكر البلخي ، محمد بن العباس بن الحكم المروزي ، محمد بن
عبدربه النيسابوري ، محمد بن علي بن سعيد بن جرير النسوي ابو عبدالله ، محمد بن
علي بن عثمان بن حمزة الانصاري ابو عبدالله المدني ، محمد بن علي بن الحسن بن خليل
النيسابوري ابو عمر والقطان المجاور برباط قراره ، محمد بن عبدالله النيسابوري
محمد بن عبدالله بن مهدي بن ابي المهدي النيسابوري ابوبكر الشعرائي من قصبه المهرجان
كثير الرحلة والحديث ، محمد بن ابو عبيد الله الحافظ الملقب بقرطمة البغدادي ،
محمد بن عمرو بن الربيع بن سليمان الطافي ابو عبدالله الطوسي ، محمد بن علي القاضي
ابو عبدالله المروزي الملقب بالخياط الزاهد العابد المجتهد فله قضاء نيشابور ، محمد
بن علي بن ابراهيم المروزي ابوتراب ، محمد بن العباس بن يوسف بن القسم بن سليمان
بن سليط النيسابوري من المدينة الداخله ، محمد بن علي العمري ابو جعفر الشافعي
سكن بنشابور ، محمد بن فراس ابو عبدالله الاسفرايني النيسابوري ، محمد بن الفضل
محمد بن الطيب ابو الحسن النيسابوري و ملقب بفوز البشتي ، محمد بن فوز بن عبدالله
بن مهدي النيسابوري ابوبكر العامري ، محمد بن الفضل بن عصمة النيسابوري ، محمد
بن قتيبة بن عبدالله بن موسى النيسابوري ابوبكر الاسفرايني ، محمد بن القاسم ابو نعيم

صاحب الرباط هراوه ، محمد بن قبيصته اللقبادي ابوبكر النيسابوري ، محمد بن كرام العابد ابو عبدالله السحري وقيل انه من بني قرامولده بقرية من قري زرنج و نشأ بسجستان وحصل عند احمد بن حرب في خراسان ، محمد بن الليث ابو عبدالله النيسابوري محمد بن محمد بن رجاء بن السدي ابوبكر النيسابوري من اهل اسفراين ، محمد بن المسيب بن اسحق بن ادريس النيسابوري ابو عبدالله الارغثاني وكان من العباد المجتهدين ، محمد بن المنذر بن سعيد بن عثمان الهروي ابو عبد الرحمن شكر ، محمد بن ماهان الجويني ، محمد بن منصور النيسابوري من اهل اسفراين ، محمد بن محمد بن شاد النيسابوري ابو عبدالله الرادساني ، محمد بن محمد بن سعيد بن عبد الحميد الانصاري ابونصر المقيم بنشاپور ، محمد بن موسى الواسطي ابوبكر الصوفي صاحب الاحوال قد سكن بنشاپور مدة ثم سكن بمرو و صار له بها اصحاب من افضل المسلمين وتوفي بها ، محمد بن مهران النيسابوري ، محمد بن مصر بن معن المروزي ابومضر الرباطي صاحب الاخبار والحكايات ، محمد بن نصر الامام ابو عبدالله المروزي الفقيه العابد العامل امام اهل الحديث في عصره بلا مدافعه وتوفي بسمرقند في المحرم سنة اربع و تسعين ومات بن وقيل رجال خراسان اربعة ، عبدالله بن المبارك ويحيى بن يحيى واسحق بن ابراهيم الحنظلي و ابو عبدالله محمد بن مضر المروزي ، محمد بن نعيم بن عبدالله النيسابوري ابوبكر المدني وذلك ان منزله ومسجده في المدينة الداخلة فنسب اليها من اعيان المجتهدين الثقات الانبات ، محمد بن النصر بن سلامة الحرودي بن يزيد ابوبكر الجارودي شيخ وفيه وعين علماء عصره خطأ وكمالا وثروة وخططة المشهورة ومسجده في المربعة الصغيرة والجارود جد ابيه صاحب ابي حنيفة ، محمد بن نصر الفراء النيسابوري محمد بن هاشم بن زياد الترمذي ، محمد بن هارون بن سعيد بن عبد الحكيم السمرقندي

الكاغذى ابونصر ، محمد بن يحيى بن سهل النيسابورى ابوبكر المطرز والمسجد فى
 المربعة منسوب اليه وهى خطه كثيره لاهل الحديث ، محمد بن يحيى بن خالد بن مهران
 النيسابورى ابوبكر الاعوج ، محمد بن ابي يزيد بن صالح الفراء النيسابورى ابواحمد بن
 ابي خالد ، محمد بن ياسين بن النصر بن سليم بن ربيعة الباهلى ابوبكر الفقيه النيسابورى
 محمد بن ياسين بن النصر ابواحمد النيسابورى الفقيه اخو ابوبكر ، محمد بن يحيى بن
 خالد ابويحيى المروزى ، محمد بن يحيى بن عبدالرزاق البخارى ، محمد بن يحيى بن
 مهران ابوبكر المستملى النيسابورى ، محمد بن يوسف بن مغلل ابو عبدالله النيسابورى
 الاموى ، محمد بن يوسف بن سعيد ابو حمزه النسوى ، موسى بن اسحق بن موسى الحطمي
 ابوبكر الانصارى القاضى ، موسى بن هرون بن عبدالله الحافظ ابو عمران البزاز ،
 موسى بن محمد بن موسى النيسابورى الذهلى ابو عمر والاعين ، موسى بن عبدالمؤمن
 النيسابورى ابو العباس البشتى محدث مفيد واسع الرحله ، موسى بن الحسين بن
 عبد الرحمن النيسابورى ابو عمران السيهقى مضارب بن ابراهيم النيسابورى ، ابو الفضل
 الاديب وكان اوجد عصره بنيسابور فى الادب والخوا ، المذكور بن الحارث النيسابورى
 ابو الليث البوزجاني ، مطهر بن محمد بن يحيى النيسابورى ، ابو على منصور بن على
 بن عبدالله النيسابورى ابونصر السخيتاني ، منصور بن اسد النيسابورى ، مكى بن
 محمد بن احمد بن ماهان ابو العباس البلخي ، مكى بن عبدالغفار النيسابورى مسدد بن
 قطن بن ابراهيم النيسابورى ابو الحسن القشيري وكان مزكى عصره والمقدم فى الزهد
 والورع واكبريت فى العلم بنشابور بيته من الطرفين جميعاً ، موقل بن الحسن عيسى بن
 ماسر خسى النيسابورى ابو الوفا الماسر خسى شيخ بنشابور فى عصره ابوة وثروة وكمال
 عقل وكرماً حتى يضرب به المثل فى ذلك ، محمود بن هزيمة النيسابورى المقرئ ،
 محمود بن عبد الرحمن البلخي مقبل بن رجا الطوسى ، محيب بن ابراهيم بن سليمان بن

ابراهيم بن يزيد النيسابوري ابو عوانة الاسفرايني من علماء الحديث ومن الرحالة في اقطار الارض مطلب الحديث ، يوسف بن موسى بن عبد الله بن خالد بن حموك ابو يعقوب المرورودي من اعيان محدثي خراسان المشهورين بالطلب والرحله وتوفي بمرورود سنة ست وتسعين ومائتين ، يوسف بن يعقوب بن يوسف ابو عمر والنيسابوري نزيل بغداد يوسف بن الجوزجاني ابو يعقوب العابد النيسابوري ، يوسف بن ابراهيم النيسابوري ابو يعقوب الماكياني ، يونس بن ابراهيم بن النصر ابو محمد النيسابوري .

ذكر الطبقة السادسة من العلماء النيسابوريين ومن سكنها وحدث

فيها من علماء السلميين رضي الله عنهم

احمد بن اسحق النيسابوري ابو حامد الاسفرايني ، احمد بن اسحق بن ابراهيم بن موسى الحيري ، احمد بن ابراهيم بن احمد بن حاجب النيسابوري ابو سعيد الحاجي وكان ملقب بحمدان ، احمد بن ابراهيم بن داود النيسابوري الميداني من ميدان زياد وتوفي سنة خمس عشر وثلث مائة احمد بن ابراهيم بن شادان بن عبد الله النيسابوري ابو حامد الخفاف ، احمد بن اسحق ابو حامد البزاز النيسابوري ، احمد بن اسمعيل بن جبريل النيسابوري ابو حامد المقرئ الصرام وكان من كبار قراء المجتهدين ، احمد بن بشر بن محمود النيسابوري ابو يحيى الاسفرايني ، احمد بن جعفر بن مشكان النيسابوري ابو حامد الخفاف ، احمد بن جعفر بن احمد بن بكر بن زياد الوحامد الشيباني النيسابوري ، احمد بن حمدان بن علي بن سنان النيسابوري الزاهد العابد ابو جعفر بن حمدان الحيري وكان مجاب الدعوة وتوفي رضي الله عنه سنة احدى عشر وثلثمائة بنشابور قبل ابي بكر محمد بن اسحق بن خزيمة ، احمد بن حمدويه بن موسى النيسابوري ابو حامد المؤذن وكان من اعيان الصالحين جاور مكة خمس سنين احمد بن حامد بن ابي حامد ابو عمر

الشاشي ، احمد بن الحسين النيسابوري ابو حامد السراج ، احمد بن الحسين بن محمد بن عبدالله بن بكر بن جعد المذكر ابو حامد النيسابوري المعروف بالدقاق ، احمد بن جعفر بن عمير المروزي ، احمد بن السري بن سهل النيسابوري ابو حامد الجلاب وكان مسكنه كالماباد ، احمد بن سعيد العابد النيسابوري ، احمد بن شادان بن محمد النيسابوري ابو العباس الاسفرايني ، احمد بن عبد الرحمن بن محمد بن نصر النيسابوري احمد بن عبد الرحمن ابو حامد السرخكي وهي قرية على باب البلد ، احمد بن عبد الرحمن بن يحيى بن سعيد النيسابوري ابو بكر الجودي ، احمد بن عبد الرحمن بن اسمعيل النيسابوري ابو حامد الجلودى ، احمد بن على بن الحسين بن شهر يار الحافظ النيسابوري المقدم العالم بالحديث صاحب المصنفات الكثيرة المفيدة وروى عنه حفاظ الدنيا في عصره وكان ابوه من الرى سكن بنشابور وبها نشأ ومات وقيل مات في سنة خمس عشرة وثلثمائة بالطايران من طوس و هو اربع وخمسين سنة ، احمد بن عبيد بن عبد العزيز ابوطاهر النسوى ، احمد بن عبدالله ابو حامد الذهلى النيسابوري احمد بن محمد بن الحسين الحافظ ابو حامد بن الشرقى النيسابوري صاحب الصحيح وتلميذ مسلم بن الحجاج واحده عصره فى المفرقة ومات فى رمضان سنة خمس وعشرين وثلثمائة ودفن فى مقبرة شاهنبر والخطبة المشهورة بالشرقيين فى اعلى الزمجار ؛ احمد بن محمد بن همام ابو الحسين النيسابوري ، احمد بن محمد بن السعيد النيسابوري ، ابو بكر بن ابي الحجارة شيخ معروف ويسكن سكة الخندق ، احمد بن محمد بن اسحق ابو حامد الوراق النيسابوري ، احمد ابو على النيسابوري احمد بن محمد بن حامد بن منصور بن الفضل البزاز الطوشى ابو حامد سكن بنشابور وقال الحاكم واظنه نيسابورياولى قضا طوس ونسب اليها ، احمد بن محمد بن يحيى النيسابوري ابو الحسن الرازى احمد بن محمد بن على الفقيه ابو خاتم النيسابوري ويعرف بالسحري ، احمد بن محمد بن ابو حامد الغازي ، احمد بن محمد بن رنجويه الموازى ، احمد بن

محمد بن ادم الساسي، احمد بن محمد بن عبد الرحمن بن سر الحكيم العبدی، احمد بن محمد بن
 الحسين النيسابوري ابو الحسين الحداسي، احمد بن محمد بن عمر بن جعفر بن حفص
 محمد النيسابوري ابو عمرو السمسار و كان من المتعصبين لاهل السنة الباذلين للمال و
 الجاه و كان ابو مجاب الدعوة، احمد بن محمد بن موسى النيسابوري ابو حامد القلاسي،
 احمد بن محمد بن يحيى بن بلال البزاز ابو حامد المعروف بالخشاب النيسابوري مدفون
 في باب معمر، احمد بن محمد بن اسحق بن ابراهيم بن عماد الخرجي ابو عمرو المزكي
 احمد بن محمد بن الحسين بن قريش الماهياني ابو نصر المروزي الغاوي سكن نيسابور
 حتى مات بها، احمد بن محمد بن حمدان المؤدب ابو حامد النيسابوري، احمد بن
 محمد بن صالح النيسابوري، احمد بن محمد بن عبدالله النيسابوري ابو عبدالله العمري،
 احمد بن منصور المروزي الاحول، احمد بن محمد بن معروف النيسابوري، احمد بن
 نصر بن محمد بن اشكات التجاري ابو نصر الزعفراني، احمد بن يونس بن ابراهيم بن
 النصر النيسابوري ابو العباس، احمد بن يوسف الصابوني الفقيه ابو الحسن المناظر،
 احمد بن يحيى بن سعيد النيسابوري ابو حامد الكردي، ابراهيم بن محمد بن نصر النيسابوري
 ابو اسحق الكراميسي، ابراهيم بن الحسين بن محمد ابو اسحق المقرئ، ابراهيم بن
 محمد بن ابراهيم ابو اسحق النيسابوري الفقيه و كان يعرف بالخدامي من باب عروه سكه
 خدام وهو من اجلة الفقهاء لاهل الرأي، ابراهيم بن احمد بن محمد النيسابوري ابو اسحق
 السختياني، ابراهيم بن اسحق بن ابراهيم الاديب النيسابوري ابو اسحق المروزي، ابراهيم
 بن محمد بن مرشد النيسابوري ابو اسحق المعدل النيسابوري، ابراهيم بن ابي مطيع
 ابو اسحق النيسابوري القطان، ابراهيم بن محمد بن قميصه ابو اسحق النيسابوري،
 ابراهيم بن محمد ابو اسحق النيسابوري المعروف بالايوردي، ابراهيم بن احمد بن
 الحسن ابو اسحق النيسابوري المعروف بالبغدادی، ابراهيم بن محمد بن ابراهيم بن شداد

النيسابوري ابواسحق الشدادى الحاكم ، ابراهيم بن على بالويه ابواسحق البلخى ،
 ابراهيم بن محمد ابواسحق الرئيس البسطامى سكن بنسبور بياغ الدارس وبهامدرسته
 وداره اللتى بناها لاهل الحديث ابراهيم بن سيمجور ابواسحق الامير بن الامير العادل بن
 العادل ولى بنسبور سبع ستين فصارت ايامه تاريخا فى العدل و توفى ببخارا فى سنه
 خمس وثلثين وثلاثمائة ابراهيم بن عبدالله ولقب عبدالله بن عبدوس بن احمد بن جعفر
 الحرش ابواسحق العدل النيسابورى من محلة الحيره ، اسمعيل بن ابراهيم بن عمال
 الخرزجى الانصارى ابو محمد النيسابورى ، اسمعيل بن ابراهيم بن عبدالرحمن النيسابورى
 اسمعيل بن مطرب بن بحر بن سنان النيسابورى ابو عبدالله الزمجارى ، اسحق بن ابراهيم
 بن عبد الملك النيسابورى ابو يعقوب الهجرى محدث جرجان فى عصره اسحق بن عيسى
 بن يونس ابو يعقوب المرجانى ، اسحق بن محمد بن عبدالله النيسابورى ابو يعقوب
 الجنابدى ، اسمعيل بن محمد ابو يعقوب الوراق النيسابورى وكان من الصالحين ،
 الياس بن محمد بن يوسف بن حفص ابو يحيى الطوسى ، احمد بن على بن الحين القاضى
 الترمذى ، بكر بن محمد بن اسحق بن خزيمة ابو نصر النيسابورى قال الطاهر محمد بن
 الفضل بن اسحق توفى عمى ابو النصر سنه ثلاث وعشرين وثلاثمائة يروى عنه هذا البيت ،

لسان الفتى نصب و نصف فؤاده فلم يبق الا صورة اللحم والدم

و كاي ترى من ساكت لك معجب زيادته او نقصه فى التكلم

بكر بن عبدالله بن محمد القاضى ابو على بن ابو بكر الحنالى الرازى وقد روى وحدث
 بالمناكير بكر بن محمد بن عبدالله النجارى ، بشر بن العباس بن الاشعث المروزى ، جعفر بن
 محمد بن احمد بن بحر بن التميمى ابو محمد النيسابورى جعفر بن احمد بن عمرو ابو محمد
 النيسابورى جعفر كى الغازى ، الحسين بن محمد بن الحسن بن ابراهيم القاضى ابو على الجنابدى
 ولى قضا بنسبور ، الحسن بن محمد بن ابراهيم ابو طاهر الجنابدى النيسابورى ، الحسن بن

ابو محمد النصر آبادى السمسار وكان من العباد الحسن بن محمد بن
 بكر النيسابورى ابو على بن خان يحيى بن معاذ، الحسن بن محمد بن جابر النيسابورى
 ابو على الشعيرى المعروف بحسن الوكيل، الحسن بن على بن الحسين جعفر النيسابورى
 ابو على من محله عمر آباد، الحسن بن محمد بن سنان النيسابورى ابو على السواق
 القنطرى، الحسن بن محمد بن ياسين بن النصر الباهلى النيسابورى، الحسن بن محمد
 بن قيس بن صالح النيسابورى ابو على البراز، الحسين بن محمد بن احمد بن يونس بن
 جندل النيسابورى ابو على القهستانى نزل ابوه بنسا بور، الحسين بن محمد بن هارون
 ابو على النيسابورى، الحسين بن محمد بن موسى بن محمود النيسابورى ابو على -
 السمسار وكان من اهل الصدق والمعروف بطلب الحديث والرحلة، الحسين بن فوران
 النيسابورى، الحسين بن محمد بن بشر النيسابورى ابو على الانماطى، الحسين بن نصر -
 النيسابورى ابو على البارى وبارقرية من قرى بنسا بور، الحسين بن هارون ابو على -
 المرائى من الرحاله فى طلب الحديث و توفى بنيسابور سنة خمس عشرة و ثلثمائة،
 الحسين بن اسمعيل بن يحيى النيسابورى ابو على الصفار، الحسين بن بحر بن عبد الله -
 المعلم النيسابورى ابو على المعروف بالصوفى، الحسين بن محمد بن محمد مام التميمى
 ابو على الحاكم البلخى، حميد بن محمد بن على الشيبانى ابو عمر و النيسابورى يعرف
 بحميد الصبى، حامد بن محمود بن معقل النيسابورى ابو محمد القطان حامد بن محمود
 محمد النيسابورى ابو العباس المشهور بابى العباس بن كلثم الشاهد و مسكنه مكة
 سكش، حامد بن احمد بن محمد بن حبيب ابو احمد المروزى، حامد بن ابي حامد
 الاشروسنى حدث بنيسابور، حوتره بن محمد النيسابورى ابو محمد البرنودى خلف بن
 حنظلة بن خاقان السرخسى ابو محمد، زكريا بن محمد بن اكار المعدل النيسابورى،
 ابو يحيى الميدانى من ميدان زياد، زيد بن يحيى بن الحسين العامرى النيسابورى

ابوالحسين من محله دروان كوس ، سلمين بن داود بن عبدالله النيسابوري ابويوب و
 يعرف بابن داود النسوي و كان ابوه نزل بنسا بور ، سهل بن عبدالله ابو حاتم السجستاني ،
 سفيان بن محمد بن حاجب بن محمود النيسابوري ابو الفضل الجوهري و كان من
 المشهور بطلب الحديث بخراسان والعراق ومن اهل الثروة والافضل على اهل العلم
 رحمه الله ، سلمه بن النصر بن سواده بن عقيل القشيري ابوالنصر النيسابوري من باب -
 الدير ، صالح بن نوح بن منصور النيسابوري ابو الفضل الفرهاد جردى ، صديق بن عبدالله
 الرادساني النيسابوري ، طاهر بن يحيى بن قبيصة النيسابوري ابو الطيب البلخي ، عبدالله بن
 محمد بن عمر النيسابوري ابو محمد العطري ، عبدالله بن محمد بن ابراهيم النيسابوري
 ابو محمد الزوزني ، عبدالله بن محمد صبيح بن عبدالعزيز و هو ابو بكر بن سالم بن
 عبدالله عمر بن الخطاب العدوي ابو محمد الجوهري و منزله في سكه حمدان
 قال الحاكم رحمه الله و منزل ابي ايضا سكه حمدان و مسجد و مسجدا بي الذي كان
 عليه الميذنة قديما و قال ابي توفي عبدالله اخي من الرضا ع سنة خمس عشر و ثلثمائة ، عبدالله
 بن الفضل بن محمد بن عقيل بن خويلد الخزاعي ابو بكر النيسابوري عبدالله بن الحسين بن
 محمد النيسابوري ابو بكر المؤدب ، عبدالله بن محمد بن داود القشيري النيسابوري ابو محمد
 الدهان ، عبدالله بن محمد بن زياد بن فاضل الفقيه النيسابوري ابو بكر الشافعي سكن
 بغداد و كان امام الشافعيين في عصره ، عبدالله بن مسلم النيسابوري ابو بكر
 عبدالله بن محمد بن هاشم بن طرمناخ الطوسي ابو محمد و كان من اعيان المحدثين في -
 عصره ، محمد بن علي بن طرخان الباهلي ابو بكر البلخي محدث بلخ في عصره ، عبدالله بن
 محمد بن منازل النيسابوري ابو محمد الصوفي المجرى على الصحة والحقيقة لاعلى
 مجرى العادة و توفي رضي الله عنه ليلة الخميس الخامس من ربيع الاول سنة احدى و
 ثلاثين و ثلثمائة و دفن في مقبره شاهنبر و له حالات عجيبة قال ابو عبدالله الملقا بادي

عاولت عبدالله بن منازل في طريق الحج و معنا ابو علي الثقفي و كنا نجتمع و يذكر -
 فضل الحنيد بن محمد فنزير ناشوقا الى لقائه و عبدالله بن منازل ساكت فلما دخلنا بغداد
 فقامت انا و ابو علي الثقفي و قلنا لعبدالله قم بنا ترورا بالقاسم فقال اذهبنا اما فقلنا لا نتجى
 فقال لا فتعجبنا و ذهبنا اليه فزادت مشاهدته على ما كان عندنا من اخباره فقال لنا هل
 صبحكما غير كما قلنا بلى هل من اصحابنا يعرف بعبدالله بن منازل قال كيف لم يحضرنا
 قلنا لعله فقال اذا نصرفتما الى فاستلاه ان يصبحكما قاننا نعم انصرفنا اليه و قصصنا عليه
 ما سمعنا و وصفنا فلم يتكلم بشئ الى ان اصبحتنا اليوم الثاني و عرضنا عليه زيارة ابي القاسم
 فامتنع قلنا اذا امتنعت فاخبرنا الذي منعك عن زيارة هذا الشيخ فقال لا بد ان اخبركم
 قلنا لا قال ان كان امر ابي القاسم على ما وصفتموه فمما مثل ما سمعوه منه الامثلة لطعام
 الطيب تيناؤله الرجل ثم يخرج فضله على ما ترون و كذلك علم المعرفة انما يلقي الحق
 الى من شاء من خلقه له طيبه ثم لا يخرج بلسانه و لا ينطقه الحق الا بارداء فلان اكون
 منحوس الخطه بالكلية من ابي القاسم اخب الى من ان اكون مغبوناً آخذ منه اردي
 ما التقى و يبقى طيبه عنده فاعجبنا كلامه و قمنا من عنده حتى دخلنا ابي القاسم و رجب
 بنا و سالنا عنه فقصاصنا عليه القصه فبكى ابو القاسم حتى كاد ان يغشى عليه و سكوت ذلك
 اليوم و لم ينطق الى ان قمنا من عنده ، عبدالله بن دلشاد النيسابوري ابو محمد الرلعي ،
 عبدالله بن محمد بن احمد بن نصر النيسابوري ابو محمد العابد ، عبدالله بن محمد بن
 ابراهيم البحاري ابو محمد الداعوني ، عبدالله بن حمشاد بن حنبل بن عمران بن حماد
 ابو عبد الرحمن المطوعي من سكة نوند ، عبدالله بن حميد بن معقل القنطري ، عبدالله
 بن سعيد النسوي ، عبدالله بن احمد النيسابوري ابو محمد الوبري ، عبدالله ابن
 عبد الرحمن بن الحسين القاضي بن القاضي ابو القاسم الحاكم ، عبدالله بن سلمه المودب
 ابو محمد النيسابوري ، عبدالله بن سعيد مغلطوسي نزيل نيسابور ، عبدالله بن محمد بن

سلمه النيسابوري ابو محمد البزاز الحافظ ، عبدالله بن محمد بن يعقوب البخاري ابو-
محمد الفقيه الكللابي المعروف بعبدالله الاستاد، عبدالله بن احمد بن محمد بن الحسين
الماسر خسي ابو محمد النيسابوري ، عبدالله بن اسحق بن يعقوب الكرمانى وغيره ،
عبدالله بن محمد بن الحسين بن الشرقي ابو محمد النيسابوري اخو ابى حامد وكان
اسن منه واسند منه ، عبدالله ابن فارس بن محمد بن على البلخي ابو ظهير العمرى ، عبدالله بن
ابى صالح المذكر ابو عبد الرحمن الزاهد المتكلم وكان من المجتهدين فى العباده
ولكن انه راي ، راي القدر ، عبيد الله ابراهيم بن بابويه النيسابوري ابو القاسم مزكى
عصره ومن اعيان المشايخ ومسجده المعروف فى سكه معقل ، عبيد الله بن محمد النيسابوري
المعروف بعبد الوراق ، عبيد الله بن يعقوب بن يوسف الرازي ابو القاسم الواعظ وتوفى
بنيسابور ودفن فى مقبره باب معمر ، عبد الرحمن بن محمد بن الحسين بن على بن احد
النيسابوري ابو القاسم المذكر الواعظ الاديب الاوحد فى عصره فى صنعته بلامدافعه
وله كرامات مشهوره رضى الله عنه ، عبد الرحمن بن محمد بن عبد الرحمن السر خسي
المذكر ابو بكر سكن بنيسابور الى ان توفى بها ، عبد الرحمن بن محمد بن سليمان
النيسابوري ابو محمد من قرية بغوحك ، عبد الرحمن بن محمد بن علويه الايهري
ابو بكر القاضى ولى قضاء طوس وايه رد ، عبد الواحد بن سعيد النيسابوري ابو احمد-
الارغيانى ، عبد العزيز بن الحسن ابو بكر البردعى العابد ، عبد العزيز بن محمد الخشاب
ابو عمر النيسابوري وكان من الزهاد يسكن سكه تنكش ، عبد الملك بن محمد بن عدى
الجرجاني ابو نعيم الفقيه الاسترآبادنى ، عبد الواحد بن محمد بن احمد بن بابويه النيسابوري
ابو الحسن البالوى الحيرى ، عبد الواحد بن محمد النيسابوري ، عبد الواحد بن محمد
النيسابوري ، عبد الواحد بن محمد بن هانى ابو حاتم شيخ ال هانى واشتغل بالفتوة
فصار واحد اهل بلدنا فيها ، عمر بن على بن عبد الرحمن الجوهرى ابو حفص المروزي
المعروف بابن عليل ، عقيل بن اسحق ابو حاتم النيسابوري المعروف بعقيل القنارزي

على الوراق وهو ابن محمد بن احمد بن علي بن عبدالله بن نور النيسابوري ابو محمد من سكه عاصم ، علي بن ابي علي النيسابوري ابو الحسن الزبقي ، علي بن نصر بن عماد الخزر جي ابو الحسن المعروف بابن الحسنك ، علي بن ابراهيم بن معاويه النيسابوري ابو الحسن المعدل وكان من الصالحين ، علي بن محمد بن محمود النيسابوري ابو الحسن الضير ، علي بن محمد بن احمد النيسابوري ابو الحسن القاضي من راس جوض ابي الغنبر ، علي بن الفضل بن طاهر البجلي ابو الحسن الحافظ ، علي بن الحسين بن محمد بن حمدويه السنجا بي المروزي ، علي بن قاسم بن علي النيسابوري ابو الحسن الخوافي الاديب الشاعر . علي بن العباس بن سهل النيسابوري ابو الحسن المذكر ، علي بن الحسين الانماطي ابو الحسين النيسابوري ، علي بن محمد الطلحي الكوفي ابو الحسين نزيل بنسبور ، علي بن محمد بن اسحق المروزي ، علي بن سهل بن مصلح النيسابوري ابو الحسين ، عبدوس بن الحسين بن منصور ابو الفضل النصر آبادي ، عمرو بن عبدالله بن درهم النيسابوري المطوعي الزاهد ابو عمرو المعروف بالبصري ، عمرو بن احمد بن محمد بن حمدان النسوي ابو القاسم نزيل بنسبور ، العباس بن الفضل بن الحسن النيسابوري ابو الفضل المحمد آبادي ، العباس بن منصور بن العباس بن شداد بن داود النيسابوري ابو الفضل الفريد آبادي وهي قرية بباب البلد ، العباس بن محمد موهار النيسابوري ابو الفضل ، العباس بن مرزبان المودب ابو الفضل الاصهباني نزيل بنسبور ، العباس بن ابراهيم بن العباس النيسابوري ابو الفضل هذا شيخ من اسفراين من قرية كوران ، عمران بن موسى بن حصين السنجري نزيل بنسبور ، عباس بن حمويه بن احمد بن نصر بن زياد القاضي ابو الفضل المستملي ، فضل بن محمد بن عقيل بن خويلد النيسابوري ابو العباس و يلقب بفضلان الخزاعي و خطتهم برأس سكته حرب مشهوره ، الفضل بن محمد بن احمد بن مطرف النيسابوري ابو العباس الكراميسي ،

الفضل بن حاتم بن هاشم بن سنان النيسابوري أبو العباس الفضل بن محمد بن اسحق بن خزيمة
أبو العباس السلمي وهي أكبر ولد الإمام أبي بكر ، القاسم بن عمر بن سلمين أبو محمد
النيسابوري أخو أبي العباس الكوكبي ، القسم بن محمد بن الحسين بن زياد بن الحسين
بن أسلم النيسابوري أبو محمد الأسلمي من باب معمر من سكاه أبي ذر ، ليث بن محمد بن ليث
بن عبد الرحمن المروزي أبو نصر الكاتب ، محمد بن علي بن أبي طالب بن زياد أبو جعفر
القزويني ، أحمد بن الحسين النيسابوري أبو أحمد بن أبي العباس الماسرخسي ،
محمد بن عبد الوهاب الثقفي أبو علي الإمام المتقدم به في الفقه والكلام والوعظ والورع
والعقل والدين

قال الحاكم سألت أبا محمد عبد الله بن محمد الثقفي عن نسبة جده قال
سمعت جدي أبا علي يتنسب أبا محمد بن عبد الوهاب بن عبد الرحمن
عبد الوهاب بن عبد الواحد بن أبي بن كعب و هو محمد بن الحجاج بن يوسف
بن الحكم و يتنسب إلى مصر وقال كان أبي عبد الوهاب أمير قهستان في عهد عبد الله
ظاهر فولدت بقهستان سنة أربع وأربعين ومائتين وقال أبو محمد توفي جدي أبو علي
رحمة الله ليلة الجمعة و دفن يوم الجمعة الثالث والعشرين من جماد الأولى
سنة ثمان وعشرين وثلثمائة ودفن في مقبرة قز، وهي ابن تسع وثمانين سنة رضي الله
عنه وأرضاه وحالاته مشهورة ، محمد بن جعفر بن ورثة النيسابوري أبو عبد الله المازني
محمد بن محمد بن سعيد النيسابوري أبو العباس البختری ، محمد بن زكريا
النيسابوري أبو بكر الكاغذي من مصنفی الحديث ، محمد بن الحسن بن الجليل
أبو بكر القطان أسند أهل نيسابور في مشايخ النيسابور بين في عصره ، محمد بن
حمدون بن خالد بن يزيد بن زياد النيسابوري أبو بكر بن أبي حاتم السلي من إعيان
المحدثين وتوفي رحمة الله ربيع الآخر سنة عشرين وثلثمائة ودفن في مقبره الحيرة،
محمد بن عمرو بن هشام بن الزبير النيسابوري أبو أحمد البزاز مسجده وداره في ميدان

زياد، محمد بن سعيد بن اسمعيل النيسابوري الفقيه ابوبكر بن ابي عثمان الزاهد،
محمد بن عبدالله بن العنبر بن عطاء بن العنبري ابو عبد الله النيسابوري وكان من اعيان
وجوه نيسابور، محمد بن عبد الرحمن الاصهاني ابو جعفر الارزقاني من الحفاظ الاثبات،
محمد بن محمد بن يوسف قاضي القضاة بخراسان ابو ذر البخاري محمد بن خالد بن احمد
الذهلي الامير، محمد بن علي بن زياد النيسابوري ابو الفضل السمدي، محمد بن حمويه بن
عباد النيسابوري ابوبكر طهمان محمد بن الرومي ابو عبد الله الزمجارى، محمد بن ابراهيم
بن عبدويه بن سدوس بن علي بن عبد الله الهذلي ابو عبد الله العددي النيسابوري المعروف
بكثرة السماع والرحلة والتصنيف، محمد بن حمدويه بن سهل الغازي ابو نصر المطوعي
المزوري، محمد بن الحسن بن اسحق النيسابوري ابو جعفر الصوفي ويقال له الاصهاني لان
اباه من اصبهان، محمد بن احمد بن ابراهيم الوراق ابوبكر الخياط الهروي، محمد بن
شريك بن محمد ابوبكر الاسفرايني، محمد بن سعد بن حمدويه النسوي ابو عبد الله، محمد
بن عمران بن موسى النسوي ابو جعفر الشرمغولي قريه بنسابور، محمد بن عبدوس بن
العالا النيسابوري ابوبكر الاهاري محمد بن احمد بن قريش بن يحيى النيسابوري ابوبكر
الكاتب ويعرف بالابرص ومسكنه محلة باب الديرو هو من اهل الصدق، محمد بن شعيب
بن ابراهيم بن شعيب النيسابوري الفقيه ابو الحسن ابو الحسن العجلي الشيبقي، محمد بن
هرون بن منصور النيسابوري ابو سعيد المسكي وكان من الاعيان في الحديث والعقل
والثروة والسخا، محمد بن علي بن الحسين البلخي ابو عبد الله الختائي، محمد بن احمد بن
ابراهيم ابوبكر النيسابوري الصوفي، محمد بن جعفر بن سليمان النيسابوري ابوبكر
الصيرفي محمد بن همام بن معوية النيسابوري ابو عبد الله المهالي، محمد بن الحسين
بن اسحق المقرئ النيسابوري ابو عبد الله، محمد بن محمد بن صديق النيسابوري ابو حامد
محمد بن يحيى ابوبكر النيسابوري، محمد بن حسن بن عمرو بن عروة النيسابوري

ابو عمرو الزمجارى ، محمد بن ابرهیم بن عبدالله النيسابورى ابوبكر الخارنجرى ،
 محمد بن الفضل بن عبدالله النيسابورى ابوالفضل ، محمد بن اسمعيل بن عيسى الجرجاني
 ابو عبدالله المستملى ، محمد بن يعقوب بن اسحق الجوهرى ابوبكر النيسابورى ،
 محمد بن عمرو بن سلمة بن هشام النيسابورى ابوبكر البزاز ، محمد بن ابرهیم بن شاذان
 بن عقيل النيسابورى المذكر ابوبكر الاكارى الشعرانى ، محمد بن احمد بن الحسن
 بن زياد القيمى ابوالفضل النيسابورى الزورابدى وخطههم باب معاذ سكة الرشنه ،
 محمد بن احمد بن فوران النيسابورى ابوبكر الدهان ، محمد بن ابراهيم بن فوران
 النيسابورى ابو عبدالله ، محمد بن اسحق بن محمد بن ابوتراب الموصلى ، محمد بن
 اسحق بن عبدالله النيسابورى ابواحمد الشاد ياخى ، محمد بن احمد بن زهير
 بن طهمان القيسى ابوالحسن الطوسى محدث كثير الحديث و التصنيف ، محمد بن
 الحسن بن حميد بن معقل النيسابورى ابوبكر الصوام ، محمد بن على بن حمويه
 النيسابورى ابوالعباس العطار ، محمد بن حسنويه بن على النيسابورى الشيخ الصالح
 ابوبكر ، محمد بن منصور بن عبدالله الزاهد النيسابورى ابو عبدالله وكان دجابه الدعوة
 رحمة الله محمد بن حمدان بن سهل بن دوسى النيسابورى ابوبكر الصانع ، محمد بن عبدوس
 النيسابورى ابو عبدالله السيسر آبادى ، محمد بن على بن الحسن النيسابورى ابو جعفر
 النحترى ، محمد بن احمد بن عبد الوهاب النيسابورى ابو عبد الله التاجر ، محمد بن
 هارون بن مطرف بن اسحق النيسابورى ابو جعفر و يعرف بابى المطرفى ، محمد
 بن حسنويه بن اسمعيل النيسابورى ابوبكر الفانى ، محمد بن احمد بن الفضل النيسابورى
 ابواحمد الشخنانى ، محمد بن احمد بن اسمعيل الحنعمى و كان قاضى الرى ، محمد بن
 احمد بن عمرويه النيسابورى ابو عبدالله اليللى الشاهد ، محمد بن سلوان الكرايسى
 ابوبكر النيسابورى ، محمد بن سهل بن عبدالله النيسابورى ابو عبدالله المؤدب ، محمد بن

احمد بن الحسن النيسابوري ابوبكر الكاتب ، محمد بن احمد بن اسد بن مشكان
 النيسابوري ابو عبدالله المروزي ، محمد بن موسى بن معاوية النيسابوري ، محمد بن
 ابراهيم بن اسمعيل الطوسي نزيل نيسابور ، محمد بن موسى بن محمد بن زهير النيسابوري
 ابو حاتم السخستاني ، محمد بن عقيل بن فضاله النيسابوري ابوبكر ، محمد بن علي بن
 الحسن ابو عبدالله البخاري ، محمد بن الحسين بن الهيثم ابوبكر الخزاعي البصري ،
 محمد بن عبدالله بن معقل بن بشر بن حسان بن حسان الهروي المزني ، محمد بن جعفر ابو
 عبدالله القصاب النيسابوري ، محمد بن جعفر بن محمد بن نصر وية النيسابوري ، محمد بن
 الحسين بن حمويه ابوبكر العابد النيسابوري ، محمد بن عبدالله ابو الفضل السخستاني
 النيسابوري ، محمد بن الحسين ابو عبدالله الباغي النيسابوري من محلة باغك ، محمد بن
 الحسن بن ابي سعد يحيى بن منصور ابو الفضل الشهيد الحافظ الهروي ، محمد بن
 احمد بن حمويه ابو عبدالله المزوري ، محمد بن احمد بن هارون بن حنان النيسابوري
 ابو عبدالله القرشي ، محمد بن ابي سهل الرباطي المزوري محمد بن الحسين بن معاذ
 النيسابوري ابو الحسين المازلي ، محمد بن يعقوب بن داود الفارسي ابو عبدالله الموسد خايمي ،
 محمد بن احمد بن هلال ابو النصر السمرقندي ، محمد بن يعقوب ابو جعفر الواغظ
 الطبري ، محمد بن عبد الرحيم الشاشي ، محمد بن حمويه النيسابوري ابو عبدالله الحزكي ،
 محمد بن محمد بن ابراهيم النيسابوري ابوبكر النسوي ، محمد بن الطمعون ابوبكر
 بن محتاج الامير صاحب جيوش خراسان ، محمد بن عبد الرحمن بن محمد الفقيه ابو العباس
 الدعواني امام عصره بخراسان اقام نيسابور مستقيماً ، علي بن محمد بن يحيى الذهلي
 وعبد الرحمن بن بشر واقرا نهماسنين وبعد محمد بن اسحق وابو العباس السراج ما كان احمد
 مثله ، محمد بن احمد بن يوسف السلمى ابوبكر النيسابوري ، محمد بن الفضل بن محمد
 بن المسيب الشعرائي النيسابوري ابوبكر البيهقي ، محمد بن نصر بن عمار الانصاري ابوبكر
 النيساري ، محمد بن اسحق بن ابراهيم بن عمار الخزر جي الانصاري ابو الحسن النيسابوري

روى عن فضيل بن عياض وكنا نستطب اذا مرضنا فصار هلاكنا بيد الطيب فكيف
 نجز غصتنا بشئ ونحن نقص بالماء الشريب، محمد بن يحيى بن سعيد النيسابورى
 ابوبكر الجلودى، محمد بن احمد بن على الرئيس ابوالحسن ابن ابي عبدالرحمن
 النيسابورى المعروف كان ابوه بابي عبدالرحمن العانخذى وكان ابي الحسن رئيس
 بنيسابور فضايله كثيره رحمه له، محمد بن عبدالله بن محمد بن رجا بن سعيد بن علوان
 الورى ابوالفضل البلعمى رضى الله عنه واحد عصره فى الراى والعقل و اجلال العلم و
 اهله، محمد بن محمد بن الفضل ابوالحسن الشعرا نى الطوسى سكن بنيسابور،
 محمد بن محمد ابوعلى القصاب الهروى، محمد بن على ابوبكر النيسابورى ابن اخت
 مسلم بن الحجاج، محمد بن احمد بن محمد بن زياد النيسابورى ابواحمد الملقب وكان
 وجوه البلد، محمد بن يونس بن ابراهيم بن النصر بن عبدالله النيسابورى ابوعبدالله
 المقرئ الشعرانى، محمد بن عثمان ابوالطيب القطان النيسابورى و كثر المقام
 ببغداد محمد بن محمد بن عثمان ابوالسهل القطان ابن ابي الطيب، محمد بن عمر -
 بن جميل ابوالا حرز الطوسى الاصم، محمد بن احمد بن دلويه النيسابورى
 ابوالحسن الصيدلانى، محمد بن الحسين بن علا ابوالعباس الزيرى النيسابورى من
 المدينة الداخلة، محمد بن احمد بن على النيسابورى الاديب ابوبكر العجلي، محمد
 بن على بن محمد ادريس النيسابورى ابوعمر والمزكى، محمد بن قريش ابواحمد
 المرورودى شيخ بلده، محمد بن الحسين بن يزيد بن عبدالرحمن ابواحمد الوراى
 المعروف بالحافظ وكان اهل طوس يسمونه النيسابورى و اهل نيسابور الطوسى و
 كان من نيسابورى من محله الحيرة، محمد بن احمد بن محمد بن معقل ابوعلى
 الميدانى من ميدان زياد، محمد بن عمر بن حفص بن محمد العابد ابوبكر وكان من
 المجتهدين لا يشتغل الا بالصلوة والقراءة ولما توفى رغب الخلائق فى الصلوة

عليه اكثر من الاعياد ، محمد بن الطيب ابو النصر الكشتي الزاهد ، محمد بن علي بن الحسن بن مهران بن توفان النيسابوري الحافظ ابوبكر التجار ، موسى بن العباس بن محمد النيسابوري ابو عمران الجويني من ا زادوار و هو صنف على كتاب مسلم الحجاج ، مكى بن عيدان بن محمد بن بكر بن مسلم بن راشد النيسابوري ابو حاتم التميمي ، مسعود بن علي بن الحسن المروعي ابو القاسم الجوال في طلب الحديث بمصر والحجاز ، معتز بن احمد بن يحيى الزمي من زم جيحون ابو احمد الحاجي ، محمود بن احمد بن عطا القهستاني نزيل نيسابور ، يحيى بن محمود بن عبد الله بن اسد النيسابوري ابو زكريا البرنودي ، يحيى بن عبد الرحمن النيسابوري ابو زكريا التيممي المعادي ، يعقوب بن محمد بن ماهان النيسابوري ابو يوسف الصيدلاني ، يعقوب بن اسحق بن الجعد النيسابوري ابو يوسف الجعدي شيخ من المشهورين يعقوب بن يوسف بن عاصم ابو الفضل العاصمي البخاري شيخ اهل بلدة في عصره ، يعقوب بن محمود المقرئ ابو يوسف النيسابوري من كبار القراء ، يعقوب بن يوسف بن يوسف ابو يعقوب المكاتب مرتع بشسفر وش يوسف بن جميع النيسابوري .

قال الحاكم رضي الله عنه هذه اسامي المشايخ الذين مارزقت المماع منهم من هذه الطبقة فنشرع الان في اسامي الذين ادركتهم ورزقت المماع منهم بنسابة من هذه الطبقة ايضا على الترتيب المذكور .

احمد بن اسحق بن ايوب بن يزيد بن عبد الرحمن بن نوح النيسابوري الفقيه ابوبكر ، الامام ، المفتي ، المتكلم ، الغازي ، الرئيس ، الزكي واحد عصره ، رضي الله عنه وتوفي شعبان سنة اثني و اربعين و ثلثمائة وهو ابن اربع و ثمانين و اشهر و مناقبه كثيرة من الفقه والاصول والحديث الفروسيمة مقدم في عصره في جمعها بلا مدافعة ، احمد بن ابراهيم المغنل الصيدلاني ابوبكر النيسابوري ، احمد بن ابراهيم بن اسمعيل الامام اسماعيلي النيسابوري

واحد عصره و شيخ الفقها والمحدثين و مات بجرجان، احمد بن اسحق بن عبدويه
ابونصر العبدوى النيسابورى رئيس نيسابور، احمد بن ابراهيم بن مالك بن سعيد
الرازى ابوسعيد الصوفى نزىل خاتناه الشيخ ابوبكر بن اسحق، احمد بن ابراهيم
بن محمد بن عبدالله بن الحسين الفارسى ابوحامد المقرئ نزىل بنسابور، احمد بن
اسماعيل بن يحيى خادم الارزى ابو الفضل الاسماعيلى من وجوه نيسابور و اولاد
العرب، احمد بن ابراهيم احمد بن عبدالله الرقى النيسابورى وردجده من الرقه جاء ايام
الطاهرية، احمد بن ابراهيم بن عبدويه بن سدوس الهذلى ابو الحسن العبدوى
النيسابورى الزاهد اخو ابى عبدالله العبدوى.

احمد بن ابراهيم بن عبدالله الفقيه ابوسعيد الاصبهاني و كان مولده بنسابور، احمد
بن ابراهيم بن محمد بن يحيى ابوحامد المزكى النيسابورى، احمد بن اسحق بن
ابراهيم بن يزيد العدل ابو الحسن النيسابورى والد ابى عمرو الصغير، احمد بن بالويه
ابوحامد العصفى النيسابورى، احمد بن بندار ابو زرعة الاسترabadى اقام بنسابور
مدة، احمد بن بسام ابو الحسن البغدادى. احمد بن جعفر بن سليمان ابوحامد البزاز
النيسابورى من اذا بجردة، احمد بن الحسن بن منده ابو عمرو الاصبهاني نزىل بنسابور، احمد
بن حسنويه على اللباد ابو الحسن النيسابورى التاجر، احمد بن الحسن بن الحسين بن
منصور ابو الحسن النصر آبادى النيسابورى، احمد بن الحسين بن بندار بن ابان
الاصبهاني القاضى ابوبكر الطوسى وتوفى بنسابور، احمد بن الحسين بن محمد بن
على الباخرى ابو احمد الفقيه الشافعى، احمد بن الحسين بن احمد بن عبيد بن الحسين بن
الضبي ابونصر المروزي، احمد بن الحسين بن مهران الزاهد ابوبكر المقرئ النيسابورى
امام عصره فى القرات و كان اعبد من رأينا من الفقرا و كان مجاب الدعوة، احمد بن
الحسن بن احمد بن حفص بن مسلم بن يزيد بن على الخرسى النيسابورى ابو بكر

القاضي، احمد بن الحسين بن احمد ابو نصر الفقيه النيسابوري وهو ابن ابي علي الفامي، احمد بن الحسين بن محمد حمويه النيسابوري والحسين يلقب محكومه ابو نصر الوراق احمد بن الحسين بن علي قاضي القضاة بخراسان ابو حامد المزوري وكان ابوه همدانيا احمد بن الحسين المحافظ ابو الفضل الاديب الشاعر، احمد بن الحسين ابو بكر السروري المقرئ، احمد بن الحسين التاجر ابو العباس الرازي من اعيان كتبه الحديث، احمد بن الخضر بن احمد بن محمد بن عبدالله نهبك الشافعي ابو الحسن الفقيه النيسابوري، احمد بن داود بن عيسى الهاشمي ابو العباس الطبري، احمد بن رافع بن الحسين ابو يوسف المزوري، احمد بن زيد بن محمد الطوسي ابو نصر التاجر، احمد بن سليمان بن اسمعيل ابو السنين بن نوح ابو سعيد الحيري النيسابوري وكان من الصالحين، احمد بن سعيد بن اسماعيل ابو الحسين بن ابي عثمان الزاهد النيسابوري، احمد بن سعيد بن نصر بن بكاد الزاهد ابو بكر الواظ البخاري، احمد بن سهل بن ابراهيم بن سهل الانصاري ابو حامد النيسابوري، احمد بن صالح بن علي المزوري، احمد بن طاهر بن عبدالله بن يزيد ابو علي بن طاهر النيسابوري، احمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن محمد بن بشر بن معقل بن حسان بن عبدالله بن معقل المزني صاحب رسول الله صلى الله عليه وسلم رضى الله عنه وكان امام اهل العلم والجود في عصره بلا مدافعه وكان من اولياء السلطان . وقال الحاكم انه هروي ولكن مات رضى الله عنه ببخارا و يعرف بابي محمد المزني . احمد بن عبدالله بن زكريا بن عبد الكريم بن عبدالله بن عبدالعزيز ابو الحسين بن زكريا الفقيه الشافعي الجرجاني ، احمد بن عبدالله بن سعيد ابو العباس الذهلي ، احمد بن عبدالله بن سرمد ابو الحسين الكرايسي النيسابوري، احمد بن عبدالله بن محمد بن اسمعيل الفقيه الشاهد ابو الحسين الطوائفي النيسابوري، احمد بن عبدالله بن احمد بن محمد بن الحسين ابو نصر بن ابي محمد بن ابي العباس الماسرخسي النيسابوري، احمد

بن علي بن محمد بن ابراهيم بن احمدويه الاصمهاني نزيل بنسابور، احمد بن علي بن عبد الرحيم التاجر ابو حامد الصفار النيسابوري، احمد بن علي بن محمد الفامي ختن - الحاكم ابي علي الجنابدي ابوبكر النيسابوري، احمد بن علي بن الحسن بن شاذان المقرئ ابو حامد التاجر العابد النيسابوري، احمد بن علي بن محمد الوراق ابو عمرو النيسابوري، احمد بن علي بن عمرو بن سليمق الزاهد البخاري ابو الفضل السلمين، احمد بن عبدوش بن سلمويه الصرام ابو حامد النيسابوري، احمد بن العباس بن عبيد الله المقرئ ابوبكر الامام البغدادي، احمد بن عبدالعزيز بن محمد بن اسحق بن ابراهيم - اسحق بن ابراهيم الوراق ابو حامد النيسابوري عم ولد ابي عمرو الصغير، احمد بن عبد الله بن حمشاد بن محمد الغازي ابونصر التاجر النيسابوري وعاشرا كابر الشيوخ من - المتصوفة، احمد بن عمر بن سيبويه المزوري، احمد بن عبد الله بن محمد ابوصابر الفقيه من اصحاب ابي العباس احمد بن هارون، احمد بن الفضل بن محمد ابو بكر البراز - النيسابوري، احمد بن القسم ابونصر الكاتب، احمد بن القاسم ابونصر النيسابوري - الكاتب وكان من اعقاب الحسين الفامي، احمد بن كوفي بن ايوب بن ابراهيم الاصمهاني التاجر ابوبكر، احمد بن الايث بن الحسين بن علي الزاهد الخياط ابو احمد النيسابوري مجاور الجامع، احمد بن محمد بن عبدوس العبدى ابو الحسن الطرائفي النيسابوري وكان من اصحاب الصدق و المحدثين، احمد بن احمد بن سليمان الحافظ الحنفي ابو الطيب الصعلوكي النيسابوري عم استاد ابي سهل رضي الله عنه ومدفون في مقبرة باغك، احمد بن محمد بن عبد الله القاضي ابو الحسين النيسابوري قاضي الحرمين وامام الكوفين في عصره بالمدافعة، احمد بن محمد بن يحيى المعدل ابو الحسن بن يحيويه النيسابوري واقام ببغداد مدة ثم رجع احمد بن ابراهيم الفقيه الاديب ابو جعفر الجرجاني نزيل بنسابور، احمد بن محمد القاسم المذكر السرخسي اقام بنسابور، احمد بن محمد بن

سهل الفقيه البارع ابو الحسين الطبسى الشافعى، احمد بن نصر بن اشكاب البخارى، احمد بن محمد بن شعيب بن هارون الفقيه الجلابادى النيسابورى من محله جلاباد و كان من الصالحين العباد، احمد بن محمد بن محمد بن ابرهيم بن عبده النيسابورى التميمى ابو الحسين السليطى، احمد بن محمد بن ايوب الواعظ المفسر ابو بكر الفارسى نزيل بنسابور، احمد بن محمد بن ابرهيم بن هاشم الحافظ ابو محمد البلاذرى الطوسى، احمد بن محمد بن اسمعيل بن مهران ابو الحسن بن ابي بكر الاسماعيلى الشاهد النيسابورى احمد بن محمد بن الحسين الواعظ ابو العباس النصر الدارى، احمد بن محمد بن سهل ابو الحسن بن سهلويه المزكى النيسابورى شيخ اهل الراى فى عصره، احمد بن محمد بن الحسين الخطيب ابو حامد الخسر وجرى شيخ كبير، احمد بن محمد بن سعيد بن منصور الواعظ الحافظ ابو سعيد قد جمع الحديث وصنف فى الابواب وهو نيسابورى و مات بطرسوس، احمد بن محمد بن يحيى المتكلم ابو بكر الاشقر شيخ اهل الكلام فى عصره بنسابور، احمد بن محمد بن موسى بن كعب الشاهد ابو سعيد الكعبى النيسابورى و كان يقال فن رأس الاوقه منزل واحد يخرج منه محدث وشاهد وفقيه، احمد بن محمد بن الحسين الطوسى ابو تراب الواعظ النوقانى، احمد بن محمد بن عيسى بن الجراح الحافظ ابو العباس النحاس المصرى، احمد بن محمد بن ابرهيم الواعظ ابو حامد المقرئ النيسابورى ويعطى لكل علم حقه، احمد بن محمد بن مهران بن عبدالله الاصبهاني ابو العباس الكافورى، احمد بن محمد بن الحسين بن على ابو طاهر الطاهرى النيسابورى من محله جودى، احمد بن محمد بن احمد بن اسحق بن عبدالله ابو العباس بن ابي- الحسين المعروف بالصندوقى النيسابورى، احمد بن محمد بن احمد بن بالويه ابو حامد النيسابورى، احمد بن محمد بن عبدالله الاديب اللغوى العلامة ابو عمرو الرزدى النيسابورى والرزد قرية من قرى اسفراين احمد بن محمد بن ابو حامد الحازرنجى

امام اهل الادب بخراسان في عصره بلامدافعه ، احمد بن محمد بن ابراهيم ابو عمرو -
 الزوزني الكاتب ، احمد بن محمد بن الحسين البخاري ابو نصر الطال آبادي الكاتب
 احمد بن محمد بن عبد وس بن حاتم الفقيه ابو الحسن اللحاتمي ابو حاتم الفقيه -
 المزكي المزوري ، احمد بن محمد بن الحسن الفقيه ابو نصر الطرائفي النيسابوري
 احمد بن محمد بن اسحق المعدل ابو علي البراز النيسابوري ، احمد بن محمد بن احمد
 بن محمد بن يحيى الانماطي النيسابوري ابن بنت ابي الحسين البزاز ، احمد بن محمد
 بن ابراهيم ابو نصر الطبسي التاجر نزيل نيسابور ، احمد بن محمد بن جعفر محمد بن يحيى
 بن نوح ابو الحسين البحتري النيسابوري ، احمد بن محمد بن عبد الله العنبري ابو منصور
 الصوفي النيسابوري ، احمد بن محمد بن صالح القاضي المنصوري من اهل منصوره ،
 احمد بن محمد بن المومل بن الحسن بن عيسى الحافظ ابو حامد الفقيه الاديب المزكي
 الطوسي ، احمد بن المنصور بن محمد الحافظ ابو العباس الصوفي الشيرازي ، احمد بن
 موسى بن حماد ابو حامد النيسابوري ، احمد بن ابراهيم بن محمد الفقيه الزاهد ابو حامد
 البغولي النيسابوري ، احمد بن محمد بن معتقل السرخسي ابو عمرو الكاتب نزيل مزينان ،
 احمد بن محمد بن مسيح بن وكيلى النجفي ابو سعيد الحافظ النسوي ، احمد بن محمد
 بن الحسن ابو عمرو بن ابي طاهر المحمد آبادي محلة خارج البلد ، احمد بن محمد بن
 شريك الفقيه ابو حامد الشافعي الهروي مفتي هراة في عصره ، احمد بن محمد بن ابوب
 بن سليمان الفامي ابو حاتم الجوفي النيسابوري ، احمد بن محمد بن عبد الله بن محمد بن
 عبد الله بن محمد عبد الوهاب الصايغ ابو حامد النيسابوري ، احمد بن محمد بن اسمعيل
 البغدادي ابو الحسن الخلال ، احمد بن محمد بن ابراهيم بن جازم البخاري ابو نصر -
 الحازمي المؤذن ، احمد بن محمد بن حسويه العابد ابو بشر الحسنوي النيسابوري ،
 احمد بن محمد بن عمر الزاهد ابو الحسين بن ابي نصر الخفاف المجاب الدءوة

احمد بن نصر بن محمد الزهرى ابو الحسن البغدادى الحنودى ، احمد بن هرون بن ابراهيم
 الفقيه ابو العباس الحاكم المزكى شيخ اهل الراى فى عصره النيسابورى ، احمد بن يعقوب
 بن احمد بن مهران بن عبدالله ابوسعيد الثقفى النيسابورى ، احمد بن يعقوب بن ناصح
 الاصبهانى الاديب ابوبكر النحوى ، احمد بن يوسف بن عبدالرحمن الصوفى ابو حامد
 العمروف بالاشقر ممن صحب المشايخ القدا بخراسان والعراق ، احمد بن يعقوب بن
 عفر بن الجنيد بن موسى التميمى ابو الفضل الخجندى ، احمد بن يعقوب بن العاطر عبد
 الجبار القرشى الجرجانى ، ابراهيم بن اسمعيل بن ابراهيم العابد ابواسحق المعروف
 بابو هتمك النيسابورى كان على رأس سكه خشاوزه وتوفى رحمة الله سنة ثمان وثلاثين وثلاثمائة
 وكان حدود حتى رداوه فوق العمام ، ابراهيم بن احمد بن محمد بن رجا الفرارى
 النيسابورى ابواسحق الوراق ، ابراهيم بن احمد بن عبيد الله المستملى ابواسحق الهمدانى
 الاعور ، ابراهيم بن اسحق بن حمويه البزاز ابو اسحق الرازى ، ابراهيم بن احمد الزاهد
 ابواسحق السلمانى النيسابورى ، ابراهيم بن احمد بن محمد بن عبدالله الترنومدى ، ابراهيم
 بن اسحق الاديب اللغوى ابواسحق الضير ، ابراهيم بن جعفر السختيائى ابواسحق النيسابورى
 ابراهيم بن الحسن الفقيه ابو الحسن النيسابورى ، ابراهيم بن سيمجور الامير بن الامير ابو
 اسحق بن ابي عمران الاديب والى اماره بخارا و هراة ومرو و نيسابور فاما بلاد قهستان
 فلم نزل برسمه ، ابراهيم بن عصمة بن ابراهيم ابواسحق النيسابورى ، ابراهيم بن على بن بالويه
 البلخى ابواسحق ، ابراهيم بن عبدالله بن اسحق العدل ابواسحق الاصبهانى ، ابراهيم بن
 الفضل الهاشمى اللغوى ، ابراهيم بن محمد بن ابراهيم ابواسحق الحرى المعروف بابى
 الحامك الزاهد النيسابورى ، ابراهيم بن محمد بن احمد الفقيه ابواسحق النجارى ،
 ابراهيم بن محمد بن يحيى المزكى النيسابورى ابواسحق شيخ نيسابور ، فى عصره توفى رحمة
 الله سنة اثني وستين وثلاثمائة ، ابراهيم بن محمد بن الحسين بن الحسن بن الخليل القطان

ابو اسحق العابد النيسابوري، ابراهيم بن محمد بن مكتوم المستملي ابو اسحق المكنومى -
النيسابوري، ابراهيم بن محمد بن احمد بن محمود الصوفي العارف ابو القاسم النصر -
آبادى النيسابوري الراعظ لسان اهل الحقايق، ابراهيم بن محمد بن محفوظ بن معقل
ابو اسحق المحموظى النيسابوري، ابراهيم بن محمد بن ابراهيم بن الفضل بن اسحق -
المهاشمى المعدل ابو اسحق بن ابي الفضل بن فضلو به المزكى النيسابوري، ابراهيم بن محمد
بن عبد الله بن ابي بكر الخباز المذكر الرازى، ابراهيم بن محمد بن ابراهيم الفقيه الاصولى
ابو اسحق الاسفرائينى، ابراهيم بن محب بن ابراهيم بن سليمان بن خالد العبدى ابو اسحق
النيسابوري، ابراهيم بن مضارب بن ابراهيم ابو اسحق النيسابوري، ابراهيم بن نصر
ابو اسحق المزورى، ابراهيم بن يوسف بن لقمان الفقيه البخارى، اسمعيل بن عبد الله بن محمد
بن ميكال ابو العباس الاديب الشريف النيسابوري شيخ خراسان ووجهها وعينها فى
عصره رضى الله عنه وميكال كان ابن الواحد بن جبرئيل بن اتشم بن بكر بن ديوشى
وهو شور الملك بن سور بن شور بن سوادبعة من الملوك بن فيروز بن يزجرد بن بهرام
جور بن محمد بن احمد بن يوسف بن سالم بن خالد السلمى ابو عمرو الزاهد
العابد شيخ عصره فى التصوف توفى الشيخ ابو عمرو والنيسابوري رضى الله عنه ليلة السبت
الثالث عشر من ربيع الاول سنة خمس وستين وثلاثمائة ودفن بشاخبر، اسمعيل بن محمد
بن الفضل بن محمد بن المسيب ابو الحسن النيسابوري الشعرانى وكان جده شيخ عصره
بخراسان وتوفى بقرية يهيق، اسمعيل بن احمد بن محمد التاجر ابو سعيد الهلال الجرجانى
سكن نيسابور وتوفى بها، اسمعيل بن عبد الله بن عمر سليمان ابو منصور بن ابي الياس
الكوكبى النيسابوري، اسمعيل بن احمد بن محمد بن اسمعيل ابو محمد بن ابي الحامد
الا سماعلى الطوسى، اسمعيل بن احمد بن محمد بن يوسف ابو ابراهيم الاسترابادى،
اسمعيل بن ابراهيم بن محمد الفقيه اسحق بن ابراهيم بن محمد بن محمد بن ابراهيم الحررجى

ابو يعقوب العنباري النيسابوري، اسحق بن ابراهيم بن عمرو به البخاري ابو ابراهيم الفقيه، اسحق
 بن سعيد بن الحسن بن سفيان الشيباني ابو يعقوب النسوي، اسحق بن محمد بن اسحق بن محمد
 قبيصة المعدل النيسابوري، اسحق بن محمد شاد الزاهد ابو يعقوب الكرامى شيخهم وامامهم
 ذكر الحاكم رحمته الله سمع من الثقة انه اسلم على يد ابو يعقوب
 الكرامى من اهل الكتاب والمجوس بنيسابور ما يزيد على خمسة آلاف
 رجل و امرأة، اسحق بن احمد بن شيث بن الحكم ابو نصر الفقيه البخاري الصفار
 احمد بن احمد بن خير ابو احمد البخاري، اسد بن الهيثم بن عبيد الله المصري
 ابو الهيثم، اسد بن رستم بن احمد بن عبد الله ابو سعيد الرستمى الهروى، اسامة بن على
 الهمداني نزىل بنيسابور، بكر بن محمد بن حمدان المروزي الصيرفي المعروف بالدمحيسى
 بكر بن احمد بن زكريا ابو عمرو والشاهد المعروف بالعذنى، بالوية بن محمد بن بالويه ابو العباس
 المزنياني، بشر بن احمد بن بشر بن محمود بن اشرف الاسفراينى، بشر بن محمد بن ياسين بن
 النصر بن سليمان النيسابورى القاضى القضاة بنيسابور، بشر بن عبد الله البصرى ابو احمد
 نزىل بنيسابور، جعفر بن محمد بن الحارث المراءغى نزىل بنيسابور، جعفر بن احمد بن
 محمد الصوفى العابد ابو القاسم بن المقرئ الرازى شيخ عصره فى التصوف والتوكل، جعفر بن
 نعيم بن شادان بن قنبر ابو محمد النيسابورى، جعفر بن محمد بن جعفر ابو محمد بن ابي بكر بن
 جعفر البشتى النيسابورى، جعفر بن الفضل بن عيسى الفقيه ابو محمد الشاشى، جميل بن محمد
 بن جميل ابو الحسين الرازى سمعه بنت احمد بن محمد بن عبيد الله الرئيس النيسابوريه
 من ولد عثمان بن عفان رضى الله عنه، الحسن بن ابراهيم بن يزيد الاسلمى ابو محمد
 الفارس القطان نزىل بنيسابور، الحسين بن احمد بن موسى ابو على الفارسى، الحسن
 بن احمد بن الحسن بن موسى القاضى ابو على البيهقى، الحسن بن احمد بن الحسن
 بن محمد ابو منصور بن ابي الحسن المعاذى المزكى النيسابورى، الحسن بن احمد
 عبيد الله ابو الغازى الصوفى البغدادى، الحسن بن احمد بن يعقوب بن موسى بن
 امير المؤمنين ابو محمد الماموتى، الحسن بن احمد بن محمد بن حفص الحرسى

النيسابورى، الحسن بن محمد بن عبدالله الدينورى ابو محمد، الحسن بن يعقوب بن يوسف العدل ابو الفضل البخارى، الحسن بن يعقوب بن يوسف الصوفى النيسابورى الزاهد صاحب الخاقان مجمع الزاهد والصوفيه توفى رحمه الله فى رجب سنة ست وثلاثين وثلاثمائة وهو فى سن النبى صلى الله عليه وسلم و شهدت جنازته بالحيرة ودفن بقرب المشايخ الستة، الحسن بن محمد بن يحيى بن الحسن السحرى ابو محمد الاديب، الحسن بن احمد بن موسى ابو على القامى النيسابورى، الحسن بن احمد بن الحسن القاضى ابو على البيهقى الاديب الفقيه، الحسن بن محمد بن على ابو على بن ابي الحسن بن ابي عبدالله الطوسى الرودبارى، الحسين بن على بن يزيد بن داود بن يزيد بن الحافظ ابو على النيسابورى واحد عصره فى الفحظ والايقان والورع والرحله ذكره فى الشرق كذكره فى الغرب مقدم مذاكير الائمة وكثرة التصنيف توفى رضى الله عنه الخامس عشر من جمادى الاولى سنة تسع واربعين وثلاثمائة ودفن فى مقبره باب معمر، الحسين بن داود بن على بن عيسى بن محمد بن القاسم بن الحسن بن الحسن بن على بن ابي طالب ابو عبدالله العلوى رضى الله عنهم، الحسين بن الحسن بن ايوب الاديب ابو عبدالله الطوسى، الحسين بن على بن محمد بن يحيى بن عبد الرحمن ابو محمد الحسينك بن ابو الحسن التميمى النيسابورى، من بيت الثروة والمروءة قريب حسين بن معاذ، الحسين بن سختويه ابو محمد البزاز، الحسين بن محمد بن احمد بن ابو على الماسر حسنى النيسابورى الحسين بن احمد بن جعفر ابو على الكرامى النيسابورى، الحسين بن محمد بن على بن محمد الزبيرى القرشى ابو على النيسابورى الحسين بن حميد بن سيويه المعدل ابو عبدالله النيسابورى، الحسين بن احمد بن عبد الرحمن ابو الصفار الهروى، الحسين بن عبدالله بن محمد الفقيه ابو الطيب الشيرازى، الحسين بن محمد بن الحسين بن يحيى الواعظ ابو سعيد البسطامى، الحسين بن جعفر بن محمد الجرجانى ابو عبدالله الحسين بن جعفر بن يزيد ابو عبيد الله الرازى، الحسين بن عبد الحميد بن

عبدالرحمن ابو عبدالرحمن الاديب النحوى النيسابورى، الحسين بن احمد بن جعفر -
 الصوفى ابو عبدالله الرازى، الحسين بن يحيى بن زكريا بن يحيى الواعظ ابو على الشافعى
 رضى الله عنه وقبله زعم بشقان، الحسين بن الحسن القاضى ابو عبدالله الحكيمى، الحسين
 بن عبدالله بن محمد بن عبدالعزيز ابو عبدالله النيسابورى، الحسين بن على بن محمد الحسين
 العلوى رضى الله عنه . الحسين بن على بن بندار ابو القسم بن ابي الحسن الصوفى ،
 حسان بن محمد بن احمد بن هرون القرئى ابو الوليد الفقيه امام اهل الحديث
 بخراسان فى عصره توفى رضى الله عنه ليلة الجمعة الخامس من ربيع الاول سنة تسع
 واربعين و ثلثمائة و دفن فى مقبرة نصر بن زياد القاضى المدفون فيها ثلثة من الصحابة
 و قد قال بعض العلماء فى الصيده التى يرثى له بها و قد بقى ربه و مصرفه امام هذا
 الدهور و الاعصار ابو الوليد الفقيه و السيد القوم و فخر الخلاق الاكبر معدن
 كنز العلوم حمزة بن محمد بن احمد الزيدى الحسينى العلوى
 ابو على نجم اهل بيت النبوة فى زمانه الشريف حسباً و نسباً ، حمزة بن احمد بن
 محمد بن حمزة الفقيه ابو على الشاعر الزوزنى ، حمزة بن عبدالعزيز بن محمد ابو على
 المهلبى الصيدلانى النيسابورى ، حاجب بن احمد بن جم بن سفيان ابو محمد الطوسى
 حامد بن محمد بن عبدالله بن محمد الهروى ابو على الواعظ المعروف بالوفا، حامد بن
 محمد بن عبدالله الخياط النيسابورى ، حامد بن محمد بن احمد بن جعفر الصوفى
 ابو احمد الكاغذى النيسابورى و توفى بسجستان، حامد بن احمد بن عبدالله بن حمشاد
 الفقيه ابو احمد المناشكى النيسابورى ، احمد بن محمد بن حمدون بن مرداس الفقيه
 ابو منصور الجرجانى مات بنيسابور حيدر بن فتح بن محمود بن هرون القرشى
 النيسابورى ، حمد بن محمد بن الحظاب الفقيه الاديب البشتى ابو سليمان الخطايب،
 خلف بن احمد بن محمد بن خلف الامير بن الامير و من بيت ولاة خراسان الجليل

بن احمد بن الجليل القاصي شيخ اهل الرأي في عصره ، الخضر بن احمد بن محمد القرويني ابو علي ، الخضر بن محمد بن يحيى البلخي و كان ابوه بنيسابور ، خلف بن ابراهيم بن عصمة بن ابراهيم البجلي النيسابوري ، خلف بن محمد الواسطي ابو محمد ، خطاب بن علي بن الخطاب ابو محمد القرويني ، خديجه بنت احمد بن محمد بن رجا القاضي النيسابوريه و كان ابوها ابورجاء قاضي القضاة و كانت تحسن العربية و الخط ، دعلج بن احمد بن دعلج الفقيه ابو محمد السجزي شيخ اهل الحديث في عصره ، داود بن محمد بن نصير الاسفرايني ، داود بن محمد بن الحسين بن داود الحسين العلوي ، رشيق بن عبدالله الرومي ابو نصر يسكين طابران من قرى طوس ، رافع بن عبدالله ابو اسامة المرو الرودي : رافع بن عصم بن العباس الصبي الهروي ، ربطه بنت عبدالله العابدة الزاهدة النيسابوريه ، زبير بن عبدالواحد بن احمد بن زكريا ابو عبدالله الاسترابادي ، زيد بن الحسين داود بن علي الحسيني العلوي ، زيد بن عيسى بن جعفر بن مهدي الكوفي الزبير بن عبدالله بن موسى بن الحارث الثوري ابو علي البغدادي ، زاهر بن احمد بن محمد بن عيسى السرخسي ابو علي المقرئ شيخ عصره ، سلمين بن محمد بن ناجيه ابو القسم ابي بكر بن ناجيه النيسابوري ، سلمين بن محمد بن سلمين بن خلد العبدي النيسابوري من ميدان هاني ، سلمين بن محمد بن داود الفقيه ابو علي الفقيه الداودي الهروي ، سليمان بن محمد بن علي ابو القاسم المناشكي النيسابوري ، سعيد بن عبدالله بن محمد الزاهد ابو عثمان السمرقندي سكن نيسابور من صباه الى ان مات بها ، سعيد بن نصر ابو عثمان الاندلسي ، سعيد بن محمد بن احمد بن جعفر الشيعي ابو سعد ، سعيد بن القسم بن العلا بن الخالد البروعي ابو عمر المطوعي ، سعيد بن محسن الفقيه ابو عثمان الكشي ، سعيد بن محمد بن سعيد الفقيه ابو احمد المطوعي ، سعيد بن محمد بن سلمه العارف

ابو عثمان الزاهد المغربي ولادته بالقيروان في قرية يقال لها كركنت كان واحد عصره
 في الورع والزهد والصبر وجاز ومكة فوق العشرة وكان لا يظهر في الموسم و توفي
 بنيسابور رضي الله عنه سنة ثلاث وسبعين وثلاثمائة ودفن بجانب أبي حفص وأبي عثمان
 في العير رضي الله عنهم، سعيد بن المسيب أبو عثمان الشيرازي، سعيد بن مشكان أبو عثمان
 القزويني، سعيد بن محمد بن الفضل الفقيه أبو سهل بن أبي سعيد النيسابوري، سعيد بن
 عبد الله بن سعيد بن اسماعيل بن أبو عمرو بن أبي عثمان النيسابوري، سعيد بن محمد بن أحمد
 بن سعيد الصوفي أبو عثمان النيسابوري، سهل بن محمد بن سليمان بن محمد سليمان العجلي
 نقيب أبو الطيب بن أبي سهل الحنفي الصعلوكي النيسابوري أي منتهيا، سهل بن أحمد
 بن سهل الديوتدي أبو سعيد المرزكي، سهل بن عثمان بن محمد بن سهل أبو محمد بن أبي
 سلمة البخاري، سلمة بن أحمد بن سلمة بن مسلم الذهلي أبو نصر المعادي الأديب النيسابوري،
 سلمة بن محمد الفقيه أبو نصر الصيدلاني النيسابوري، سيمان بن عبد الله مولى الحارثية
 ويعرف عندنا بأبي علي شداد بن أحمد البوزجاني أبو عبد الرحمن قريب أبي الفضل
 شافع بن محمد بن يعقوب الأسفرايني أبو النصر، شجاع بن الحسن أبو مقاتل الكاتب
 شعيب بن محمد بن شعيب بن محمد بن العجلي أبو صالح الليثي، سيبه بن محمد بن شعيب بن
 هارون أبو محمد الشعبي النيسابوري، صالح بن محمد بن داود أبو محمد الترمذي
 ضمرة بن يحيى الدمشقي، طاهر بن محمد بن يوسف البوشنجي أبو الحسن الفقيه، طاهر
 بن محمد بن سهلويه بن الحارث العدل أبو الحسين النيسابوري، طاهر بن محمد بن
 عبد الله بن إبراهيم أبو عبد الله البغدادي نزيل نيسابور، طاهر بن محمد بن عبدان التاجر
 المعروف بأبي الطيب بن عبدان وكان من الأمناء الصالحين

قال الحافظ أبو عبد الله: وكنت أتبرك بدعائه طاهر بن علي العماني، طاهر بن أحمد بن عبد الله
 تبيهقي أبو الطيب، طاهر بن أحمد بن محمد بن طاهر الوراق أبو القاسم المولق آبادي النيسابوري،

ابو القاسم البخاري؛ عبدالله بن علي بن جمشاد بن شختوية بن مبرويه ابو محمد بن
ابي الحسن التميمي النيسابوري؛ عبدالله بن عمرو بن محمد التاجر ابو محمد النيسابوري
عبدالله بن عالم بن حموية بن الحسين الصيدلاني ابو محمد؛ عبدالله بن فارس بن محمد
علي ابو ظهير البلخي؛ عبدالله بن الفضل بن الحسين البخاري؛ عبدالله بن القسم الكراميني.
عبدالله بن محمود بن حمدويه بن يعيم بن الحكم الموقن ابو محمد والد الحاكم

ابو عبدالله الحافظ النيسابوري مصنف هذا التاريخ، عبدالله بن محمد بن موسى بن كعب
ابو محمد الكعبي النيسابوري؛ عبدالله بن محمد بن علي بن زياد ابو محمد العدل النيسابوري
عبدالله بن محمد بن بديل ابو بكر البديلي البخاري المعروف بالاشتر، عبدالله بن محمد
ابن عمر الفقيه ابو محمد البخاري؛ عبدالله بن محمد بن محمد بن حموية بن عباد
ابو القاسم بن ابي بكر الططاني؛ عبدالله بن محمد بن عبد الرحمن الصوفي ابو محمد
الحيري النيسابوري المعروف بالرازي؛ عبدالله بن محمد بن حمدان الدهقان ابو طاهر
الحنوني النيسابوري؛ عبدالله بن محمد بن عصام الرحي ابو القاسم الحيري النيسابوري
عبدالله بن محمد بن احمد بن حسان القاضي ابو الطيب بن فورس النيسابوري؛ عبدالله
ابن محمد بن عبد الوهاب بن عطا القرشي الصوفي الرازي؛ عبدالله بن محمد بن عبدالله
الحيرازي الرازي؛ عبدالله بن محمد بن عبدالله الشيباني الذهلي النيسابوري؛ عبدالله
ابن محمد بن احمد بن محمد بن عبدالله الزاهد ابو بشر الخياط النيسابوري وكان مجاب
الدعوة رضي الله عنه؛ عبدالله بن محمد بن عبدالله بن علي بن زياد انسدي النيسابوري؛
عبدالله بن محمد بن محمد بن عبدوس العدل ابو محمد الحيري النيسابوري
عبدالله بن محمد بن مهيمن اليزدي ابو محمد التاجر وكان من اعيان خراسان؛ عبدالله بن
احمد بن محمد بن عبدالله بن بالويه ابو محمد البالوني النيسابوري؛ عبدالله بن محمد
ابن عبدالله بن دينار ابو محمد بن ابي عبدالله النيسابوري؛ عبدالله بن محمد بن قضاويه

الصوفی الزاهد ابو محمد المعروف بالمعلم النیسابوری ودفن بشاهنبر، عبدالله بن محمد
 بن السری بن الصباح الکرمانی ابو محمد القبانی، عبدالله بن محمد بن احمد بن محمد
 ابن عبدالله المحمّی النیسابوری، عبدالله بن محمد بن اسحق الزاهد ابو محمد الانماطی
 الرمجاری النیسابوری ودفن رضی الله عنه فی مقبرة ابی علی الثقفی، عبدالله بن محمد بن
 احمد بن محبوب التاجر ابی العباس المجبوی المروزی، عبدالله بن محمد ابو القاسم
 الاصهبانی، عبدالله بن محمد الساعری ابو محمد المستملی، عبدالله بن محمد بن احمد بن
 حبیب الفقیه ابو ذر بن ابی جعفر الکراییسی النیسابوری، عبدالله بن محمد بن برز
 التاجر ابو محمد التاجر الرازی تریل نسابور، عبدالله بن محمد بن ابراهیم بن الفضل بن
 اسحق الراشعی ابو محمد بن ابی الفضل النیسابوری، عبدالله بن محمد بن عبدالله بن
 محمد حمزویه بن نعیم ابو الحسن الضبی النیسابوری، عبدالله بن موسی بن رامک
 النیسابوری ابو القاسم تریل بیغداد، عبدالله بن موسی بن الحسین بن ابراهیم السامی
 ابو الحسن البغدادی، عبدالله بن مضارب بن ابراهیم ابو القاسم المقری
 انیسابوری وکان من العباد المجتهدین، عبدالله بن مفلح ابو محمد البغدادی تریل
 نسابور، عبدالله بن یحیی بن محمد بن عبدالله بن العنبری ابو محمد بن ابی زکریا العنبری
 النیسابوری، عیدالله بن احمد بن محمد بن عیدالله بن النصر بن محمد رئیس بن رئیس
 النیسابوری، عیدالله بن احمد القاضي الکلابادی ابو القاسم البخاری، عیدالله بن محمد بن
 نافع بن مکرم بن حفص الزاهد ابو العباس العابد البشتی وکان من الابدال و جرب
 مرة بعد اخرى انه کان مجاب الدعوة وتوفی رضی الله عنه سنه اربع وثمانین وثلثمائه
 ودفن فی بیه، عیدالله بن علی بن عیدالله بن داود القاضي ابو القاسم الداودی المصری
 سکن نسابور، عیدالله بن محمد بن ابراهیم بن جبرئیل ابوبکر النیسابوری،
 عیدالله بن ابی ذرین بن ابی رجا النیسابوری، عیدالله بن محمد بن عبدالرحمن بن مخلد

الدهان البلخي، عبيد الله بن منصور بن عبدالله الكلاحي المصري الشاعر، عبيد الله بن محمد المتكلم النيسابوري ابونصر، عبيد الله بن محمد بن محمد بن حامد ابوالقاسم الزاهد البلخي، عبدالرحمن بن محمد بن جعفر بن احمد بن سعيد ابو محمد بن ابي بكر الجرجاني ولكن ابوه جرجانيا وهو نيسابوري، عبد الرحمن بن احمد بن حمدويه المؤذن ابوسعيد بن ابي حامد النيسابوري، عبدالرحمن بن محمد بن عبدالله بن مهران ابومسلم الحافظ الزاهد البغدادي، عبدالرحمن بن محمد بن محبوب بن حفص بن ابراهيم التميمي النيسابوري الدهان، عبدالرحمن بن محمد بن حمدان القاضي ابو محمد الجرجاني عبدالرحمن بن علي بن محمد بن يحيى بن عبدالرحمن ابوالفضل التميمي النيسابوري و كان من وجوه نيسابور: نروة وشهامة ومروة، عبدالرحمن بن محمد بن حسبكا ابوسعيد الحاكم العري، عبدالرحمن بن محمد بن جعفر الواعظ ابونصر العتيبي النيسابوري، عبدالرحمن الحسن بن يعقوب الصوفي ابوالقاسم بن الحسن الحداد النيسابوري، عبدالرحمن حمدون بن تجار الفقيه ابوالوليد النيسابوري، عبدالرحمن بن ابراهيم بن محمد بن يحيى ابوالحسن بن اسحق المزكي النيسابوري، عبدالرحمن بن عبدالله بن يعقوب بن سمعويه ابوسعيد النيسابوري، عبدالرحمن بن احمد بن جعفر ابوالقاسم الشيباني النيسابوري عبدالرحمن بن محمد بن الحسين الصوفي النيسابوري ابوالقاسم الحجاج حجاج بن ثلثين حجة مدفون في مقبرة الحسين بن معاذ وهو مات بنساحل تابوته الى نيسابور، عبدالرحمن بن محمد بن محمد بن داود السجزي ابو محمد النيسابوري، عبدالرحمن بن علي بن محمد الترمذي ابوالقاسم صاحب الترمذ، عبدالرحمن بن محمد بن عبدالرحمن الواعظ ابو بكر السرخسي عبدالرحمن بن محمد بن الحسن ابوه محمد النصر آبادي النيسابوري، عبدالرحمن بن حمدان الصيدلاني الزمجارى النيسابوري، عبدالرحمن بن عبدالله بن احمد بن اسحق وجده امام اهل ابوبكر محمد بن اسحق وهو نيسابوري، عبدالرحمن بن محمد بن

احمد بن بالويه ابو محمد المزكى النيسابوري ، عبد الرحمن بن احمد بن محمد بن
 ابراهيم من اولاد سعد بن عباد الخزرجي الانصاري رضي الله عنه ابو محمد بن ابي عمرو
 العماري النيسابوري ، عبد الرحمن بن الحسن بن علي ابو سعيد بن احمد بن علي الصفار
 النيسابوري ، عبد الواحد بن احمد بن عمر بن عبد الرحمن القرشي ابو عمر والكندري ،
 عبد الواحد بن محمد بن الشاه ابو الحسين الصوفي الشيرازي ، عبد الواحد بن احمد بن
 القسم من ولد عبد الرحمن بن عوف وهو ابن ابي الفضل المتكلم الاشعري ، عبد الواحد بن
 محمد بن عبد الرحمن ابو الحسن النيسابوري ، عبد الواحد بن علي بن عبد الله ابو اليسار
 المروزي عبد الواحد بن عبد العزيز بن الحارث التميمي ابو الحسن الواعظ الحنبلي ،
 عبد الصمد بن احمد بن الحسين بن علي الزيري ابو ذر القاري النيسابوري ، عبد الصمد بن
 محمد البخاري ابو محمد الحافظ النيسابوري ، عبد الحميد بن عبد الرحمن بن
 الحسين القاضي بن القاضي ابو الحسن بن ابي سعيد النيسابوري وكان من افراد زمانه و
 من الدين به افتخار الاهل زمانه لاهل نيسابور خاصة توفي ببخارا رضي الله عنه حمل
 تابوته الى نيسابور ، عبد العزيز بن احمد بن محمد اسحق ابو احمد الوراق النيسابوري ،
 عبد العزيز بن عبد الملك بن نصر الاموي ابو الاصبع الاندلسي ، عبد الصمد بن محمد بن
 محمد بن اسحق الزاهد الصوفي ابو نصر بن احمد الصفار النيسابوري ، عبد العزيز بن الحسن
 بن احمد بن الداركي الاصبهاني ابو القاسم الفقيه ، عبد العزيز بن محمد بن الحسن الفقيه
 ابو الفضل البصري ، عبد العزيز بن محمد بن الجعفي الدامغاني ابو محمد التاجر ، عبد العزيز بن
 محمد بن محمد بن اسحق ابو محمد المعدل النيسابوري ، عبد المؤمن بن
 عبد الملك ابو نصر الدهستاني ، عبد الرحيم بن محمد بن يحيى القاضي النيسابوري ،
 عبد الوهاب بن حمزة بن نصر ابو ابراهيم الجرجاني عبد الجليل بن مذكور بن ثابت ابو
 محمد السعدي ، عبد الملك بن محمد بن ابراهيم ابو سعيد بن ابي عثمان السواعظ

ابوذر النيسابوري وكان شيخ نيسابور في عصره ، قيس بن طلحه بن احمد الفارسي
ابومازن ، قاسم بن عبدالله بن محمد العدوي ابو نصر الجوهري النيسابوري ، قتاده بن
محمد بن احمد بن عمر النيسابوري ، كثير بن احمد الوزير ابو منصور العميد القائني
يتولى نيسابور نيفا وثلاثين سنة ومات بهامخمل الى قاين ، كامل بن احمد بن محمد
ابن جعفر المفيد النيسابوري ، ليث بن طاهر بن الليث ابو نصر النيسابوري ، ليث بن
نصر بن جبرئيل البخاري ابو نصر الفقيه ، محمد بن احمد بن محمد بن زيد المعدل
ابو علي بن حيكان النيسابوري ، محمد بن احمد بن بالويه الجلاب ابو محمد
المحدث النيسابوري ، محمد بن احمد بن طه الاصميهاني ابو عبدالله ، محمد بن
احمد بن سعيد ابو جعفر الرازي ، محمد بن احمد بن محمد بن عقبه القاضي ابو احمد
الحنفي المروزي ، محمد بن احمد بن عبدالله ابو الحسن الصفار النيسابوري ، محمد بن
احمد بن زكريا ابو الحسن بن زكريا كان من افاضل شيوخنا و هونيسابوري و
مدفون بمقبره شاهنير ، محمد بن احمد بن الحسن الحيري النيسابوري ابو الطيب
المنادلي ، محمد بن عبدالله بن محمد الفقيه ابوبكر البخاري ثم الاودمي ، محمد بن
احمد بن محمد بن ابو الحسين المعادي الحسن الاريب النيسابوري ، محمد بن احمد بن
محمد بن ابي الحيري ابوبكر بن ابي الحسين الغازي النيسابوري ، محمد بن احمد بن
شعيب بن هارون ابو احمد الشيبني العدل النيسابوري ، محمد بن احمد بن اسحق بن
ابراهيم الصيدلاني ابو عمرو بن ابي بكر العدل المتطيب النيسابوري ، محمد بن احمد بن
حمدون بن الحسن بن يزيد ابو بكر الطيب المذكر النيسابوري ، محمد بن
احمد بن اسحق ابو عمرو الصغير و لقد كان كبيراً في العلوم و العدالة و هونيسابوري ،
محمد بن احمد بن بشر الصوفي ابو منصور الحيري النيسابوري ، محمد بن احمد بن
حمدان ابو عمرو بن ابي جعفر الحيري النيسابوري ، محمد بن احمد بن موسى

النيسابوري ، محمد بن احمد بن محمد بن جعفر ابو عمرو بن ابي الحسين السحري
 النيسابوري ، محمد بن احمد بن حاض الطوسي ابو بشر الحاضري ، محمد بن احمد الخالدي
 النيسابوري ، محمد بن احمد بن الحسن ابو الفضل الصابع النيسابوري ، محمد بن
 احمد بن ثابت البزاز ابو الحسين البغدادي ، محمد بن احمد بن جعفر ابو نصر الطوسي ،
 محمد بن احمد بن عبدوس ابو الحسن الحاتمي النيسابوري ، محمد بن احمد بن
 عبد الاعلى ابو عبدالله المغربي ، محمد بن احمد الفقيه ابو بشر الاديب الشرطي ،
 محمد بن احمد بن ابي الفوارس ابو الفتح البغدادي ، محمد بن احمد بن عبد الوهاب
 الواعظ ابو بكر الاسفرائيني ، محمد بن احمد بن يزيد ابو بكر الاصبهاني ولكن ابو بكر
 النيسابوري و ابوه كان اصفهانيا ، محمد بن احمد بن الحسين السمسار النيسابوري
 ابو طاهر الطاهري ، محمد بن احمد بن محمد بن محمد بن خاقان ابو عبدالله البخاري
 محمد بن احمد بن يحيى الفقيه ابو الفضل الترمذي ، محمد بن احمد بن محمد التميمي
 ابو العباس بن ابي الحسن السليطي النيسابوري ، محمد بن احمد بن عبدالله السكري
 ابو احمد المسكي النيسابوري ، محمد بن احمد بن محمد حفص الحرشي ابو نصر النيسابوري
 محمد بن احمد بن نجم ابو الفضل الحلومي النيسابوري ، محمد بن احمد بن محمد
 الطوسي ابي بكر بن ابي تراب المسافري التوقاني ، محمد بن احمد بن علي ابو بكر
 القاضي الفارسي ، محمد بن احمد بن حسويه العارف الزاهد ابو احمد الحسنوي
 النيسابوري من كبار مشايخ التصوف مدفون في مقبره شاهنبر ، محمد بن احمد بن محمد
 محمود ابو الحسن المراجمي النيسابوري نفقه عند الاستاد ابو الوليد ، محمد بن احمد بن
 عمر الخفاف ابو نصر النيسابوري ، محمد بن احمد بن الحامد ابو الحسن العطار النيساري
 محمد بن احمد بن سهل ابو سهل الوراق الزوزني ، محمد بن احمد بن عمرويه النيسابوري
 محمد بن احمد بن علي ابو الحسن الصنعى الخنجرودي النيسابوري ، محمد بن احمد بن

محمد الفقيه ابو بكر بن ابي سعيد النسوي، محمد بن احمد بن علي بن عبدالرحيم
 ابوالحسن بن ابي احمد الصفار النيسابوري، محمد بن احمد بن سعيد ابونصر بن
 ابي سعيد الوالي النيسابوري، محمد بن احمد بن علي بن شعيب ابوبكر انكر ايسى النيسابوري
 من خزن الدستي، محمد بن احمد بن عبدالله الاردبيلي ابوالعباس الوراق، محمد بن
 الحسن بن سعيد الجرجاني ابوبكر الوراق، محمد بن احمد بن محمد بن عقيل ابوبكر
 القطان النيسابوري، محمد بن احمد بن سعيد الانماطي البخاري ابو محمد، محمد بن
 احمد بن موسى القاضي ابو عبدالله الحازني الداري، محمد بن احمد بن يحيى الفقيه
 ابونصر السرخي، محمد بن احمد بن بالويه ابو منصور الكسايني النيسابوري، محمد بن
 احمد بن يعقوب المذكي ابو عبدالله الاديب، محمد بن احمد بن علي بن نصير المعدل
 ابو عبدالله النصيري النيسابوري، محمد بن احمد بن عبدوس ابوبكر بن ابو علي بن عبدوس
 النيسابوري المزكي، محمد بن ابراهيم بن الفضل الهاشمي ابو الفضل المزكي
 النيسابوري و اكثر شيوخ نيشابور في العدالة، محمد بن ابراهيم بن عمران بن موسى
 الجوزي ابوبكر النحوي من جور فارس، محمد بن ابراهيم بن علي حسويه الزاهد
 ابوبكر الوراق النيسابوري وكان من البكاين من خشية الله تعالى حتى لقب بالبكاء
 محمد بن ابراهيم بن الحسن موسى المناشكي النيسابوري ابو العباس المحاملي،
 محمد بن ابراهيم الفامي ابوبكر النيسابوري، محمد بن ابراهيم بن نصر ابو عبدالله الاربندی
 محمد بن ابراهيم بن اسحق ابوبكر الصانع، محمد بن ابراهيم بن ابي عمران الامير بن
 الامير ناصر الدولة ابي الحسن النيسابوري، محمد بن ابراهيم بن حمش ابو عبدالله
 النيسابوري نزيل نسا، محمد بن ابراهيم بن يحيى الاديب ابو عمرو البشتي وانشد
 في ذكر اصحاب الحديث قصيدة بعضها هذا

ودع فكر جرجان فان شيو خنا بلدة نيسابورا على فما الحزن

فيحيى بن يحيى لا يقاس بغيره
 و تابعهم اسحق لله درة نعم
 ابوالاظهر المفضل ثم ابن هاشم
 فمن مثلهم في حفظهم ومحلهم
 ومنا ابن اسحق الخزيمي شيخنا
 ولقد كان للاسلام ركنا ومركزاً
 و منا ابو عمر بن نصر رئيسنا
 و نفخر بالسراج فخراً مواظباً
 حسين و جاور دنيا و مسدد
 ولم اطمأن الا بذكر مفضل
 و بعدهم الشوقي ثم مؤمل
 ومنا ابو عثمان ثم محمد
 ومنا الاديب الاربيحي الذي مضى
 ومنا الفقيه البيهقي محمد
 و منا الرئيس الفاضل ايسد
 اقول له و العقول منى تحيت
 و منا من الاحياء طال بقاءهم
 كمثل ابي بكر بن اسحق صدرنا
 ومنا من الاصحاب قامومنه
 لقد بلغوا في الدين اشرف خطبه
 و حسان سيف الله و الصارم الذي

كلاك به عزا اذ اكنت ممتحن
 و الر باطى فضلهم غير مكتمن
 ومسلم ارباب الحديث فلا تبجن
 فانارهم يسعى و تدفع في المحن
 ومفخرنا شيخ قوم المشايخ والزمن
 فبقى الله قبراً فيه ذا شيخ مندفن
 به عرف العز الذي اهله سكن
 و با لحيى من او ضحو السنن
 وعن جعفر بن العام بالحفظ مقرر
 ابي طالب كن بذكره مطمئن
 اثلت با لمكى يا حيد القران
 غيب ابا بكر افرديا اذن
 ابوالقاسم الشيخ المذكور وامنن
 فكيف الطبارى وموفى اللحد والكفن
 الذى بنصرته لم ترتفع راس
 سلام على الرئيس ابي الحسن
 دوام لهم فضل و عبر بلا شحن
 امام الا سباب الفريض والسنن
 هو البقى الطالب الحمد بالثمن
 ويحيى بن منصور وهم سادة الزمن
 بدين به ولم يقر والم يدن

عليهم صلوة الله ما در سارق
ويا صاح قمرى على شعبالن
وكل فقيه حاكم و مذكر
فما ابرهيم المداين والقطن

محمد بن ابرهيم بن على النيسابورى ابو العباس من رستق باخرز ، محمد بن
ابرهيم بن سعيد ابو جعفر البوشنجى ، محمد بن ابرهيم بن ابو عثمان الزاهد النيسابورى
وكان من الصوفيد العباد رحمة الله عليه ، محمد بن اسحق بن ايوب بن يزيد الصنعى
ابو العباس اخو شيخ ابو بكر النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن يحيى ابو بكر الكسامى
النيسابورى ، محمد بن ابراهيم بن نصر الوكيل ابو بكر النيسابورى ، محمد بن ابراهيم
ابو سعيد الاديب النيسابورى ، محمد بن اسحق بن محمد بن يحيى الاصفهاني ،
محمد بن اسحق بن محمد المعدل ابو الحسن المولقا بادي النيسابورى ، محمد بن
اسحق بن بشرويه الزاهد من قرية ازاء ابو جعفر الزائى ، محمد بن اسحق بن محمد
السجستانى ابو الحسن النيسابورى ، محمد بن بشر بن العباس ابو سعيد الكرايسى
النيسابورى المعروف بالبصرى ، محمد بن بكر بن بشر البونى ابو عبد الله الفقيه ،
محمد بن بسطام الحسن ابو جعفر الاستوائى ،

محمد بن جعفر بن موسى بن جعفر بن محمد بن على بن الحسين بن على بن ابي طالب رضى الله
عنهم السيد ابو جعفر الموسوى وكان اوحدا الاشراف فى عصره ، محمد بن جعفر احمد بن
موسى الفقيه الاديب ، ابو بكر بن ابي جعفر المزكى البشتى ، محمد بن جعفر بن ابراهيم بن
يوسف ابو بكر القامى النيسابورى ، محمد بن جعفر بن محمد بن مضر العدل ابو عمر و
الزاهد النيسابورى محمد بن جعفر بن محمود ابو سعيد الهروى ، محمد بن جعفر بن ابراهيم
النسوى ابو جعفر ، محمد بن جعفر بن الحسين بن محمد بن المفيد ابو بكر البغدادى ،
محمد بن الحسن بن ابو طاهر المحمد آبادى النيسابورى ، محمد بن الحسن بن
على بن بكر العدل ابو الحسن النيسابورى ، محمد بن الحسن بن الحسين التاجر العدل

ابو الحسن من اجل مشايخ العلم النيسابورى ؛ محمد بن الحسن بن احمد بن اسمعيل
 ابو الحسن المقرئ السراج النيسابورى ، محمد بن الحسن المولقبادى ، محمد بن
 محمد الصوفى ابو العباس البغدادى ابن الخشاب ، محمد بن الحسن الفقيه ابو عبد الله
 الجرجانى الحسين ، محمد بن الحسن بن فواك ابو بكر الاصبهاني ، محمد بن
 الحسن بن ثابت ابو بكر النيسابورى ، محمد بن الحسين بن محمد بن اسمعيل السلمى
 ابو الحسن الكرايسى النيسابورى ، محمد بن الحسين بن محمد ابو الحسن الجرجانى
 محمد بن الحسين بن محمد ابو الحسن المادى النيسابورى ، محمد بن الحسين بن
 يحيى ابو جعفر المؤدب البشتى ، محمد بن الحسين الجرجانى ابو الحسين الخياطى
 النيسابورى الوراق امام نيشابور ، محمد بن الحسن بن زيد ابو احمد الوراق الطوسى
 محمد بن الحسين ابو عبد الله الانبارى الموضحى ، محمد بن الحسين بن داود الحسينى
 العلوى ابو الحسن النيسابورى رضى الله عنه ، محمد بن الحسين بن داود بن على ابو
 على الحمضى النيسابورى العلوى رضى الله عنه ، محمد بن الحسين بن موسى السمسار
 النيسابورى ابو سعيد ، محمد بن الحسين بن مهران ابو الحسن الفقيه النيسابورى
 محمد بن الحسين بن موسى السلمى ابو عبد الرحمن النيسابورى ، محمد بن الحسين بن
 محمد ابو الفضل قاضى المعروف بالحدادى النيسابورى ، محمد بن الحسين الفقيه
 ابو عمر البسطامى ، محمد بن حاتم الكشى ، محمد بن حيان التميمى ابو حاتم البشتى
 القاضى ، محمد بن حبان ابو الحسن السجورى النيسابورى ، محمد بن حفص بن عمر
 ابو العباس النيسابورى المعروف بالهروى ، محمد بن حيان الصوفى ابو بكر صاحب
 الاحوال مدفون فى مقبرة الحسين رضى الله عنه ، محمد بن محمد بن حامد بن محمود
 القطان ابو العباس السامانى النيسابورى ، محمد بن حامد بن امة النيسابورى ، محمد بن
 حامد بن على ابو بكر النجارى ، محمد بن حام بن متك النيسابورى ابو عبد الله الحمال

ظفر بن محمد العلوي الحسيني المصنف العالم النيسابوري رضي الله عنه ، محمد بن
 عبدالله بن احمد ابو عبدالله الصفار الاصبهاني محدث عصره بخراسان و كان مجاب
 الدعوة لم يرفع الاكما بلغنا اربعين سنة توفي رضي الله عنه في سنة تسع وثلثين
 ثلثمائة و دفن في داره في سلمة العنبي ، محمد بن عبدالله التاجر ابو عبد الرحمن
 النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن دينار العدل ابو عبدالله النيسابوري ، محمد بن عبدالله
 بالويه ابو جعفر الساعاني النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن محمد ابوبكر النيسابوري
 محمد بن عبدالله بن محمد ابو عبدالله المزني اخو الشيخ المزني توفي بنيسابور ،
 محمد بن عبدالله بن محمد بن صبيح العمري النيسابوري رضي الله عنه ، محمد بن عبدالله
 بن محمد الرازي ابو الحسين ، محمد بن عبدالله بن جمشاد الغاوي ابوبكر النيسابوري ،
 محمد بن عبدالله بن محمد بن بشر المزني ابو الحسين الهروري ، محمد بن عبدالله بن
 عبدالعزيز ابوبكر الرازي ، محمد بن عبدالله بن قریش الوراق الريديجي النيسابوري ، محمد
 بن عبدالله بن ابراهيم ابو الحسن السليطي النيسابوري ، محمد بن عبدالله محمد
 الاسفرائيني ، محمد بن عبدالله بن ابراهيم ابوسعيد الزاهد المروزي ، محمد بن عبدالله
 ابن ابو جمشاد ابو منصور النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن الحسن السميري النيسابوري
 محمد بن عبدالله الشيباني ابوبكر بن الحسن المعدل النيسابوري ، محمد بن عبدالله
 البزازي البخاري ، محمد بن عبدالله بن يعقوب ابوبكر النيسابوري ويعرف بالنسال ،
 محمد بن عبدالله بن شتويه الهمداني ، محمد بن عبدالله بن الحسين الفقيه ابوبكر الصنع
 النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن احمد البوشنجي ابوبكر الواعظ الصوفي ، محمد بن
 عبدالله الفضل الفارسي ابو عبدالله الوراق ، محمد بن عبدالله بن اسمعيل ابو جعفر
 الاديب الرئيس النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن محمد ابوبكر الفارسي محمد وعالي
 انباء عبدالله بن محمد الدورقي النيسابوري ، محمد بن عبدالله بن ادريس ابو عبدالله ، محمد بن

عبدالله بن جمشاد ابو سعید الحاسب النیسابوری ، محمد بن عبدالله بن حمدون
 ابو سعید النیسابوری ، محمد بن علی بن الحسن الحسینی مولده بهمدان و منشأؤه
 بعراق رضی الله عنه ، محمد بن علی بن الحسن ابو علی الاسفرائینی ، محمد بن علی بن
 الخلیل الزمجاری ابوبکر التاجر النیسابوری ، محمد بن علی بن علی ابو علی البرنودی
 النیسابوری ، محمد بن علی بن احمد الجلاب ابو منصور الفزسی ، محمد بن علی بن
 محمد بن الحسن الطوسی ، محمد بن علی بن الحسن ابوالخشب الخياط النیسابوری
 و كان معجب الدعوة ، محمد بن علی الدمشقی ابوبکر ، محمد بن عبدالله الکلاتی ابو
 احمد النیسابوری ، محمد بن علی الادیب ابو العباس الکرخی ، محمد بن علی بن اسمعيل
 ابوبکر القفال الشاشی امام عصره بماوراءالنهر ، محمد بن علی بن الحسن ابوبکر
 المودل النیسابوری ، محمد بن علی عبدالله الزوزنی ، محمد بن علی بن محمد بن یحیی
 النیسابوری ، محمد بن علی بن مومل النیسابوری ، محمد بن علی العلوی ابو جعفر
 الیمانی ، محمد بن علی بن عمرو الاصبهانی ابو سعید ، محمد بن علی بن الحسن ابوبکر
 المروزی ، محمد بن علی سهل ابو الحسن الماسرخسی ، محمد بن علی بن بکر
 النیسابوری ، محمد بن علی بن محمد ابو علی المودن النیسابوری ، محمد بن علی بن
 الزراد ابو عبدالله البصری ، محمد بن علی بن محمد الرازی ابو الحسن القامی النیسابوری
 محمد بن عبيدالله بن محمد ابوبکر بن عبيد النیسابوری ، محمد بن عبيدالله ابرهیم
 بالویه ابو القاسم النیسابوری ، محمد بن عبدالرحمن بن محمد ابو الحسن بن ابی
 القاسم النیسابوری ، محمد بن عبدالرحمن بن محمد ابو العباس مامله ابی العباس
 الذنولی السرخسی ، محمد بن العباس بن احمد الصنی ابو عبدالله الپروی الوجیه
 الرئيس العالم رضی الله عنه ، محمد بن العباس بن حمويه ابوبکر الصيدلانی النیسابوری
 محمد بن العباس احب محمد بن جریر ابوبکر الادیب الخوارزمی ، محمد بن العباس بن

محمد بن قوهنارا بوبكر الكساسى النيسابورى، محمد بن عيسى بن محمد ابوصالح بن
 عيسى. احد مشايخ خراسان، محمد بن على بن عبدل ابواحمد الجرجانى، محمد بن
 عيسى بن محمد بن عبدالرحمن ابو احمد الحلوى النيسابورى من كبار عباد الصوفيه،
 محمد بن عبدالعزيز بن عبدالله بن ابراهيم ابو على الزعوزى النيسابورى، محمد بن
 عبدالعزيز بن على الحشتاب ابو الحسين، محمد بن عبدالعزيز بن على ابوبكر الجرجانى
 محمد بن عبدوس المقرئ ابوبكر المفسر، محمد بن عمر بن قتادة بن نظر ابو الحسن
 الزمجارى النيسابورى، محمد بن عبدان ابو عبدالله خادم الجامع بنيسابور النيسابورى
 محمد بن عمر بن محمد الاسفرائينى ابوبكر الفقيه، محمد بن عبدوس بن الحسين
 ابو عبدالله السمسار النيسابورى، محمد بن عون بن اسحق المروزى ابوسعيد الزاهد،
 محمد بن عبدوس بن حاتم ابونصر الدهان النيسابورى، محمد بن الفضل بن محمد
 الكرايسى ابو احمد الوراق النيسابورى و كان من المعروفين بطلب الحديث فى الشرق
 والغرب، محمد بن الفضل بن محمد اسحق المذكر ابوسعيد المقرئ النيسابورى، محمد بن
 الفضل بن العباس الشافعى ابو الفضل النيسابورى، محمد بن الفضل بن محمد بن اسحق
 خزيمه ابوطاهر النيسابورى، محمد بن الفضل بن محمد الاديب البلخى الربيع، محمد بن
 الفضل بن محمد الفقيه ابوبكر اهل بخارا، محمد بن الفضل بن لولو الحلوانى ابو الحسين،
 محمد الفتح الانماطى ابو العباس المعلى، محمد بن القسم بن عبدالرحمن ابومنصور
 الصنعى النيسابورى، محمد بن القسم بن محمد بن الحسين النكرائيسى النيسابورى،
 محمد بن القاسم محمد بن بشر بن سالم الفارسى ابوبكر، محمد بن كافور بن كافور مولى
 احمد بن خديقه، محمد بن محمد بن محمد بن عبدالله بن خالد البغدادى ابو جعفر التاجر
 محدث خراسان فى عصره، محمد بن محمد بن يوسف ابونصر الامام الطوسى، محمد بن
 محمد بن الحسن الشيبانى ابو احمد النيسابورى، محمد بن محمد بن يوسف المقرئ

ابوبكر البخاري اللجاني ، محمد بن محمد بن مجمش ابو عهر الزناطي النيسابوري ،
 محمد بن محمد بن احمد بن عبدالله السلمي الحنفي ابو الفضل الوزير عالم مرو رحمة الله
 محمد بن محمد بن علي العطار ابو سعيد النيسابوري ، محمد بن محمد بن احمد ابوبكر
 البلخي ، محمد بن محمد بن احمد بن اسحق ابو الحسن الحرابي النيسابوري ، محمد بن
 محمد بن جعفر ابوبكر النيسابوري ، محمد بن محمد بن جعفر بن مطر ابو احمد بن ابي
 عمر والمعدل النيسابوري ، محمد بن محمد بن احمد بن اسحق القاضي ابو احمد الحافظ
 امام عصره وصنف على كتاب مسلم البخاري وعلى كتاب ابي عيسى الترمذي وصنف
 كتاب الاسامي والكنى والعلل والمخرج على كتاب المزي وكتاب الشروط وصنف
 النسوح والابواب توفي رحمة الله يوم الخميس الرابع والعشرين من الربيع الاول سنة
 ثمان وسبعين وثلاث مائة وهو ابن ثلث وتسعين سنة وصلى عليه الرئيس في ديوان الجين
 ودفن في داره ، محمد بن محمد بن حامد الترمذي ، محمد بن محمد بن عبدان ابوسهل بن
 ابي عبدالله النيسابوري ، محمد بن محمد بن الحسن الكندي وهي قرية على فرسخ
 من البلد ، محمد بن محمد بن اسحق بن النعمان العدل ابو احمد الصفار النيسابوري ،
 محمد بن محمد بن عبدوس المقرئ ابو عمر والزاهد الانماطي النيسابوري ، محمد بن
 محمد بن الحسين الترمذي ابوسهل ، محمد بن محمد بن يعقوب الحافظ المقرئ ابو الحسين
 الحجاجي النيسابوري ، محمد بن محمد بن اسمعيل بن منصور النخعي ابوبكر النيسابوري
 محمد بن محمد بن عبدالله بن عمر والجرجاني ، محمد بن محمد بن علي النسوي ابو احمد
 المعروف بالبغدادي ، محمد بن محمد بن يحيى بن عامر الفقيه ابو الحسين الاسفرائيني ،
 محمد بن محمد بن داود السجري العدل ابوبكر ، محمد بن محمد بن عبدالله ابو الحسين
 بن ابي عبدالله المزي النهروني ، محمد بن محمد بن اسحق الثقفي ابو عمر وابي العباس
 السراج النيشابوري ، محمد بن محمد بن ابو زرعة الكشي ، محمد بن محمد بن الحسن بن

علی بن الحسین بن السری بن یزدجرد بن سبویه بن شاپور الذی بنا بنسب بور الفقیه
 الحاکم ابو الحسین الصفار النیسابوری، محمد بن محمد بن شاذه الزاهد ابو الخیر
 الکرایمی النیسابوری، محمد بن محمد بن احمد ابو عمر والغامی النیسابوری، محمد بن
 محمد بن علی بن الحسن بن قتیبه، محمد بن محمد بن احمد الفقیه ابو سعید الموطوعی النیسابوری
 محمد بن محمد بن سمعان الحیری ابو منصور المذکر النیسابوری، محمد بن محمد بن
 احمد بن عثمان البغدادی ابو بکر الطرازی، محمد بن محمد بن سعید المعدل ابو طاهر
 بن الکسکری النیسابوری، محمد بن محمد بن سعد الانماطی النیسابوری و يعرف بابی
 الحسین المدنی، محمد بن محمد بن اسحق السعیدی ابو احمد الهروی، محمد بن محمد بن
 رجا الامین ابو نصر الزمام علی الضی النیسابوری، محمد بن محمد بن احمد المعدل
 السراج ابو بکر النیسابوری، محمد بن محمد بن عبد الله بن محمد بن صبیح العمری
 النیسابوری، محمد بن محمد بن الحسین الکرایمی ابو عبد الله الخالدي، محمد بن
 محمد بن عبد الله الموطوعی ابو منصور النیسابوری، محمد بن محمد بن احمد بن انس
 ابو نصر بن ابی الفضل الصرام النیسابوری، محمد بن محمد بن احمد بن عبد الله السلمی
 النیسابوری، محمد بن محمد بن احمد بن احمد بن اسحق الکرایمی النیسابوری، محمد بن
 محمد بن اسمعیل الزاهد ابو نصر الکرایمی النیسابوری، محمد بن محمد بن سهل بن
 ابرهیم النیسابوری ابو نصر امام اهل الراى بخراسان، محمد بن محمد بن احمد الفروزی
 ابو الفضل الروحی، محمد بن محمد بن الفضل الخفاف ابو عمر والقهندری النیسابوری
 محمد بن محمد بن ابراهیم بن سیمجور، محمد بن محمد بن عزیز بن محمد ابو الحسن
 درست محمد بن محمد بن عبد الله بن ادیس ابو عبد الله الاسترآبادی، محمد بن محمد بن
 ابو عمرو الرازی، محمد بن عبد الرحمن النیسابوری ابو بکر، محمد بن المومل بن
 الحسین الماسرخصی النیسابوری و كان احده وجوه خراسان رضی الله عنه

وما حالنا الاثلث شباب ثم شيب ثم موت ومن انساه في وقت دخوله على بعض الوزراء
 ألم تى انى ازور الوزير وامدحه ثم استغفر واثنى عليه ونثنى على وكل لصاحبه فسخر،
 محمد بن موسى بن عمران الفقيه ابو الحسن الصيدلانى ، محمد بن محمد بن موسى
 الحسين بن الثعلبى ابو الحسن الكوفى ، محمد بن موسى بن عمران ابو جعفر المودن
 الطوسى ، محمد بن موسى بن القاسم ابو سعيد الدباس النيسابورى ، محمد بن نصر بن
 البغدادى ابو عبدالله البزاز ، محمد بن نصر الطبرى ابو عبدالله الفقيه ، محمد بن الوليد
 ابو العباس الزوزنى ، محمد بن هشام ابو عبدالله المروزى ، محمد بن يعقوب بن يوسف
 الاموى مولا هم ابو العباس الاصم النيسابورى رضى الله عنه وارضاه مدفون فى مقبره
 شاهنبر ، محمد بن يعقوب بن يوسف القشيبانى ابو عبدالله الاحرم الحافظ وكان يعرف بن
 الكرمان ولكن هو نيسابورى وله تصانيف كثيرة وهو صدر اهل الحديث فى زمانه
 رضى الله عنه وارضاه ، محمد بن يعقوب النحوى الاصهبانى ، محمد بن يعقوب بن اسحق
 ابو مصعب الاسفرائينى ، محمد بن يوسف بن حمدان ابو جعفر التاجر النيسابورى ، محمد بن
 يوسف ربحان التجارى الامير ابو الفضل ، محمد بن يوسف بن ابراهيم المودن ابو عبدالله
 الدقاق النيسابورى ، محمد بن يوسف بن يعقوب ابو سعيد السوسى ، محمد بن يحيى
 ابن محمد بن عبدالله العنبرى ابو العباس بن ابي زكريا النيسابورى ، محمد بن يزيد بن
 محمد العدل اخو عبدالله الزاهد النيسابورى ، منصور بن احمد بن هارون الفقيه المزكى
 ابو صادق نيشابورى ، منصور بن محمد بن احمد بن حرب القاضى ابو نصر البخارى ، منصور
 بن عبدالله خالدهلى ابو على ، منصور بن عبد الرحمن بن الحسين ابو احمد النيسابورى مكى
 بن احمد بن سعد بن البردعى ابو بكر ، مسيب بن محمد بن مسيب ابو عمر و ابي عبدالله الارغيانى
 موسى بن محمد بن موسى ابو المعشر المالينى ، سعيد بن جمعة بن خاقان الاديب المطوعى
 الطبرى ، موفق بن محمد بن الجراح الاديب ابو سعيد الهردي ، محمود بن الحسين بن

محمود ابو حامد القطان النيسابوري ، محمود بن محمد بن محمود ابو محمد
المطوعي من اهل فواده عبدالله حمزة بن حبه ابو منصور الدهقان القندشني النيسابوري
منصور بن عبدالله بن حمزه ابو نصر بن ابو نصر النيسابوري ، معاذ بن محمد الحسين المعدل
ابو الحسن الانماطي المعروف بالمعادي النيسابوري منه المثنان بن محمد بن سلمويه
ابو رشيد العدل النيسابوري ، مطهر بن محمد بن حاتم بن عبدالله ابو علي النيسابوري ،
مسلم بن عبدالعزيز اليماني ابو عبدالله الخصيب نوح بن قلع بن احمد بن ابو حاتم
النيسابوري ، نصر بن محمد بن احمد بن يعقوب ابو الفضل الطوسي ، نصر بن حاتم بن
بكر بن ابو الليث الشاشي ، النصر بن محمد بن احمد بن محمد ابو القاسم المحمي
النيسابوري ، نصر بن محمد بن عبد الملك الصوفي الاندلسي ، النعمان بن محمد بن
محمود بن احمد بن الحسن الطوسي ابو الحسن الروغندي ، النعمان الجرجاني ابو نصر ،
ناصر بن محمد بن ابي المعالي المروزي ، نعيم بن الحسين الجرجاني ابو الحسين التاجر
ناصر بن عبد الرحمن بن ناصر ابو نعيم الجرجاني ، وليد بن احمد بن محمد الوليد
ابو العباس الزوزني ، وليد بن بكر بن مخلد بن ابي زياد العمري ابو العباس الفقيه المالكي
الاندلسي ، هارون بن احمد بن هارون ابو سهل الاسترابادي ، هارون بن محمد هارون
الصوفي ابو سهل الحامي النيسابوري ، هارون بن محمد الازواري الجويني ابو موسى
هبة الله بن الحسن الاديب النحوي العلامة ابو بكر الفارسي ، هشام بن محمد بن بكر
ابو نصر السرخسي ، لاحق بن الحسن بن عمران ابو عمرو البغدادي ، يحيى بن
منصور بن يحيى عبد الملك ابو محمد الحاكم العالم الدين النيسابوري الجرودي ،
يحيى بن محمد بن عبدالله بن العتير بن عطا مولا ابي خرقا السلمي ابو زكريا العنبري
النيسابوري ، يحيى بن محمد بن احمد بن محمد الحسيني العلوي ابو محمد ابي الحسين
بن ابي زياره النيسابوري رضي الله عنه ، يحيى بن محمد بن سهل الاسفرايني ابو زكريا ،

يحيى بن محمد بن احمد المقرئ ابو بشر القطان النيسابوري قريب محمد بن اسحق،
يحيى بن عمرو بن صالح بن محمد بن يحيى ابو زكريا البشتي، يحيى بن احمد بن ابو
عمرو المخلدي النيسابوري، يحيى بن اسمعيل بن يحيى المزكي ابو زكريا الحرابي
النيسابوري، يحيى بن يحيى بن عبدالله ابو زكريا المحسودي اثبخاري، يحيى بن
محمد بن احمد بن المذكر الطوسي ابو زكريا، يحيى بن محمد يحيى المعدل ابو القاسم
الصدلاني النيسابوري، يحيى بن زكريا بن الشاه السرخسي ابو منصور، يحيى بن
احمد بن ابو زكريا بن ابي طاهر السكرى، النيسابوري، يحيى بن عبد الرحيم بن يحيى
ابو زكريا الحيري النيسابوري، يحيى بن عثمان الواعظ السجستاني ابو زكريا، يوسف بن
يعقوب بن اسحق، يوسف بن احمد بن سليمان الديلمي، يوسف بن يعقوب بن ابراهيم
البنغوي ابو يعقوب، يوسف بن اسحق، الفقيه ابو الحسين الجرجاني، يوسف بن اسمعيل بن
يوسف ابو يعقوب الساوي، يوسف بن محمد بن محمد بن يوسف ابو الجراح الطوسي
يعقوب بن احمد بن محمد بن يعقوب الخسر وجردي ابو يوسف السبيعي، يعقوب بن محمد
بن اسحق بن يزيد ابو يوسف المذكر النيسابوري، ياسين بن محمد بن محمد بن
ياسين ابو يوسف النيسابوري

قال الحاكم الامام ابو عبد الله الجافظ النيسابوري وقع الفراغ

بمؤنة الله وحسن تقديره شهر رمضان سنة ثمان وثلاثمائة

فذكرت بعد الاربعين سنة منها شيوخى واخوانى الذين استعدت عنهم حديثاً
او حكاية او اشاداً وخرت من العلوم الى هذا الشهر فعلقت وفاة من توفي من هذا الوقت،
عبيد الله بن محمد بن عبدالله ابو الفضل الفامي النيسابوري ابو علي بن ابي الصامت بن ابي
محمد النيسابوري، محمد بن احمد بن محمد السرخستاني النيسابوري، العباس بن

ابي القاسم الرمكى الوزير النيسابورى ، عبد الواحد بن محمد ابو الوفاء البزاز النيسابورى
 محمد بن محمد بن على بن سهل بن مصلح القتيه ابوبكر الماسر خسي النيسابورى ، ابوبكر
 بن محمد بن محمد بن على بن بكر النيسابورى ، عبد العزيز بن عبدالله محمد بن عبد العزيز
 ابو عمرو النيسابورى المعروف بابي عبدالله الهرري ، يحيى بن يحيى بن احمد بن ابوزكريا عمرو
 الخلدى النيسابورى ، محمد بن الحسين بن الحسن الاصبهاني المقرئ ، مهدي بن محمد بن
 محمد ابوسلمة الصيدلاني النيسابورى محمد بن عبدالله ابو العباس الزاهد السخيتاني
 النيسابورى عبدالرحمن بن محمد بن احمد ابو القاسم بن ابي بكر السكي التاجر النيسابورى
 عبدالله بن احمد بن محمد الماسر خسي النيسابورى ابو محمد ، محمد بن احمد بن عبدالله بن
 سليمان السليطي ابو عمرو النيسابورى ، ختن ابي بكر بن اسحق محمد بن عبد الاعلى بن
 محمد بن ابوبكر الشاهد النيسابورى ، محمد بن احمد بن حبيب ابوسهل المقرئ النيسابورى
 ابراهيم بن محمد الاصبهاني ابواسحق ، محمد بن محمد بن الفضل ابو حاتم القهندري ،
 فاطمة ام علي بنت ابي جعفر النيسابورى ، محمد بن محمد بن عبدالله بن محمد ابوسهل بن
 اخو الحاكم المصنف النيسابورى ، محمد بن عبدالرحمن بن ابراهيم ابو الحسين النيسابورى
 ابو علي ، الحسين بن شيخ الرئيس ابي الحسين النيسابورى ، علي بن عبدالله محمد بن
 جعفر ابو الحسن اليسكي احمد بن عبد الحميد بن عبدالرحمن النيسابورى ، محمد بن
 احمد ابوبكر الفرائضي البطحى النيسابورى ، عبدالله بن محمد عبدالله بن الزومى ابو
 محمد الحيرى النيسابورى ابو عبدالله ، سعيد بن محمد بن سعيد ابو عثمان السكري
 النيسابورى ابو القاسم علي بن محمد بن علي الجرجاني ، عبدالرحمن بن محمد بن محمد
 بن حمد ابوسعيد النيسابورى ، الحسن بن داود رضوان ابو علي القتيه السمرقندي ، عبدالله
 بن احمد المذكر ابو الحسين الحنبلي وهو ابن بنت علي الجنابدي ، محمد بن علي بن الفضل
 بن محمد الخزاعي ابو نصر النيسابورى ، محمد بن علي بن الحسين الخلقاني المعروف بابي

نصير القصار ، محمد بن القاسم ابو منصور المنادي النيسابوري ، محمد بن احمد بن محمد
 ابوبكر المقرئ النيسابوري ، عبد الرحمن بن محمد بن محمد بن احمد ابو القاسم المزكي
 النيسابوري الحسين بن محمد بن ابراهيم ابو علي النسوي ، ابو سهل بن ابي بشر بن محمد
 هارون النيسابوري ابو سهل بن ابي القاسم النيسابوري ابوبكر ، محمد بن محمد بن
 جمش النيسابوري ، محمد بن ابي اسحق الكيال المطوعي الجرجاني ، محمد بن محمد بن
 احمد المعدل ابو عبد الله شيخ اهل الرأي النيسابوري ، يحيى بن يحيى بن عبد الرحمن ابو احمد
 النيسابوري ، عبد الله بن محمد بن احمد الصوفي الزاهد ابو العباس السخستاني النيسابوري ،
 يحيى بن عبد الرحمن ابو زكريا العاصمي النيسابوري طغرل الترك مولى الشيخ العميد
 محمد ابو عمرو السليطي النيسابوري ، السيد ابو الفضل احمد بن محمد الحسيني العلوي
 النيسابوري ، محمد بن عبد الاعلى بن محمد ابوبكر الفقيه النيسابوري ابو اسحق
 محمود التاجر الاصمهاني ابو سهل بن حبيب المقرئ ابو عمرو بن علي الانماطي ،
 عبد الرحمن بن عبد الله بن حمدون ابو سعيد ابو نصر العتلي العارضي ، محمد بن احمد
 بن سهل ابو سهل الدستي علي بن محمد المذكر ابو الحسين المبراني ، عبد الله بن محمد
 بن علي ابو محمد النيسابوري ، عبد الله بن محمد بن عبد الله ابو القاسم المطوعي النيسابوري
 المعروف بالحرصي ، محمد بن عبد الله بن محمد ابو نصر الصوفي الانماطي النيسابوري ،
 علي بن محمد بن احمد ابو الحسن السليطي النيسابوري ، علي بن محمد بن احمد بن
 الحسن ابو الحسن المعادي النيسابوري ، ابراهيم بن احمد بن حمزه ابو اسحق الوزير
 الحسين بن علي بن الحسين الجوري النيسابوري ، محمد بن الفضل بن محمد بن يعقوب
 النيسابوري ؛ شعبة بن محمد بن احمد بن ابو محمد الشعبي النيسابوري ، عاصم بن يحيى
 النيسابوري ، ابراهيم بن محمد بن ايوب الفقيه ابو اسحق الطراحي النيسابوري ، محمد بن
 احمد بن حاتم ابو خاتم الطوسي ابو عمرو الحموسي احمد بن ابي الفراقى الاستوائي ، احمد

بن منصور بن عبد الله أخو المعتز النيسابوري، عبد الرحمن بن محمد أبو سعيد الشريفي
 الصوفي النيسابوري، محمد بن عبد الله بن أحمد بن محمد أبو الفضل بن الرئيس النيسابوري،
 محمد بن أحمد أبو بكر أحمد موسى الفقيه النيسابوري، محمد بن أحمد بن حمويه أبو الحسن
 الرئيس بانيورد، الحسن بن محمد بن شاذان الشاهد أبو محمد النيسابوري، محمد بن
 أحمد بن معاد أبو بكر القامي النيسابوري، عبد الرحمن بن عبد الله بن الشيخ أبي بكر
 علي بن محمد الفارزي أبو الحسن القطان الجرجاني، عبد الحميد بن محمد المذكر الخاتقاهي
 أبو القاسم أبو سهل البقال الواعظ، اسمعيل بن الشيخ أبي علي العبدوي النيسابوري،
 علي بن محمد بن عبد الله بن محمد بن عبد الله أبو الحسن الحداد النيسابوري، علي بن محمد
 أبو الحسين بن غلكان الخياط النيسابوري، عبد الله بن محمد بن علي الصفار أبو محمد الشاهد
 محمد بن أحمد المولى أبو نصر النيسابوري، محمد بن علي بن الفضل الخزاعي أبو بكر
 النيسابوري، محمد بن علي الطبري أبو جعفر البيلادري الشريف، أبو جعفر بن أبي محمد
 العلوي العباس بن محمد بن علي بن معدويه أبو جعفر بن أبي الحسن صهر الحاكم المصنف
 النيسابوري أبو سهل بن أبي بشر، محمد بن هارون التاجر عبد الرحمن عبد الله بن علي بن
 محمد بن مستوية النيسابوري، محمد بن علي المذكر أبو جعفر الجوردي أبو سهل بن
 مهران العدل النيسابوري أبو سعد الفلاح الفقيه وتوفي سنة أربع مائة، محمد بن يعقوب
 الفقيه الزاهد أبو بكر بن مخلد بن بنت أبي بكر بن أبي عثمان الزاهد النيسابوري، أحمد
 بن محمد أبو نصر البالوي النيسابوري، يحيى بن يحيى بن محمد بن عبد الله العميري
 النيسابوري أبو أحمد، عبد الله بن محمد بن الحسن المهرستاني بن عمرو بن محمد بن أبو
 منصور فاطمة بنت بكر بن محمد بن إسحق بن خزيمة سمعت أباها وحديثه وتوفيت
 رحمها الله في رجب سنة اثنين أربع مائة والله تعالى أعلم.

قال الحاكم الامام ابو عبدالله النيسابوري سألني جماعة من اخواني ان اذكر بعض ما انتهى
الي من بناء المسجد القديمه بنسابور والقهندز والمدينة الداخلة وذكر الوديه والمحال
والرساتيق والارباع فلم اجد السيل الي الاستقضاء فيه بالاسانيد فقد اجبتهم ان اذكر
بعض ما يمكن ذكره بالاسانيد وهذا كلامه الامام الفقير محمد بن الحسين الخليفة
النيسابوري فترك الاسانيد اعتماداً على صحة قوله رضي الله عنه و اجتناباً من الاطالة

ذكر بناء قهندز وشهر قديم ومفاخر واوضاع ومجالات وبارو واديها ومجولات
نيسابور و آنچه تعلق بامثال ايراهه دارد

امام حاکم فرمود اول کسیکه قهندز بنیاد انوش بن شیت بن آدم بود
علیه السلام اساس آن بر سنگی بزرگ سقید مدور امس نهاد و از اینجهت در افواه
خلق بود که آنرا قلعه حجریه یعنی سنگی گفتندی بعد از آن بمدتی مندرس شد و چند
گاه مانند فروالایکه دوم بار بنا نهاد بعد از آن بطوفان خراب شد و تازمان ایرج بن
افریدون مهمل ماند از آن جهت که افراسیاب ساحر بالشکر عظیم بر ملک ایران غلبه
کرد و شهرها خراب میکرد و اسیر و غارت میکرد و در ساحره حاضر بود دفع او متعذر
بود در اثناء اینکه در ملک ایران میگشت بصحراء قهندز رسید نزول کرد شهری نبود
بجوانب نظر کرد میدانی وسیع دید از اینطرف کوهی قوی خوش منظر از آنطرف
کوهی مقابل از جوانب جبال و تلال بوصف ایصال و ادبیا روان چشمه جاری اشجار
مشمرة ثمار لذیذه میدانی مستدیر جبال محیط در شکفت افتاد قلعه اعلا قهندز بنس
کرد و دیوارها احکام کرد و بنی اساس مرتب گردانید و بعضی کسان ساکن کرد و در
زمان ایرج افریدون غارت آن بیشتر و تمامتر شد

ذکر خندق قهندز

امام حاکم فرمود که چون نوبه حکومت بمنوچهر رسید بقهندز آمد و در حوالی آن خندق خنر کرد و در جوانب مردم را ساکن کرد و بعضی را درون قلعه اسکان نمود و اهل مملکتی را بمعاذ و رفع دیوار و توطان در جانب آن تکلیف کرد و آتشکده در آنجا ساخت و قومی را بر آن خانه موکل کرد و حکم کرد که بیچهل روز اهل مملکتی از عماراتی که گفته بود فارغ شوند پس در جوانب قهندز اماکن و مساکن پیداشد و در آن قلعه مسکون گشت و اجتماع مردم دست داد.

ذکر بناء شهر قندیم

امام حاکم فرمود که چون هرمز پادشاه شد و ملک او را مسخر گشت منجمان و فال گویان او را خبر کردند که فرزندی او را متوقع است که همه روی زمین را مسخر کند و فرزند در راه بود و هرمز بود مادرش را از حال بسرش خبر کردند و مخافه آن بسر قوی جدی مینمود و وزراء پدرش طریق وفاداری رعایت نمودند تاج پدرش می فرستادند و مادرش تکیه میکرد آن تاج بر سینه مادر می نهادند یعنی تاج پدر بر سر پدر است و آنج مصاحبت میدیدند در مملکت جهت آن بسر حکم میکردند و احکام می نوشتند و بسلاطین زمان از زبان آن پسر منشور میفرستادند و او را شاپور نام نهادند بودند یعنی شاه پسر یعنی پسر یعنی پسر پادشاه بقصد آنک چون پیدا شود هر نام که جهت خود اختیار کند نام او آن باشد چون بالغ شد نام خود همین اختیار کرد و شاپور شهر یافت یعنی شاهزاده و بحسب دنیا عالی همت بود و رأی صائب داشت ملک شرق و غرب او را مسخر شد این شاپور شهر قدیم نیشابور در حوالی قهندز بنیاد نهاد و معماران و عمله تعیین کرد و گفت که بر جوانب شهر خندق خنر کنید و باصل

مملکت بدرش که دیار بغداد و مداین است و آن جوانب بودرفت و ایوان مدائن
 بساخت و در دیار شام شهر انبار بنا کرد و شهر کرخ و سجستان در اطراف بصره ساخت
 و شهری ساخت فیروز شاپور نام نهاد و بعد ما بنیساپور عود کرد و بر حوالی شهر خراج
 خندق عمارات آغاز کرد انبار ده نام نهاد معماران و عمله مرتب کرد و تکلیفات
 شاقه فرمود رعایا عاجز آمدند معماران را امر کرد که هر روز بیش از آفتاب بسر
 کارها روند و هر که از رعایا بیش از آفتاب حاضر نشود زنده در میان خشت و گل
 دیوار گیرند و جثان کردند و خاق بر آن رنج قرار گرفتند و بعد از سنین کثیره که بچندان
 و بنیان انبار ده متهدم میشد استخوان جسد بنی آدم از سر تا قدم از میان گل بر خاک
 میافتاد و آن انبار ده از سده بنا بود تا قریب زمان سلطان محمود غزنوی لیث که
 والی نساپور بود خراب بود و از خاک آن بازاری مقابل جامع شهر بنا نهاد چه شهر
 قوی و وسیع بود و اسباب عمارت بغایت متعذر

ذکر حفر خندق در جوانب شهر قدیم

امام چاکم فرمود که چون شاپور بمملکت در رفته بود لشکر ترک بار دیگر
 بر ملک ایران غلبه کردند چون شاپور باز آمد خلق از آن فتنه فریاد بر می آوردند تا
 بشکر چیرار پس آن اترک رفت و بمحاربه و مقاتله ایشانرا از ملک ایران اخراج
 کرد و باز بنیساپور آمد بوقت طیب هوا و زینة فضا و کثرة غذا و سعة معاش و رتبه
 ارتباش و سکون غبار و ثمار بسیار و غذویه میاه و اسطوخودوس جایگاه فارغ البال منتظم
 الحال مملکت مسخر و مهمات میسر دشمن مقهور و لشکر منصور اینجا مقام نمود
 و بناء شهر متصل بقیه نذر و اقامه شهرستان و اخراج ابراج و تشییه اساس فرمود و محلات
 و عمارات بهم واصل کرد و خندق شهر و قهندز بهم متصل کرد و بر جارجانب شهر چار

دروازه مرتب داشت شرقی و غربی و جنوبی و شمالی و مهندسان را فرمودد طریق بنای
بایشان نمود تا چنان بنانهند که چون آفتاب طلوع کردی شعاع آن از هر چهار دروازه
در درون شهر سطوع کردی و آن از عجایب بناها بود و بوقت غروب از هر چهار دروازه
آفتاب در نظر بودی که پوشیده شدی همچنین ساختند و بسی زحمان بنیان بر آن سالن
بود و بنام خود شهر را نام نهاد.

امام حاکم فرمود و آن بناست که تا غایب اثر آن نیندا و علامه آن هویداست
و در وقت حفر خندق بوی خبر آوردند که گنجی پیدا شد اندک اهتمامی نمود و ضبط
آن یکی از نواب فرمود گفتند هشتاد و نه هزار بود از آن اهتمام بشیمان و از آن التفات
بریشان شد چه آن مقدار را کم داشت و اندک پنداشت و ترسید که بر قصور همه او را
فرط خست حمل کنند اشارتی کرد که همه را نفعه کنید و دیگر ذکر آن نکرد.

ذکر ارتفاع زمین نیشابور نسبت بابلاد دیگر

امام حاکم فرمود که در کتب متقدمان حکما ثابت است که زمین نیشابور ارفع
مقام سکون است و یک دلیل آنست که در دوازده قديمه نام این شهر را بر شهر نوشتندی یعنی
شهریکه بابر نژاد یکست از کمال ارتفاع خصوصیه دارد بابر او را بابر اضافت کنند
و دیگر دلیل آنکه معتدل الهواست نه حار و نه سرد و نه باران و نه طوفان و نه ستم و نه غم و نه
بخلاف باقی ممالک

ذکر قری و قنوات که بر حوالی شهر وقفهند ز بود باز دیاد عمارات در شهر و سور
داخل شد و باغات و بساتین محلات شهر گشت

امام حاکم فرمود که شصت دیه با اسواق و بساتین و مقابر داخل محلات شهر است
و در اطراف شهر اکنون متفرق مشهور بکوچها و محله‌ها شهر معدود از بنیان بلده اما :
آن مصر و مملکت که تو دیدی خراب شد

و آن نیل مکرمت که شنیدی سراب شد
و نا میا دیه‌ها که یکان یکان بوده همکنان بعماره همه را جمله ساختند این
است .

الزریق بویاباد ، خانه خشک ، شحنه علیا ، شحنه سفلی ، ماهکاباد ، سورین
کوی ، دزدان ، زمجارسفلی ، زمجا علیا ، باغ کبار ، وینکاباد ، عارکاباد ، دودیه یهود
باغک و شهر ستانه ، شاپور و این را نصر آباد گفتندی ، لعانچی سفلی ، بشماناباد ، داربجرد
حیره طبرانه و این را کوی دزکان گفتندی ، وافکر سلیط ، وافکر معاد ، مناسک سفلی
مناسک علیا ، خرقن علیاباد ، حافظ محفوظ ، باغ بهله ، برزگراباد ، محمد آباد ، خول ،
خندرون ، کنار سفلی ، راقه ، سیمجرد علیا ، سیمجرد سفلی ، حفصاباد ، تلاجرد علیا ،
تلاجرد سفلی ، حنجرود علیا ، حنجرود سفلی ، سهیل تاشیش ، قناد ، خشانه قنای حمزه علیا ،
خرکاباد ، عمرویاباد ، قنای علیا از جودی ، باب طاق ، و مسجدریه بود ، جوری علیا ،
جوری سفلی ، حوسق ، سیسنویه ، حایط ، سلمه ، سوانقادر علیا ، سوانقادر سفلی ،
ورودهای و فراتاباد ، و دستجرد ، سهرامقان ، قنای جهیم از دستجرد مانعین ، کرم بکر ،
فازرشک و رقاب فارس ، این مجموع قنوات و قری بود بر جوانب شهر بکثرت عمارات همه محلات

و کوچها شهر شد و باغات و بساتین و مقابر آن در محلات داخل گشت و بقضاء ازلیه
در سنه خمس و خمسين و خمسمائه دور و قصور خارجها و داخلها
توقیع اذالزلت الارضش کرد در يك دوسه دم عالیها سافلهها

ذکر محلات شهر و اوضاع و اوصاف آن

و تمامی محلات جل و هفت بود و يك محله متوسطه را که نه بزرگ و نه
خرد محله جولاهکان گفتندی سیصد کوچه زیادت داشت: محله حیره، محله جاهه،
فایده بود: اشرف محلات مقام اولیا و بازار حیره اعظم، اعظم اسواق شهر بود و اول بازار
از سر حیره بود و مقطع او قریب روضه سلطان حسین و يك فرسخ هست تقریباً
و تمام پوشیده بود

محله بویاباد در عمارة و رتبه و جلاله اهل محله اوضاع را بآن مثل زدندی
ابو مسلم مروزی رحمه الله بیش از ظهور سلطنت در آن محله فرود آمد دو کاروان
سرائی بر زبان او گذشت که زود باشد که همه خراسان مسخر من باشد بعضی
جوانان سفها دنب دراز گوش او بریدند چون زید برسید که نام این محله چیست
گفتند بویاباد گفت زود باشد که این محله را کند آباد گردانم و برفت دیگر
بار که آمد والی بود آنرا خراب کرد و همچنان خراب ماند دیگر معمر نشد

محله مولقا باد پیوسته اعلاء حیره است

محله میدان زیاد بغایه بزرگ بود.

محله نصر آباد اعلاء شهر بود بزرگ و عریض محله علما و تجار بود

امام حاکم فرمود جل بازار گان بود در آن محله بوقت عبدالله طاهر پسر عیدی
یکی از ایشان اهل شهر را دعوتی کردی که همه خلائق شهر را فرا رسیدی عبدالله

طاهر پرسید که از آن جماعت کدام طعام دهنده ترست و طریق تر گفتند
 حسین بن محمد نصر آبادی او را حاضر کرد و از رسوم دعوت و عاده ایشان
 پرسید قضا بگفت در ترتیب دعوة که عبدالله از آن تعجب کرد و جاه و مال و حشمة
 و دعوه و سخاوه نفس او بیش از اندک نمود گفت خراب مباد شهری که دروچنین
 ارباب مروءه باشد.

محلّه دیگر بود بزرگ درو مسجدی بود متبرک و حوضی که بآب آن تبرک
 جستندی حوض کسلان گفتندی و قصه این محلّه و حوض مستوقاً ذکر خواهد شد
 بطریق اوضح.

محلّه الزریق، محلّه مناسک علیا و سفلی گوید اعلى حده شهری بود

محلّه دینز بوقت فتح شهر صحابه آنجا مسجدی ساختند مبارک طایفه دینز
 و اهل آن نبود مسجد و اهل آن منطفی گشت.

محلّه نمد آباد بزرگ بود

محلّه باب ابی الاسود محلّه قباب محلّه خواست متصل شادیاخ است

محلّه شادیاخ مکان عبدالله طاهر بود و یعقوب لیث خراب کرد و بساتین ساخت و بعد
 از آن شهر شد

محلّه جلا باد بزرگ بود متصل بشادیاخ

محلّه تلاجرد محلّه قوی بزرگ بود یکطرف بجلاباد دیگر طرف متصل
 بجنجرو و محلّه حفصا باد

محلّه خمز کا باد محلّه بزرگ بود

محلّه محمد آباد درو ریاض و حیاض است

محلّه قزمحلّه بزرگ معمور بود بعلم وهدی وعمارّه وارفیع محلّها بود و آب

وهوای او خوشتر بود ووصف او بیاید

محلّه درباغ وآن باغ ابومسلم بود صاحب دوله

محلّه باب عقیل محلّه باب عسگر همه بازار، اش بزان و طعام فروشان بودی و بازار

علافان

محلّه باب عردمحلّه حرب، محلّه باب معاذ، محلّه بیدستان درخت بید بسیار بود درو،

محلّه مرتعه محلّه سربل، محلّه دزدان موضع کنار نك بود و او در جاهلیه ملك

خراسان بود

اما بعبدالله بن عامر او کاف و کس فرستاد تا آمدند و خراسان فتح داد

محلّه باب معمر، محلّه در باغ ملاجرّد، محلّه میدان حسین و او صاف بسیار

دارد محلّه سمیجرّد، محلّه الرقیما، محلّه جولاهگان محلّه جودی علیا عید گاه آنجا بود

و در و بساتین و انبار بسیار بود

محلّه جوری سفلی محلّه سرکوی محلّه سنجید ستانه،

محلّه باغ رازیان اهل علم و تجاره آنجا بسیار بودی

محلّه باغک متصل بود بمحلّه قز عبدالله عامر که فتح کرد آنجا نزول کرد مسجد او

آنجا است

محلّه زمجار محلّه خر کلّاباد متصل بز مجار بود و علماء صحابه و تابعین آنجا بودندی

محلّه سرقاقه طرف مغرب بود محلّه کرمانیان در زمان امام حاکم این محلات

معمور بوده و اوصاف بسیار هر يك را فی الجمله نوشته بود چون حالانیست نبشته نشد

یا قومی را ابومسلم از شهر بیرون کرد محلّه داشتند آن نوشته نشد.

ذکر فتح نیشابور بر دست صحابه و تابعین رضوان الله علیهم

و مقصود از کتابه این است و بیان مفاخر نیشابور در این است و بالله التوفیق.
 اسماء حاکم رحمه الله و رضوانه علیه فرمود که بنقل صحیح از ثقات اثبات ثابت شد که
 بوقت حکومت عبدالله بن عامر بن کریر بن حبیب بن ربیع بن عبدالشمس در بصره
 و حکومت سعید بن عاص در کوفه در خلافت امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه کنارت
 که والی خراسان بود و او مجوسی بود نامه فرستاد بایشان و ایشانرا بخراسان خواند
 و بفتح وعده داد و گفت که یزدجرد بی مروت در مرو کشته گشته و مقصود نامه این بود
 که اشاره بساره ظیور نور اسلام و سطوع طلوع شمس هدایه و احکام سید انام و
 شفیع روز قیام ماحی ظلام و هادی کرام خواجه کاینات علیه الصلوة والسلام باستماع جموع
 این اماکن و مقام رسیده بیماران ضالاله فرو ماندگان تیه جهاله محتاجان شفاء
 هدایه تشنگان شربت عنایه دلزندان عهدازل کمر بستگان عبودیه ابد چشم بر راد و
 گوش بر آواز منتظرند.

گریاک نظر بسوی من خسته میکنی هم چون مسیح مرده بدم زنده میکنی
 ایشان این خبر بامیر المؤمنین فرستادند رضی الله عنه بایشان نامه فرستاد و وعده
 خلعة جنة داد که هر کدام سبقه گیرند و در نشر نور اسلام جدد نمایند و بوالد و حافد و
 ولد و جد باز نمایند حکومت درین جهان و درجه جنان در آن جهان او را باشد
 فرمان مدینه را از جابر جستم احکام حمی گفت کمر می بستم

عبدالله بن عامر سرعه نمود و سعی فرمود و عن قریب بازادوار جوین نزول کرد
 و سعید بن عاص چون بقومس یعنی ولایت سمنان رسید و هر يك از راهی دنیوی بطلب
 جاهی اخروی می شتافتند خبر سبقه عبدالله عامر شنود مراجعه فرمود و اهل ازاد وار

کرمان، و باجیشی همه موافق، و در استان بناحیه قهستان، نزول کرد و قلاع آنرا
 بعده بسیار، و مدت اندک، فتح فرمود و بدست خدا، بپرا، مکتوبات فرستاد، و ایشانرا
 باتباع طریق رشاد، و شداد، و سرعت خروج بسوی او و اداء خراج باو دلالت کرد جواب
 فرستادند که همآل حال و مال، و انتظام احوال، و مرجع کبار، این دیار، بر شهر مشهور
 یعنی نیشابور است، چون ایشان تابع شوند همه مطیعیم، و طوس و اینورد، و نسا دران
 تاریخ توابع نیشابور بود پس عبدالله طاهر قصد ظاهر نیشابور مصمم داشت و
 اعلام مجامعه فی سیل الله برافراشت و چون بحوالی ابر شهر رسیدند و پوش زره
 پوشیدند برزان جاه طغای و یاغی که در آن زمان والی این زمین بود باقوم او آن دولة
 وصوله، بدیدند او نیز باحمران دیگر از میدان آن مردان بجایگاه و پایگاه خود باز
 دویدند، بکره و اجبار دستار چون افسار بر گردن زیر دستان کرده بر بالای دیوار حصار
 و دژ قهندز کشیدند، و یکماه تمام از صبح تا شام و از اول شام تا بانگ خروس آواز
 خروش جنگ بود، ناگاهی شبانگهی هوا متغیر و حرکه متعذر گشت و غمام بر تمام
 جوانب ابر شهر احاطه کرد، و از میغ بی دریغ برفها چون تگرگ باران شد، و غموم بر
 دلهای مؤمنان عهوم یافت، اقربا از زبان ضعفا بیش عبدالله عامر گفتند که ما غریم و از
 غریم در برف سرما، بسرما فرود آمد: الحریوزی والبردیقتل لعن الله العیجیم موتون
 من البرد و یقولون خنکل گرما گریبان چاک کند اما سرما ابدان هلاک کند

نی روی سفر کردن و نی جای اقامت

عبدالله عامر با سعاف حاجات ضعفا برداخت و ابواء کوچ برافراشت
 و آن لشکر را بملاطنه و مکالمه اجلی از قند بمرغزار غند برد چه از دید که
 آنجا هوا باعتدال و مقام بودن را محال است چون چند روزی نبج و فیروزی در آن

منزل روزی شد شبی بمقتضای قضا در آن فضا چندان برف برطرف جویباران مرغزار
متراکم شد که از نلوج بروج آن: اشد البلاء علی الانبیاء ثم علی الاولیاء و برد چنان
دست بردی نمود که از خوف شراد شرر آتش را از جوف آهن و سنگ قوه
حرکت نماند.

سرماست چنانکه بینی گوش و فسرده سرماست چنانکه دیاک در جوش فسرده

کر آتشکی مانده بدور دوزخ آن نیز پریرودینه و دوش فسرده

ضعفا دلها از غم بختند و سرما و هواء نسابور باز جستند،
معتق که یکی از مقربان عبدالله عامر بود، گفت صواب آنست که بنسابور رویم،
و هر آینه نصرت ما راست، دل اعداء ما مقهورست، بیرون در خانها با جامها زمستان
بگذرانیم، چون ربیع بدیع و روزگار بیار آید بصلح یا بجنک آن شهر بچنگ آوریم
و هر جا فرمایی برویم صواب دیدند و باز عبدالله خازم را طلیمه لشگر کردند و عبدالله
عامر در آن زمستان بنسابور باز عبور فرمود، و برزان جاه مذکور ضال مضل نسابور
را از آن معاد و مخافة تمام مراجعه کرد، وقوی ضعیف و سخت سست و حال او تنک
بدشد. و آن قلعهها و حصارها بتأید خدای در زمان قریب همه فتح شد، و کنارنک
بامستانه عبدالله عامر آمد، و خراج ابر شهر یعنی نسابور و طوس هفتصد هزار درم که
قریب بیانصد هزار مئقال نقره باشد بایستاری از انواع اشیاء ذکر قبول کرد، و چون این
فتح دست داد ملوک خراسان از هراه و بلخ و مرو و غیر آن دیدند، جاء نصر الله و الفتح و
رأیت الناس یدخلون فی دین الله افولجاً و اموال کثیره از انواع زر و نقره و ثیاب و افراش

و مواشی آوردند و باضعاف قبول کردند

آن فوج مسلمان شد تا باد جنین بادا کفرش همه ایمان شد تا باد جنین بادا

و عبدالله عامر درون شهر ببقعه مجاهد شاهنیر فرود آمد، و آنجا مسجد ساخت
و سرانی برای خود بنا نهاد، و خراسان آسان برایشان قرار گرفت.

امام حاکم فرمود در بیان کرامه و شرف عبدالله بن عامر رضی الله عنهما: روی

ان عامر بن کرزاتی با بنده عبدالله الی النبی صلوٰة الله و سلامه علیه و هو ابن خمس اوست

سنین فقبل النبی صلوٰة الله و سلامه علیه ان ابنک لم یسمّ قال فکذب قال لو ان عبدالله قدح

حجر اماه یعنی یخرج الماء من الحجر من یر کثه ترجمه و النعم عند الله آنست که عبدالله

بسر خود عامر را بحضورت خواجه مصلوٰة الله و سلامه علیه یرد و او پنج ساله بود یا

شش ساله پس بوسه دادند حضرت خواجه مصلوٰة الله و سلامه علیه در دهن او آن سعادتمند ازل

و ابد بس شروع کرد یعنی عبدالله فر و میرد آب دهان حضرت خواجه مصلوٰة الله و سلامه علیه

بس فرمود حضرت خواجه مصلوٰة الله و سلامه علیه بدرستی که بسر تو این هر

آینه آب داده شده است

بس چنان بود که اگر عبدالله سر انگشتی یا سر پانی یر سنک زدی و خواستی

انفجرت منه اثنتا عشرة عیناً روان شدی از یک سنک ده سنک آب از برکت آن تربیت.

امام حاکم فرمود رحمه الله: که چون عبدالله نسا بور فتح کرد عبدالله بن طاهر

را در نسا بور بگذاشت و خود بمصره رفت و بدر خود را بنزیافت بعد ها باز به

نسا بور باز گشت و در همان حوالی و سرای خود که بشاهنیر ساخته بود نزول فرمود

و از نسا بور بهمه بلاد و اماکن امر افرستاد و نسا بور دارا ماره و سلطانه کرد و اموال این

ممالک همه بنیسا بور آوردندی آنج بشرع آوردن جایز بود نه بجور

بعضی ارباب تاریخ گفته اند که نسا بور بچنگ مسخر شد واضح آنست و بیشتر

مشایخ بر آنند که نسا بور بصلح فتح شد

و تقاضاست که عبدالله طاهر چون والی و مطلق العنان شد بر نیشابور خواجگان شهر را جمع کرد و مال خراج برایشان الزام میکرد و قصد کرد که نواحی شهر و ولایت را مساحه کنند و زمینها بحیاط موات را ضبط کنند و بر هر جریبی مالی خراجی وضع کنند و در چهار ربع و همه ولایاتی که تعلق بنشاپور داشت چنین کنند

احمد بن حاج بکر از کبار نشاپور بود گفت تو امیر نمایی نه شریک مایی و این شهر را بصلح فتح شد نه بقتل و جنگ آنج بقتل و جنگ فتح کنند در آن خراج است و آنج بصلح فتح شد شرعاً خراج نیست آنج حاصل کنیم عشر آن بمستحقان رسانیم و مع هذا خراجی نیز بتو بدیم اما مساحتی در این ناحیه بیشتر شده است باتفاق همه رعایا و سلطان سلیمان بن مطر و در دواوین ثابت است اگر بآن رضا دادی فیهما و نعم، و اگر آن تغییر میکنی راضی نیستیم از شهر بیرون رَو و ما را یکسال مهلت ده تا غلات خود را برداریم و بحصار ببریم و آنج خواهیم ذخیره کنیم پس بیا و جنگ کن اگر بقتل و غلبه بگیری و مسخر کنی مساحت تو کن و خرج خواهی بکن پس عبدالله طاهر توقف کرد و تأمل نمود و بر مساحت سلیمان بن مطر برفت و مصالحه کرد با اهل ابر شهر یعنی نشاپور بردند ~~بار هزار هزار دوم و دویست هزار درم~~ که تسلیم نمایند مجموع هزار هزار و پانصد هزار و جل هزار مثقال نقره باشد

امام حاکم رحمه الله فرمود که باین روایات معلوم شد که نشاپور بصلح فتح شده نه بقتل و آنک نشاپور همیشه قصبه خراسان بود و دار اماره و سلطنت و مال کبار اما کن و بلاد حفظت عن الفتور الی يوم النشور

مفاخر نیشابور قدیم که بر که آن تا ابد در سکان این بلد

فایض و باقی است

از جمله آنک چون سلطان اولیا برهان اتقیا وارث علوم المرسلین مهبط اسرار

رب العالمین ولی الله صلی الله علیه و آله فلذة کبد رسول الله غوث الامم و کشف الغمة يوم الاخذ بالنواص و

اضطرار المذنبین الی الخلاص لامتحان الاعمال بموازين الاخذ بحسب النجاة والاستبانت

يوم البعث کما و عدفی المواقف الثلث عند المیزان و بطن الصحف و الصراط یبسط

بساط الشفاعة و السری بالانبساط سلطان المقربین يوم الحشر و الجزا الامام ابو الحسن

علی بن موسی الرضا صلوة الله علیه و آله و سلامه علی رسول و علی اله الائمة المعصومین و اتباعهم

اجمعین الی يوم الدين

در مدینه در شهر عثمان و اربعین و مائه نور متدیس ایشان ظهور یسافت

و در شهر اربع و تسعین و مائه ببصره بدرست حدیث و نشر علم بنصرة دین آفتاب

هدایة ایشان برامة تافت و بتدوین نسخه مبارک صحیفه تقوید علیه حنیفه فرمودند بس

بمقتضای قضای ازل و حکم مبرم قدیم لم یزل بصوب خراسان عزیمت نمودند و در سنه

مائین من الهجرة نیشابور بمقدم حضرت ایشان روضات جنت شد و چون بشارة سطوات

شعشعه اشعه آن نور بر قطر نیشابور میان سکان شهر مشهور شد قطب الانام کریف العلماء

برهان المجتهدین این محب محبوب حقیقی نه مجازی شیخ ابو یعقوب اسحق راهویه مروزی

قدس سره شیخ شهر و مقدم ارباب کشف و ولایة بود در کبر سن آن شیخ مسن زمین منن

باقدام بر اشغال اقدام نمود بتأیید توفیق عینیة تا قریه مویدیة چند هزار صدیق رفیق در

پی پیشوا رفتند

و نقلست که حضرت سلطان صلوة الله علیه و آله و علی آلهم در محقه بر

ناقه عضباء خود سوار بودند و قد و اهل انس و انیاس شیخ محمد بن اسلم طوسی را قدس سره در محفۀ دیگر اجلاس فرموده بودند فایده فبر این دو بزگوار در نیشابور بر کناره خندق شادیاخ بر طرف راه روضۀ تاجرو در بناء يك صناعۀ قوی بهم قریب است و ان اسوه احرار کمر بندگی بسته و بحکم من اغبرت قدما فی سبیل الله حرمة الله تعالی علی النار دامن تاتمه ساق بر کشید و شربت و عدۀ کمال قربت چشید و زمام خطام مر کب حضرت انام اولیا ملک علام بر دوش احترام گرفته

و تقاسمت که متوجه بآن ابرار ذره وارد رهواء دلاء از وره قهقری بشهر باز آمد استفاده احکام و استکشاف اسرار میکرد و بزبان فصیح و عبارة صریح میگفت که بروز قیام ملک علام جل جلاله وسیلۀ نجات و وصیلۀ فلاح من اینست که روزی در دنیا خادم و همراه کش مر کب حضرت سلطان خود بوده ام و چون بنشاپور ورود فرمودند در محله قز در کوجه بلاس آباد خدام مقام اختیار کردند و در افواء و استماع فقراء مشهور بود که چار سال در نیشاپور توطن فرمودند و العلم عند الله

و آن استانه منزل مبارك که مہبطه ارواح مقریین و مطاف ملائکه علیین بود م. انده بقاء آن شهر مآل اولیا و ملاذ اصفیا و محل اجابۀ دعا اشراف آن شهر بود و بخدم آن آستانه ولایت مرتب و بسانواع اعزاز و اکرام موظف میبودند و بعضی از کرامه که در آن محله واقع شد آن بود که بر سر آن کوچه حمامی خراب و قناتی بایر و محوطه بود که آنرا حمام و قنات و محوطه کهلان گفتندی اهل محله بعماره حمام اهتمام کردند تا بوقت التفات خدام باستحمام حاجت بمحلات نباشد و قصد میداشتند که چون عماره تمام شود اسان آب از چاه یاغیر آن پیدا کنند و چون حمام تمام شد بی خرج و خرج و سعی مقنی از قنات کهلان بشتاب آب روان شد و حضرت سلطان صلوٰ الله علی رسول الله و علی اله الاممه المعصومین اجمعین بآن

حمام در آمدند و بشرف انتساب بحضرت ایشان متبرک شد و آن حمام بنام مبارک ایشان شرف اضافه یافت حمام سلطان گفتندی .

وامام حاکم از زبان خود نوشته است که آن حمام هنوز هست و متبرک خاق است ، يك كرامة دیگر آن بود که روزی يك بادم یکی از خداوند دادند و فرمودند که در طرفی از محوطه کهلان غرس نماید خدام چنان کرد غرس الفردوس بیده سبز شد و در همان تابستان بادم بسیار بار آورد و برگ و شکوفه و بوست و عیوه آن درخت سبب برگ و نوا و صحت و شفاء مرضی آن زمان بودی تا چون بسی زمان بگذشت ظالمی غاشم در قهیندز حاکم شد و از قصور عقل خواست که در آن محوطه قصری سازد که محل آن درخت داخل قصر او می بود و درخت را نضاره بدبول بدل رفته بود و بعضی اجرا و معمارو نجار را گفت تا آنرا قطع کنند عماره تمام نشده آن ظالم و معمار و نجار و مزدور و هر کس بآن کار منسوب و بر آن منصوب بود هم در زمان اندک مردند بعد از چند سال حاکمی ظالمی دیگر پیدا شد بعمار همان قصر قصد کرد چون بناء دیوار می کنند اصل آن درخت در زمین نمود تمام قصه گذشته با او گفتند چون دلش سیاه و قصدش تباه بود بعین استبصار در آن نگاه نکرد و چون درخت نیست و این در زیر خاک پنهان بوده سهل بند است و آن بی اصل آن اصل را بر داشت عماره ناساخته او و همه آن اقوام در اندکی از ایام هلاک شدند .

واز فواید مقام خدام ایشان نیشابور

یکی دیگر آنست که روزی صاحب دولتی دعوتی ساخت و حضرة سلطان را صلوة الله و سلامه علی رسول الله و علی آله الائمه المعصومین التماس اجابة نمود وعده فرمودند وعادة آن عصر آن بود که شریفی که دعوت بجهت ایشان بودی

صاحب دعوت بیشتر طغیان را بنشاندی پس آنرا که اول مقصود بود آخر حاضر کردی تا آنکه نظار احضار نباشد آن عزیز باین معنی اولیا و اعظم و علما و اشراف آن شهر را جمع کرد و عاده دیگران بود که در مجامع ایشان صفها صادر بودی و بزرگان آنجا مجالس اختیار داشتندی و خدام بر کنار صفها بودندی چون حضرة سلطان صلوٰۃ الله علی رسول الله و علی اله الاثمه المعصومین و سلم رسیدند صوفیان صفوف ایشان صفها صفا بانیل سعادت و اقبال استقبال نمودند حضرة سلطان بمتکا و نمارق مصفوفه ایشان صفه التفات نفرمودند و کنار صفه بشرف ذیل خلعت ولایت حضرت ایشان شرف یافت از آن حین تا قیام قیامت درین دیار و سایر اقطار کنارها صفها صادر و منازل افاضل شد و متبعان يك بقعه سایر بقاع که آن نام داشت دولة آن مکرمه و تفرز برداشت.

و از منفاخر نیشابور

دیگر آنست که روزی حضرة سلطان صلوٰۃ الله و سلامه علی رسول الله و علی اله المعصومین در مجلسی بنماز قصد فرمودند کسی سؤال کرد که میحراب موضع قبله مستقیم هست دست آنکس را گرفتند و بانگشت مبارک اشاره فرمودند باب کعبه در مواجهه نموده شد و آن محل باغایه متعین است بر طرف قبله شارع عام از امام قهندز میگذرد و واقع است.

و از منفاخر نیشابور

دیگر آنست که حضرة سلطان صلوٰۃ الله و سلامه علی رسول الله و علی اله الاثمه المعصومین و سلم روزی فرمودند که عبارتی که فی الجملة حکایت آن اینست

واژه فاخر شهر قدیمی

این قصه کریم در السنه مذکور و در افواه مشهور است که حضرت سلطان صلوٰۃ
 الله و سلامه علی رسول الله و علی آله و سلم در نیشابور به منبر بر آمدند و نقلست که چند
 هزار دوات و قلم اعیان و امم مرتب داشته اقتباس انوار اسرار افاده ایشان میکردند
 حضرت سلطان این حدیث معنعن از ابناء اولیا اصفیا خود با حضرت خواجه کائنات صلوٰۃ
 الله و سلامه علیهم و علی الهمم الاتمه المعصومین الاجمعین الی یوم الدین روایت فرمودند :
التعظیم لامر الله والشفقه علی خلق الله

دیگر از فاخر نیشابور

آنستکه منشاء و مقر و مظهر انوار ولایت چند هزار از مقربان حضرت
 وائمه عظام ملة بود که اسامی نفیسه حضرت بعضی از ایشان رضوان الله علیهم اجمعین
 درین اجزای اوراق سابقه ذکر شده و هر یک را از کرامات و مقامات بسیار بود که این
 نسخه قابل بیان آن نبود.

واژه فاخر نیشابور

امام حاکم رحمه الله فرمود کی از دلائل ارتفاع بقاع نیشابور بر بلدان و اماکن
 قریب و دور آنستکه: شمارد و هیچ دیار در دوره سال بر قرار نماند الا نیشابور کی
 مثل امرو و سیب و بی در دوازده ماه هر گاه که خواهید فی الجملة موجود است و
 در قریب نه ماه و دوماه انگور و خربزه تر و تازه در بیوت و اسواق و دروازه بنها و
 در یوزه توان یافت و از آن شمار شریتهای نافع توان گرفت و در بلاد شرق این مذکور است
 اگر باشد زود متعص شود و نیشابور بر کمال خود باقی ماند مگر در محافظه مساهله
 نموده باشند.

امام حاکم فرمود که نسابورشت، هوای اوصافی بصحت ابدان وافی، خالی از خطایا، عاری از وبا و اکثر بلایا، مصر انصار حلیه مقدار، عروس بلدان، خزانه خراسان، داراماره بطیف، عماره معدن فتوه مخزن مرو، رموطن ادیان، مقر سلطان موضع اعلام هدی، مطلع انواربقی، رحمت دروی نازل، برکت باو واصل در نسابور زنبور کند و جهان پرانگین کند، زیره او فیر و زده، و حصول آن نجر هر روزه، حجر او جوهر کمر او تفسره و زر، نبات او بر اطراف عیون و جالسان زیبایش در و مخافه سموم نی مرض او را عموم نی سلاخین با مارده ان متفاخر و در انتزاع آن از یکدیگر متظاهر، منازل کبرا، مناهل عظماء، ماوی اشراف، مثنوی عدل و انصاف، همه چیز از موصوف، سکان از بسخا وجود موصوف اهل کمال را درو مقام همه کمالات او تمام این معانی و اوصاف قدیمه کثرتی داشت ختم شد.

ذکر وادیهای نسابور

امام حاکم فرمود که میان یکی از نسابور و دیگری از شهری دور معارضه شد غریب گفت در شهر شما مسافر را باب نیست و در صحرا راهگذری را آب نیست در بلاد دیگر مثل دجله و جیحون و در اطراف این شهر همه مأمن است. نسابوری گفت این سخن هر نادانست و مرا بر صدق خود و روشن صد برهان است از دیر باد که طرف ولایت ما کالکا باد که آن کنف ناحیه است و ادیها و جویها و چشمها که بر دیدهها عیان است زیاده از سیمد موضع آبها روان است که همه بی سعی انسان است که اگر اکثر آن جمع بودی بیشتر از جیحون و سیحون شدی و نزد همه عقلا معقول است که از متفرق بودن آن بیش محصول است و از عین اخضر و آب انبوه آن که در کوه است

جهت مجال مقال است و مابین دو طرف ولایت زیادت از چهار هزار قناره است غیر
قنواتی که دیهها بر آن مبنی است و آب کاریز شیرین تر و بلك تر از آب بلاد دیگری
است که بسیار قاذورات در آن واقع شود تا بخانهها رسد

و اول کسیکه کاریز و بهندیس آب از زیر زمین بر روی زمین اجرا کرد
پادشاه منوچهر بود و اجرا قنوات نسابور آزاو شد و نیز گویند که بعضی از اوضاع
کاریز کنند و آبها بر بلندیها بردن بدولاب و مثل آن ابی الريحان حکیم خوارزمی
اخراج و اما آن وادیه که بشهر جاری میشود و شرب باغات و یاد داخل شهر است
شغاندیر و وادی بوشتقان و حر و اسب و آنج داخل نمی شود جار است : و عطی رود
و وادی شامات وادی بشفروش وادی دیزباد

اما اربع نسابور جار است

ریوند، مازل، شامات، بشفروش و کیفیه قسمت و مساحت آنست که از جار
طرف مسجد جامع بهر طرفی رفتند و ما کباب زمین ولایت قری و قنوات را با آن ربع
نسبت دادند و بقریه که در آن جانب معمور و میسر بود اضافه کردند

اما ربع ریوند از حد مسجد جامع بود تا مزرعه احمد آباد

اول حدود بیهق طول او سیزده فرسخ از حدود ولایت طوس تا حدود
بشت پانزده فرسخ مشتمل بر زیاده از پانصد دبه که بعضی را يك قناه بود یا
دو یا سه یا چهار پنج و ریوند که ربع بآن منسوب است قریه کبیره معموره
بود بانی آن انوشروان عادل در و مسجدی جامع منبع رفیع و خانقاهای بسیار
و در اول اسلام حکام ماوراء النهر سه برادر بودند محمد و عطریف و مسیب
هر سه از ریوند هریک در آن مملکه دردم و دینار بسیار زدند و آثار آن پیدا است :

ربع شامات از مسجد جامع تا حدود بشت طول آن شانزده فرسخ و عرض آن از حدود بیهق تا رخ جارده فرسخ قری آن سیصد زیاده بوده راه فارس و کرمان از سوی قهستان بر آن است.

ربع مازل از همه ارباع، قری بیشتر دارد، متزهات و موضع تفرج و تنزه اهل بلده قرای این ربع است و اکثر قرای این متصل است.
فرهنگ و موسنقان و باغ فسرک در ربع و خریف مطاف هر خریف و ظریف است.

ربع بشفروش ناحیه بزرگتر ولایت است و دیهپایزرگ معمور بخراسان از آن معمورتر ناحیتی نیست

ذکر ولایات کمی از نواحی واقطار خراسان بنسب نیشابور

نسبه دادندی اشراف و اکابر آنرا نیشابوری خواندندی

و آن دوازده ولایت است طول و عرض یعنی آن از سی فرسخ و بیست و پنج کمتر نباشد بهر یکی از آن قری و قنوات و باغات و عمارات مالا بعد و لایحسی منها

ولایه بیهق من حدود ریوند تا ولایه دامغان بیست و پنج فرسخ زیاده است و عرض مثل این

ولایه جوین منشأ اولیاء و علما، قری و قنوات در عمارات بحد غایات بیکدیگر قریب چنانچ همه را بمنابه یک ربع مسکون مملکت توان گفت اهل دین و دیانت و خداوندان باهوس و همه ایوان خانها رفیع و مهمان خانها وسیع اصناف اشراف و عوام ایشانرا همه تنهاعالی و دل اکرام اصناف و اتمام الطاف دلها از ملال خالی

بشیرک بیماران و غیر ایشان بآن ارتفاع یافته بی‌فمن، در درختها ناز و ثوت که از هر یکی از آن غالباً چند ستون حاصل شدی چنان بزرگ، زیاده از صد خادم و فراش داشت و در موضعی از مثل خانه مبنی بر دوازده ستون بعماره ممتاز شش ستون از مرمر و دو ستون از یشه طرف دجله آورده برنگ مهره‌های سیاه و سفید و چهار ستون از گچ و خشت پخته ساخته سقف و ستونهای آن بزرگ تذهیب کرده و قبه مذهب بالای آن مرتب مقومان و مبصران بیست هزار مثقال زر را تقدیر می‌کردند اما حاکم فرمود که سقف و ستون و بلها و منابر و صنادیق و مصاحف و قنادیل و حصیرها و فرشها و توابع اینها را قیمة کردند صد هزار مثقال زر رسید و صد هزار مثقال زر طلا را اوقاف مسجد جامع زیاده بود و بخراسان مبنی احسن تر از آن منبر نبود که ابو مسلم درین جامع نهاده بود.

ذکر دومنار جامع

ابو مسلم در جامع منار ساخت بعد از و از باب مناصب را آن منار قصیر و آن بنا بنسبت با جامع حقیر نمود چون حکومه بمنصور بن طلحه بن طاهر برادر زاده عبدالله طاهر رسید آن منار را منهدم ساخت و منار دیگر برافراخت و بسیاری از اول بلندتر و قوی‌تر و عماره او برزنت و تذهیب آراسته‌تر کرد و بطریق هندسه چنان کردند که در دوره سال از ظلال آن انتقال شب و روز معلوم شدی بعد از زمان او بحرکتی در ایامی میلی دروی پیدا شد چون نوبه بعمر ولایت رسید آنرا نیست کرد و دیگری برداشت و نام و لقب خود بر آن بنگاشت بعد از آن چون نوبت بخمارتکین رسید مناری رفع کرد و صیت آن دومنار دفع کرد چنانچه در دنیا ارفع از آن و اعجب و آراسته‌تر و پیراسته‌تر و دایر تر

منار در هیچ دیوار پنج نچارندیدار فوق عالی بام جامع تا سرمنار نمود و چار ذراع بود اجرة استادان بی مزد در خرج عمارة دو هزار مثقال طلا مقرر کرده بودند و بهندسه چنان ترتیب کرده بودند که چون باد آمد فراخورد قوه بآدان منار حرکت کردی امانیفتادی و هیچ خشتی و جزئی از وی فاسد نشدی

ذکر مسجدها متبرک شهر قدیمی

که محل قبول طاعات و اجابت دعوات بودی

اول مسجد که صحابه بنانهادند بوقت فتح شهر قدیم در موضع شاهنیر و در آنجا نماز گذاردندی و سنگی قوی بزرگ جمع صحابه بانفاق خود برداشتند و در آن مسجد آوردند و برای علامه بگذاشتند

مسجد مجله قزدر جوار منزل خدام سلطان صلوة الله و سلامه علی رسول الله و علی آله الاثمة المعصومین اجمعین

مسجد معروف بمسجد روی بکوه مسجدی قدیم و عزیز بود

و مسجد باب معمر میان دو مقبره

مسجد رجا بن معاذ بن مسلم

مسجد دروازه قهندز که بیش از نه ماه صحابه در آنجا عبادت کردند

مسجد سرا معار مسجد که مصطفی جنیان گفتندی ، مسجد امام یحیی متصل

سرای بستان ، مسجد ابن حرب ، مسجد ایوب بن الحسن ، مسجد جمش از اجابة

دعا درین مسجد عجایب بسیار منقول بود

ذکر مبادین نیشابور

میدان تلاجرد و در صدر این میدان قصر مطبوع مرفوع مرغوب محبوب مزین بود
 هر روز شید چون به نیشابور رسید مده اقامه او آن گوشه مقام او بود .
 میدان هانی، میدان حسین بن معاذ بن مسلم مجمع سلاطین و میان بلد بود و
 میدان زیاد

ذکر مقابر و قبور کی مزارات نیشابور بود

مقابر و قبور اولیا و اصفا در محلات و قری بیشتر بود از عدد و احصاء تا آنج
 علی التعمیم زیاده کردند از مقابر و قبور بیشتر آنست
 مقابر صحابه در بالای مقبره حیره و آنرا مقبره نصر بن زیاد القاضی گفتندی و
 و سه صحابی در آنجا مدفونند اما آن قبر که سر حلاب است یقین قبر همام بن زید
 است که از صحابه کبار و قدوة ابرار بود در همین مقبره در حیره روضه شیخ ابی
 حفص و ابی عثمان و زهاد بسیار است و شیخ ابو جعفر مدنی در بالای مقبره است ،
 مقبره تلاجرد مسجد سلطان علوی شهید مقبول ولی الله المقتول فلذنه کبد
 الرسول صلوة الله و سلامه علیه و آله و علی آله المعصومین اجمعین نام و نسب مبارک
 ایشان بر لوحی مسطور بر سر روضه ایشان باین ترتیب است: هذا قبر الامام محمد بن
محمد بن زید بن علی بن الحسن بن علی بن ابي طالب علیه السلام و رضی الله عنهم اجمعین
 مقبره سر میدان قبر نصر بن زیاد القاضی و امام احمد بن ابراهیم و ابی عبدالله
 البوشنجی و ابی الولید و ابیوب الحسن الزاهد و امام مسلم الحجاج صاحب صحیح
 و بشر بن الحکم و عبدالرحمن بشر و محمد بن عبدالوهاب ؛
 مقبره شاهنبر بسیاری از علما و اولیاء تابعین آنجا مدفون اند و در آن مقبره

بزرگان که بعد از آن تا ششصد و شصت و شش که خرابی شادیباخ شد و بعد از آن در آن شهر دیگر که عدد و حصر این بزرگان مقدور و میسر نیست یکی از ایشان درین اسامی مذکور نیستند

فایده

و بعضی از وقایع نیشابور آنست که در حواشی تاریخ یمینی که در جارد و کسری از هجری نوشته شده آورده که نیشابور از ابتداء بناء آن تا این غایه هیشده بار بزلزله خراب شده و بعد از آن در تاریخ پانصد و پنجاه و پنج از شهر قدیم خرابی کلی یافت و قومی که ماندند بمحله شادیباخ اجتماع کردند و شهر ساختند و صد و ده سال مجال بقاء شهر بود و مجمع افاضل و معدن کرام و عظام ایام بود و در آن ایام بزرگان شادیباخ بر اشراف سایر بلاد فضیله داشتندی خصوصاً سید بزرگوار سید صدرالدین الحسینی که مراتب عام و عمل لاحق باولین و سابق بر آخرین بودند و از مکارم حضرت ایشان یکی آنست که امام امة و مقتدای ملة امام فخر الملة و الحق و الدین الرازی رضوان الله علیه مکتوبی نوشته اند بایشان بعضی از آن اینست: کتبت من هراة ضیئت عن الافات رایت

فی السفر الخامس من التورة ان الله سبحانه قال لموسى يا موسى احب ربك بكل قلبك وانا اخبر سیدی و سندی و مولای الصدر الاجل المنجل السید السند الظاهر الازهر التقی النقی صدر الملة و الدین شمس الاسلام و المسلمین ملک السادات افتخار العترة الطاهرة قدوة المحققین فی العالم حصه الله تعالى من السادات القدسیه و الکرامات العلویه باکمل درجاتها و افضل غایاتها بانی احبه من صمیم قلبی و احب ان احبه الی

آخر المکتوب

حاصل کلام ماتخفیف ابرام آنک فرمود امام که خواندم در سفر پنجم از توره که

حق سبحانه و تعالی فرمود موسی را علیه السلام که ای موسی دوست داری پروردگار خود را بتمام دل خود و من خبر می‌کنم سید خود و سندی خود و خواهی خود را که من ایشان را دوست میدارم آنک ایشان را دوست میدارد با آنچه آن مکتوب است از بر همین برین معنی بعدها در شب جمعه سته سته و ستین و ستمائه این شهر و گیز بزلزله خراب شده افتاد کس بصحراها ماندند آن شهر سیم بنانه‌اند آن نیز بجاست یکشنبه آخر جمادی الاولی سته ثمان و ثمانمائیه بزلزله خراب شد

اندر سه زمان سه زلزله واقع گشت بدیناصدواند آنک شد شهر جو دشت
شش سال فزون دوم ورده از ششصد و شصت از زلزله بارسیم هشتصد و هشت
چون بیان اسامی و کرامات و مقامات سادات و اتباع حضرت ایشان از اولیاء کرام و علماء عظام مقدور مقدار بشر نیست برین مختصر ختم اولیتر

اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات
بحرمة النبی، محمد وآله خیر البریات و ادخلهم برحمتک فی روضات الجنات والحمد لله

رب العالمین آمین رب العالمین

بسم الله الرحمن الرحيم رب يسر وتمم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة والسلام على حبيبه و رسوله محمد وآله

اجمعين . قال الله تعالى ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم

يرزقون وقال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان اولياء الله لا يموتون ولكن ينقلون من

دار الى دار وقال صلى الله عليه وسلم كنت نهيتكم عن زيارة القبور الا فزوروها

بر مقتضى آية و حديث چون زیاره دوستان خدای متضمن ثواب بسیار و قواید

بی شمار بود بعضی از احبیه که امثال التماس ایشان واجب بود درخواست کردند از بنده کمینه

احمد: محمد بن حسن بن احمد المعروف بالخليفة النيسابوري تاب الله عليه باسامی بزرگان

که در نيسابور آسوده اند در قلم آورد و ذکر اسامی از جمله بزرگان متعذر بود از

بهر آنکه نيسابور کهنه که محط رجال رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله بوده چهل

و هفت محله داشته که یکی از آن محلات متوسط را محله جولاهگان گفتندی و

آنرا سیصد کوجه زیارت بودی و هر محله را مقبره بوده و شصت ديه در ربض در آمده

بود و مقابر آن ديهها که مملو باولیا و صلحا بوده در میان شهر ناپیدا گشته و بعد از

خرابی آن شهر بسبب غارات و تاراج مرادات مندرس و قبور منطمس شده و کسی

نمانده که گورستانها را بازشناسد فكيف بالقبور و هر چند چنین بود اما بر موجب ان

لم يدرك الكل لم يترك الكل . اسامی این بزرگان که در طبقات شيخ عبدالرحمن

۱۰۰
۱۰۱
۱۰۲
۱۰۳
۱۰۴
۱۰۵
۱۰۶
۱۰۷
۱۰۸
۱۰۹
۱۱۰
۱۱۱
۱۱۲
۱۱۳
۱۱۴
۱۱۵
۱۱۶
۱۱۷
۱۱۸
۱۱۹
۱۲۰
۱۲۱
۱۲۲
۱۲۳
۱۲۴
۱۲۵
۱۲۶
۱۲۷
۱۲۸
۱۲۹
۱۳۰
۱۳۱
۱۳۲
۱۳۳
۱۳۴
۱۳۵
۱۳۶
۱۳۷
۱۳۸
۱۳۹
۱۴۰
۱۴۱
۱۴۲
۱۴۳
۱۴۴
۱۴۵
۱۴۶
۱۴۷
۱۴۸
۱۴۹
۱۵۰
۱۵۱
۱۵۲
۱۵۳
۱۵۴
۱۵۵
۱۵۶
۱۵۷
۱۵۸
۱۵۹
۱۶۰
۱۶۱
۱۶۲
۱۶۳
۱۶۴
۱۶۵
۱۶۶
۱۶۷
۱۶۸
۱۶۹
۱۷۰
۱۷۱
۱۷۲
۱۷۳
۱۷۴
۱۷۵
۱۷۶
۱۷۷
۱۷۸
۱۷۹
۱۸۰
۱۸۱
۱۸۲
۱۸۳
۱۸۴
۱۸۵
۱۸۶
۱۸۷
۱۸۸
۱۸۹
۱۹۰
۱۹۱
۱۹۲
۱۹۳
۱۹۴
۱۹۵
۱۹۶
۱۹۷
۱۹۸
۱۹۹
۲۰۰

سلمی و رساله استاد ابوالقاسم و تذکره شیخ فریدالدین عطار و تاریخ امام ابو عبدالله نیشابوری مسطور است که در نیشابور آسوده اند جمع کرد حق سبحانه و تعالی همگنان را رعایت اقوال این بزرگان و متابعت افعال ایشان کرامت کند و از برکت و شفاعت ایشان محفوظ گرداند و هوولی الاجابة و التوفیق

اسامی سادات کبار

محمد بن محمد بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب صلوٰه الله علی رسول الله و علی آله الطیبین الطاهرین مدفونست بمقبره تاجرد. ابو جعفر الصوفی محمد بن جعفر بن الحسین بن علی بن عمر بن الحسین بن علی ابن ابیطالب، محمد بن احمد بن عبدالله و بسر - بزرگوار او، محمد بن محمد الملقب بزیاده نقیب سادات خراسان این دو شریف بزرگ و اولاد و احفاد ایشان رضی الله عنہ در مقبره عبدالله طاهر اند و آنرا گورستان سادات گفتندی

اسامی صحابه رضی الله عنهم

عامر بن سلیم الاسلامی علمدار رسول خدای عزوجل، عنان بن حبیب، همام بن زید بن وایسه این سه صحابی و سه صحابه دیگر که نام ایشان معلوم نیست یقین در نیشابور آسوده اند و گفته اند که نیز: ابو بربره اسلمی در نیشابور آسوده است

اسامی مشایخ طبقات

ابو حفص حداد نیشابوری؛ ابو عثمان حیری نیشابوری، حمدون قصار نیشابوری، محفوظ بن محمود نیشابوری، ابوعلی تقی نیشابوری، یحیی بن معاذ رازی ابو الحسن علی الفوشنجی، ابو بکر طمستانی فارسی، عبدالله بن مبارک نیشابوری

آنست که هانی آنجاست؛ ابوبکر الزاهد؛ ابوالحسن الکوفی، ابرهیم بن ابی طالب
 ابویعقوب اسحق، ابوعمر و الحیری، ابوعمر و المستملی؛ ابوعمر و الخفاف، ابوعمر و
 الزاهد، عباس بن حمزه، ابوسعید الاصم، ابوالحسن الخفاف، الحسن الحداد،
 ابوالولید، ابوالعباس العابد، ابوعبدالله الصفار، ابوالفضل النواظ، زکریا بن ولویه
 ابرهیم بن محمد بن شعبان، عبدالله بن عمر الریاح؛ یاسر بن نصر الباهلی، حسن بن
 الفضل الحلّی، بشر بن الحکم العبدی، عبدالرحمن بن بشر، محمد بن عبدالوهاب
 احمد بن سعید داربی، ابوزکریا عنبری، بعضی از این بزرگان موجب الدعوه بوده اند
 و دعا بر سر خاک هریکی از بزرگان مرجو الاجابة است،

این بزرگان از متقدمان اند اما بزرگانی که بعد از طبقه ششم در این شهر
 آسوده اند از آن جمله، شیخ عالم ابوعلی دقاق، استاد ابوالقاسم قشیری، امام احمد
 میدانی، شیخ علی مؤذن، امام بن فورك اصهبانی، امام الحرمین ابوالمعانی، امام علی واحدی،
 شیخ فرید الدین عطار، شیخ طبسی، شیخ مجنون اولیا، شیخ مجد الدین بغدادی
 ارزقنا الله متابعتهم والانخراط فی سلکهم بفضل و کرم و هو اکرم الاکرمین و ارحم

الراحمین صلی الله علی نبینا محمد و آله اجمعین

اسامی بزرگانی که در شهر نسا بون مدفون اند.

نقل از خط خواجه قطب الدین رحمه الله

مقابر صحابه رضی الله عنهم در اعلی حیره در مقابر منسوب بنصر بن زیاد القاضی،

سید بزرگوار محمد محروق صلی الله علی رسول الله و علی آله و سلم و هو محمد بن

محمد بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب کرم الله وجهه و رضی الله عنهم،

جوانمرد معروف بابو شختویه از شهدای صدر یشین است، تربة اومحل

اجابت دعاست

جوانمرد علمدار حضرت مصطفی بوده قبر او مشهور است ،
 جوانمرد نرد باد او نیز از شهداء صدر اول است ، احمد حرب رحمه الله تربت
 او تربت یحیی معاذرازی که از کبار طبقات است رحمه الله در مقبره معمر است ، شیخ
 محمد بن اسلم طوسی تربت او در راه مزار تاجرد است زاهد زمان بوده است و خدمت امام
 علی بن موسی الرضا را دریافته صلی الله علی رسول الله و علی آله و سلم و حدیث از او شنیده
 امام مسلم بن الحجاج القشیری تربت او در حوالی تربا باد در شرقی کهن
 دیر نیشابور قدیم است رحمه الله
 امام ابوبکر فورک و یحیی بن یحیی در بر حیره هر دو در یک حظیره اند از
 زاهدان و عباد زمان بوده ،
 امام الحرهین عبدالماک ابوالمعالی بن الامام ابی محمد یوسف الجوینی
 رحمه الله تربت او در جوار مزار تاجرد است ،
 شیخ محمد فنال تربت او در قبله مقبره حیره است ، رحمه الله
 شیخ عبدالرحمن کوف و شیخ عبدالرحمن سلمی و ناصر الدین محمد کوف
 رحمه الله تربتهاء ایشان در قبله مقبره حیره است
 امام بیان الحق قاضی محمود نیشابوری مصنف عمل الغرائب و غیره تربت او در
 جوار نمازگاه عید در شهر شادیاخ ، رحمه الله قنبر امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه
 تربت او در جوار فرات آباد ،
 شیخ علی مؤذن رحمه الله تربت او در جوار مقبره حیره است
 استاد ابوعلی دقاق و استاد ابوالقاسم قشیری و محمد بن یحیی رحمه الله در یک
 حظیره اند در شهر قدیم در قبله کهن دیر ،
 شیخ فریدالدین عطار رحمه الله تربت او در شادیاخ است ،
 شیخ محمد ماهی و امام جمال الاسلام رحمه الله تربت هر دو بهم نزدیک

است در شادیانخ ،

شیخ ابو حفص حداد و شیخ ابوبکر صیدلانی تربتهای ایشان در راه شارع ادک است در غربی عالمدار رحمهم الله ؛

شیخ مجد الدین بغدادی که از خوارزم صندوق او را نقل نسابور کرده اند تربت او در شادیانخ است رحمه الله

شیخ طبسی و تربت شاه شجاع کرمانی بهم نزدیک است رحمهم الله
 شیخ مجنون اولیا تربت او در مقبره جل سر ، مقبره باب عروه فیما حسن بن الولید
 وجعفر بن عبدالرحمن و عبدالله بن عبدالرحمان و حسن بن الفضل و ابوالعباس السراج و
 ابرهیم بن ایطالب رضی الله عنهم شیخ حمدون قصار و ابوعلی تنفی و عبدالله مبارک در
 جوار حیره رحمهم الله مقبره عبدالله طاهر فیما قبره و قبر اولاده و قبر امام الحدیث ،
 محمد بن یحیی الزاهدی ائمه تربتهای ایشان در جوار ترخک زرکان نسیبداست
 قبر ایشان ، عبدالله الفوشنجی ، ابو ایوب بن الحسن الزاهد شیخ محمد بن عبدالوهاب
 بشر بن الحکم العبدی استاد ابوالولید مقبره حداد

امیر طاهر میفرمود که علماء و زهاد آن زمانرا درین مقبره دفن میکردند
 فیما اسحق بن ابرهیم الحنظلی و محمد بن اسلم و محمد بن الراقعی القشیری
 و احمد بن مؤید الروقی و اسحق بن المنصور و ابو زکریا القشیری رحمه الله
 عالمهم اجمعین

بسم الله الرحمن الرحیم رب یر

هذه اسماء المشايخ الذين سماهم السلف مشايخ الطبقات نقلت من الرسالة

التي هي معروفة بطبقات السلمی مما جمع الشيخ العالم الرباني المحقق الصمداني

عبدالرحمن السلمی رحمه الله عليه

الطبقة الاولى منهم

فضل بن عياض بخارى الاصل مات في الحرم ووفاته سنة سبع وثمانين و

كنيته ابو علي

و منهم : ابو اسحق ابراهيم بن ادهم بن منصور مات بالجرب فحمل الى

صور ودفن لها في الشام

و منهم : ذوالنون المصري قيل مات سنة ثمان واربعين ومائتين وقيل سنة

خمس واربعين وكنيته ابو القيس

و منهم : شيخ بشر خافي مات سنة سبع وعشرين ومائتين ببغداد و دفن

فيها وكنيته ابو نصر

و منهم : الشيخ سري سقطي رحمه الله مات سنة احدى وخمسين ومائتين

وكنيته ابو الحسن

و منهم : الشيخ ابو عبد الله حارث المجاسبي من بصره مات ببغداد سنة ثلث

واربعين ومائتين

و منهم : الشيخ ابو يزيد البسطامي رحمه الله مات سنة احدى وستين ومائة واسمه طيفور

و منهم : الشيخ ابو سلمان داراني مات سنة خمس عشرة ومائتين واسمه عبد الرحمن

بن عطيه

و منهم : الشيخ معروف الكرخي مات ببغداد سنة مائتين وقيل سنة احدى و

مائتين وكنيته ابو محفوظ

و منهم : الشيخ حاتم الاصم مات سنة اربع عشر ومائتين وكنيته ابو عبد الرحمن

وقيل سنة سبع وثلثين مائتين

الطبقة الثالثة

- ومنهم : الشيخ ابو محمد الحريري مات بسنة احدى عشر وثلاثمائة واسمه احمد بن محمد الحسين
- ومنهم : الشيخ ابو العباس العظامات بسنة تسع وثلاثمائة و قيل سنة احدى عشر واسمه احمد بن محمد سهل بن عطا
- ومنهم : محفوظ بن محمود من اصحاب ابي حفص النيسابوري مات بسنة ثلاث اواربع وثلاثمائة بنيسابور ودفن بجانب ابي حفص —
- ومنهم : الشيخ ابو عمر والدمشقي مات بسنة عشرين وثلاثمائة هو مشايخ الشام
- ومنهم : الشيخ محمد بن حامد الترمذي من مشايخ خراسان وكنيته ابوبكر
- ومنهم : الشيخ طاهر المقدسي من اصل مشايخ الشام
- ومنهم : الشيخ ابو محمد عبدالله بن محمد الحرار من مشايخ الرازيين مات قبل البعد الاربعين وثلاثمائة
- ومنهم : الشيخ نعمان بن محمد الحمالي الواسطي ساكن مصر مات ببافى رمضان سنة ست عشر وثلاثمائة وكنيته ابو الحسن
- ومنهم : الشيخ ابراهيم بن احمد الخواص مات في جامع الري بسنة احدى وتسعين ومائتين وكنيته ابواسحق
- ومنهم : الشيخ ابو حمزة البغدادي مات قبل الجنيدي سنة تسع ومائتين ومائتين
- واسمه محمد بن ابراهيم
- ومنهم : الشيخ ابو الحسن الوراق من مشايخ نيسابور مات قبل العشرين وثلاثمائة واسمه محمد بن سعد

ومنهم: الشيخ ابوبكر الواسطي اصله من خراسان استوطن كورة مرو ومات
 بها بعد العشرين وثلاثمائة واسمه محمد بن موسى
 ومنهم: الشيخ ابو الحسن الدينوري من مشايخ الجبل اقام بمصر ومات بها بسنة
 ثلثين وثلاثمائة اسمه علي بن محمد بن سهل
 ومنهم: الشيخ ابو المغيث حسين بن منصور الحلاج قتل بباب الطاق ببغداد
 يوم الثلاثاء من ذي القعدة سنة تسع وثلاثمائة
 ومنهم: الشيخ خير النساج اصله من سامره اقام ببغداد وكنيته ابوا لحسن
 ومنهم: الشيخ حماد الدينوري من كبار مشايخها مات بسنة تسع وتسعين ومائتين و
 ومنهم: الشيخ ابو حمزة الخراساني من نيسابور من محل مايقابدها مات بسنة تسعين ومائتين
 ومنهم: الشيخ الصبيح من اهل البصرة وكنيته ابو عبد الله مات بالسبوس وقبر بها
 ومنهم: الشيخ ابو اسحق ابراهيم بن داود الرومي مات بسنة ست وعشرين ومائتين وقيل ثلاثمائة
 ومنهم: الشيخ ابو جعفر احمد بن حمدان بن علي بن سنان من مشايخ نيسابور مات
 في سنة ست عشر وثلاثمائة

الطبعة الرابعة

ومنهم: الشيخ ابوبكر الشبلي خراساني الاصل عاش سبعا وثمانين سنة ومات
 في ذي الحجة سنة اربع وثلثين وثلاثمائة ببغداد واسمه دلف بن مجدر
 ومنهم: الشيخ المرتضى وهو ابو محمد بن عبد الله بن محمد النيسابوري من
 محلة حيره مات ببغداد سنة ثمان وعشرين وثلاثمائة وقيل من محلة مايقاباد
 ومنهم: ابو علي الرودباري توفي بسنة اثنين وعشرين وثلاثمائة بمصر واسمه
 احمد بن محمد بن ابي القاسم

ومنهم: الشيخ أبو الحسن الأقطع أصله من المغرب مات بسنة أربعين وثلاثمائة
ومنهم: أبو علي الثقفي مئآت بسنة ثمان و عشرين وثلاثمائة بنسب نيسابور واسمه
محمد بن عبد الوهاب

ومنهم: أبو محمد عبد الله بن محمد بن منازل من مشايخ نيسابور مات بها
بسنة تسع و عشرين أو ثلاثين وثلاثمائة

ومنهم أبو الحسن المزين واسمه علي بن محمد أصله من بغداد جاور بمكة
ومات بباسنة ثمان و عشرين وثلاثمائة

ومنهم: الكتاني و هو محمد بن علي بن جعفر الكتاني إمام بمكة ومات بها
بسنة اثنين وعشرين وثلاثمائة وكنيته أبو بكر

ومنهم: النهرجوري و هو أبو يعقوب اسحق بن محمد أمم بمكة ومات
بب سنة ثلاثين وثلاثمائة

ومنهم: أبو الخير بن منار من مشايخ مصر مات في البيت
ومنهم أبو الكاتب من كبار مشايخ المصريين بسنة ست وأربعين وثلاثمائة
واسمه الحسين بن أحمد

ومنهم: أبو بكر عبد الله بن طاهر الأهرى من مشايخ الجبل قيل مات بقرب الثلاثين وثلاثمائة
ومنهم: القرسى من مشايخ الجبل مات في سنة ثلاثين وثلاثمائة

ومنهم: أبو الحسين علي بن هند الفارسي من كبار مشايخ الفرس
ومنهم: أبو اسحق بن شيبان الفرسيني

ومنهم: الحسين بن علي مرد من أهل إرمه مات في الصفر سنة ثلاث وثلاثين وثلاثمائة

ومنهم: محمد بن أحمد بن سالم النصري وكنيته أبو عبد الله

ومنهم إبراهيم بن أحمد بن مشايخ الرق وكنيته أبو اسحق

وسبعین وثلثمائه

ومنهم : ابوالقاسم النصر آبادی نیشابوری الاصل والمؤید خرج آخر عمره الى مكة سنة ست وستين وثلثمائه واسم ابراهيم بن محمد .

ومنهم : بندار بن الحسين من اهل شيراز مات بسنة ثلث وخمسين وثلثمائه وكنيته ابو الحسين

ومنهم : الحضيري وهو ابو الحسن علي بن ابراهيم بصري لاصل مات ببغداد يوم الجمعة ذى الحجة سنة احدى وسبعين وثلثمائه

ومنهم : ابوبكر الطمستاني الفارسي ورد نيسابور ومات بها بعد سنة اربعين وثلثمائه

ومنهم : ابو عبد الله البروغندي واسمه محمد بن محمد بن الحسن من مشايخ مات بعد الخمسين وثلثمائه

ومنهم : ابو العباس الدينوري مات بسمرقند بعد الاربعين وثلثمائه واسمه محمد بن احمد بن محمد

ومنهم : محمد بن احمد وكنيته ابوبكر مات قبل الستين وثلثمائه وهو من مشايخ نيسابور

ومنهم : ابو عبد الله الرودباري واسمه احمد بن عطاء بن احمد مات سنة تسع وستين وثلثمائه

ومنهم : ابو الحسن بن علي بن بندار الحسين الصوفي من مشايخ نيسابور مات سنة تسع وخمسين وثلثمائه

ومنهم : ابو عبد الله وابو القاسم ابناء احمد بن محمد المقرئ في ما ابو عبد الله مات سنة ست وثلثمائه واما ابو القاسم مات بنيسابور سنة ثمان وسبعين وثلثمائه

ومنهم : محمد بن احمد بن حمدون القرار من كبار مشايخ نيسابور مات سنة سبعين وثلثمائه

ومنهم : محمد بن عبد الخالق الدينوري مات بها كنيته ابو عبد الله

ومنهم : ابو عبد الله محمد بن محمد الواسي

پایان

الف

١٣٠، ١٢٨، ١٢٧، ١٢٠	ابر شهر
١٤٥	ابراهيم بن محمد سفيان
١٥٣، ١٤٥	ابراهيم بن ايظال
١٥١	ابراهيم بن شعبان
١٥٩	ابراهيم بن احمد
١٦١	ابراهيم بن محمد
١٥٩	ابو اسحق بن الشيبان
١٥١	ابو الحسن الخفاف
١٦٠، ١٤٩	ابو الحسن القوشنجي
١٥٠	ابو الحسن الوراق
١٤٥	ابو الحسن علي البوشنجي
١٦١	ابو الحسن علي بن ابراهيم بصري
١٥٦	ابو الحسن بن علي
١٥٠	ابو الحسن علي بن بيدار
١٤٥	ابو الحسن علي بن احمد البوشنجي
١٥١	ابو الحسن كوفي
١٥٩	ابو الحسن المزين

١٤٥	ابو الحسن قاضي الحرمين
١٥٩	ابو الحسين علي بن هند
١٥٩	ابو الخير بن منار
١٥١	ابو العباس العابد
١٤٥	ابو العباس الاصم
١٤٥	ابو العباس السراج
١٥٠	ابو العباس مغربي
١٦١	ابو العباس الدينوري
١٦٠	ابو العباس السيار
١٥٠	ابو الفوارس شجاع كرمانى
١٥٠	ابو الفضل الواعظ زكريا بن ولويه
١٦١	ابو القاسم
١٥٩	القرسيسى
١٥٩	ابو الكاتب
١٥٢	ابو المعالى
١٥٣، ١٥١	ابو الوليد
١٥٣	ابو ايوب بن الحسن
١٤٩	ابو بربره اسلمى
١٥١	ابو بكر الزاهد
١٥٠	ابو بكر السهى
١٥٠	ابو بكر مرار
١٦١، ١٤٩	ابو بكر الطمستاني
١٥٩	ابو بكر بن منار
١٥٩	ابو بكر عبد الله بن طاهر الاهري

۱۶۰	ابوبکر محمد بن احمد
۱۶۰	ابوبکر داود الدینوری
۱۵۷	ابوبکر
۱۲۷	ابیورد
۱۴۹	ابو جعفر الصوفی
۱۴۹	ابو حفص حداد
۱۵۰	ابو حمزه مدینی علی بن هانی بن قنبر
۱۵۰	ابو حمزه خراسانی
۱۵۱، ۱۴۵	ابوزکریای عنبری
۱۵۳، ۱۴۵	ابوزکریا
۱۵۱	ابو سعید الاصم
۱۶۰	ابو سعید الاعرابی
۱۵۱	ابو شختویه
۱۵۵	ابو عبدالله جلا
۱۵۱	ابو عبدالله الصفار
۱۱۷	ابو عبدالله النیسابوری
۱۳۵	ابو عبدالله داود بن علی
۱۶۰	ابو عبدالله محمد بن حقیف الشیرازی
۱۶۱	ابو عبدالله البروغندی
۱۶۱	ابو عبدالله الرودباری
۱۶۱	ابو عبدالله
۱۶۱	ابو عبدالله محمد بن محمد الواشی
۱۴۹	ابو عثمان جدی
۱۶۰، ۱۵۰	ابو عثمان مغربی

١٥٨	ابو علي الرودياري
١٥٩، ١٥٣، ١٤٩، ١٤٥	ابو علي الثقفي
١٥١	ابو عمرو والحيري
١٥١	ابو عمرو والخفاف
١٥١	ابو عمرو والزاهد عباس بن حمزه
١٦٠	ابو عمرو والسلمي
١٦٠	ابو عمرو والزجاجي النيسابوري
١٥١	ابو عمرو والمستملي
١٥٠، ١٤٥	ابو عمرو بن جنيد
١٤١	ابو قابوس
١٥٩	ابو محمد عبدالله بن محمد بن منازل
١٤٢، ١٤١، ١٢٤، ١٢٢	ابو مسلم مروزي
١٤١	ابو مهلب
١٥٥	ابو يعقوب
١٥٩، ١٥١	ابو يعقوب اسحق
١٥٥	ابو محمود
١٥٥	ابي الريحان
١٥٧	ابي حفص نيسابوري
١٦٠، ٢٤٩، ١٤٨	احمد
١٣٨	احمد آباد
١٥٥	احمد القصار
١٣١	احمد بن حاج
١٥٠	احمد بن حرب نيسابوري
١٥٢، ١٥٠	احمد بن حرب

١٤٥	احمد بن سعيد
١٤٥	احمد بن مبارك
١٥٧	احمد بن محمد الحسين
١٥٧	احمد بن محمد بن سهل بن عطا
١٦١	احمد بن عطا بن احمد
١٦١	احمد بن محمد المقرئ
١٥٨	احمد بن محمد بن ابي القاسم
١٤٩	احمد بن عبدالله
١٥٣	احمد بن مؤيد الزوقي
١٥٥	احمد بن يحيى
١٥٤	ادهم بن منصور
١٤٠	ارعيان
١٥٢، ١٥١	استاد ابو القاسم قشيري
١٥٢	استاد ابو علي دقاق
١٥٤	اسحق بن ابراهيم
١٥٣	اسحق بن ابراهيم الحنظلي
١٥٣	اسحق بن منصور
١٥٠	اسحق راويه
١٤٠	اسفراين
١٤٠	استوا
١٦٠	اسماعيل بن جنيد بن احمد سلمى
١٥٥	اسماعيل بن سعيد منصور
١١٧	افراسياب
١١٧	افريدون

١٤٦	التورة
١٦٠، ١٥٦	الجنيد
١٥١	الحسن الحداد
١٤٩، ١٤٥	الحسين
١٥٩	الحسين بن علي
١٥٩ .	الحسين بن احمد
١٤٥	الحسين بن الوليد
١٦١	الحصيري
١٢١	الزريق بوياباد
١٥٣، ١٤٥	امام الحديث محمد بن يحيى الذهلي
١١٧	امام الفقيه محمد بن حسين الخليفة النيسابوري
١٥١	امام الحرمين ابو المعالي
١٥٢	امام الحرمين عبد المطلب
١٥١	امام بن فورك اصبهاني
١٥٢	امام بيان الحق قاضي محمود
١٥٢	امام جمال الاسلام
١٤٥	امام جعفر بن زيارة
١٣١، ١٣٠، ١٢٩، ١٢٦، ١٢٥، ١٢٤، ١٢٢، ١٢١، ١٢٠، ١١٩، ١١٨، ١١٧	امام حاكم
١٤٢، ١٤٠، ١٣٧، ١٣٦، ١٣٣	
١٤٥	امام زكريا
١٥١	امام علي واحد
١٥٧	الشيخ ابراهيم بن احمد الخواص
١٥٨	الشيخ ابو اسحق ابراهيم بن داود
١٥٧	الشيخ ابو الحسن الوراق

١٥٤	الشيخ أبو سلمان داراني
١٥٧	الشيخ أبو محمد عبد الله بن محمد
١٥٧	الشيخ أبو محمد الحريري
١٥٤	الشيخ أبو يزيد بسطامي
١٥٥	الشيخ أحمد بن الخواري
١٥٨	الشيخ الصبحي
١٥٨	الشيخ المرتعش
١٥٤	الشيخ المعروف الكرخي
١٥٤	الشيخ بشر خافي
١٥٤	الشيخ حاتم الاصم
١٥٨	الشيخ حمشاد الدينوري
١٤٥	الشيخ حمدون العصار
١٥٨	الشيخ خير الساج
١٥٦	الشيخ سهل بن عبد الله التستري
١٥٦	الشيخ سمنون بن حمزه
١٥٧	الشيخ طاهر المقدسي
١٥٦	الشيخ محمد بن الفضل البلخي
١٥٧	الشيخ محمد بن محامد الترمذي
١٥٥	الشيخ منصور عمار
١٥٧	الشيخ نعمان بن محمد الحمال الواسطي
١٥٥	الشيخ يوسف بن أحمد
١٥٩	الكتاني
١٥٩	النهرجوري
١٥٠	إمام أبو القاسم الواعظ

١٥٠

١٥٠

١٥٢

١٥٠

١٤٩

١٥٠

١٥٠

١٥٠

١٥٠

١٥٠

١٤٥

١٥٢

١٤٥

١٥٠

١٤٥

١٥١

١٤٥

١٥٢

١٥٠

١٤٥

١٣٥

١٥٠

١٥٠

١٥٠

امام ابو الطيب الصعلوكي

امام ابو العباس الاصم

امام ابوبكر فورك

امام ابو عبد الله السراج

امام ابو عبد الله النيسابوري

امام ابو علي النيسابوري

امام ابو علي الكوفي

امام ابوسهل الصعلوكي

امام ابو محمد حصيري

امام ابو يعقوب الكرمانى

امام ابى جعفر صوفى

امام ابى محمد يوسف الجوينى

امام احمد حرب

امام احمد الكندرى

امام احمد بن سعيد الدارمى

امام احمد ميدانى

امام اسحق بن ابراهيم الحنظلى

امام على بن موسى الرضا

امام قاضى الحرمين

امام محمد بن اسلم العابد

امام محمد بن الامام محمد

امام محمد بن يحيى ذهلى

امام محمد بن اسحق خزيمه

امام محمد بن الهيثم

١٥٠	امام محيى السنه
١٥٢	امام مسلم بن الحجاج القشيري
١٣٥	امام موسى بن الامام جعفر
١٢٦، ١٢٥	امير المؤمنين عثمان
١٥٣	امير طاهر
١١٩	انبار
١١٩	انبارده
١٤٠، ١٣٨	انوشروان
١١٧	انوش بن شيث بن آدم
١١٩، ١١٧	ايران
١١٧	ايرج

ب

١٥٨	باب الطاق
١٢١	باغ بهله
١٣٩	باغ فرك
١٢١	باغك
١٢١	باغ كبار
١٢١	باب طاق
١٣٩، ١٣٨	بشت
١٥٣	بشر بن الحكم العبدى
١٣٩	بشقروش
١٢١	بشمانا باد
١٥٨، ١٥٤، ١٣١، ١٢٩، ١٢٥، ١١٩	بصره

١٦١، ١٦٠، ١٥٩، ١٥٨، ١٥٦، ١٥٥، ١٥٤، ١١٩

بغداد

١٥٦، ١٢٨

بلخ

١٤٠

بلاش

١٢٢

بویاباد

١٣٩، ١٣٨

بیہق

١٢١

بندار بن الحسین

ت

١٢١

تلا جرد علیا

١٢١

تلا جرد سفلی

١٥٢، ١٤٩، ١٣٥، ١٣٢

تلا جرد

١٤٠

ترکستان

١٤٦

تورہ

١٥٢

تر باباد

١٥٣

ترخک زرکان

١٥٦

ترمذ

ج

١٢٢

جامعہ (محلہ)

١٤١

جر جان

١٥٣، ١٤٩، ١٤٥، ١٣٥

جعفر

١٢١

جوری علیا

١٢١

جوری سفلی

١٢٢

جولاهکان (محلہ)

١٤١، ١٣٩، ١٢٦، ١٢٥

جوین

١٣٧

جیحون

١١

۱۵۲	جوانمرد علمدار
۱۵۲	جوانمرد نژاد
۱۵۶	جبل طور
۱۵۹، ۱۵۸	جبل
۱۵۰	جعفر الخلدی

ح

۱۲۱	حافظ محفوظ
۱۲۱	حایط
۱۲۵	حبيب
۱۵۳	حدا باد
۱۴۸، ۱۳۵	حسن
۱۵۳، ۱۵۱	حسن بن الفضل
۱۵۳	حسن بن الوليد
۱۴۹، ۱۳۵	حسین
۱۲۳	حسین بن محمد نصر آبادی
۱۲۱	حفص آباد
۱۴۵	حفص بن عبدالرحمن
۱۲۱	حنجرود علیا
۱۲۱	حنجرود سفلی
۱۲۱	خمزه علیا
۱۴۹	خمدون قصار
۱۲۱	خوسق
۱۲۳	خوض کسلان
۱۵۲، ۱۵۳، ۱۲۲	حیره

۱۴۰ خارزنج

۱۴۰ خاقان ترك

۱۵۷، ۱۵۶، ۱۴۹، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۵، ۱۲۴، ۱۲۲ خراسان

۱۵۸

۱۲۱ خرقن عليا باد

۱۲۱ خرکاباد

۱۲۱ خشانه قناه

۱۴۲ خمارتکين

۱۲۱ خندرون

۱۲۳ خنجرود

۱۴۱ خوشب

۱۲۱ خول

۱۵۳ خوارزم

۱۲۱ دزدان

۱۲۱ دوديه يهود

۱۲۱ دارايجرد

۱۲۱ دستجرد

۱۲۱ درقهندز

۱۲۷ داود

۱۳۵ دجله

۱۳۷

دامغان
دلف بن محدر
۱۳۹
۱۵۸

ز

ذوالالايله
ذوالنون المصرى
۱۱۷
۱۵۴

ر

راقعه
ربيعه
ريوند
ربع مازل
رويم بن احمد
۱۲۱
۱۲۵
۱۳۹، ۱۳۸
۱۳۹
۱۵۵

ز

زمجارعليا
زمجارسفلى
زين العابدين
زيد بن الامام زين العابدين
زوزن
زيد
زكريا بن ولويه
۱۲۱
۱۲۱
۱۳۵
۱۳۵
۱۴۱
۱۵۱، ۱۴۹
۱۵۱

۱۳

۱۵۸	سامره
۱۱۹	سجستان
۱۲۲	سرحيره
۱۱۹	سلطان محمود
۱۲۲	سلطان حسين
۱۳۰	سلطان سليمان بن مطرود
۱۳۰	سليمان بن مطرود
۱۴۱	سلوود
۱۲۱	سلمه
۱۲۵	سعيد بن عاص
۱۲۵	سمنان
۱۲۵	سوانقادر عليا
۱۲۱	سوانقا درسفلى
۱۲۱	سورين كوى
۱۲۱	سهل تاشيش
۱۲۱	سهرامقان
۱۵۰	سيزجان
۱۴۶	سيد صدر الدين الحسينى
۱۲۱	سيمجرد عليا
۱۲۱	سيمجرد سفلى
۱۲۱	سيسنويه
۱۶۱/۱۵۶	سمرقند
۱۵۸	سوس (شوش)

ش

شاپور

شاپور (شهر)

شادیاخ

شام

شاه پسر

شاهنبر

شحنه علیا

شحنه سفلی

شهرستانه

شیخ ابواسحق راهویه مروزی

شیخ فریدالدین عطار

شیخ عبدالرحمن سلمی

شیخ علی مؤذن

شیخ طبسی

شیخ مجدالدین بغدادی

شیخ مجنون اولیاء

شیخ محمد بن اسلم طوسی

شیخ یحیی معاذ

شیخ عبدالرحمن کوف

شیخ محمد قتال

ط

١٤٢	طاهر
١٤٢	طلحه
١٤٠٠١٣٨٠١٢٨٠١٢٧	طوس
١٥٤	طيفور

ع

١٢٧٠١٢٥	عامر
١٤٩	عامر بن سليم الاسلمى
١٥٦	عباس
١٥١	عباس بن حمزه
١٢١	عار كباد
١٤٩٠١٤٢	عبدالله
١٤٥	عبدالله الرماخ
١٥٠	عبدالله النيسابورى
١٥٣٠١٤٩	عبدالله بن مبارك
١٥٣٠١٥١	عبدالله بن عمر الرماح
١٥٣٠١٢٩	عبدالله بن طاهر
١٦٠	عبدالله بن محمد رازى
١٢٩٠١٢٥	عبدالله بن عامر
١٥٣	عبدالله الفوشنجى
١٢٥	عبد الشمس
١٤٩٠١٣٠٠١٢٧٠١٢٣٠١٢٢	عبدالله طاهر
١٢٨٠١٢٦	عبدالله حازم

١٤١٠١٢٩٠١٢٨٠١٢٦٠١٢٥٠١٢٤	عبدالله عامر
١٥٤	عبدالرحمن بن عطيه
١٥٣	عبدالرحمن السلمي
١٥١	عبدالرحمن بن بشر
١٥٣	عبدالرحمن
١٢٦٠١٢٥	عثمان
١٤٩٠١٤٥٠١٤٠٠١٣٥	علي
١٥٣	علمدار
١٥٢٠١٣١	علي بن موسى الرضا
١٦٠	علي بن احمد بن سهل
١٦٠	علي بن محمد بن سهل
١٦٠	علي بن محمد
١٤١	عكرمه
١٤٢	عمرو
١١٩	عمرو بن ليث
١٤٥	عمر
١٤٩	عنان بن حبيب
١٣٥	عيسى

ف

١٥٢	فرات آباد
١٢١	فرات آباد
١٢١	فازرشك
١٤٩	فرهنگ

١٤٠

فیروز

١١٩

فیروز شاپوز

١٥٤

فضل بن عیاض

فی

١٦٠

قاسم بن محمد

١٤٠

قباد

١٤٤

قبر الامام محمد بن محمد

١٤٤

قبر امام احمد بن ابراهیم

١٤٤

قبر امام مسلم الحجاج

١٤٤

قبر ابی عبدالله البوشنجی

١٤٤

قبر ابی الولید

١٤٤

قبر ایوب الحسن الزاهد

١٤٤

قبر سرخلاب

١٤٤

قبر همام بن زید

١٤٤

قبر بشر بن الحکم

١٤٤

قبر عبدالرحمن بن بشر

١٤٤

قبر محمد بن عبدالوهاب

١٤٤

قبر نصر بن زیاد القاضی

١٢١

قریه بود

١٣١

قریه مویدیہ

١٤٠

قریه فریمان

١٢١

قناة

١٢١

قناة علیا

۱۲۱

۱۲۵

۱۴۱-۱۴۰-۱۳۴-۱۳۳-۱۲۱-۱۱۹-۱۱۸

قناة جهم

قوس

قیندر

ک

۱۱۹

۱۲۱

۱۲۷

۱۴۰

۱۲۱

۱۴۱-۱۲۵

۱۴۰

۱۲۱

۱۳۲

۱۲۵

۱۳۳-۱۳۲

۱۵۲

کرخ

کرم بکر

کرمان

کسری

کنارسفلی

کنارنک

کندر

کوی دزگان

کوچه بلاس آباد

کوفه

کپلان

کهن دیر

گ

۱۲۲

۱۲۵

گند آباد

گزیر

ل

امانچی سفلی

۱۲۱

م

ماغین

۱۲۱

ماہکباد

۱۲۱

ما کالکباد

۱۳۷

ماورالنہر

۱۳۸

مارل

۱۳۹، ۱۳۸

ملقباد

۱۵۸

محمد آباد

۱۲۱

محمد بن ابراہیم

۱۵۷

محمد بن سعید

۱۵۷

محمد بن موسیٰ

۱۵۸

محمد بن یحییٰ

۱۵۲

محمد بن عبدالوہاب

۱۵۹، ۱۵۱

محمد بن علی بن جعفر الکنانی

۱۵۹

محمد بن احمد بن سالم النصری

۱۵۹

محمد بن علی بن النسوی

۱۶۰

محمد بن جعفر

۱۶۰

محمد بن محمد بن الحسن

۱۶۱

محمد بن احمد بن محمد

۱۶۱

محمد بن احمد

۱۶۱

۱۶۱	محمد بن احمد بن حمدون
۱۵۶	محمد بن احمد بن ابی الورد
۱۶۱	محمد بن عبد الخالق دینوری
۱۵۶	محمد بن عمر الحکیم
۱۵۰	محمد بن اسلم
۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۵، ۱۳۸، ۱۳۵	محمد
۱۵۱، ۱۳۵	محمد محروق
۱۵۱	محمد بن زید
۱۵۱	محمد بن محمد
۱۵۳	محمد بن الرافعی
۱۴۵	محمد بن رافع القشیری
۱۲۴	محلہ الرتعیہ
۱۲۳	محلہ الزریق بویاباد
۱۲۳	محلہ باب ابی الاسود
۱۲۴	محلہ باغرازیان
۱۲۴	محلہ باغک
۱۲۴	محلہ باب عسکر
۱۲۶	محلہ باب معمر
۱۲۴	محلہ باب عقیل
۱۲۴، ۱۲۳	محلہ بزرگ
۱۲۲	محلہ نوینیاد
۱۲۴	محلہ شهرستان

۱۲۳	محلہ تالاجرد
۱۲۲	محلہ جامعہ
۱۲۳	محلہ جلاباد
۱۲۴، ۱۲۲	محلہ جولاہکان
۱۲۴	محلہ جودی علیا
۱۲۴	محلہ جودی سفلی
۱۲۲	محلہ حیرہ
۱۲۴	محلہ خر کلاباد
۱۲۳	محلہ خفصا باد
۱۵۸	محلہ خواست
۱۲۳	محلہ خمز کلاباد
۱۲۴	محلہ درباغ
۱۳۴	محلہ درباغ ملا جرد (تالاجرد)
۱۲۳	محلہ دیز
۱۲۴	محلہ ذروان
۱۲۴	محلہ زمجار
۱۲۴	محلہ سنجہ ستانہ
۱۲۴	محلہ سرپل
۱۲۲	محلہ سر حیرہ
۱۲۴	محلہ سیم جرد
۱۲۴	محلہ سر کوی
۱۲۳	محلہ شادیاخ
۱۲۹	محلہ شاہنبر
۱۴۳، ۱۳۲، ۱۲۴	محلہ قز

۱۲۳	محلہ قباب
۱۲۳	محلہ قوی بزرگ
۱۲۲	محلہ گند آباد
۱۲۳	محلہ غد آباد
۱۲۳	محلہ محمد آباد
۱۲۲	محلہ مولقا آباد
۱۲۲	محلہ میدان زیاد
۱۲۳	محلہ مناسک علیا
۱۲۳	محلہ مناسک سفلی
۱۲۴	محلہ مرتعد
۱۲۲	محلہ نصر آباد
۱۲۴	محلہ میدان حسین
۱۵۷، ۱۴۹	مخفوظ بن محمود نیسابوری
۱۱۹	مداین
۱۳۱	مدینہ
۱۶۰، ۱۵۸، ۱۵۵، ۱۲۸، ۱۲۵	مرو
۱۵۲	مصطفیٰ
۱۲۸	معتق
۱۴۶	موسیٰ
۱۳۹	موسقان
۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۹	مکہ
۱۵۳	مسجد ابن حرب
۱۴۳	مسجد امام یحییٰ
۱۴۳	مسجد ایوب بن الحسن

۱۴۳	مسجد باری معمر
۱۴۳	مسجد جمش
۱۴۳	مسجد دروازه قهندز
۱۴۳	مسجد جابن معاذ بن مسلم
۱۴۳	مسجد سر امعاد
۱۴۳	مسجد مصلى جنبان
۱۵۰	مسلم قشیری
۱۳۸	مسیب
۱۵۹، ۱۵۷، ۱۳۷، ۱۲۱	مصر
۱۵۳	مقبره باب عروه
۱۴۵	مقبره باب معمر
۱۴۵	مقبره امیر عبداللہ بن طاهر
۱۴۹، ۱۴۴	مقبره تلاجرد
۱۴۵	مقبره جالاباد
۱۵۳	مقبره جل سر
۱۴۴	مقبره حیره
۱۴۴	مقبره سر میدان
۱۴۴	مقبره شاهنبر
۱۴۵	مقبره قز
۱۴۵	مقبره حسن بن معاذ بن مسلم
۱۵۲	مقبره معمر
۱۴۴	مقبره نصر بن زیاد القاضی
۱۲۱	مناسک سفلی
۱۲۱	مناسک علیا

۱۳۸۰۱۱۸	منوچهر
۱۴۲	منصور
۱۳۵	موسی
۱۴۰	مهر جان
۱۴۴	میدان تلاجر د
۱۴۴	میدان حسین بن معاذ مسلم
۱۴۴	میدان هانی

ن

۱۴۰۰۱۲۷	نس
۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۱۷	نسابور، نسابور، نسابور، نیشابور، نیشابور
۱۴۶، ۱۴۴، ۱۴۱، ۱۳۹، ۱۳۷، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۳۳، ۲۳۲، ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۲۹	
۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۰، ۱۴۹، ۱۴۸	
۱۲۱	نسر آباد
۱۲۱	نیل
۱۵۲	ناصر ا بن محمد کوف

و

۱۴۱	ولایت ارقند
۱۴۰	ولایت اسف این
۱۴۰	ولایت ارغیان
۱۴۱	ولایت باخرز
۱۴۰	ولایت بشت

۱۴۱	ولایت جاجرم
۱۴۱	ولایت جام
۱۴۱	ولایت خواف
۱۴۱	ولایت خرخ
۱۴۱	ولایت زوزن
۱۴۰	ولایت خموشان
۱۳۸	وادی بشفروش
۱۳۸	وادی بوشغان
۱۳۸	وادی دیزباد
۱۳۸	وادی شامات
۱۳۸	وادی شغاندیر
۱۳۸	وادی عطی رود
۱۲۱	وافکر سلیط
۱۲۱	وافکر معاد
۱۲۱	ورقاب فارس
۱۲۱	وینکاباد

۱۲۸-۱۲۷	هراة
۱۴۴	هر بن الرشید
۱۴۹	هماد بن زیدین وایصه

ي

١٢٥	يزدجرد
١٢٣	يعقوب ليث
١٥١	ياسر بن نصر الباهلي
١٤٥	ياسين بن القصر الباهلي
١٥٢، ١٥٠، ١٤٥	يحيى بن يحيى
١٥٠	يحيى بن معاذ رازي